



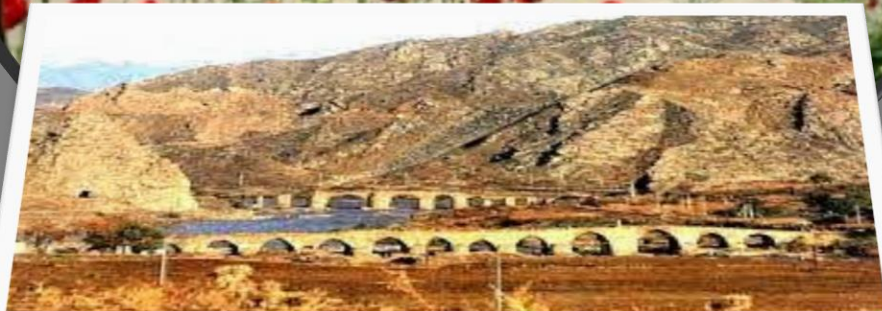
خداآفرین

تورکجه-فارسی

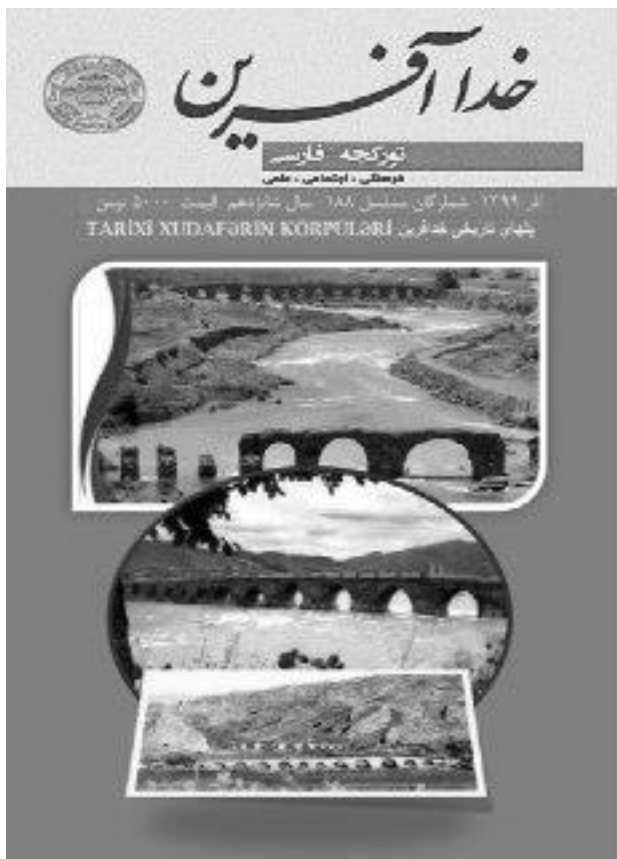
فرهنگی ، اجتماعی ، علمی

آذر ۱۳۹۹ - شمارگان مسلسل ۱۸۸ - سال شانزدهم قیمت ۵۰۰۰ تومن

پلهای تاریخی خدافرین TARIXI XUDAFƏRİN KÖRPÜLƏRİ

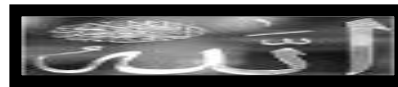


خداآفرین ۱۸۸-۱۸۸ xudafərin



ایچینده کیلر:

- ۲----- امام حسین (ع) وقتی که عزم سفر به کربلا کردند.....
- ۷----- فعلی صیقلترده فونکسیونال - سئمانتیک دییشمه
- ۲۱----- الفارابی علملرین تصنیفی باره ده
- ۲۹----- تورک قیریمی کشتار تورکان در غرب آذربایجان توسط دستجات ارمنی و آسوری
- ۳۵----- نریمان حسن زاده نین آفوریزملریندن
- ۴۱----- ائل اوبادان سوزولوب گلن سوز ایجیلری
- ۵۱----- قتل عام خوجالی : وحشتناکترین و خونین ترین فاجعه بشریت
- ۵۸----- وجه تسمیه روستای بالو از توابع شهرستان اورمیه
- ۶۶----- ساریقامیش تورکون قان یادداشی
- ۷۴----- حکایه اویکو و پیئس :معلم
- ۹۵----- شعریمیز -حکایه میز - فکیرلریمیز
- ۱۱۲----- مجلات فرهنگی و امروز آذربایجان
- ۱۲۷----- سوسیال مندی
- ۱۳۲----- نگاهی به تاریخچه زبان ترکی آذربایجانی



شماره مسلسل ۱۸۸ -آذر-۱۳۹۹ - ۱۳۶ صفحه

مدیر مسئول، سردبیر و صاحب امتیاز:

دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

خبرنگاران : علی محمد نیا ؛

فرید ستاری قر و تانای شرقی دره جک

زمینه مجله:

فرهنگی؛مسایل اجتماعی؛معلومات عمومی؛طنز و سرگرمی سالم

روش مجله:

آموزشی؛تحلیلی؛خبری؛ اطلاع رسانی؛پژوهشی

گستره توزیع:آذربایجانهای شرقی غربی؛ اردبیل؛تهران

آدرس چاپخانه:تهران چهار راه خانقاه پاساژ گوهری نسب چاپ ارسباران/پ ۳
نشانی مجله تهران خیابان وصال شیرازی پلاک ۷ طبقه سوم واحد ۵

تلفن:۰۹۱۹۲۲۸۱۹۱۶-۶۶۴۶۰۸۹۵-فاکس:۰۹۱۹۲۲۸۱۹۱۶-۶۶۴۹۳۰۸۴

نحوه ارسال مقاله:

تایپ شده بصورت **word** به ایمیل یا آدرس ماهنامه به زبانهای

ترکی و فارسی جهت معرفی آثار دو نسخه همراه با توضیح

مناسب ارسال نمایند.

اشتراک ماهنامه: شش ماه ۱۵۰۰۰ و یکساله

۲۵۰۰۰ هزار تومان به شماره کارت بانک تجارت

۰۲۷۳۵۲۳۰۱۰۳۸۸۷۰۷ به نام حسین شرقی دره جک واریز

نمایند.

KHUDAFARIN

*Cultural and social monthly magazin managing Director
concessioner and chief Editor: Dr. HÜSEYN
ŞARQİDƏRƏCƏK (SOYTÜRK)*

XUDAFƏRİN

Aylıq Elmi, İctimai, mədəni Dərgi
Təsisçi və Baş Redaktor: Dr. HÜSEYN
ŞƏRQİDƏRƏCƏK (SOYTÜRK)
say 188 noyabr - oktyabr 2020, Tehran

tiraj: 3000 تیراژ

Telegram: @xudafarindergisi

khudafarin@yahoo.com

WWW.KHUDAFARIN.IR

امام حسین (ع) وقتی عزم سفر به کربلا کرد گفتند نرو شما را می‌کشند ایشان گفتند؛ اگر نروم و در مقابل ظلم قیام نکنم آن وقت کشته شده‌ام.

مدیر مسئول: دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

هر چه مقدس و محترم است از ما گرفته می‌شود،
مانند خانواده، تحصیل، زندگی شرافتمندانه همه و
همه به یغمای کفار رفته است.

با ایجاد وحشت کرونا اصل هدف راکافران نشانه
رفتند. آنها با قهقهه‌های شیطانی؛ به یغما رفتن
ارزشهای ما را نظاره‌گرند. دیگر وصلتی صورت
نمی‌گیرد، دیگر کودکی به دنیا نمی‌آید، دیگر
جوانی تحصیل نمی‌کند، دیگر کارگر نان شب به
خانه نمی‌برد. کودک امروز سرباز فرداست، دختر
امروز مادر فرداست، اکنون با بازی پاندمی کرونا
دیگر زاد و ولد نیست، چون ازدواجی صورت نمی‌-
گیرد. دشمن از این سنت در هراس است. زیرا
فرموده رسول خداست. ازدواج پایه و اساس و
ادامه حیات جامعه بشری است. لکن بی
بنیادهای کافر محور با اندیشه‌های غیرانسانی ما را
از قلب تپنده زدند که دیگر چراغی روشن نشود.
اجاقی رویش غذایی پخته نشود. آنها در همه جا
خندق‌هایی برای بشریت بخصوص ما مسلمانان
کندند. راستی بیاد جنگ خندق افتادم. مسلمانان
آنوقت توانستند آن خندق‌ها را پر کنند و از
روی آن بگذرند.

اکنون جهان در آتش جهل غرب می‌سوزد، از
میانمار تا سوریه تا یمن و عراق و افغانستان بگیر
تا بوسنی و قره باغ و قدس.



جهان در آتش ظلم و جهل می‌سوزد، کسی را
یارای مقابله نیست، فقر، تنگدستی بیداد می‌کند،
بیماری واگیر کرونا جان می‌گیرد، انسان مغرور را
زمین گیر کرده است. نان و نمک دیگر محک
نیست عار و غیرت دیگر بی‌معناست. زمین خارش
گرفته است، زمین مریض شده است. غرض، دروغ،
سوء استعمال مقدس شده است، جلادان
خونخوار در گوشه- گوشه جهان به مکیدن خون
مظلومان مشغولند.

وجدانهای بیدار سپر عدالت شده است. لکن
تفنگ همه آنها خالی از فشنگ است. صدای داد
در خفه خون غلطان است. امیدها پرکشیده و
تمام ستون‌های اجتماعی بشریت در حال
فروپاشی است.

اندیشه غرب بوی خون و جسد می‌دهد. آنها بانتقال کودکان جنگ‌زده به جزایر وحشت از اعضاء بدن آنها لوازم آرایشی و داروهای شفابخش برای خود و دیگران درست می‌کنند، و میلیاردها دلار به جیب می‌زنند، چرا اینگونه حریص هستند چون آنها فرزندان ابلیس‌اند و تخم شیطان.

آیا تا حالا کسی از عاقبت میلیونها کودک و نوجوان قره باغی، بوسنیایی، عراقی، یمنی، سوری، افغانستانی، میانمار (مسلمان) و ایغورهای ترکستان شرقی در چین خبر دارد؟ جواب خیر ندارد است.

چون احوال جهان را یک مشت از خدا بی‌خبران و جانپان پریشان کردند که در کل تمام آنچه اتفاق می‌افتاد بر سر مسلمانان از شرق تا غرب کره خاکی می‌افتد.

آیا از خود سؤال کردیم که مظلومین فلسطین، یا میانمار چه کردند که اینگونه با آنها معامله غیرانسانی می‌شود؟ آیا وجدان بشر از خود پرسیده است که دختران بوسنیایی، اکرائینی، در اردوگاههای استعمار جنسی چه بلاهایی برسرشان می‌آید؟

آیا می‌دانیم که در اطراف و اکناف این کره خاکی بیمار چه فاجعه انسانی رخ می‌دهد؟ زنجیره کثیف پولهای خون‌آلود بر پایه جان کودکان این زمین پیر شکل گرفته است. آنها خون فسیل شده زمین را بعنوان نفت، گاز، طلا و سایر معادن و ذخایر زیرزمین چه در خاورمیانه، چه در شرق

دور چه در آفریقا و دیگر جاها مکیدند و سیر نشدند. اکنون به مکیدن خون فرزندان بی‌گناه آن روی آوردند. عملاً با حماقت تمام در مقابل چشمان همه خیانت می‌کنند، خون می‌ریزند و به آتش می‌کشند و خراب می‌کنند ولی صدای از بغض خفه شده هیچ انسانی در نمی‌آید.

همین چند سال پیش در شرق دور یعنی میانمار میلیونها مسلمان از خانه و کاشانه خود رانده شدند ما فقط در بنرها آنها را خواندیم و دیگر فراموش کردیم، آیا می‌دانید که چه بلایی سر همین کودکان مسلمان رانده شده از میانمار آمده است؟

چون دیگر از آنها خبری نداریم، آنها را غذای جلادان پول‌پرست از خدا بی‌خبر کردیم. آنها با ایجاد یک بحران دیگر بحران قبلی را در اذهان ما به فراموشی محکوم می‌کنند. آیا از خودتان پرسیدید چرا هیچ‌یک از این بحران‌ها در کشورهای غربی یا چین و اقمار آنها اتفاق نمی‌افتد؟

چون آنها ترتیب دهندگان این تراژدیها هستند و با خون فرزندان روی زمین رشد و نمو پیدا می‌کنند، خودشان و فرزندانشان در رفاه با سگ-هایش زندگی می‌کنند. حاضر نیستند یک مسلمان یا یک شرقی یا آفریقایی را به داخلشان راه بدهند.

یکسال پیش خبری را مشاهده کردم در دریای اژه که مهاجرین با قایق‌های بادی سرگردان در دریا

مانده بودند و مأموران یونانی قایق‌های پُر از انسان را با سرنیزه بلند سوراخ می‌کردند تا همه آنها را غرق کنند.

در اقصی نقاط جهان بحران ایجاد می‌کنند، رعب و وحشت بوجود می‌آورند و از آب گل‌آلود ماهی خودشان را می‌گیرند و اهالی نقاط بحرانی را به مرگ محکوم می‌کنند، آنها این پدیده شوم امپریالیستی را با تمام وقاحتش در فلسطین و سرزمین‌های مقدس با قتل عام و دزدیدن کودکان فلسطینی انجام دادند، به مذاقشان خوش آمد. در قره باغ و ترکستان شرقی در چین و در میانمار و افغانستان و سپس در عراق و سوریه و یمن انجام دادند.

آیا می‌دانید که در جنگ اول قره باغ ۳۰ هزار آذربایجانی با اکثریت قریب به اتفاق زنان مفقودالاثر شدند؟ و می‌دانید چرا؟ چون مسلمان بودند، چون تازه مستقل شده بودند و از دنیای کثیف غرب چیزی نمی‌دانستند و گرفتار دام آدم-خواران شدند، تمام عوامل استکبار جهانی متحد شدند و با نام ارامنه نقشه خود را عملی کردند.

آیا می‌دانید که این زنان و بسیاری از زنان مسلمان بوسنیایی - عراقی و دیگر جاهای بحران زده در شرکت‌های بسیار سودآور پورنو بعنوان برده از آنها استفاده می‌شود؟

به وضوح مشخص است که اکثر داعشیها فرزندان این شرکت‌های پورنو بودند که همانند رباط پرورش یافته بودند چون آنها ولدالزنا بودند.

آیا می‌دانید که اکنون در جنگ قره باغ ۱۵ هزار سرباز کشته شده است که ارمنستان حاضر به پس گرفتن اجساد آنان نیست؟ و به چه دلیل؟ دلیل آن آشکار است آنان فرزندان تجاوز به اسیران و کودکان رها شده در خیابانهای ارمنستان، روسیه و اروپا هستند. آنها از کودکی به اینگونه ارتشهای مزدور تحویل داده می‌شوند و با مغزشویی کامل از آنها سربازهای شکست ناپذیر درست می‌کنند و چون اصل و نصب ندارند بعد از مرگشان چال می‌شوند.

آیا می‌دانید که نوکران پول و ثروت با فروش اعضاء کودکان مناطق جنگ‌زده چه سودی بدست می‌آورند؟ آنها با فروش ارگانهای این کودکان و نوجوانان به ثروت‌های نجومی دست می‌یازند. آنها کودکان را با ترس می‌کشند و از تجمیع ماده در اطراف کلیه کودکان که هم لحظه بعد از مرگ همراه با ترس تولید می‌شود داروی طول عمر درست می‌کنند و می‌خواهند طولانی‌تر به حماقت‌های خود بپردازند.

جنگ‌های ساختگی درست شده در اقصی نقاط جهان باعث گم شدن بیش از ۳ میلیون کودک شده است که هرگز از سرنوشتشان خبری نخواهد شد. آیا وجدان انسانیت توانسته از خود بپرسد آنها کجا هستند؟

چرا ما به بازیهای آنها می‌آئیم، چرا دانسته به تله آنان گرفتار می‌شویم، مثلاً ایران را با ترکیه، عراق را با ایران و عربستان را با قطر و ایران ترکیه و...

دشمن می‌کنند تا اتحاد آنان را سلب کنند و بتوانند ضربه محکم‌تری به پیکر آنان بزنند.

عجبا ما چرا بیدار نمی‌شویم؟

در جنگ دوم قره باغ چرا ایران آنچه را که باید برای شیعیان آذربایجان باید می‌کرد نتوانست بکند، با چه حيله‌هایی ما را با همدیگر دشمن می‌کنند. برخی را روس، برخی را انگلیس و بعضی‌ها را آمریکا و بعضی‌ها را فرانسه و چین اداره می‌کنند، آنها جهت حفظ منافع خود ما را قربانی می‌کنند - برادر را با برادر دشمن می‌کنند، آنها را به جان هم می‌اندازند. با تعیین حاکمان از خود باخته سیاست کثیف خود را عملی می‌کنند.

آنها از روح بزرگ ما می‌ترسند، چون روحشان کریه است، کوچکند و مریض ترسو هستند مثل موش، از بزرگی و بزرگ‌منشی ماها و از ایمان و سادگی انسان بودن ما سوء استفاده می‌کنند. چون آنها خون‌آشام هستند به بوی خون و پول مریض هستند. ما به عدالت، هم‌نوع دوستی و ایمان به خدا و عدالت الهی معتقدیم. آنها با ابزارهای موجود اطلاع‌رسانی اعم از مطبوعات، خبرگزاریها، دنیای مجازی و رسانه اجتماعی که همگی در دست آنهاست، و ماها فقط مصرف کننده آن هستیم. آنها با ارائه این خدمات ما را به بردگی خود تبدیل کردند، اکنون هرکسی در منزل خود از نان شب واجب‌تر به اینترنت نیازمند است، در آن دریای بیکران و سیاه چاله‌ای که استعمارگران برای آیندگان ما کردند بیفتند.

ایجاد ویروس کرونا جهت فراگیر کردن اینترنت بود که آنان بتوانند از این طریق میلیاردها یورو ثروت به جیب بزنند، موتورهای جستجو همگی به آنها تعلق دارد. و از آن طریق تمام اندیشه افکار ماها را رصد می‌کنند. این بیماری باعث می‌شود که انسانهای روی کره زمین معتاد اینترنت شوند و وقتی برای سر خاراندن نداشته باشند. آنها با خیال راحت هم ریشه ما را تیشه می‌زنند، هم جیب‌های ما را می‌زنند.

آنان کماکان قادر به رویارویی با انسانهای باوقار نیستند بنابراین با ترفندهای تکنولوژیکی خودشان ما را در دام‌های خود محصور می‌کنند و سپس با یک ضربه از خویشتن به دور می‌کنند. عاقلان را به خدمت می‌گیرند و سرسریها را هم به اسارت طلسم خود یعنی داده‌های اینترنتی درمی‌آورند. چه بسا که بسیاری هم همچون میمون بازیگر این کانالهای اینترنتی می‌شوند و خود و خانواده خود را با برهنگی تمام در اختیار چپاولگران ناموس بشریت می‌گذارند. و نام آن را هم تمدن می‌نهند. اگر از غافله آنان عقب بمانیم عقب مانده هستیم اگر به بازیشان بیایم متمدن محسوب می‌شویم.

نام این از خود بیگانگی و آلودگی و وابستگی تمدن است که از انسانهای امروزی برده خوش‌باور بوجود آورده است. با ایجاد جنگ و وحشت و ویرانی با آن سرعتی که بایستی به اعمالشان برسند، نرسیدند. اما با ایجاد ویروس کرونا با فراگیر کردن اینترنت خیلی سریع به اهداف خود

بااین توطئه شومشان نسل‌های آینده را منزوی کردند. آیا می‌دانید که ما ۲۰ سال دیگر سربازی برای جنگیدن با دشمن نخواهیم داشت؟ چون ما ارزشهای خودمان را از دست خواهیم داد، عروسک و مترسک‌های شرکت‌های غول پیکر اینترنت زاده غرب خواهیم شد.

آیا می‌دانید ۲۰ سال دیگر ما دختری نداریم که مادر بشود؟ چون دختران در اتوپایساختگی دنیای اینترنتی غرق فرهنگ پر زرق و برق غرب می‌شوند و به قول خودشان به برابری زن و مرد می‌رسند و آنوقت کفگیر به ته دیگ می‌خورد. چون وصلتی نیست که تولیدی صورت بگیرد خانواده‌ای وجود نخواهد داشت که فرزندی زاده شود.

پس به یاد بیاورید سخنان امام آزادگان را که فردا دیر است. اکنون هم ظلمت و در این ظلمت پنهان اینترنت مسترها ظلم‌ها ساری و جاری است. اگر اینگونه روند ادامه پیدا کند من نمی‌دانم ما تا کی پشت ماسک‌ها زنده خواهیم ماند.

تراپزون ۱۴/۱۱/۲۲



رسیدند و در عرض پنج سال با کشتن حدود ۱۰ میلیون از اهالی کره زمین به نشانه ترس وحشت از ویروس تا بتوانند القا کنند و ما را توجیه کنند که وجود اینترنت را بپذیریم. و در دریای موج غرق موجهای وحشتناک آن شویم. آنان خوب می‌دانند با ایجاد رعب و وحشت می‌توانند به خواسته‌های خودشان برسند. برای همین ما را خانه‌نشین کردند. و گوشی بدست. هر روز فقیرتر می‌شویم و وابسته‌تر. هر روز خانواده‌ها متلاشی می‌شود. هر روز جنایت بیشتر و فحشا و فجور فراوان، آنها با طرح‌ریزی بسیار دقیق بشر را به خدمت خود درآوردند.

آیا می‌دانید که کشورمان و کشورهای همسایه از ویروس کرنا چقدر ضرر کردند؟

براحتی می‌توان گفت میلیاردها دلار و به وضوح می‌شود گفت ساختارهای اقتصادی فروپاشید.

آیا از خود پرسیدید غولهای غربی چقدر از این ویروس سود کردند؟ بلی در شش ماهه اول شیوع ویروس کرونا zoom که قبلاً درآمدش ۵ میلیارد بود به ۵۰ میلیارد رسید. گوگل، واتساپ، تلگرام و سایر هم به همین منوال سود کردند، اما سفره ما انسانها کوچکتر شد. لباسهایمان کهنه‌تر شد. دوستانمان کمتر شد. خانواده‌هایمان فروپاشید.

آیا می‌دانید آنها با این ابزارهای نوین و ویروسهایشان با ما می‌جنگند؟ در صورتیکه ما فقط در پشت ماسک (یا همان سپرهای جنگی قدیم) فقط سپر گرفتیم و هیچ تحرکی نداریم؟ آنها با

فعلى صيفتلر ده فونكسيونال – سئمانتيك ديشمه

FEİLİ SİFƏTLƏRDƏ FUNKSIONAL-SEMANTİK DƏYİŞMƏ

سى كىمى تدريس اولونماسى مقصده اوغون حساب اولونموشدور. بو معنادا آ.ترويانسكى، آ.بورووكوو، ر.جومانيگوزوو و باشقالارى فعلى صيفتى آيريجا بير نيطق حيصة سى حساب ائتمه يه چاليشميشلار. بو ديلچيلرله ياناشى م.ميرزايئو، او.تورسونوو و باشقالارى نين دا آدلاريني چكه بيلريك. بير فيكره گۆره، فعلى صيفتلر آد كىمى ايشلنن، لاکين فعل فونكسيياسى يئرینه يئتين سؤزلردير. باشقا بير فيكره گۆره ايسه فعلى صيفت شكيلچيلرى فعل كۆك و اساسلارينا علاوه اولوندوقدا موقوفتى صيفتلر يارادير.

يوخاريدا دا قئيد ائتديگيميز كىمى، فعلى صيفتلرين بير قيسىمى تاماميله صيفته چئوريلير. مثلاً، كئچميش، گله جك و س. بئله سؤزلره ديگر تورک ديللرينده ده تصادوف اولونور. موعاصير تورک ديلينده تانيدىك، بيلديك، گونگورموش و س. كىمى سؤزلر لوغته قئيد ائدليلر. تورکيه ديلچيلري بو پروسئسي كليشئلشمه – قليبلمه آدلانديرلار. دئمه لى، اونلار فعلى بير فورماسى اولماقدان چيخيب صيفته چئوريلميش اولور، ينى بو سؤزلرده صيفتشمه پروسئسى باشا چاتير.

عئني زاماندا نومونه لراسيندا گليديگيميز بئله بير قناعتى ده سؤيله مك مومكوندور كى، فعلى صيفتلرين تعيين فونكسيياسيندا چيخيش

Dr.Hüseyin Şərqidərək Soytürk
Prof.Həcər Emin qızı Hüseynova
ADPU, filologiya fakültəsi
hacerhuseynova@mail.ru

دکتر حسین شرقی دره جک سوی تورک

پروف. هجر امين قیزی حسین اووا

خلاصه:

نيطق حيصة لرى ايچينده آديئكتيولشمه جهتدن بيرينجى يئرى اسم توتور. ان چوخ آديئكتيولشن ايکينجى نيطق حيصة سى ايسه فعلدیر. فعلى آديئكتيولشمه سى ديگر نيطق حيصة لرى نين آديئكتيولشمه سيندن فرقله نير. بئله كى، فعلى آديئكتيولشمه بيلمک اوچون خصوصى شكيلچيلر قبول ائدير. بو شكيلچيلر فعلى صيفت شكيلچيلريدیر. عوموميتله، فعلى هم آديئكتيولشميش، هم سوبستانتیولشميش، هم ده آدوربيلالاشميش فورمالارا ماليکدير و بو فورمالارين هر بيرى موعين قراماتيك شكيلچيلر حسابينا مئيدانا گلير.

فعلى آديئكتيولشمه سى تورک ديللرينده قديم حاديشه لردندير. حتى اورخون-يئنيىسى آييده لرى نين ديلى نده آديئكتيولشمه نين ينگانه نؤوع فعلى صيفتشمه سيدير.

" تورکولوگيادا فعلى صيفتين گاه فعل، گاه صيفت بحثينده، گاه دا آيريجا بير نيطق حيصة

لردن بیریدیر. نطق حیصه لرینده نه زامان کئچید باش وئرمه سینی، نه زامان بونون یالنیز فونکسیونال دییشمه حساب اولونماسینی آیدینلاشدیرماق او قدر ده آسان دئییل. بو و دیگر پروبلملرین موعین ائدیلمه سی ایستقامتینده مؤوضو آکتوالدیر.

تدقیقات ایشینین متودلاری:

مقاله ده مؤوضودان آسیلی اولاراق، داها چوخ موقاییسه لی-قارشیلانما، تصویری و اوسلوبی متودلاردان، موعاصر دیلچیلیک اوسوللاریندان ایستیفاده ائدیلمیشدیر.

گیریش:

نطق حیصه لری ایچینده آدیکتیولشمه جهتدن بیرینجی یئری اسم توتور. ان چوخ آدیکتیولشن ایکینجی نطق حیصه سی ایسه فعلدیر. فعلین آدیکتیولشمه سی دیگر نطق حیصه لری نین آدیکتیولشمه سیندن فرقله نیر. بئله کی، فعللر آدیکتیولشه بیلیمک اوچون خصوصی شکیلچیلر قبول ائدیر. بو شکیلچیلر فعلی صیفت شکیلچیلریدیر. عومومیتله، فعللر هم آدیکتیولشمیش، هم سوبستانتیولشمیش، هم دوئربیاللاشمیش فورمالارا مالیکدیر و بو شکیلچیلر فورمالارین هر بیر موعین قرامماتیک شکیلچیلر حسابینا مئیدانا گلیر. مقاله ده همین فعلی صیفت شکیلچیلریندن، اونلارین ایشلکلیگیندن بحث اولونور. نطق حیصه لری نین فونکسیونال-سئمانتیک دییشمه سی و کئچید پروسئسینه موناسیبت بیلدیریلیر.

فعللرین آدیکتیولشمه سی تورک دیلیرینده قدیم حادیثه لردندیر. حتی اورخون-یئنیسئی آبدیه لری نین دیلینده آدیکتیولشمه نین یئگانه نوع فعللرین صیفتلشمه سیدیر. بو باره ده

ائتمه سی هر زامان آدیکتیولشمه آدلاندریلا بیلیمز. موختلیف لینگویستیک ستروکتوردا بو سؤزلرده یالنیز فونکسیونال-سئمانتیک دییشمه ده باش وئیر (اوخونموش کیتابلاری بیر طرفه ییغدی-جومله سینده کی اوخونموش سؤزونده اولدوغو کیمی) و بونو تامامیله کئچید پروسئسی آدلاندرماق دوغرو اولماز.

آچار سؤزلر:

فعل، کئچید، فونکسییا، سئمانتیکا...

آنوتاسییا: نطق حیصه لری ایچینده آدیکتیولشمه جهتدن بیرینجی یئری اسم توتور. ان چوخ آدیکتیولشن ایکینجی نطق حیصه سی ایسه فعلدیر. فعلین آدیکتیولشمه سی دیگر نطق حیصه لری نین آدیکتیولشمه سیندن فرقله نیر. بئله کی، فعللر آدیکتیولشه بیلیمک اوچون خصوصی شکیلچیلر قبول ائدیر. بو شکیلچیلر فعلی صیفت شکیلچیلریدیر. عومومیتله، فعللر هم آدیکتیولشمیش، هم سوبستانتیولشمیش، هم دوئربیاللاشمیش فورمالارا مالیکدیر و بو فورمالارین هر بیر موعین قرامماتیک شکیلچیلر حسابینا مئیدانا گلیر. مقاله ده همین فعلی صیفت شکیلچیلریندن، اونلارین ایشلکلیگیندن بحث اولونور. نطق حیصه لری نین فونکسیونال-سئمانتیک دییشمه سی و کئچید پروسئسینه موناسیبت بیلدیریلیر.

آکتواللیق: موعاصر دیلچیلیکده نطق حیصه لرینده کئچید مثله سی پروبلملی و آکتوال مثله

ه.رجبلی یازیر: " آدیکتیولشمه فعلی صیفتلرین صیفتلشمه سینه دئییلیر " (۸،۱۶۱).

فعلی صیفتلرین نیطق حیصه لری سیستئمینه یئری: آدیکتیولشمیش اسملر هم اسم، هم ده صیفت خصوصیتلرینه مالیک اولدوغو کیمی، آدیکتیولشمیش فعللر ده هم فعل، هم ده صیفت خصوصیتلرینه مالیکدیر. ائله بونا گۆره ده موختلیف دیلچیلرین فعلی صیفته یاناشمالاری دا بیر-بیریندن فرقله نیر.

" تورکولوگیادا فعلی صیفتین گاه فعل، گاه صیفت بحثینده، گاه دا آیریجا بیر نیطق حیصه سی کیمی تدریس اولونماسی مقصده اویغون حساب اولونموشدور. بو معنادا آ.ترویانسکی، آ.بورووکوو، ر.جومانیگوزوو و باشقالاری فعلی صیفتی آیریجا بیر نیطق حیصه سی حساب ائتمه یه چالیشمیشلار " (۳،۲۵۵). بو دیلچیلرله یاناشی م.میرزائیو، او.تورسونوو و باشقالاری نین دا آدلارینی چکه بیلریک (۱۷،۲۱۳). بیر فیکره گۆره، فعلی صیفتلر آد کیمی ایشلنن، لاکین فعل فونکسییاسی یئرینه یئتیرن سؤزلردیر (۱۹،۷۴). باشقا بیر فیکره گۆره ایسه فعلی صیفت شکیلچیلری فعل کؤک و اساسلارینا علاوه اولوندوقدا مووققتی صیفتلر یارادیر (۱۸،۱۸۹).

بو زامان نظره آلماق لازیمدیر کی، فعلی صیفتلرین صیفت و فعللرله اوخشار و فرقلی خصوصیتلری وار. فعلی صیفتلرین صیفته اورتاق خصوصیتلری بونلاردیر: ۱. فعلی صیفت ده صیفت کیمی تعیین ائده بیلیر. آنجاق اونون ایفاده ائتدیگی علامت حرکتله باغلی اولور.

۲. فعلی صیفت ده صیفت کیمی سوبستانتیولشمه بیلیر (۳،۲۶۲-۲۶۳).

بو جهتله فعلی صیفتی صیفته، خصوصن ده فعلدن دوزلمیش صیفته یاخینلاشدیریر. آنجاق فعلی صیفتی صیفتدن، او جومله دن فعلدن دوزلمیش صیفتدن فرقلندیرن جهتلرین ده سایی چوخدور: فعلی صیفتلرده حرکت مضمونو، دینامیکلیک وار؛ فعلی صیفتلرده زامانلا باغلیلیق وار؛ فعلی صیفتلر تاثیرلیلیک-تائیرسیرلیک کاتئقورییاسینی ایفاده ائدیر؛ فعلی صیفتلر کاتئقورییاسینی ایفاده ائدیر؛ فعلی صیفتلر اینکارلیق کاتئقورییاسینی ایفاده ائدیر؛ فعلی صیفتلر اسملری ایداره ائدیر؛ فعلی صیفتلر ایسمین تاثیرلیک حالدا اولماسینی طلب ائدیر؛ اطرافینا ایسته نیلن قدر ایضاحئدیجی سؤز توپلایا بیلیر؛ فعلی صیفتلر یؤنلؤک، یئرلیک، چیخیشلیق حاللاری ایداره ائتدیکده جومله نین موختلیف عوضولری اولور، صیفت ایسه آنجاق خبر اولور؛ فعلی صیفتلر طرز کاتئقورییاسینی قیسمه موحافیظه ائدیر؛ فعلی صیفتلر شخص کاتئقورییاسینی بو و یا باشقا شکیلده ایفاده ائدیر؛ فعلی صیفتلردن اول ظرف ایشلنه بیلیر؛ فعلی صیفتلر باجاریق شکلینه آید چالاریلیغی ساخلایا بیلیر؛ فعلی صیفتلر فعلی باغلاما ایله بیرلشه بیلیر؛ فعلی صیفت شکیلچیلری یاریمموسستقیل فعله ده قوشولا بیلیر؛ فعلی صیفتلرین دوزلتمه فعللردن یارانماسی گئنیش یاییلیب، حالبوکی صیفتلر عادتین ساده فعللردن یارانیر؛ فعلی صیفتلر درجه علامتی قبول ائتمیر؛ فعلی صیفتلر -لیق^۴

عمومی زامانلیق مضمونون اولدوغونو
گؤستریمک اولار.

آذربایجان دیلچیلیگینده فعلی صیفتلر، اولارین
فعل و صیفتلرله اورتاق و فرقلی خصوصیتلری،
فعلی صیفت شکیلچیلری، بو شکیلچیلرله یارانان
فعلی صیفتلرین زامانا موناسیبتی و س. مسله لر
گئنیش تدقیق اولونموشدور. فعلی صیفتین
تدقیقی ایله میرزه کاظم بی، خلفی میرزه محمد
افشار، میرزه ابوالحسن بی وزیروو، ب. چوبانزاده،
ح. میرزیئو، ولییئو و باشقالاری مشغول اولموشلار
(۲۵۶، ۳).

معلوماتور کی، دیلیمیزده موختلیف فعلی صیفت
شکیلچیلری مؤوجوددور. همین فعلی صیفت
شکیلچیلری نین کئچید پروسئسینده،
فونکسیونال دییشمه ده ایشتیراکی فرقلیدیر.

فعلی صیفت دیلیمیزین بوتون دؤورلرینده
اینتنئسیولیگی ایله فرقله نیر (۳۱۳، ۹). قئید
ائتدیگیمیز کیمی، فعللرین آدیئکتیولشمه سی
فعلی صیفت شکیلچیلری واسیطه سیله باش
وئریر. فعلی صیفت شکیلچیلری نین هر بیر
اؤزونمخصوص خصوصیتلرله مالیکدیر و بو
شکیلچیلر واسیطه سیله آدیئکتیولشمیش فعللر
ده موعین جهتلردن بیر-بیریندن فرقله نیر. فعلی
صیفت شکیلچیلرینی و بو شکیلچیلرله
آدیئکتیولشمیش فعللری آیری-آیرلیقدان نظردن
کئچیرک.

۱. -آن^۲ شکیلچیسى ایل: آغریان دابانینا،
طاهیرین گولومسه ین صیفتی، قورخو چکن
گؤزلی، گئج پارتلايان مینا، بالاداداشدان جاواب

شکیلچیسینی قبول ائتمیر؛ فعلی صیفت
شکیلچیلری فعلین لوغوی معناسینی دییشمیر
(۳۸۵، ۶-۳۹۲).

بونلار اونو گؤستیر کی، فعلی صیفتلر صیفتلرله
نه قدر یاخین اولسالار دا، اولار فعله مخصوص بیر
چوخ خصوصیتلری قورویوب ساخلامیشدیر. بونا
گؤره ده فعلی صیفتی مستقیل بیر نیطق حیصه
سی کیمی قبول ائتمک، یاخود صیفت
کاتئقوریاسینا داخل ائتمکدنسه، اونو فعلین
آدیئکتیولشمیش فورماسی کیمی نظردن
کئچیرمک داها مقصده اوغوندور. فعلی صیفتلرین
فعللرین آدیئکتیولشمیش فورمالاری اولدوغو
یالنیز آذربایجان دیلچیلیگینده دئییل، دیگر تورک
دیللرینده کی فعلی صیفتلرله دایر یازیلیمیش
اثرلرده ده قئید اولونور (۱۶۲۷، ۱۳).

بورادا بیر مثله یه ده دیقت یئتیرمک لازیمدیر
کی، فعلی صیفتلر ده فعللر کیمی زامانلا باغلیدیر.
آنجاک بو باغلیلیغین درجه سی عئینی دئییل. "
...فعلی صیفتلرده کی زامان آنلایشی فعللرده
کی قدر کسکین و آیدین دئییل، داها عمومی
بیر زاماندير " (۲۱۴، ۱۷). بعضا -میش^۴، -آجا^۲،
-آر^۲، -ماز^۲ شکیلچیلی فعلی صیفتلرده زامان
آنلایشی نین داها دقیق اولدوغو، -دیق^۴ و -آن^۲
شکیلچیلی فعلی صیفتلرین ایسه داها چوخ
عمومی زامان بیلدیردیگی قئید اولونور
(۵۱۹، ۱۴). حقیقتن ده -دیق^۴ و -آن^۲ شکیلچیلی
سؤزلر عمومی زامانلیلیغی داها گوجلؤ ایفاده
ائدیر. لاکین دیقتله نظردن کئچیرسک، بوتون
فعلی صیفت شکیلچیلرینده بو و یا دیگر درجه ده

زامان آدلانديريلير و كونكرئت اينديكى زامانا قارشى قويولور. دئمه لى، گئنيش زامان دئديكده، داها عومومى، بوتون زامانلار آيد اولان فورما نظرده توتولور.

ديلچيلىكده بئله حساب اولونور كى، -آن^۲ فعلى صيقت شكيلچيسى تاريخن كئچميش زامان شكيلچيسى كيمي ايشلنميش -قان، -كن شكيلچيلريندىكى ق، ك صاميتلىرى نين دوشمه سى ايله يارانميشدير (۳، ۲۵۶). -قان، -كن شكيلچيسى حاضيردا قيچاق قروپو تورك ديللرينده گئنيش ياييلميش فعلى صيقت شكيلچيلريندندير (۴، ۲۶۰) و موختليف زامانلارى ايفاده ائدير: غئيرى-قطعى گله جك زامان، اينديكى زامان، قطعى گله جك زامان، كئچميش زامان. بئله مقاملاردا -قان^۲ شكيلچيسى ديلميزده كى -آن^۲ شكيلچيسينه اويغون فونكسيا يئرینه يئتيرير: جاكشى بيلگئن، باركتاگان اوغونوجولار "ياخشى بيلن، ديرينى بيلن دينلگيجيلر" (۲۰، ۲۷۲)، ياخود اوكيقان كيشئ "ساييلان آدام" (۴، ۲۰۳). بو دا همين شكيلچى نين -آن^۲ شكيلچيسى نين قديم واريانتى اولدوغونو تصديق ائتمگيميزه ايمكان وئرير.

-آن^۲ شكيلچيسينه اورخون-يئنيستى آبيده لرى نين ديلينده تصادوف اولونمور. بو شكيلچى اويغور آبيده لرinden باشلايلاق ايستيفاده اولونموشدور (۱۳، ۱۶۲۸). حاضيردا بو شكيلچى داها چوخ اوغوز قروپو تورك ديللرينده ايشله نير. موعاصير آذربايجان ديلينده چوخ گئنيش ايشلنن -آن^۲

گؤزله ين اوغلان، بكيلين ايچيندن آتيلان بو توفنگ، بير-بيرينه قارشىمايان، بؤلوك-بؤلوك بؤلونوب اوتلويان سورولرين، عميه-داييا هورن ايتلرين، ائولرى ائولردن آييران چپرلرين و س. مثلن، چپرلرده گيزلنن جيرجيرامالارين يئكنسقى، بئزىكديرىجى سسيندن باشقا سس ائشيديلميردى (اى.مليكراده، "اٲوين كيشيسى")؛ باخيشلاريندا آچيق-آيدين قورخو، خجالت اوخونان ولينين نظرلرى، آياقلارينى آزالى قويوب، قولونو چيرمالايان جانە لى نين ايشيلدايان اوزونده گزدى (اى.مليكراده، "اٲوين كيشيسى")؛ اونا ائله گلير كى، بو "كومپانيانى" بير يئره ييغماق سون درجه موركب و بلكه ده هئچ باش توتمايان بير ايشدير... (آنار، "كئچن ايلين سون گئجه سى")؛ من واختيله سئوگيليمى تاكسييله گؤندن، آغرييان، آما عشقيمه ده، حسرتيمه ده بيگانه ليكله باخان آدام دئييلم (آنار، "تاكسى و واخت").

-آن^۲ شكيلچىلى فعلى صيقتلر باشليجا اولاراق اينديكى زامان معناسى ايفاده ائدير، لاكين يوخاريدا دا قئيد ائتيديگيميز كيمي، بو سؤزلر عومومى زامانليق دا بيلديرير (۱۷، ۱۸۶). موعاصير تورك ديلينده ده -آن^۲ شكيلچيسى عئينى مؤوقعده ايشله نير. بو ديلده -آن^۲ شكيلچيسى نين گئنيش زامان ايفاده ائتيديكى قئيد اولونور (۱۲، ۳۳۴). تورك ديلينده گئنيش زامان بيزيم ديلده كى غئيرى-قطعى گله جك زامانا ياخيندير. بو زامان فورماسى ديگر تورك ديللرينه داير يازيلميش اثرلرده اينديكى-گله جك

گوج ساراجین قوللاریندان هئچ واخت آپیلماياچاق قانداال ایدی (م.سولئیمانلی، "کۆچ").

-آجاق^۲ شکیلچیسى ده اومونیم شکیلچیدیر. فعلی صیفت شکیلچیسى اولماقلا محدودلاشمیر، قطعی گله جک زامان شکیلچیسى کیمی ایشله نیر، همچنین اسم ده عمله گتیریر: دایاناچاق (۳،۲۵۹). -آجاق^۲ شکیلچیلی فعلی صیفتلرین مضمونوندا گله جک زامانا باغلیلیق وار، لاکین بئله سؤزلرده بوندان علاوه بیر ده بوتون زامانلارا آیدلیک معناسى تصور ائدییر (۲،۱۸۷). بعضا - آجاق^۲ شکیلچیسى نین قطعی گله جک زامانین دامورفولوژی گؤستریجیسى اولماسیندان چیخیش ائده رک یازیرلار کی، بو شکیلچی ایله عمله گلمیش فعلی صیفتلر یالنیز قطعی گله جک زامانا آید اولور. انجاق بو شکیلچی نین قطعی گله جک زامانی دا بیلدیرمه سی او دئمک دئیل کی، - آجاق^۲ شکیلچیلی فعلی صیفتلر یالنیز گله جک زامان مضمونو ایفاده ائده بیلیر. اصلینده، بئله سؤزلر سونسوز بیر واختلا باغلی اولور (۷،۱۶۸).

-آجاق^۲ شکیلچیلی فعلی صیفتلره منسوبیت شکیلچیلری ده علاوه اولونا بیلیر: گنده جگی یول، دئییه جگی ویدا سؤزلری و س.

مثلن، بهمنله اوز-اوزه گله جگی دقیقنی تصوورونه گتیرنده قورخدو (ی.مه لیکزاده، "کوچه لره سو سپمیشم")؛ ابدی گؤیله، اونون هئچ بیر واخت قاییتماياچاغی ابدی گؤیله - یئر آراسیندا، مدینه نین اونو دایم گؤزلیه جگی یئر آراسیندا (آنار، "من، سن، او و تئلفون")؛ ...گئری دؤنوب تکجه بالاداداشین گزه بیله جگی

شکیلچیسى دلیمیزین تاریخینده ده ایشلنمه تئزلیگینه گؤره دیگر فعلی صیفت شکیلچیلریندن سئچیلیمیشدیر (۹،۳۱۳).

فعلی صیفتلرین بعضیلرینده صیفتلیک خصوصیتی او قدر گوجلنه نیر کی، اولار تامامیله صیفته چئوریلیر. -آن^۲ شکیلچیلی سؤزلر آراسیندا دا بئله لری واردیر (۳،۲۵۷). موعاصیر تورک دیلینده ده -آن^۲ شکیلچیلی فعلی صیفتلرین صیفت و ایسمه کئچیدی داها گوجلودور (۱۹،۹۱). بو جهتی هر ایکى دیلده -آن^۲ شکیلچیلی فعلی صیفتلرین چوخلوغو ایله ایضاح ائتمک اولار.

۲. -آجاق^۲ شکیلچیسى ایل: همیشه لیک قالاجاق بیر شئی، گوجلنه سئزیه جک سویوقلوق، قورخاقلیق، اوزومه وورولاجاق سرت جاواب، گؤیوشون دونیانین هاواسیندا قالاجاق سون قیشقیرتیسى و س.

مثلن، دنیا دوراجاق یئل دئیل (م.سولئیمانلی، "یئل احمدین بیلگی")؛ جانیمنان، قوللاریمنان، سونرا دا بارماقلاریمنان کئچه جک هیجانی گؤزله بیرم: هئچ نه، منی اویاداجاق بیر شئی یوخدو، جانسیزدی هر شئی، حرکتسیزدی (م.سولئیمانلی، "عؤموردن قیراقدا")؛ دئمه لی، گومان ائتمک اولار کی، اونون اوزون کئشمکئشلی و زنگین بیر حیاتی اولموشدور و قوجا یاشلاریندا حیاتین هر اوزونو گؤرموش صنعتکار مودریک بیر کلام سؤیله بیرسه، بورادا تعجب دوغوراجاق بیر شئی یوخدور (آنار، "ملا نصرالدین - ۶۶")؛ بو

آستا و بیگانه یثریشله اوزاقلاشدی (ئلچین، " بالاداداشین ایلک محبتی "؛ اورخان قیچلاری اسه-اسه یاخینلیقداکی داشین اوستونده اوتوروب، یوخودان آییلاجاغی دقیقه نی گۆزله دی (ای.ملیکزاده، " گوموشگؤل افسانه سی "؛ ...اچیق طیاره مئیدانی نین نفس گئنیشلیگی، طیاره نین قالخاجاغی گۆیلرین اولدوزلو قارانیلیغی واردی بو تئلئفون زنگینده (آنار، " بشمرته لی ئوین آلتینجی مرتبه سی ").

بو خصوصیت -آجاق^۲ شکیلچیسى واسیطه سیله آدیئکتیولشمیش فعللری -دیق^۴ شکیلچیلی فعلی صیفتلره یاخینلاشدیرسا دا، همین سۆزلردن فرقلى اولاراق -آجاق^۲ شکیلچیسى قبول ائتمیش فعللر منسوبیت شکیلچیسى اولمادان دا ایشلنه بیلیر.

-آجاق^۲ شکیلچیسى اوغوز قروپو دیللى اوچون سعجییوی اولان شکیلچیدیر (۴،۲۲۸). بو شکیلچی دیگر قروپلاردا داخیل تورک دیلریندن یالنیز بیر نچه سینده ایشله نیر. قدیم تورک دیلی اوچون ده سعجییوی اولمایان -آجاق^۲ شکیلچیسى اوغوز قروپو دیللى نین ده اینکیشافینین داها سونراکی دؤورلرینده مئیدانا چیخمیشدیر (۱۲،۳۳۶). ایلک یارانیدیغی دؤورلرده -آجاق^۲ فعلی صیفت شکیلچیسى اولموش، سونرادان قطعی گله جک زامانین دا ایفاده واسیطه سینه چئوریلیمیشدیر.

منسوبیت شکیلچیلری ایله ایشلنه بیلمه خصوصیتی -آجاق^۲ و -دیق^۴ شکیلچیلی فعلی صیفتلره دیگر فعلی صیفتلردن داها فرقلى

یاناشمالارین مئیدانا چیخماسینا سبب اولموشدور. ژدئنى بو شکیلچیلری فعلی آدین گؤستریجیسى حساب ائتمیش، ن.ا.باسکاکوو فعلی صیفتین شکیلچیسى آدلاندیرمیشدیر. ن.ک.دمیتریئو ایسه بو شکیلچینی هم فعلی آد، هم ده فعلی صیفت یارادان شکیلچی کیمی تقدیم ائتمیشدیر (۵،۷). باشقا بیر فیکیر ده بو شکیلچیلره فورمالاشمیش فعلی صیفتلرین یالنیز صیفت دئییل، اسم خصوصیتلری ده داشیماسینی اساس گؤتوره رک اونلاری فعلی صیفتلر جرگسیندن چیخارماقدیر. تورک دیلینده بئله سۆزلرین مؤوقئیننه دایر یازیلیمیش بیر مقاله ده بو شکیلچیلری قبول ائتمیش سۆزلر " صیفاتسى- اسمى " آدی ایله تقدیم ائدیلمیش و بو تئرمی نین ایلک دفعه وقوزئو طرفیندن ایره لی سورولدو قئید اولونموشدور (۱۱). آنجاق منسوبیت شکیلچیسى قبول ائتمه قابیلیتی - آجاق^۲ و -دیق^۴ شکیلچیلی سۆزلرین فعلی صیفت اولدوقلارینی اینکار ائتمه یه هئچ بیر اساس وئرمیر، چونکی بو سۆزلر فعلی صیفته مخصوص اولان بوتون قرامماتیک خصوصیتلری داشیییرلار. ۳. -مالی^۲ شکیلچیسى ایل: لاپ متل قالمالی ایشدی (ای.ملیکزاده، " کوچه لره سو سپیمیش "؛ بورچالیدا بیر-ایکی هفته قالدی، کیفایتدی، سونرا آرواد-اوشاغینی میندیره جک " ژیقولى " یه، آپاراجاق گزمه لی، گؤرمه لی یئرلره (ای.ملیکزاده، " تالیسمان ").

گؤروندو یو کیمی، بو شکیلچی هم تصدیق، هم ده اینکاردا اولان فعللری آدیئکتیولشدیریر. -

مالی^۲ شکیلچیسینده ده -آجاق^۲ شکیلچیسینده اولدوغو کیمی گله جک زامان مضمونو داها اوستون اولور.

-مالی^۲ شکیلچیسى ايله يارانمیش گولمه لی، ایچمه لی، یئمه لی کیمی سؤزلرده صیفتلیک خصوصیتی چوخ گوجلودور و بئله سؤزلر دایمی علامت بیلدیریر. حتی بئله سؤزلر درجه علامتلی ايله ده ایشلنه بیلیر: ان ایچمه لی، داها ایچمه لی و س. (۳،۲۶۰). بعضا صیفتلرده اولدوغو کیمی، -مالی^۲ شکیلچیلی فعلی صیفتلرین ده تکراریندان ایستیفاده اولونور. مثلن، سونرا اونلاری دا گولمک توتدو، چوخ گولمه لی-گولمه لی شئیلری خاطیرلاییب اوغونوب گئتدیلر (م.سولئیمانلی، "دوزسوزلوق").

-مالی^۲ شکیلچیلی فعلی صیفتلر تاثیرلیک و تاثیرسیزلیک ایفاده ائتمه سی جهتدن دیگر فعللردن فرقله نیر. بئله کی، بو شکیلچی، اساسن، تاثیرلی فعللره آرتیرلا بیلیر، لاکین اونون فورمالاشدیردیغی فعلی صیفتلر اؤزوندن اول تاثیرلیک حالدا اولان سؤز طلب ائتمیر (۵،۳۲).

-مالی^۲ شکیلچیسى آذربایجان دیلی نین قدیم دؤورلرینده - ۱۷ عصره قدر ایشلک اولمامیشدیر (۹،۳۱۴). ح.میرزه زاده نین یازدیغینا گؤره، "کیتابی-دده قورقود" اون دیلینده بو شکیلچی ایشلنمیشدیر و بو دا اونو خالق دیلی اوچون سعجییوی اولان قدیم بیر شکیلچی حساب ائتمه یه اساس وئیر: گلمه لی-گئتمه لی دونیا، سون اوجو اؤلمه لی دونیا (۷،۱۶۹). تورک دیللی ایچینده بو شکیلچینین ان چوخ ایشلندیگی دیل

ده آذربایجان دیلیدیر (۱۲،۳۳۷). لاکین اوغوز قروپونا داخل اولان دیگر دیللرده ده بو شکیلچییه تصادوف اولونور (۴،۲۲۸). شکیلچی نین منشایی ايله باغلی دا موختلیف فیکرلر ایره لی سورولموشدور. بونلاردان بیرى -مالی^۲ شکیلچیسینین -ما و -لی شکیلچیلری نین بیرلشمه سیندن یارانماسیدیر (۹،۳۱۴).

۴. -آسی^۲ شکیلچیسى ایل: یئیله سی اؤکوزلری، دیشه دیه سی بیر شئی و س.

مثلن، گؤردو ائوی وار، ائولردن هوندوردو، یئری یئرلردن بؤیوکدو، آشاغیدا دا بویورولاسی آداملاری (م.سولئیمانلی، "ینل احمدین بیلیگی "؛ یوخوسوزلوقدان داها دا قارالیب، بؤیوموش گؤزلرینه یاراشاسی بیر کدرله یورغانا بورلمنمیش رافیه باخیردی (م.سولئیمانلی، "قار "؛ ائله بیل سئیرک کتانین اوستونده هله چکیله سی چوخ شئی واردی (آنار، "آغ لیمان").

-آسی^۲ شکیلچیسى ده گله جک زامان مضمونلو فعلی صیفتلر عمله گتیریر. آنجاق دیگر شکیلچیلردن فرقلی اولاراق بو شکیلچی یالنیز تصدیق بیلدیرن فعللری آدیئتکیتولشدیریر (۲،۱۸۰). -آسی^۲ شکیلچیسى هم ده فعلین لازیم شکلی نین شکیلچیسیدیر و ماراقلیدیر کی، لازیم شکلی نین اینکاری دا دیگر فعل فورمالاری کیمی -ما^۲ شکیلچیسى ايله یوخ، دئیل سؤزونون کؤمگی ايله ایفاده اولونور. دئمه لی، -آسی^۲ شکیلچیلی فعللر -ما^۲ اینکار شکیلچیسى ايله ایشلنه بیلیمیر. بو دا اونو گؤستریر کی، لازیم

شکلینین گۆستریجیسی تاریخا -آسی^۲ فعلی صیفت شکیلچیسیندن یارانمیشدیر.

هئچ ده بوتون تورک دیلرینده -آسی^۲ شکیلچیسی ایشلنمیر. بو شکیلچی اوغوز قروپو تورک دیللی اوچون سنجییوی اولان شکیلچیلردندیر (۴،۲۲۸)، خصوصن آذربایجان دیلینده یایلمیشدیر. موعاصیر تورک دیلینده ده موعین قدر ایشله نیر: یاکیل-آسی، اول-آسی، چیک-آسی و س. بو شکیلچی نین همین دیلین داها اولکی دؤورلرینده ایشلک اولدوغو، سونرادان ایسه ایشلکلیگینی قیسمن ایتیردیگی قئید اولونور (۱۲،۳۳۷). دیگر تورک دیلرینده بو شکیلچیدن فرقلی مقاملاردا ایستیفاده اولونا بیلیر، مثلن، کازان-تاتار دیلینده: آندا باراسیم یوک " منیم اورایا گئتمگین یوخدور " (۴،۲۰۳).

-آسی^۲ شکیلچیسی ۱۷-عصره قدر ادبی دیلیمیزده ایشلک اولمامیشدیر (۹،۳۱۴). موعاصیر آذربایجان دیلینده ده دیگر فعلی صیفت شکیلچیلرینه نیسبتا داها آز ایشله نیر. -آسی^۲ شکیلچینین منشایی باره ده تورکولوگیادا موختلیف فیکیرلر ایره لی سورولموشدور:

(۱) اساس فعلدن سونرا گلن آل- کؤمکچی فعلی و فعلدن اسم دوزلدن -سی^۴ شکیلچیسی نین بیرلشمه سیندن یارانمیشدیر. (۲) -آ فعلی باغلاما شکیلچیسی و -سی^۴ اوچونجو شخص منسوبیت شکیلچیسی نین بیرلشمه سی نتیجه سینده یارانمیشدیر. (۳) -آ فعلی باغلاما شکیلچیسی ایله اسمدن اسم دوزلدن -سیغ، -سی شکیلچیسی نین بیرلشمه سیندن یارانمیشدیر. (۴) فعلدن اسم

دوزلدن -غوشه کی لچیسی ایله -سی^۴ موقاییسه شکیلچیسی نین بیرلشمه سی ایله یارانمیشدیر. (۵) فعلدن اسم دوزلدن -غی^۴ شکیلچیسی ایله -سا^۲ شرط شکیلچیسی ایله یارانمیشدیر. (۶) چوواش دیلینده کی گله جک زامان شکیلچیسی -آس^۲ ایله اوچونجو شخص منسوبیت شکیلچیسی -ای^۴-نین بیرلشمه سی نتیجه سینده یارانمیشدیر. (۷) -آ^۲ گله جک زامان فعلی صیفت شکیلچیسی ایله -سی^۴ اسم دوزلدن شکیلچیسی نین بیرلشمه سیندن یارانمیشدیر (۳۱،۱۵-۳۲).

۵. -دیق^۴ شکیلچیسی ایل: کسیدیگیمیز چؤرک، یاشادیغیمیز شهرده، الینده توتدوغو سیقارئی، ننه سی نین چکدیگی یاخماجی، بؤلوب گؤتوردوکلی تورپاق یئرلری، آیریلیب ساخلادیقلاری قویون سورولری و س. مثلن، اوزاق دییارلاردا قارا باتدیگی واختلاردا بو قیزمار گونشی نه قدر آرزولامیشدی؟ (ای.ملیکزاده، " ائوین کیشیسی "؛ او، رادیونو قورور، ایلرله دینله دیگی و ابدی ایتیردیگی خورولتونو سانکی یئنین ائشیدیر و اوزاق گنجلیک گونلری نین خاطیره لرینه دالیردی. (آنار، " یاخشی پادشاهین ناغیلی "؛ ...دونندن سیفاریش ائتدیگی " باکینسکی رابوچی " آلدی، تله سیک اوتاغینا قالخیب یازی ماساسی نین سیگیرتمه سینده ساخلادیگی اون اوچ عدد لوتئرئیا بیلئتینی چیخارتدی و الینه بیر دولدورما قلم آلیب رقم- رقم یوخلاماغا باشلادی (ئلچین، " دیشمه "؛ همیشه کی کیمی، همیشه قوردوغو جوربجور

پلانلار کیمی، جاوانشیرین بو یای اوچون توتدوغو پلان پوزولوب گتتدی ایشی نین دالینجا... (ائلچین، " شوشایا دومان گلیب "). نمونه لر ده تصدیق ائدیر کی، -دیق^۴ شکیلچیلی فعلی صیفتلر منسوبیت شکیلچیلری اولمادان ایشلنه بیلیمیر. لاکین تاریخن -دیق^۴ شکیلچیلی موسقیل فعلی صیفت شکیلچیلی اولموشدور و اوندان سونرا منسوبیت شکیلچیلی نین ایشلنمه سینه احتیاج دویولمامیشدیر. مثلن، داش قوپدوق یئرده آغیر اولور (" اوغوزنامه ") (۳،۲۵۸). تورک، تورکمن، قاقاوز دیلرینده -دیق^۴ شکیلچیلی فعلی صیفتلر منسوبیت شکیلچیلی اولمادان دا ایشله نیر: ایشیدیلیمئدیک سؤزلر (تورک)، گیلیمئدیک اثر کؤپ (تورکمن)، کوکولمادیک لالادیر (قاقاوز) (۵،۱۶).

منسوبیت شکیلچیلری ایله ایشلندیکی اوچون - دیق^۴ شکیلچیلی فعلی صیفتلر بعضا یانلیش اولاراق فعلی اسم حساب اولونور. اونون یالنیز منسوبیت شکیلچیلی اولمادان ایشلندیکده فعلی صیفت یاراتدیغی قئید ائدیلیر (۵،۱۲). منسوبیت شکیلچیلی قبول ائتمیش فعلی صیفتلر باره ده فیکیرلر -آجاق^۲ شکیلچیسیندن بحث ائدرکن ده قئید ائیلدیگیندن اونلاری بورادا تکرارلاماغا احتیاج یوخدور.

-دیق^۴ شکیلچیلی فعلی صیفتلر اساسن کئچمیش زامان مضمونو ایفاده ائدیر. بو شکیلچی نین منشایی باره ده موختلیف فیکیرلر واردیر. بیر فیکیر بئله دیر کی، -دیغی^۴ شکیلچیلی اوچ ائلئمئنتین بیرلشمه سیندن یارانمیشدیر: -دی

شوهودی کئچمیش زامان شکیلچیلی، -ق اسم دوزلدن شکیلچی و منسوبیت شکیلچیلی (۷،۱۷۰). قئید ائتمک لازیمدیر کی، تورک دیللی نین داها قدیم دؤورلرینه آید ماتریاللاردا بو شکیلچی کئچمیش زامان شکیلچیلی کیمی ده چیخیش ائتمیشدیر. مثلن، اولار تاغکا آغدوک " اونلار داغا چیخدیلار " ، مئن یا کوردوک " من یای قوردوم " (۱۶،۱۹۸). بورادان چیخیش ائدن بعضی مؤلیفلر شوهودی کئچمیش زامان شکیلچیلی -دی^۴ شکیلچیلی نین اساسیندا - دیق^۴ شکیلچیلی نین دوردوغونو ایدعا ائدیرلر. ۶. -میش^۴ شکیلچیلی ایل: یئریندن اوینامیش، بوشالمیش گؤزلرینی، یاشیللاشمیش، چیچکلنمیش دوزو، سارالمیش بیغینی، تانینمیش پوزوجولاردان، یاییلمیش ایلقلیق، قاتیلاشمیش قارنلیق و س.

مثلن، چاللاشمیش قاشلاری نین آلتیندان کدرله، دردله دولو، هاردان سس گلیردی، اورا بویانیردی (م.سولئیمانی، " شاناپپیک ")؛ تمیرین ایچینده بؤوک، گئیش، آما قوروموش، سیخیلمیش، چات-چات اولموش بیر آزادلیق یارانمیشدی بیردن-بیره (م.سولئیمانی، " دییرمان ")؛ او گاه میلیس ایداره سی نین حَیطینده کی آغاجلارا قوللوق ائدیردی، گاه سینمیش پنجره لره شوشه سالیر، گاه دا باری نین سؤکولموش یئرینی هؤروردو (ای.ملیکزاده، " ائوین کیشیسی ")؛ ساچلاری نین قیویرجیقلازیندان ساللانمیش یاغیش دامجیلاری کیچیلیمیش، مینیاتورلشدیریلیمیش اوزوم

سالخیملارینا بنزه ییردی (آنار، " تاکسی و واخت "؛) بو کندین بیرمرتبه لی، ایکیمرتبه لی ائولریندن، کول-کوسدان چپر چکیلیمیش، تاختادان سوراھی سالینمیش، داشدان هاسار تیکیلیمیش خیطلریندن، سالخیملاری قورالامیش مئینه لریندن، قیرمیزی چیچکلی ناراجلاریندان، انجیر آغاجلاریندان، توت آغاجلاریندان، بوللوجا گونشیندن باشقا، بیر ده دنیز وار ایدی... (ئلچین، " بالاداداشین ایلک محبتی ").

فعللرین آدیئکتیولشمه سینده ان فعال شکیلچیلردن بیر اولان -میش^۴ شکیلچیمی ده کئچمیش زامان مضمونلو فعلی صیفتلر عمله گتیرمه یه خیدمت ائدیر. بو شکیلچی ده -آن^۲ شکیلچیمی کیمی قدیم فعلی صیفت شکیلچیلریندندیر (۷،۱۶۹). -میش^۴ شکیلچیمی ده اوغوز قروپو تورک دیللرینه مخصوص فعلی صیفت شکیلچیسیدیر (۴،۲۲۸). بو شکیلچی دیلیمیزین بوتون اینکیشاف دؤورلرینه ایشلک اولموش و سابیتلیگینی قوروپوب ساخلامیشدیر (۹،۳۱۴). موعاصیر آذربایجان دیلینده ده چوخ بؤیوک ایشلنمه تئزلیگینه مالیکدیر.

-میش^۴ شکیلچیمی اومونیم شکیلچیدیر. هم فعلی صیفت شکیلچیمی، هم کئچمیش زامانین مورفولوژی گؤستریجیمی کیمی چیخیش ائدیر. بو شکیلچی فعلدن اسم دوزلتمه یه ده خیدمت ائدیر: بیشمیش (خؤرک معناسیندا) (۳،۲۵۷). بعضی تورک دیللرینده -میش شکیلچیمی فعلی صیفت شکیلچیمی کیمی مؤوجود اولماسا دا، بو

شکیلچی ایله یارانمیش اسملر واردیر: ژامیس " طالع "، تورموس " حیات " (قازاخ دیلینده) (۱۰،۷۱). دئمه لی، همین شکیلچی فعلی صیفت گؤستریجیمی کیمی یارانمیش و داها سونرا بو شکیلچی ایله مئیدانا گلیمیش سؤزلر اسم کیمی ثابتلشمیشدیر. -میش^۴ شکیلچیلی سؤز فعلی باغلاما کیمی ده ایشله نیر: یاریشا بیر نئچه گون قالمیش اونلار مشق ائتمه یه باشلادیلار (۵،۱۷).

فعللرین آدیئکتیولشمه سینده -آر^۲ شکیلچیمی نین رولو دا دیقتی جلب ائدیر. دیگر شکیلچیلردن فرقلی اولاراق بو شکیلچی هئچ ده بوتون دیلچیلر طرفیندن فعلی صیفت شکیلچیمی کیمی قبول ائدیلیمیر. بونون دا سببی بو شکیلچی واسیطه سیله مئیدانا گلن سؤزلرین دیگر فعلی صیفتلر کیمی مووققتی دئییل، دایمی علامت بیلدیرمه سیدیر. مثلن، آخار سو، یانار اورک و س.ج. جفروو بو باره ده یازیر کی، -ایر^۴ و -آر^۲ شکیلچیلی فعللر آدیئکتیولشمه پروسئسینی بیتیریب تامام صیفتلشمیشدیر (۹،۵۰). بو فیکیر -آر^۲ شکیلچیمی حاقیندا دوغرو دور. تورک دیللری اوچون قدیم فعلی صیفت شکیلچیمی اولان -آر^۲ موعاصیر آذربایجان دیلینده صیفت دوزلدن شکیلچی سایلا بیلر. آنجاق باشقا بیر قدیم فعلی صیفت شکیلچیمی اولان -ایر^۴ موعاصیر آذربایجان دیلینده صیفت دئییل، اسم یاراتماغا خیدمت ائدیر: یاتیر یئری، گلیر منبعی. م.حسینزاده ده قئید ائدیر کی، -آر^۲ شکیلچیلی فعلی صیفتلرده صیفتلشمه مئیلی داها گوجلر اولور و بئله سؤزلر تصدیق و اینکاردا ایشلنمک،

ایداره ائتمک قابیلیتینی ده تدریجن ایتیریر (۲، ۱۸۷). دئمه لی، دیگر شکیلچیلرله عمله گلیمیش فعلی صیفتلردن فرقلی اولاراق -آر^۲ شکیلچیلی سؤزلر فعله دئیل، صیفته داها یاخیندیر، آنجاق تامامیله صیفته چئوریلمه میشدیر.

ح. میرزیئو دیلچیلیگیمیزده -آر^۲ شکیلچیلی سؤزلرله باغلی مولا حیظه لری بئله خولاصه ائتمیشدیر: " دیلچیلریمیزین بیر قروپو، مثلن، پروف. ح. دمیرچیزاده و ز.خ. تاغیزاده، پروف. م. حسینزاده، پروف. س. جعفروو، پروف. ح. ز. عابدوللایئو، آ.ا. اخوندوو، ز.ی. بوداقووا، ن. ز. حاجییئو، ع. س. بیلوو، گؤستریرلر کی، -آر^۲ شکیلچیلی موعاصیر دیلیمیزده فعلی صیفت دوزلده بیلیر، بیر قروپو ایسه مثلن، ج.ا. بیراهیموو، ت. روستمووا، ح. م. جاوادوو بونو فعلی صیفت شکیلچیلری سیراسینا داخیل ائتمیرلر " (۵، ۱۱). مؤلیف اؤزو ایسه بو فیکیرده اولموشدور کی، -آر^۲ و -ماز شکیلچیلری ایله یارانان فعلی صیفتلر کئچید وضعیتینده دیر، اولارین بیر حیصه سی فعلی صیفته خاص اولان خصوصیتلرینی ایتیریر و فعلدن دوزلتمه صیفت مضمونو کسب ائدیر (۵، ۱۳). -آر^۲ شکیلچیلی ایله آدیئکتیولشمیش فعللر: بی، آخار گونون دورولسون، نه یاخشی اولدو، منیمکی ائله سنسن (م. سولئیمانلی، " اوت "). موعاصیر آذربایجان دیلینده -آر^۲ شکیلچیلی فعلی صیفتلر آز حاللاردا ایشله نیر. لاکین بئله سؤزلر آذربایجان دیلی تاریخینده گئنیش ایشلنمیشدیر (۹، ۳۱۳). بئله فعلی صیفتلرین

اینکاریندان داها گئنیش ایستیفاده اولونور. مثلن، دویولماز، ائشیدیلمز بیر سس، کئچیلمز سدد؛ مثلن؛ بیر واختلار نصیب کیشی آرخاسی یئره گلمز، قولو آیلمز کیشیلردن ایدی، یوکلو آت آرابالاری نین چکیسینی بیلیمک اوچون نصیب کیشینی چاغیراردیلار (م. سولئیمانلی، " شاناپپیک ")؛ ائشیدیلمز هنیرتی واریدی کی، بکیل باغری چاتلاماسین دئییه باغیرماق ایسته ییردی. (م. سولئیمانلی، " کؤچ ").

اینکاردا ایشلنه بیلمه سی ده اونو گؤستریر کی، -آر^۲ شکیلچیلی فعلی صیفتلر فعله خاص اولان قرامماتیک خصوصیتلری، آز دا اولسا، ساخلامیشدیر. اونا گؤره ده اولناری صیفت دئیل، فعلی صیفت سایماق داها دوغرو اولار. -آر^۲ شکیلچیلی واسیطه سیله آدیئکتیولشمیش فعللرده زامان آنلایشی داها گئنیش اولور، واختین غئیری-موعینلیگینی بیلدیریر (۷، ۱۶۷). بو جهتدن بئله سؤزلر -آن^۲ شکیلچیلی فعلی صیفتلره بنزه ییر. ائله م. ائرگین ده -آن^۲ شکیلچیلی ایله باغلی سؤیله دیگی فیکری بو شکیلچی ایله باغلی دا یازیر و قئید ائدیر کی، -آن^۲ شکیلچیلی کیمی -آر^۲ شکیلچیلی ده گئنیش زامان بیلدیریر (۱۲، ۳۳۵).

فعلین قرامماتیک معنا نؤولرینه موناسیبتینه گؤره فعلی صیفت شکیلچیلری بیر-بیریندن فرقله نیر. -آن^۲، -میش^۴، -دیق^۴، -جاق^۲ شکیلچیلری بوتون نؤولره آرتیریلایدیگی حالدا، -آسی^۲ و -مالی^۲ شکیلچیلری معلوم و مجهول، -آر^۲، -ماز^۲

substantivized, and adverbialized forms, and each of these forms is formed by certain grammatical suffixes.

Adjectivalization of verbs is one of the ancient events in Turkish languages. Even in the language of the Orkhon-Yenisei monuments, the only form of adjectivalization is the adjective of verbs.

“In Turkology, it was considered expedient to teach the adjective either in the verb, or in the adjective, or as a separate part of speech. In this sense, A. Troyansky, A. Borovkov, R. Jumanigozov and others tried to consider the verb as a separate part of speech. Along with these linguists, we can name M. Mirzayev, U. Tursunov and others. According to one view, the participles are words that are used as nouns but perform a verb function. According to another view, adjective suffixes create temporary adjectives when they are added to verb roots and bases.

As we mentioned above, some of the the participles become completely adjectives. For example, past, future, etc. Such words are also found in other Turkic languages. We knew, knew, lived, etc. in the modern Turkish language. such words are noted in the dictionary. Turkish linguists call this process cliché-molding. This means that they cease to be a form of a verb and become an adjective, that is, the process of adjectival ends in these words.

At the same time, it is possible to conclude from the examples that the performance of verbs in the defining function cannot always be called adjectivalization. In different linguistic structures, only functional-semantic changes occur in these words (as in the word read in the sentence, which puts the read books aside), and it is incorrect to call it a completely transitional process.

Keywords:

verb, transition, function, semantics ...

ФУНКЦИОНАЛЬНО-СЕМАНТИЧЕСКОЕ ИЗМЕНЕНИЕ В ПРИЧАСТИЯХ

Хусейн Шаркыдереджек Сойтюрк
Иран.Юридический центр ТЕХРАН

Хаджар Эмин кызы Гусейнова
АДПУ, док. фил. наук, профессо
E-mail: hacershuseynova@mail.ru

РЕЗЮМЕ:

Среди частей речи существительное занимает

شکلیچیلری ایسه معلوم نؤوه آرتیریلیر (۵،۳۲-
(۳۳).

نتیجه:

یوخاریدا دا قئید ائتدیگیمیز کیمی، فعلی
صیفتلرین بیر قیسمی تامامیله دیشیر. مثلن،
کئچمیش، گله جک و س. بئله سؤزلره دیگر
تورک دیللرینده ده تصادوف اولونور. موعاصیر
تورک دیلینده تانیدیک، بیلدیک، گونگورموش و
س. کیمی سؤزلر لوغته قئید ائدیله (۱۹،۷۵).
تورکیه دیلچیلری بو پروسئسی کلیشنلشمه –
قلیلشمه آدلاندیریلر (۱۸،۱۹۰). دئمه لی،
اونلار فعلین بیر فورماسی اولماقدان چیخیب
صیفته چئوریلیمیش اولور، یعنی بو سؤزلرده
صیفتلشمه پروسئسی باشا چاتیر.

عینی زاماندا نومونه لر اساسیندا گلدیگیمیز
بئله بیر قناعتی ده سؤیله مک مومکوندور کی،
فعلی صیفتلرین تعیین فونکسیاسیندا چیخیش
ائتمه سی هر زامان آدیکتیولشمه آدلاندیریلر
بیلمز. موختلیف لینقویستیک استروکتوردا بو
سؤزلرده یالنیز فونکسیونال-سئمانتیک دیشمه
ده باش وئریر (اوخونموش کیتابلاری بیر طرفه
ییغدی-جمله سینده کی اوخونموش سؤزونده
اولدوغو کیمی) و بونو تامامیله کئچید پروسئسی
آدلاندیرماق دوغرو اولماز.

SUMMAR

Among the parts of speech, nouns take the first place in terms of objectification. The second most subjective part of speech is the verb. The adjectivalization of the verb differs from the adjectivalization of other parts of speech. Thus, verbs adopt special suffixes in order to be subjective. These suffixes are adjective suffixes. In general, verbs have both adjectivated,

ƏDƏBİYYAT:

- 1) Cəfərov C. Müasir Azərbaycan dilində isimlərin adyektivləşməsi // S.M.Kirov adına ADU-nun elmi əsərləri, dil və ədəb. seriyası, 1978, №6.
- 2) Hüseynzadə M. Müasir Azərbaycan dili. III hissə. Morfologiya. Bakı: Şərq-Qərb, 2007, 280 s.
- 3) Xəlilov B. Müasir Azərbaycan dilinin morfologiyası. 2 hissədə. II hissə. Bakı: Nurlan, 2007, 352 s.
- 4) Xəlilov B. Türkologiyaya giriş. Bakı: Nurlan, 2006, 384 s.
- 5) Mirzəyev H. Azərbaycan dilində feili sifət və təsirli-təsirsiz feillər. Bakı: Elm, 2006, 556 s.
- 6) Mirzəyev H. Azərbaycan dilində feil. Bakı: Elm, 2006, 504 s.
- 7) Mirzəzadə H. Azərbaycan dilinin tarixi qrammatikası. Bakı: Azərbaycan Universiteti Nəşriyyatı, 1990, 376 s.
- 8) Rəcəbli Ə. Göytürk dilinin leksikası. Bakı: Nurlan, 2004, 428 s.
- 9) Tanrıverdi Ə. Azərbaycan dilinin tarixi qrammatikası. Bakı: Elm və təhsil, 2012, 464 s.
- 10) Zeynalov F. Türk dillərinin müqayisəli qrammatikası. I hissə. Bakı: "MBM" nəşriyyatı, 2008, 354 s.
- 11) Deniz-Yılmaz Ö. Türkiye türkçesinde sıfatı-isim şəkillər üzərində (-Dik, -(y)EcEk, -(y)Esİ) // Türk Dili Araştırmaları Yıllığı - Belleten 2003, I, s.151-179.
- 12) Ergin M. Türk dil bilgisi. İstanbul: Bayrak, 2013, 408 s.
- 13) Güven M. -an, -en sıfat fiil ekinin dilbilgisel işlemleri, dönüşmüş yapılar kurma ve ki bağlayıcısı tabanında dönüşüm gerçekleştirme işlevi // Turkish Studies, 2013, Vol. 8/9, p.1625-1637.
- 14) Karadoğan A. Türkiye türkçesindeki -dik ve -an sıfat-fiil eklerinde sınır vurgulayışın rolü // Türk Dili, № 678, s. 519-527.
- 15) Korkmaz Z. -ası/-esi gelecek zaman isim-fiil (participium) ekinin yapısı üzerine // Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Dergisi. Cilt: 17 Sayı: 1.2, s.159-170.
- 16) Nalbant M.V. -duk eki ve Divanü Lugatı't Türk'te -duk ekli görülen geçmiş zaman çekimi // Türkoloji Dergisi, 2003, XV. Cilt, Sayı: 1, s. 193-203.
- 17) Öz A. Özbek türkçesi edebi dilində sıfat fiiller // Türkoloji Dergisi, cilt XIV, sayı 1, s. 213-229.
- 18) Salman R. Türkçede sıfat-fiil (partisip) eklerinin kalıcı isim oluşturma işlevleri // Türk Dil Araştırmaları Yıllığı-Belleten, 1999, I-II, s. 189-223.
- 19) Savran H. 'Derleme sözlüğü'ndeki kalıplaşmış ad-fiillerin ve sıfat-fiillerin yazı dilinde kullanılırlık durumları // Türk dili araştırmaları yılığı Belleten, 2009, I, s.51-92.
- 20) Turgunbayev C. Kırgız türkçesindeki -GAn/-GOn sıfat fiil ekinin işlevleri ve Türkiye türkçesindeki karşılıkları // Türk Dünyası, sayı: 9, Bahar 2004, s.272-287.

первое место с точки зрения адъективации. Второй наиболее субъективной частью речи является глагол. Причастие отличается и от прилагательных, от глögля и от других частей речи. Таким образом, в процессе адъективации глаголы принимают специальные суффиксы, чтобы быть причастием. Эти суффиксы являются суффиксами причастия. В общем, глаголы имеют адъективные, субстантивные и атрибутивные формы и каждая из этих форм образуются определенными грамматическими суффиксами.

Адъективация глаголов является одним из древних лингвистических процессов в турецких языках. Даже на языке Орхоно-Енисейских памятников единственной формой адъективации является причастие.

«В тюркологии считалось целесообразным преподавать причастие либо в составе глагола, либо в составе прилагательных, либо как отдельную часть речи. В этом смысле А. Троянский, А. Боровков, Р. Жуманигозов и другие пытались рассматривать глагол как отдельную часть речи. Наряду с этими лингвистами можно назвать и М. Мирзоева, У. Турсунова и других. Согласно с одной точки зрения, причастие - это слова, которые используются как существительные, но выполняют функцию глагола. Согласно другому мнению, суффиксы причастия создают временные прилагательные, когда они добавляются к корням и основам глагола.

Как упоминалось выше, некоторые из причастий становя тся полностью прилагательными. Например, «keçmiş, gələcək» и т. д. Такие слова встречаются и в других тюркских языках. Слова «tanıdık, bildik, göngörmüş» и т. д. на современном турецком языке отмечены даже в словаре. Турецкие лингвисты называют этот процесс клише. Это означает, что они перестают быть формой глагола и становятся прилагательными, то есть процесс адъективация в этих словах заканчивается.

В то же время из примеров можно сделать вывод, что исполнение причастия функции определения не всегда можно назвать адъективацией-переходом в другую часть речи. В разных лингвистических структурах в этих словах происходят только функционально-семантические изменения (как в слове «прочитанные» в предложении: Он положил прочитанные книги в сторону), и неправильно называть его полностью переходным процессом.

Ключевые слова: глагол, переход, функция, семантика ...

۱- فارابی علملرین تصنیفی باره ده

əl-Fərabi elmlərin təsnifi barədə

prof.Dr. Buludxan Xəlilov

پروفیسور دوکتورو، بولودخان خلیل اوو

۱. دیل علملری: بورادا قرامماتیکا، سینتاکسیس (مورفولوگیا و سینتاکسیس) اؤزونه یئر آلیردی.
۲. منطق علمی.

۳. ریاضیات علملری: بورایا حساب، هندسه، بشریت، آسترونومییا، موسیقی علملرینی داخیل ائدیردی.

۴. فیزیک و مئتافیزیک علملری: بورادا طبیعت علملری قئید اولونوردو.

۵. مدنی علملر: بورادا اخلاق، سیاست، آنالایش طرزی، کلام علملری اؤزونه یئر آلیردی.

فارابی علملری بو جور تصنیف ائده رک قئید ائدیردی کی، اینسانلاردان هانسی علمدن نیی الده ائتمگی کور-کورانه دئییل، بیلرک و گؤره رک اؤیرنمه یه چالیشیر. بونون سایه سینده اونلارین هانسی نین داها اوستون، هانسی نین داها یارارلی، هانسی نین داها ساغلام، هانسی نین قوووتلی، هانسی نین گئرجک، هانسی نین داها ضعیف اولدوغونو آنلاییر. دئمه لی، اینسانلار بو علملر سایه سینده اونلاری بیر-بیری ایله موقاییسه ائده بیلیر.

فارابی علملر ایچریسینده "مدنی علملری" ی ان اؤنملی علم حساب ائدیر. اونون فیکرینجه، علملرین مقصدی خوشبختلیگین الده



فارابی نین مدنیت کونستپتینی دوغرو، دوروست آنلاماق اوچون "بیلگیلرین موضوعسو" ادلی کیچیک بیر کیتابینی آچیقلاماق گرکلیدیر. او، آدی قئید اولونان بو اثرده علملری سیستئملشدیرمیش، قدیم یونانیستاندان رومایا، اورادان دا خریستیان سخولاستیزمینا گئچمیش علملری تئصنیف ائتمیشدیر. ونون تصنیف ائتدیگی علملر بئله دیر:

اولونماسىندىن عىبارتدۇر. خوشبختلىقى ايسە چوخلارى نىن حساب ائىدىگى قدر زىگىنلىكلە، ماددى ثروتلە الدە ائتمك اولمور.

۱. دىل علملىرى

فارابى دىل علمىنى ايكى يئرە آيىرىر. بىرىنجىسى، هر هانسى بىر توپلومدا بىر آنلاما دلالت ائىدىن سۆزلىرىن اۋىرە نىلمە سى و سۆزلىرىن هر بىرى نىن دلالت ائىدىگى آناملارنى بىلگىسىدۇر. ايكىنجىسى، بو سۆزلىرىن قانۇنلارنى نىن بىلگىسىدۇر.

قانۇن، او جوملە دن قانۇنلار آيد اولدوغو ساحە لرە اويغون اولمايانلارنى داخىل اولماسىنا ايمان وئىمىر. دىلدە كى قانۇن دا بئله دىر. اونون قانۇنلارنى ايله باغلى اولمايانلار نظارت ائتمكلە دىلى قورويور.

هر توپلومدا آنلاما خىدمت ائىدىن سۆزلىرى ايكى جورودور: فردى سۆزلىرى، بىرلشمىش سۆزلىرى. فردى سۆزلىرى اچرىسىندە ايسىملر، فئىللر و اداتلار واردىر.

دىل علمى يئىددى بۈيۈك نۆۋە آيرىلىر: فردى سۆزلىرى علمى، بىرلشمىش سۆزلىرى علمى، سۆزلىرىن فردى اولدوغو وضعىتدە كى قانۇنلارنى نىن علمى، سۆزلىرىن بىر-بىرى ايله بىرلشمىش سۆزلىرى وضعىتدە كى قانۇنلارنى علمى، دوزگون يازما قانۇنلارنى، دوزگون اوخوماق قانۇنلارنى و شعر قانۇنلارنى علمى.

فردى سۆزلىرى علمى شئىلىرى، جىنسىلىرى ايشارت ائىدىن بوتون فردى سۆزلىرى (دىلە خاص اولان و باشقا دىللردىن كىچىن فردى سۆزلىرى) احاطە ائىدىر. بىرلشمىش سۆزلىرى علمى بىرلشمىش سۆزلىرى احاطە ائىدىن علمدۇر. بو سۆزلىرى ناطىقلىرىن و شاعىرلىرىن اورتايا قويدوقلارنى بلاغت و فصاحت اوستالارنى نىن سۆيلىە دىكلرى سۆزلىرىدۇر.

سۆزلىرىن فردى اولدوغو وضعىتدە كى قانۇنلارنى نىن علمى سىلىرىن سايىنى، دانىشلىق عوضولرىندە نئجە ياراندىغىنى، دانىشلىق عوضولرى نىن اۋزلىرىنى، دانىشلىق سىلىرى نىن بىر-بىرى ايله بىرلشمە سىنى، بىرلشمە بىلمە نىن دانىشلىق سىلىرىنى، هر هانسى بىر معنانى بىلدىرىن سۆزون مئىداندا چىخماسى اوچون سىلىرىن (دانىشلىق سىلىرىنىن) بىرلشمە سىنى اۋىرىن علمدۇر. بونونلا ياناشى، بو علم هر هانسى بىر سۆزون سونونا شكىلچى قوشولدوقدا يارانان سۆزلىرى دە آراشدىرىر. بوندىن باشقا، بو علم تۋرە مىش سۆزلىرى، فئىللرى، اونلاردان يارانان مصدرلىرى بىر-بىرىندىن آيىرىر.

سۆزلىرىن بىر-بىرى ايله بىرلشمىشلىكى وضعىتدە كى قانۇنلارنى علمىنىن ايكى نۆۋە وار. بىرىنجىسى، ايسىملرىن و فئىللرىن بىر-بىرى ايله بىرلشمىشلىكى بىر دوزنە گە لركن، نئجە اولاجاقلارنى اۋىرىن علمدۇر. ايكىنجىسى ايسە، ايسىملرلە فئىللرىن بىر دوزنە گلمە سىندىن سونراكى وضعىتى اۋىرىن علمدۇر. بىزە گۆرە، بو علم سىنتاكسىس بۆلمە سىنە اويغوندور.

نېين يانليش اولدوغونو موعين ائتمكده منطيقين رولو عوضسيزدير. اگر منتقى بيلمه سك، كيمين حاقلی، كيمين حاقسيز اولدوغونو دا سؤيله يه بيلمريك. منطق موقاييسه اساسيندا حاقىقتى اورتاليغا چىخارير. فارابييه گؤره، منطقده كى موقاييسه نين سايى سككيزدير و اونلارين هر بيرى بير كىتابدا اؤز عكسینی تاپير.

بيرينجى كىتاب تك حالدا اولان سؤزلرين قانونلاريدير. بونلار عرب ديلينده معقولات، يونان ديلينده كاتئقورپيا آدى وئريلير.

ايكینجى كىتاب آيرى-آيرى سؤزلردن، ايكى سؤزدن عمله گلن سؤزلرين ايشاره ائتديگى قانونلارى بيلديرير. بونا عربجه عبارت، يونان ديلينده پئرى هئرمئنئياس آدى وئريلير. بيزجه، دوغرو و يالنئيشليغى محكمه ائندير.

اوچونجو كىتاب بئش علمه آيد اولان اورتاق موقاييسه لرى آچيقلايان سؤزلرى احاطه ائدير. بونلار عرب ديلينده القياس، يونان ديلينده آناليتيكون پروتئرون آدلانير. بيزجه، بونا بيرينجى آناليتيكلر دئيلير.

دؤردونجو كىتاب دليل، ثوبوتلو سؤزلره نظارت ائتمه يه يارايان قانونلارى و فلسفه نين موكممللشمه سيني، اونلارين داها اوستون بير حالا گلمه سينه خيدمت ائدن قانونلارى احاطه ائدير. بو كىتاب عرب ديلينده البرهان، يونان ديلينده ايسه آناييكون يستئون آدلانديريلير. بيزجه، بونا ايکینجى آناليتيكلر دئيلير.

سينتاكسيسده كى سؤزلرين ديشمه سى و بيرلشمه سى قايدالاريني احاطه ائدير، نتيجه ده سؤز بيرلشمه سى، جومله يارانير.

دوزگون يازماق قانونلارى علمى سطيئرلرده يازيلانلارى بير-بيريندن آييرير. عئینی زاماندا اونلارين (سطيئرلرين) نئجه يازيلماسى نين گرکلى اولدوغونو آچيقلاير. بو علم اورفوقرافيا شؤعبه سينه آيددير. اورفوقرافيا شؤعبه سى ايله باغليدير.

دوزگون اوخوماق قانونلارى علمى سطيئرلرين، يازيلارين (بيزجه، سؤزلرين، جمله لرين) دوزگون ايشله ديلمه سيني اؤيره نير. بو دا اورفونئپيا شؤعبه سى ايله باغليدير. داها دوغروسو، اورفونئپيا شؤعبه سيني احاطه ائدير.

شعر قانونلارى علمى اوچ يئره آيريلميشدير. بيرينجيسى، هر هانسى بير ديلده شعرلرده كى وزنلردير. ايکینجيسى، آيرى-آيرى وزنلرده كى سس بيرلشمه لرى نين (بيزجه، هئجالارين) ساييدير. اوچونجوسو، بيت و ميصراعلارين نئجه مئيدانا گلمه سيدير.

۲. منطق علمى

منطق علمينه و اونون قانونلارينا هر بير اينسان مؤحتاجدير. بو علمين عاغيللا باغليليغيني اينكار ائتمك مومكون دئيل. منطقين عصاس قايه سى حاقىقتى درك ائديب اورتايا چىخارماقدير. بو علمى بيلمه دن دوغرونو يانليشيدان آييرا بيلميريك. ايسته نيلن بير صؤحبتده نين دوغرو،

اونو دا قئید ائدک کی، بو کیتابا یونان دیلینده پوئیتیکس آدی وئریلیر، معناسی شعر کیتابی دئمکدیر.

۳. ریاضیات علملری

فارابی بو علمی ماتماتیکا علمی آدلاندیرمیشدیر. ماتماتیکا (ریاضیات) علمینی آیردیغی بۆلمه لردن بیرى آریتمئتیک بۆلمه سی اولموشدور. بو بۆلمه عددلر آراسیندا (تام، راسیونال، ناتورال عددلر) علاقه نی اؤیرن بۆلمه دیر. بو بۆلمه عملی و نظری اولماقلا ایکى یئره بۆلونموشدور.

عملی آریتمئتیک بۆلمه ساییلماسی مومکون اولان شئیلری، مثلا، اینسانلاری، آتلاری و ساییلماسی مومکون اولان دیگر وارلیقلاری اؤیره نیر.

نظری آریتمئتیک بۆلمه کونکرئت و کونکرئت اولمایان وارلیقلاری، شئیلری اؤیرن بۆلمه دیر. بو بۆلمه ده بیر سایین دیگر بیر سایلا توپلانماسی، چیخیلماسی، بۆلنمه سی، وورولماسی مسله لری اؤیره نیلیر.

فارابی هندسه بۆلمه سینى گئومئترى بۆلمه سی آدلاندیرمیش و اونو ایکى یئره بۆلوموشدور: عملی گئومئتریا، نظری گئومئتریا.

بو بۆلوم کوره، سیلیندر، پریمزما، پیرامیدا و س. شکیللى جیسیملری اؤیره نیر. گئومئتریا بۆلومو ائلمئنتلر، او نصورلر آدی ایله ده آدلانیر.

بئشینجی کیتاب دارتیشمایا، موناقییشه نظارت ائتمه یه یارایان سۆزلردیر. بو، موناقییشه نی، دارتیشمانی داها موکمللشدیرمه یه، داها اوستون سوییه یه گتیرمه یه خیدمت ائدن قانونلاری احاطه ائدیر. بو کیتاب عرب دیلینده کتاب متوازی الجدلیه، یونان دیلینده توپیکا آدلاندیریلیر.

آلتینجی کیتاب حقیقتله باغلی صۇحبتلرده آلدادیجی و یالان سۆیله مگین مقصدینی احاطه ائدیر. اونا گۆره ده اینسانین آلدادیجی و یانیلدیجی فیکیرلردن نئجه قورونا بیله جگی ایله باغلی مسله لر آچیقلا نیر. بو کیتاب یونان دیلینده سوپیستیکون آدلاندیریلیر و آلدادیجی فلسفه دئمکدیر.

یئددینجی کیتاب ناطیقلیکله باغلی سۆزلری، ناطیقلیگی و گۆزل دانیشماغی باجاران کسلی یارارلی ائدن قانونلاری احاطه ائدیر. بئله لیکله، ناطیقلیک مهارتینه مالیک اولان و اولمایانلار فرقلندیریلیر. ناطیقلیگی داها موکمل سوییه یه چاتدیریلماغین گرکلیلیگی، داها اوستون اولایله جگی بیلدیریلیر. بو کیتاب یونان دیلینده ریئتوریکى آدی ایله تانینیر و معناسی ناطیقلیک دئمکدیر.

سککیزینجی کیتاب شعرلری، شعرلری مئیدانا گتیرن سۆزلری، مئیدانا گلیمیش شعرلری قورویان قانونلاری احاطه ائدیر. بو کیتاب شعرلین، شعرلری عمله گتیرن سۆزلرین داها موکمل، داها یوکسک، داها ذۇوق وئرن بیر سوییه یه قالماسی نین گرکلی اولدوغونو واجیب ساییر.

بیرینجیسی، او، گۆی جیسیملری نین شکیللرینی، بیر-بیرلرینە اولان نیسبتلرینی، گۆیدە کی یئرلرینی، بۆیوکلوکلرینی، بیر-بیری آراسینداکی مسافە نی اۆیرە نیر.

ایکینجیسی، گۆی جیسیملری نین حرکتلرینی، اولارین سایینی، هامیسی نین کورە شکلیندە اولدوغونو آراشdırیر. بو حرکتلرین هر بیر نین نئچە نۆو اولدوغونو آچیقلایر. بوندان باشقا، گونشین و آیین توتولماسی، بونلارین باشوئرمە سببینی، بو پروسئسلرین نئچە مودتدن بیر یاراندىغینی اۆیرە نیر.

اوجونجوسو، یئروزوندە کی اینکیشاف ائتمیش بۆلگە لرلە یاناشی، اینکیشاف ائتمە میس بۆلگە لری آیرد ائدیر. اینکیشاف ائتمیش بۆلگە لرین نە قدر اولدوغونو، اولارین ان بۆیوک قیسملرینی آچیقلایر. همین بۆلگە لرین ایقلىمینی، گونون نە زامان چىخدیغینی و نە زامان باتدیغینی، گوندوز و گئجه نین اوزونلۇغونو، قىسالىغینی، ائلجە دە بونا بنزر مسله لری اۆیرە نیر.

فارابی موسیقی بۆلومو بارە دە قئید ائدیر کی، او، نغمە نؤوعلری نین نئچە مئیدانا گلدیگینی، اولارین داها تاثیرلی و گۆزل اولمالاری دورومونون گرکلی اولدوغو مسله سینی اۆیرە نیر.

فارابی موسیقی آدی ایله تانینان بۆلومو ایکی یئرە آیریر: عملی موسیقی بۆلومو، نظری موسیقی بۆلومو.

اوپتیکا بۆلومو گئومئتریا بۆلومو کیمی شکیللری، ترتیبلری، وضعیتلری و بونا بنزرلری اۆیرە نیر. آنجاق بونلاری حجملری باخیمیندان آچیقلایر.

فارابییه گۆرە، ایشیق گۆزدن چىخدیقدان سونرا باخیلان جیسمة چاتانا قدر اوزانیر. ایشیق باخان هر بیر اینسانین گۆزوندن چىخدیقدان سونرا گئتدیگی یولدا قارشىلاشدیغی گوزگودن گئری دۆنە رک یئنە باخان کسین اوزرینە دوشور. باخان اینسان (هر بیر کس) بو ایشیق سایه سیندە گوزگودە اؤزونو گۆرور. فارابی بئله ایشیغی دوز ایشیق آدلاندىریر.

فارابی آیری ایشیغا دا آیدینلیق گتیریر. اونون فیکرینجە، باخان اینسانین گۆزوندن چىخان ایشیق گوزگودن گئری دۆنە رک اونون ساغینا، سولونا دوغرو یئنە لیر و بونون سایه سیندە آرخادا، سولدا، ساغدا اولان شئیلر گۆرونور.

آسترونومیا بۆلومو ایکی یئرە آیریلیر. فارابی بونلاردان بیرینی اولدوزلاردان چىخاریلان حؤکملر، ینی موننجیملیک آدلاندىریر. بو، اولدوزلارین نە یە ایشارت ائدیگینی بیلدیریر. اۆنجه دن نییسە گۆرمک، گلە جکده اولان شئیلر بارە دە معلومات الدە ائتمک و س. بورا داخیلدیر. فارابی آسترونومیا بۆلومونون ایکینجیسینى ماتئماتیک اولدوز بۆلومو آدلاندىریر. ماتئماتیک آسترونومیا (اولدوز) بۆلومو گۆی جیسیملرینی اوچ ایستیقامتدە اۆیرە نیر:

دۇردونجوسو، نغمە لرىن ايشاره لرى نين نۆولرىندىن بحث اندىلىر.

بئشىنجىسى، مئلودىيالارىن مئيدانا گلەمە سى حاقىنداير. ماھنى نين سۆزلىرى ايله مئلودىياسى آراسىندا علاقه آراشدىرىلىر.

فىزىكا و مئتوفىزىكا علملىرى. بونا طبعىت و اىلاھىيات علملىرى دە ئىيلمىشىدىر.

طبعىت بۆلۈمۈندە طبعى جىسىملار، شئىلر اۋىرە نىلىر. فارابىيە گۆرە، طبعى شئىلر گۆى، يئر، اونلارنىن آراسىندا اولانلار (گۆىلە يئرەن آراسىندا)، بىتكىلەر، حيوانلاردىر. اونون فېكرىنچە، اينسان ايرادە سى نين محصولو اولمايان شئىلر طبعىي شئىلردىر. آنجاق ائلە جىسىملار دە وار كى، اونلار موعىن پئشە نين، صنعتىن محصولدور. مثلاً، جام (قاب)، قىلىنچ و س. بئلە شئىلردىر. طبعىت بۆلۈمۈ طبعى جىسىملارنىن ماددى فورماسى، قاىە سى حاقىندا معلومات وئرىر.

فارابىيە گۆرە، طبعىت علمى سككىز يئرە آيرىلىر:

بىرىنجىسى، اىستر بسىط، اىسترسە دە بىرلشمىش اولان جىسىملارنىن يايىلدىغى اۋلكە لرى آراشدىرىر. بوتون بونلار طبعى دويما آدى بۆلۈمدە وئرىلىر.

ايكىنجىسى، بسىط جىسىملارنىن اولوب اولمادىغىنى، اگر وارسا ھانسى جىسىملار اولدوقلارنىن و سايلارنىن آراشدىرىر.

عملى موسىقى بۆلۈمۈ نغمە چئشىدلرى نين آلتىردە دويولماسىنى اۋىرنىن بۆلۈمدور. فارابى قىرتلاغى، دىلى، اونون (دىلىن) ياننىدا اولان اورقانلارنى، بورنو طبعى موسىقى آلتىرى آلداندىرىر. اونون فېكرىنچە، فلوت (قدىم موسىقى آلتىدىر) اود و بونا بنزرلر سونى موسىقى آلتىردىر. طبعى و سونى موسىقى آلتىرى عملى موسىقىنى يارادىر. ھەر ھانسى ماھنى، مئلودىيا موعىن موسىقى آلتىرى ايله موشاعىت اولونور.

فارابىيە گۆرە، نظرى موسىقى بۆلۈمۈ نغمە لرىن مئيدانا گلدىگى سببلرىنى آچىقلاير. او، نظرى موسىقى بۆلۈمونو بئش يئرە آيرىر:

بىرىنجىسى، اىستىفادە اولونان موسىقى نين ھانسى اۋلكە لردە اولدوغوندىن بحث اولونور. اونون اينكىشافى و نہايت، بو بۆلمە دە اولان شئىلرى آراشدىران كسىن نئجە اولماسى نين گرکلى اولدوغوندىن بحث اندىر.

ايكىنجىسى، بو صنعتىن اوصوللارىندىن بحث اندىر. نغمە لرىن اوخونماسى، اونلارنىن سايى، نۆولرى بارە دە صۇحبت آچىلىر. عئىنى زاماندا نغمە لرىن بىر-بىرى ايله علاقه سى آچىقلانير. نغمە لرىن موختلىف چئشىدلرىندىن بىرى نين سئچىلمە سى و اونون مئلودىياسى نين مئيدانا گلەمە سى بارە دە معلومات وئرىر.

اوچونجوسو، ماھنىلارنىن و نغمە لرىن موسىقى آلتىرى ايله اويغونلۇغو آراشدىرىلىر.

نئجه مئیدانا گلدیگی، اونلارین بیر-بیری ایله
علاقه سی آراشدیریلیر.

۵. مدنی علملر

بونا سیاست و کلام علملری ده دئیلمیشدیر.
سیاست بؤلومو ایرادی ایشلری، ایرادی حیات
طرزینی، موختلیف خاصیتلری، خاراكتئرلری و
اؤزلیکلری، اونلارین اؤزلری اوچون ایجرا
ائتدیکلری مقصدلری، اینساندا مؤوجود اولان
کئیفیتلری و اونون قورونماسی یوللارینی
آراشدیریر. خوشبختلیگین بو دونیادا بیر سؤز
اولدوغونو، اونون آخیرته مومکون اولدوغونو
اورتالیغا قویور.

اؤندرلیک ایکی جور دور: حقیقتن خوشبخت
اولان شئی تامین ائتمه یه یارایان ایرادی
ایشلری، حیات طرزلرینی قوووتلندیرن اؤندرلیک.
بو، اردملی اؤندرلیکیدیر. حقیقتن خوشبختلیک
اولمایان شئی تامین ائتمه یه یارایان ایرادی
ایشلری، حیات طرزینی قوووتلندیرن اؤندرلیکیدیر.
بو دا جاهیل بیر اؤندرلیکیدیر.

فارابی اردملی حؤکمدارین مسلکی نی ایکی
شکیلده اورتایا قویدوغونو سؤیله ییر. اونلاردان
بیری قانونلاری بیلیمک، دیگری ایسه توپلوملا
ایشله مک تجروبه سینه مالیک اولماقدیر. او،
نومونه اولاراق بو مسله نی ده طیبب ایله
موقاییسه ائدیر. اونون فیکرینجه، طیبب ده ایکی
گوج سایه سینده موکمل بیر موعالیجه ائده
بیلیر. بونلاردان بیری طیبب کیتابلاریندان

اوچونجوسو، بسیط جیسیملرین بیرلشمه
سیندن بیرلشمیش جیسیملرین نئجه مئیدانا
گلме سی آراشدیریلیر.

دؤردونجوسو، بیرلشمیش جیسیملری دئیل،
عنصرلری و اونلارا خاص اولانلاری آراشدیریر.

بئشینجیسی، بیرلشمیش جیملرین بنزر
پارچالاردان مئیدانا گلنلره بنزر اولمایان
پارچالاردان مئیدانا گلنلر آراشدیریلیر.

آلتینجیسی، بیر-بیرینه بنزر اولان پارچالاردان
یارانان و بیر-بیرینه بنزر اولمایان پارچالاردان
یارانان جیسیملرین آچیقلاماسیدیر.

یئددینجیسی، بوتون بیتکی نؤولری نین اورتاق
و اؤزل خصوصیتلری نین آچیقلاماسیدیر.

سککیزینجیسی، بوتون حیوان نؤولری نین
اورتاق و اؤزل خصوصیتلری نین
آچیقلاماسیدیر.

ایلاهیات بؤلومو اوچ قیسمه آیریلیر:

بیرینجیده وارلیقلار و اونلارین وارلیق اولمالاری
باخیمیندان خاراكتئریک اولان خصوصیتلری
آراشدیریلیر.

ایکینجیده منطق، هندسه، آریتمتیک و دیگر
علملرین آراشدیردیگی مسله لری اورتایا چیخاریر.

اوچونجوده جیسیملرین وار اولوب اولمادیقلاری
آراشدیریلیر و دلیللره ثبوت اولونور. سونرا بیر
اولان، وار اولان، گئرجک اولان عزیز و اولو تانری
نین وارلیغی اورتایا چیخیر. داها سونرا وارلیقلارین

اۇيرىندىكى طيبب ايله باغلى بىلگىلردىر. دىگرى ايسه خسته لر اوزرىنده اوزون مودت آپاريلدىغى موعالىجه زامانى الدە ائدىلن تجروبه دىر. دئمه لى، بىلىك و تجروبه طيببين موعالىجه سینه كۆمك ائدىر. عئىنى زاماندا اردملى حۆكمدار دا موختليف دوروملاردا و زاماندا بىلىگى، تجروبه سى سايه سىنده مووفق ايشلر گۆرور.

فارابيه گۆره، اردملى حۆكمدارين هانسى ايشلرى گۆردويو، اونون حكمرانلىغى دۆورونده دۆولتده هانسى ايشلرين گۆرولدويونو، توپلوملارين حيات طرزى نين يئترلى اولوب اولماماسىنى آريستوتئلين سياسته داير اثرى اولان پوليتىكا آدلى كىتابدا تاپماق اولار.

فارابى نين فيكرىنجه، حۆكمدارين كيم اولاجاغى مسله سىنى تثبىت ائتمك اوچون همين آدامدا اۆزل خصوصيتلر تاپىلمالى و اورتالىغا قويولماليدىر. موكممل بير عاغىلا صاحب اولماسى، بوتون ياخشى ايشلره چاتماغىن مومكون اولدوغونو باجارماسى، اۆزوندن اولكى حۆكمدارلارين ياخشى ايشلرىنى تقليد ائتمه سى، توپلوملا باغلى ايشلرده بوتون ياخشىلىقلارنى حياتا كئچىرمه سى مسله لرى نين گرگلى اولدوغو بىلدىرير.

فارابى كلام بۆلومونو ايكي يئره آيىرير:
اينانچلارلا باغلى بۆلوم، عمللرله باغلى بۆلوم.

فارابى نين فيكرىنجه، كلام بۆلومو دىنلرين اوستون اولدوغو گۆروشونده دىر. بئله حساب

ائدىرلر كى، اينسان ائله بير وارلىقدىر كى، عاغلى ايله درك ائده بىلمه دىگى، عاغلىن آنلايا بىلمه دىگى، عاغلىن عاجيز قالدىغى شئىلرى آنجاق وحى يولو ايله دىنلردن اۆيرنه بىلىر. دىنلرين وئردىگى بىلگىلرين عاغلىمىزىن قاوراما گوجونه صاحب اولمايدىغى بىلگىلر اولماسى مقبولدور. اونلار عاغلىمىزىن اينكار ائده جگى بىلگىلر اولماليدىر. اونا گۆره كى، بىزىم ان چوخ رد ائتىدىگىمىز، قبول ائتمه دىگىمىز شئىلرين بىزه ان يارارلى اولمالارىدور.

فارابى نين فيكرىنجه، اينسانلار دىنلر حاقىندا بئله بير فيكىر سؤيله دىلر كى، اوجا و عزيز اولان تانىردان بىزه وحى گتىرن آدام يالان سؤيله مه ين صادىق بير آدامدور.

كلام بىلگىلرى ايچرىسىنده قروپو دىنلرين موظفر قىلدىقلارنى گۆروشونده دىرلر. اونلار دى نين له ينه اولان نه گۆرورلرسه، اونونلا دىنى موظفر قىلىرلار.

كلام بىلگىلرى نين بير قىسمى اۆز دىنلرىنى دوغرو قبول ائدىر، اونو باشقالارى نين يانىندا اوستون توتور، اونونلا باغلى شوبهه لرى اورتادان قالدىرماق دوشونجه سىنده اولورلار. اونلارلا گۆره، دىنلرىنه قارشى چىخان اينسانلار ايكي جوردور: بىرىنجىسى، دوشمن كىمىدور. او جهاد و ساواشدا اولدوغو كىمىدور. ايكىنجىسى، دوشمن دئىلىدور، آنجاق عاغلىنن ضعيفلىگىندن روحو دىندن قىدالانىمىر. بير سؤزله، دىندن خبرى اولمور.

تورک قیریمی (قارا قیرقین) کشتار تورکان در غرب آذربایجان توسط دستجات ارمنی و آسوری

بسیار گسترده‌ای از اراضی تورکنشین در جنوب قفقاز را به دولت تازه تاسیس شده‌ی ارمنستان (و بخشهای دیگری را به داغستان روسیه و گرجستان) الحاق نمود. دولت جدید ارمنستان هم بلادرنگ شروع به پاکسازی قومی و اخراج ساکنین تورک بومی این مناطق، بویژه از شهر تورکنشین و آذربایجانی ایروان (اکثریت مطلق جمعیت آن تورک بود) و یا پایتخت بعدی این دولت کرد. هنگامی که روسها خانات تورکی-آذربایجانی ایروان - منطقه بر بیشتر اراضی جمهوری ارمنستان امروزی- را اشغال نمودند، اکثریت جمعیت آن تورک بود. تقریباً دو سوم جمعیت مسلمان (تورک) خود شهر ایروان-پایتخت بعدی ارمنستان -، یعنی بیش از ۶۰۰۰۰ تن از طرف روسیه در اوایل قرن بیستم، و بقیه به همراه تورکان ساکن در دیگر مناطق ارمنستان در اواخر همین قرن از طرف دولت ارمنستان به زور اخراج شدند.

از طرف دیگر ارمنیان به همراهی آسوریان، باز با تحریک، خطه‌ی و کمک دول استعمارگر غرب-مسیحی به هوس تاسیس دولت مسیحی آسورستان (آثورستان) در بخشهای شمالی خاک تورک‌انلی (غرب آذربایجان) به مرکزیت اورمیه، و الحاق بخشهای شمالی آن (حوالی خوی-ماکو) به دولت تازه‌تاسیس ارمنستان افتادند.

و باز در زمینه‌سازی این هدف، نیروهای مسلح دولت ارمنستان و شبه نظامیان ارمنی (قاجاق‌لار) به همراهی هم‌تایان آسوری خود (جیلوولار) به سودای بدست آوردن برتریت جمعیتی عددی و خاک، دست به قتل عام و نسل‌کشی تورکان در بخشهای شمال غربی تورک‌انلی (غرب آذربایجان) زدند. قتل عام فجیع و نسل‌کشی بیش از صد هزار تن از تورکان در بخشهای شمال غربی تورک‌انلی (غرب آذربایجان) به سالهای جنگ اول جهانی در اورمیه، سولدوز، خوی، سلماس، مرند، قاراداغ، دیلمقان، شرفخانه، ماکو، قوشچی، ... انجام شده توسط نیروهای مسلح مسیحی ارمنی-آسوری، به «قارا قیرقین»، «تورک قیریمی» و یا حوادث «جیلوولوق-قاجاق‌لیق» معروف است.



گروهی از قربانیان قتل عام بیش از ۱۴۰۰۰۰ تن ترک توسط اشغالگر مسلح جیلوی آسوری و قاجاق‌های ارمنی در غرب آذربایجان تحت اشغال روسیه

Urmia - Azerbaijan Turkish Genocide Committed by Assyrians and Armenians. Burying of Dead

در سال ۱۹۱۷ با سقوط دولت تزاری روسیه، قوای و مجبور به عقب‌نشینی از بخشهایی از خاک عثمانی که در آغاز قرن بیستم به اشغال خود در آورده بود شد. متعاقب آن تحت رهبری آتاتورک و با پس راندن نیروهای اشغالگر بریتانیا، فرانسه، یونان و ایتالیا، ملت تورک در آناتولی-رومی و یا تورکیه‌ی جدید، موفق به کسب و حفظ استقلال وطن خویش گردید. بدین ترتیب طرح ماجراجویانه‌ی دول استعماری اروپائی-غربی و بنیادگرایان مسیحی برای تاسیس یک دولت صلیبی-ارمنی در خاک و مناطق تورکنشین شرق آناتولی با استفاده از روشها و تاکتیکهای سابوتاژ، خرابکاری، ترور، شورشهای مسلحانه، نسل‌کشی، کشتار و اخراج توده‌ی تورک که به مدت بیش از نیم قرن آنها را بکار برده بودند (و در نهایت با واکنش سخت و رادیکال امپراتوری عثمانی مواجه شده بود) یکبار و برای همیشه با ناکامی مواجه گردید.

پس از اتفاقات فاجعه‌انگیز، پرهزینه و تاسف‌بار مذکور در عثمانی، نه ارمنیان و نه دول استعمارگر اروپایی-غربی از پای ننشستند. آنها برای جبران مافات در شرق و جنوب آناتولی، بیش از پیش به جنوب قفقاز و شمال غرب ایران متوجه شدند. در همان سالها روسیه بخشهای

اهمیت استراتژیک غرب آذربایجان و منطقه‌ی اورمیه

نیت و اصرار دولتهای استعماری اروپایی برای اشغال و تقسیم غرب آذربایجان بین دو دولت مسیحی موعود آسورستان و ارمنستان، دو سبب عمده داشت.

نخست ایجاد دولت و خصمی قوی در مرزهای شرقی عثمانی. اروپائیان در قرون گذشته به این هدف از طریق دولت صفوی نائل می‌شدند. اما دولتهای افشاری و قاجاری به طور روزافزونی سیاست خارجی و منطقه‌ای ضد عثمانی و ضد تورکی صفویان را ترک نموده و به سوی اتحاد استراتژیک با عثمانی حرکت کرده بودند.

دوم آنکه، همانگونه که فلورانس الوبلیه استاد دانشگاه سوربن پاریس هم تثبیت کرده است (ایران و جنگ جهانی اول. مجموعه‌ی مقالات سمینار. جنگ جهانی اول در غرب دریایچه‌ی اورمیه. ص ۴۳۰)، غرب آذربایجان و بویژه منطقه‌ی اورمیه دارای نقش کلیدی و تعیین کننده در منازعه‌ی بین دولتهای عثمانی-متحدین و روسیه-متفقین، و در امر دستیابی و تسلط بر قفقاز جنوبی، حتی آناتولی شرقی بود. استراتژیستهای عثمانی و روسیه وقوف کامل داشتند که برای دستیابی به قفقاز، پیروزی از آن کسانی خواهد شد که قبلاً منطقه‌ی اورمیه را تصرف کرده باشند. در نتیجه‌ی این ارزیابی بود که در سالهای جنگ جهانی اول، ارکان حربی روسیه به منظور اشغال منطقه‌ی اورمیه و تسهیل امر دفاع از مناطق تحت اشغالشان در قفقاز، سپاهی به فرماندهی کلنل اشتولدر بدانجا اعزام نمودند.

نبود حافظه‌ی تاریخی جمعی و تکرار فجایع

پس از فرو پاشیدن اتحاد جماهیر شوروی و گرفتار آمدن آذربایجان قفقاز در دامن جنگ داخلی و ناآرامیهای قومی و در اثر غفلت رهبران و ساده‌لوحی مردم رسپوبلیکای آذربایجان، ارمنیان دوباره فرصت را غنیمت شمرده استقلال منطقه‌ی عمدتاً ارمنی‌نشین قره‌باغ علیا از رسپوبلیکای آذربایجان را اعلام نمودند. بدنبال آن سناریوی قتل عام تورکها و اشغال اراضی تورک‌نشین در سالهای جنگ جهانی اول در شرق ترکیه، در جنوب قفقاز و در شمال غرب

تورک‌انلی (غرب آذربایجان) توسط ارمنی‌ها و با حمایتها و تشویق‌های آشکار و نهان روسیه و دول اروپایی- غربی (فرانسه، ...) و مراکز میسیونری مسیحی، بار دیگر و عیناً تکرار شد. با پیشروی ارتش ارمنستان و نیروهای روسیه در داخل خاک رسپوبلیکای آذربایجان، ارتش این کشور علاوه بر قره‌باغ علیا، قره‌باغ سفلی تورک‌نشین را نیز متصرف و افزون بر آن هفت استان دیگر این کشور را اشغال نمود. جنگ خونین در گرفته، بیش از پنجاه هزار کشته و یک میلیون بی‌خانمان و آواره‌ی تورک برجای گذاشت. در ادامه، به عنوان تاکتیکی برای فراری دادن اهالی تورک، ارتش ارمنستان با حمایت هنگ ۳۶۶ ارتش روسیه شهر خوجالی رسپوبلیکای آذربایجان را اشغال و به کشتار جمعی توده‌ی تورک غیرنظامی اقدام نمود. در «قتل عام خوجالی» صدها غیرنظامی تورک شامل زنان و کودکان به طرز فجیعی کشتار شدند. گزارشات منابع حقوق بشری و بین المللی بی‌طرف، پر از ذکر نمونه‌های فجایع و جنایات جنگی انجام شده در این قتل عام توسط نیروهای ارمنی، مانند دریدن شکم و بریدن گوشهای زنان و مردان، شلیک تیر خلاص به سرهای کودکان و نوجوانان، کشتار تمامی اعضاء بسیاری از خانواده‌ها، مثله کردن سربازان اسیر و به دار آویختن‌شان می‌باشد.

در ضرورت تاسیس مرکز آرشیو و اسناد «تورک قیریمی» («قارا قیرقین») در تورک‌انلی - آذربایجان اتنیک

گذشته باید در گذشته باقی بماند و البته می‌باید از آنچه که اتفاق افتاده است - بدون آنکه اسیر گذشته شد- درسهای لازم گرفته شود. این همان چیزی است که خلق تورک از آن غافل بوده است. در گذشته تورکان در تورکیه، آذربایجان و ایران که خود به دفعات قربانی نسل‌کشی ارمنه بوده‌اند آنچنان میدان را خالی نگذارده‌اند که اکنون ارمنیان موفق به قبولاندن داستان نسل‌کشی‌شان به افکار عمومی جهان شده‌اند. در حالیکه ارمنیان، وقایع خونین سالهای نخست قرن بیستم و مصیبت‌هایی را که متحمل شده‌اند را هرگز نخواستند فراموش کنند و فراموش کرده‌اند که آنها در حین آن فجایع، هم قربانی و هم قربان کننده بوده‌اند، و در حالیکه هویت ملی ارمنی را بر اساس نفرت و دشمنی با «تورک» بنیاد گذارده‌اند؛ مردم تورک در عثمانی، قفقاز و ایران، با ساده‌دلی تمام مصیبت‌هایی

مراسم سالانه‌ی یادبود مذهبی در مساجد و جمع‌انگیزی و نصب مجسمه و بناها و لوح‌های یادبود در آنها- به زبانهای ترکی، فارسی و انگلیسی- نیز اقدام نمود. مانند هم‌هی امور مربوط به ملت تورک، برای هیچکدام از تدابیر و اقدامات فوق تورکها نمی‌بایست منتظر و مشروط به حمایت و حتی اذن دولتی بود، بلکه می‌بایست راساً اقدام نمود.

تنها در این صورت است که می‌توان به این سوال پاسخ داد که چگونه چنین فجایعی بوجود می‌آیند و تکرار می‌شوند. یافتن پاسخ این سوال از طرف خلق و روشنفکران تورک، آینده‌ای صلح‌آمیز برای مردم منطقه و ملت تورک را تضمین می‌کند. و غفلت از پاسخ‌دهی به این سوال است که باعث شده تورکان در طول قرن بیستم اقلان چهار بار در معرض کشتار جمعی توسط ارمنیان و متحدان و حامیانشان قرار گیرند.

نقش و سهم ارمنیان بومی و مهاجر در کشتارهای پیرامون جنگ جهانی اول در آذربایجان ایران

در سالهای جنگ جهانی اول، تورکها در غرب آذربایجان توسط اشرار مسیحی-آسوری پناهنده از عثمانی موسوم به جیلوو و آسوری‌های بومی - مستظهر به دولتهای استعماری اروپائی و در راس آنها روسیه و فرانسه- بارها کشتار شده و قتل عام گردیده‌اند. اما در بسیاری از انتشارات و نوشته‌های سالهای اخیر در باره‌ی این کشتار و قتل عامها، - بدلیل خشم از اشغال قره باغ توسط ارمنیان- صرفاً نقش ارمنیان در آن فجایع تأکید و برجسته نشان داده می‌شود. حتی در موارد بسیار ارمنیان به عنوان عاملین اصلی و گاه‌ها تنها عامل آن فجایع تقدیم می‌شوند. این امر هم، بدرستی، باعث اعتراض برخی از ناظرین می‌گردد.

از طرف دیگر، هرچند عاملین اصلی بسیاری از کشتارهای مذکور در غرب آذربایجان، نیروهای آسوری مهاجر موسوم به جیلووها و هدایت و تحریک کننده و تدارکاتچیان آنها نیز کشورهای مسیحی و استعمارگر غربی-اروپائی و در درجه‌ی اول روسیه و فرانسه بودند، با اینهمه ارمنیان نیز در برخی از حوادث فاجعه‌آمیز مذکور، در دو فرم «دستجات اشرار مسلح» و «ارتش کلاسیک» شرکت داشتند. دستجات ارمنی پناهنده از عثمانی و فراری از قفقاز (قاجاق)، ارمنیان بومی و سالداتها و دراگوتهای ارمنی در اردوی منظم روسیه که در آن زمان بخشهای عظیمی از آذربایجان را تحت اشغال خود داشت، در شماری از قتل عامها و کشتارهای مذکور مشارکت فعال داشته و یا عامل آغاز کننده و اصلی کشت و کشتارها بودند. حتی در مواردی مانند نمونه‌ی تهاجم

را که در آن سالها متحمل گردیده‌اند، هم از حافظه‌ی خود و هم از حافظه‌ی فرزندان خود پاک کرده، تلخی‌ها و دشمنی‌ها را در گذشته دفن نموده و هویت ملی خود را نه بر اساس دشمنی با دیگر ملل، بلکه بر اساس دوستی‌های آینده بنا نهاده‌اند. خلق تورک -بر خلاف خلق ارمنی- نه به گذشته، بلکه به آینده نگر بسته است و برای حفظ این موضوع در حافظه‌ی جمعی ملی و روشن‌گری و اطلاع‌رسانی در باره‌ی آن، به سبب آنکه صادقانه به قربانی بودن خود باور داشته، کوچکترین اقدامی ننموده است. اما دیاسپورای ارمنی، به جای مواجهه‌ی بی‌طرفانه با تاریخ، اعتراف و عذرخواهی از کشتارها و مطالبی که در آغاز و پایان قرن بیستم بارها و بارها بر علیه خلق تورک در شرق تورکیه، آذربایجان قفقاز و ایران انجام داده، با زنده نگاهداشتن افسانه‌ی قتل عام ارمنه دائم در تنور نفرت دمیده است.

ما ایرانیان نیز بیش از هشتاد سال است با تبلیغات هماهنگ تورک‌ستیزانه‌ی لوبی ارمنی- قومیت‌گرائی شونیستی کانالیزه شده‌ایم و دانسته‌هایمان در باره‌ی مسئله‌ی ارمنی در عثمانی، کشتار تورکان در ایران و آذربایجان به دست ارمنه و آسوریان و کلاً مسئله‌ی تورک-ارمنی بسیار اندک است. لوبی پر قدرت ارمنی در ایران موفق شده است از یک طرف با وارونه‌نویسی تاریخ، ارمنی‌پرستان دوره‌ی مشروطیت و جنبش آزادی‌ستان و را به عنوان قهرمانان ملی «ملت آذربایجان» به آذربایجان‌گرایان ضد تورک جا بزند،

در ایران در اثر غفلت یک صد ساله‌ی خلق و نخبگان تورک - که خود قربانی قتل عامها و نسل‌کشی ارمنیان بوده‌اند- به جز نوشته‌های پراکنده و غیرتخصصی و مقالات اغلب جدلی، مطالعات و بررسی‌های جدی و آکادمیک و مجموعه‌های اسناد و آرشیو در باره‌ی «قارا قیرقین» و یا «تورک قیریمی» و یا کشتارهای تورکان در غرب آذربایجان به سالهای جنگ جهانی اول توسط نیروهای ارمنی و آسوری (حوادث جیلوولو-قاجاق‌لیق) وجود ندارد. جا دارد که مرکز و یا مراکزی به این منظور، متشکل از اسناد دولتی، روزنامه‌ها، عکسها، خاطرات بازماندگان آن حوادث، سروده‌های آشپان، مرثیه‌های مردمی در باره‌ی آن فجایع و ایجاد شود. در کتب تاریخ و جغرافیای مربوط به منطقه هم اطلاعات پراکنده‌ی بسیاری وجود دارد که آنها هم می‌باید جمع‌آوری و بر حسب موضوع و محل وقوع فجایع (اورمی، سالماس، خوی، دیلمقان، سولدوز، ماکو، قره داغ، مرند، قوشچو، شرفخانه و) هر کدام به صورت جداگانه دسته‌بندی و نشر شوند. همراه با برگزاری کنفرانسها و نمایشگاهها و سمینارهای علمی ادواری در مراکز دانشگاهی و فرهنگی شهرهای مذکور، می‌بایست به برپاداشتن



ژنرال ارتش ارمنستان، ارتشبد آندرانیک اوزانیان که برای اشغال به شهر خوی حمله کرد اما از طرف مردم خوی و نیروهای مسلح متحد تورک بومی و عثمانی مغلوب و مجبور به فرار شد

ارتش ارمنستان به فرماندهی سرلشکر آندرانیک اوزانیان به خوی، ارتش ارمنستان مستقیماً به شهرهای آذربایجان حمله کرده است. علاوه بر آن، ارمنیان در آن دوره، هم در بخشهای شرقی و جنوبی آناتولی و هم در شمال ارس به کشتارهای بی‌شمار بومیان تورک دست یازیده‌اند.

با توجه به تحریف گسترده و سیستماتیک تاریخ معاصر منطقه و بازنویسی یک‌جانبه‌ی آن، مظلوم‌نمایی خود و شیطان‌سازی از خلق تورک توسط ارمنیان در سطح جهانی، جا دارد که تصویری جامع و واضح از نقش و سهم ارمنیان بومی و مهاجر در تک‌تک کشتارهای پیرامون جنگ جهانی اول در آذربایجان ایران به استناد اسناد و مدارک باقی‌مانده از آن دوره ترسیم شود.



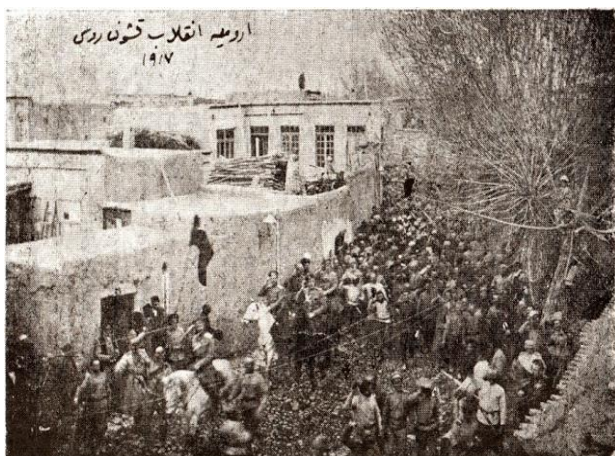
جیلو قوموتانلاریندان رافائل خان، روس سوبایلاری ایله. باباری کندی. اورمو. ۱۹۱۷-۱۹۱۸



فرار جیلوها به ناحیه‌ی بیجار - آذربایجان؛ بهار ۱۹۱۸



اشغال اورمیه و تخریب آن توسط ارتش روسیه و نیروهای مسیحی. ماه مه ۱۹۱۵



روس سالدات و دراگونلاری‌نین اورمونو ترک ائتمه‌سی؛ ۱۹۱۷



جیلو قوموتانلاریندان آفا پشروس، ملیک خوتابا و روس سوبایلار. اورمو. ۱۹۱۷-۱۹۱۸ سؤزوموز



توپخانه جیلوها در سلماس ۱۹۱۸ م - ۱۲۹۶ ش



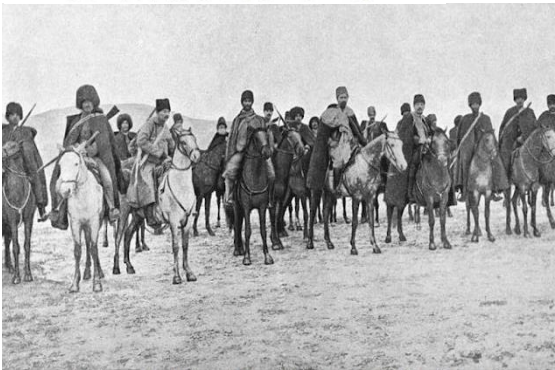
«قوای مسلحه‌ی مسیحی» در حال اشغال اورمیه ۲۴ فوریه ۱۹۱۸



قوای مسلحه‌ی مسیحی در حال غارت اورمیه پس از اشغال آن



آمیولانس امداد خاور نزدیک در حال جمع آوری اجساد تورکان قتل عام شده توسط نیروهای مسیحی، اورمیه، بهار ۱۹۱۸



آزه ریاجانا سالدیران کوتوللو ارمینی چنته‌چیلیری- ۱۹۱۴- پاندهای داوطلبان ارمینی مهاجم به آذربایجان



تورک‌الینین همدان بولگه‌سینده اینگیلیزلره‌رین توپلادیغی جیلوو قاجقینلاری



روس اوردوسونون اورمیه‌نو ایشغال ائتمه‌سی- ۱۹۱۵- اشغال اورمیه توسط ارتش روسیه



جمشیدخان افشار ارمی- مجدالسلطنه
فرمانده‌ی دستجات یازدهانی تورک
موسوم به «تورک چنگله‌ری»
نوزدهم



اورمودا خیرستیپان کوجله و جیلولارجا اؤلدورولن تورکلهرین دفن ائدیلمهسی
تدفین نورکان قتل عام شده توسط مسیحیان و آسوریان جیلو در اورمیه



اورمودا تورک قتل عامینی (تورک قیریمنی) یابان یاراقلی خیرستیپان کوجله ری
(قوای مسلحه دی مسیحی) - ۱۹۱۸



اورمودا روس و اینگیلیز سویایلاری- ۱۹۱۵



کروهی از دهها هزار تن ترک قتل عام شده در اورمیه توسط نیروهای مسلح مسیحی- جیلوهای آسوری در ۹ سپتامبر سال ۱۹۱۸ که در پشت مسجد حاجی خان در محل شهیدای افشار در کانالی به طول ۲۰۰ متر دفن شدند. سوزوموز

Urmia Azerbaijan Turkish Genocide Committed by Assyrians and Armenians. Burying of Dead.



جیلولاریمیش خیرستیپان یاراقلی کوجله ری (قوای مسلحه دی مسیحی). اجساد قوای مسلحه دی مسیحی اشغال و قتل عام کننددی مردم اورمیه



جیلولارین اورمودان قاجماسی- ۱۹۱۸ سوزوموز

مهران باهارلی



اعضای صلیب سرخ در حال بازدید از تخریبات حملات مسیحیان در غرب آذربایجان، مرز قاجاری-عثمانی ۱۹۱۸

نریمان حسن زاده نین آفوریزملریندن

NƏRİMAN HƏSƏNZADƏNİN AFORİZMLƏRİNDƏN

سئوینج گۆردوم، اوردا دا غم وار.

سر کرده ییخیلسا، اوردو داغیلار.

بیر توی پالتاری وار، بیر یاس پالتاری، ینسانین
حیاتی، بیر ده مزاری.

بو دنیا ازلدن بیر قورو سسدیر، اونو دیندیرمه سه
ن، قارادینمزدیر.

یاددان گۆزله ییریک ضربه نی، هر وقت ان
یاخین آدامدان آلیریق آنجاق.

کۆچدو او دنیا یا بو دنیا اوغلو، یئر آلتی یئر
اوستدن شهرتلی اولدو.

قلبینده توفان وار، اوزده راحتدیر.

عاقیل آداملارین فهمی، دیقته قاباقجا حس
ائدیر هر فلاکتی.

اورک گۆزدن چکیر، گۆز گۆردویوندن.

قیلینجدا گوج اولور، قلمده حکمت، بیرلشسه،
باسیلماز بو ایکی قوووت. حکمداردا قیلینج،

شاعرده قلم ...



لاکین بیر اورک وار، بیر ده ناموس، عار، ناموسا
سسله ییب بیزی بابالار.

آما قونشولارلا گرک دیل تاپاق. نیفاق یوخ،
ایتتیفاق هر شئیدن قاباق.

اولادا آتاییق، وطنه اولاد.

انسان داشا دؤنور ... داش عزیز اولور.

دنیا سحر کاردی. .. اؤز تجرویم وار، هاردا

یاراماز کیشیه آغجیر اولماق، ترددود فلاکت
گتیریر آنجاق.

... سوسان آپارار ...

بو دنیا هره یه بیر اجل وئیر، زهری، شربتی
عینی ال وئیر.

سۆز وار، او، دیلله آغیز دان دوشور، آغیز وار،
سۆز اوردا نوفوذدان دوشور.

شبهه دوگورورسا، بدبختدیر انسان.

... هاردا گونش دوغور، اوردا بولود وار.

سیاست عاقلدی، بیر ده احتیاط، بونو بیلمه یه
نی محو ائدیر حیات.

گلیرم دئییه دئییه، گندر گلیمزه گئتدی.

یا نیفرت ائتمگی باجار دنیا، یا ازیل، تاپ
دالان آیاقلار آلتدا!

اؤلونو اؤلدورمک هنر ساییلماز.

بو حیاتدا هر کسین اؤز حیاتی وار، هر دیلده بیر
بایاتی وار ...

خلقین تاریخی وار، تاریخیسی یوخ، بو قدر
یول گلیب، یولدا ایزی یوخ.

بو حیاتدی، سرتدی اوزو، سیناقلاردان
کئچیریریک عمر و موزو.

نامردلر مردلره حیاتدا هر گون احتیاط اؤیره دیر
یاشاماق اوچون.

بیر آدی دوز مین ایل یاشاتماق اولار.

تدبیرله باش ایشلت، عاقللی ترپن، یوخسا
بیردفعه لیک بادا گندر سن.

آچیق خیانتدی گیزلی ایتیفاق.

آلدانیر، آلداتماق ایسته ین هر کس!

هر شئی بو حیات اؤیره دیر بیزه، تقیبلر احتیاط
اؤیره دیر بیزه.

گوجلر کیشیلرده غرض، کین اولماز.

سفره چیخانا احتیاط گرک، گؤتور احتیاطی بیر
آذوقتک.

قارانلیق ایشیقدان گؤرونمر هنج وقت، ایشیق
قارانلیقدان گؤرونور آنجاق.

بۇيوكلو ك گۇسترسين گر ك بۇيوكلو.

هنرى قىلىنچسىز گۇستريدىلر.

... سۇزدن يارالانان سۇز قانان اولور.

نيه حىوانلار يى دىلى يوخ ايكن، دىل تاپىب
ياشاير بئله قديمىن؟

انسان اوز اصلينه اوخشايا بيلمير، دىلى وار، دىل

تاپىب ياشايا بيلمير؟

... اولودون ديرييه خاتا توخونماز.

عقربلر سانجاندا كاريخير انسان، گولور،

آغلاماغي چيخير ياديندان.

... تاختاجدا اوتوران هئچ كس، سونونجو

فكرينى اولجه دئمز.

تلسمه، تدبيرله گۇرولن ايشدن انسان ايكي دفعه

سئوينر حكمن:

اول بيلنده كي، يانيلمايىدى، سونرا بهره ه سيني

گوردويو زمان.

ال ايشده گۇرونوب، داش هۇرگو اوسته، يوز

بوداق دوغرانيب بير كۇتوك اوسته.

آغيرليق ائله مز بير باش هئچ كسه، بير باش

ايكيياشلى سۇز ايشلتمه سه.

دينانين غريبه تضادلارى وار، كيم كيمدن

قاچارسا، اونا توش اولار.

حكمتله اويوشمر هئچ وقت عداوت.

تاريخه حرمت وار حياتدا، بير ده حرمته تاريخى

بير مناسبت.

قايدا شيمشك وار، بولوددا توفان.

انسانين چييينده باش اوزو تاجدى، نيه او

خييسدى، او گۇزواجدى؟!

ايطاعت ائله ييب انسان هميشه، باتان گونشه

يوخ، چيخان گونشه.

در ك ائده بيلسىدى اوزونو بشر، نه حيله

قالاردى انساندا، نه شر.

... گوى روزى پايلايير، يئر نعمت وئير.

... شر گلير هميشه گۇزله نيلمه دن.

يوز حيله قورولور بير نيت اوسته.

بيزده بير ميثال وار: بۇيوك آداملار بلدچى

آختارماز، بلدچى اولار.

* * *

اوغورورلا آچیلماز باغلی قاپیلار، صبرله
آختارسان، ایتن تاپیلار.

* * *

آغیز طریزیدی، دیل اوردا پرسنگ، سۆز اول
آغیزدا چکیلین گرك. آغین، یونگولو اوندا
بیلینر.

* * *

دؤیوش میدانی دی بیر باشین ایچی،
قولاقلار کئشیکچی، گۆزلر خبرچی.
باش زیرئه، فیکیرلر قوشون کیمیدیر،
زیرئهل قوشوندور اصلینده فیکیر.

* * *

... بیر قاچان واردیسا، بیر ده قویان یار. قویان دا،
قاچان دا کؤمک ایسته ییر.

* * *

شرقین تفکرو باشقادیر تامام، اخلاقلا اؤلچولور
حتّی احترام ...

* * *

قوناق قارشیلماق عادیمیزدی، خلقین نیتی
پاک، روحو تمیزدی.

* * *

صبر لیاقتدی، دایم آییق اول، غم گلسه
اوستونه، غمه لاییق اول.

* * *

سعادت داش آلتدا دوستاقدی، قیزیم، فلاکت
یول اوسته اویاقدی، قیزیم.

* * *

.. انسانین قصدینی حیوانلار دویور.

* * *

گۆز یولدا اولاندا آغیردی دؤزمک، اوره یه شر
گلسه، خیره یوزماق اؤزو ده انسانا بیر تسلیدیر.

* * *

بیزده ده گۆز یاشی، گولوش، غم، فیکیر انسان
اورگی ده دؤرد فصیلیدیر.

* * *

ایچیندن یئمه سه قورد بیر آغاجی، مین ایل عمر
اثلیر دمیر آغاجی.

* * *

کئچیب احتیاطلا داغدان، قیادان، دوز یولا
چیخاندا ییخیلیر انسان.

* * *

بشیکدن سنگره بیر آددیم ایمیش، اولادلار
نئجه ده تئز بویوبورمیش.

* * *

بو خیردوعالار روحی دایاغیم، یولدا
آزوغمدی، چۆلده یاراغیم.

* * *

... بو دنیا یوخولو رفیقه میزدی.
او ائله دیودی کی، اویاتماق اولماز،
وئردیگی زهره بال قاتماق اولماز.
هامیلا رفتاری خوشدور ازلدن،
اولجه دوست اولور، آخیردا دوشمن.

* * *

کیپریکلر ندیر بس؟ گۆزون نبضیر، تانری،
داریخانی اؤزو حیفظ اندیر.

* * *

بو دنیا اولدن عوضوعدی، انسانی یاشادان بیر

دوغما سسدى.

... بىر ساكىتلىك اولور توفاندان قاباق.

طالعدى، اوزاوزه گتىردى بىزى، سىناقدان

كنچىردى هر ايكىمىزى.

اود سۇنور، كول آلتدا قالير ايسىسى. پلنگين

يولو وار، ايلانين ايزى.

يىخيلان گور موشم، آياق اوسته دى ...

گويده اولدوزلارين ديشمه سيندن يترده ده

ديشير وضعيت حكمن.

طبيعت شيطاندى، انسان اويونجاق، بىزى

شيمىكدىريب او، آلداداجاق.

خوشبختلىك گلنده لعنگيىر حكمن، بدبختلىك

گلنده گلير قفيلدن.

گونون بىرى شربت، او بىرى زهر، سونرا زهر

قوصور شربت ايچنلر.

من اوز طالعيمله البياخيام ...

... باشقادير دنيدا داخيلي عالم.

آغلاساق، گيزله ده ك گوز ياشيمىزى، ي

ايخىلساق، ديك توتاق بيز ياشيمىزى.

... تئاترى يوخدورسا يوخولودور خالق.

پرده لر گوزلردن چكىر پردنى،

عافل دانشاندا تلسمه بىر آرز، اورك دانشاندا اونا

ماسكالار اويادير سنى ... و منى.

قولاق آس.

... ان بويوك عاجزلىك حكمن ائلمكدىر.

خلقين بويوكلوگو سيلاحلارلا يوخ، آتالار

سوزويله اولچولمه ليدى ...

... سارايلاردا دوغولماق ايله، سارايدا ياشاماق

بىر دئيىل هله.

آغ ساجين هر باشدا يوخدو قيمتى،

... باش كيچىكدى، بدن بويوكدو، باش بويوك

ساجا دا قيمتى باش قازانديرير ...

اولاندا بدنه يوكدو.

" شاعرله بىر گوروش، يا عادى صحبت، الله -

بلكه بىر موغنى، بىر نغمه دئين خوشبختدى

خدمتدى، بنده يه حرمت ... "

فيكىرلى عمر ائله يندن ...

***	***
ایسته بیرم بیر آز یاتیب دینجلم، سیلکله ییب "	شاعرین دیلیندن شعر ائشیتمک، عوضسیز بیر
اویان " دئیر طالعییم.	نعمت ساییلسین گرک.
***	***
اینانمیرام، دئیلنلر یالاندی، یالانلارا " اینان "	شاعره احترام عادیتیمزدی، هر سوزو
دئیر طالعییم.	سوزوموز، صحبتیمزدی.
***	***
خوشبختدیر او صنعتکار، سوز دولو سینه سی	شاعرسیز ملتین علاجی یوخدور، دئمک، او
وار.	ملتین دیلمانجی یوخدور.
***	***
طالع منی عزیزله بیر سیغالی قاپاز قاریشیق.	سوزون قیمتینی وئر بیلمه یهن باش وارسا، او
***	باشی ردد ائدیرم من.
***	***
طالع منه باتا بیلیمیر، قووور هله، توتا بیلیمیر.	شاعردی دیلمانجی حسین، دوغونون ...
***	***
آمان، اورک، هارا گتسم سن منیمله گنده	شاعر آزاد یازیب یاراتمالیدی، شاعر الهامینی
جکسن.	اویاتمالیدی.
***	***
من بؤلونموش بیر ملتین شاعرییم ...	یاتیرام شیمشک کیمی من بولدون ایچینده ...
***	***
نه بیلیم، دنیاذا من اؤز الیمدن بلکه ده بیرینجی	سئویر شاعری بو خالق، خلقین عنعنه سی وار.
شیکایتچیم.	***
***	***
اثلین آرخاسی وار شاعردی او دا، شاعر یاس	من ائله تورپاغام منیم باشیمدا فلاکت اکسه لر،
توتاندا ائل دؤزه بیلیمیر.	سعادت بتر.
***	***
... قار یاغاندا، گونو ده گور، باجار، منده.	دانشدیر، دانشیم، اوخوت، اوخویوم ...
***	***
ظرافات ائلمه سن بو حیاتلا ...	آغ ساچلار ایچینده آغساققال اولماق! انسان
	سرگیسی نین فرقی بوندادیر.

اٲل اوبادان سوزولوب گلن سوز اینجیلری

حاضیرلایان : بهبود مرادی اٲلچی بی

برزگر(گرگرلی آراز) ١٣٤٠ اجی گونش
ایلی جلفا گرگر(هادیشهر)ده بیر ضیالی
عایله ده دوغولوب ؛بیر آز ماز تحصیل
آلاندان سونرا بازاردا ایشه
باشلامیشدیر؛آتاسی ایرحمتدیک ایبراهیم
پهلوی دونمینده بیر آچیق فیکیرلی
آذربایجانلی اولدوغونا محمد رضا شاهین
٢١ آذر ١٣٢٥ اینجی جینایتلرین
اونودمایارق هممشه بو خیانتکار شاهین
سرت مخالیفلریندن اولوب عومور بویو
دونه دونه محبسلوغا معروض
قالمیشدیر؛گرگرلی آراز او عایله نین
یئتیرمه سی اولارق یٲنی یٲتمه
چاغلاریندان اٲولرینده گئدن آچیق
فیکیرلری منیمسه ییب اؤزوده گنج
یاشلاریندان مطالعه اٲله ییب داها بیلگ
حدینی آرتیرا بیلیمیشدیر؛عین حالدا آراز
بی عایله لی گرگر (هادیشهر)ده
یاشاییر؛بازنشست دیر؛گرگرلی آراز اوشاق
ادبیاتی نین اوسده ایشه میش بیر
ضیالی و شاعیردیر کی ایندی اؤز
یازدیقلاری شعیرلردن اوشاق ادبیاتی
آدیلا اوچ کیتابی چاپدان
چیخبیدیر؛(اوشاق ادبیاتی بیرینجی
سای)١٣٩٤ اینجی گونش ایلی ١٥٠
صفحه ده (گولر چیچکلر)١٣٩٦ اینجی
گونش ایلی ٧٤ صفحه ده (اوشاق

ادبیاتی)(اوچونجو سای ١٨٠ صفحه ده
١٣٩٧ اینجی ایلده (گرگرلی محمودون
ناغیلی)٩٠ صفحه ده ١٣٩٦ اینجی ایلده
بو چالیشقا دوستوموز هله ده یازیب
یاراتماغا داوام اٲله ییر گلن ایللرده نٲچه
علاوه کیتابی دا چاپ اولونماق واردیر



١٠-بیوگرافی

اوستاد اسماعیل مرادی (مشفق)محمد
اوغلو ١٣٤٤همدان بولگه سی نین قُروه
درگزین شهرینده آنادان اولوب؛اؤن
ایکینجی صنیفه قَدر درس اوخوب
(دیپلم)سونرالار آموزش پرورش دئییلن
ایداره ده ایشه باشلاییب هابٲله تربیت
معلم پئشه سینن هونری چالیشمالاریندا
داوام اٲله میشدیر؛هر حالدا اوستاد مشفق
ایران عراق ساواش عیلی اولارق
نؤوه(شیمایی) سیلاحیناندان زهرله نرک
اؤتوز فاییزعلیلیگی واردیر؛عایله لی و
ایکی اوشاغین آتاسیدیر؛اوستاد مرادی
کوکسو آلولو بیر شاعیر اولارق یازدیغی
شعیرلردن یانقین اییسی گلیر؛اوستاد
عموما غزل شاعیریدیر؛هله ایندی یه
کیمین اؤز یازیب یارادیغی جان سینر
شعیرلردن چاپ اٲله مه ییب اومودائدیرم
یوخون گله جکده آلتین قیمتلی اثرلری

شعرده " قوجا " تخلص ائدن شاعیر یوسفعلی
گلدسته کجاآبادی، محمد تقی اوغلو، ۱۳۳۶-
نجی گونش ایلینده موغانین بؤلگه سی نین
پارساآباد شهری نین «قوجا بی لی» کندینده
دونیایا گۆز آچدی. ابتدایی و اورتا مکتبی اۆز
شهرینده ائله جهده تبریزده اوخویوب "طبیعی:
رشته سینده دیپلوم آلمیش، ادبیات ساحه سینده
فوق دیپلم مدرکی ایله "اؤیرتیم- ائیئتیم"
(آموزش و پرورش) اداره سینده معلم لیک وظیفه
سینی داشیییب، ایندی ایسه تقاعده دیر. واخت
آشیری محلی درگی لرده و سایره ده یازیلارینی
چاپ ائتدیرمیش بیر پارا چئشیدلی سئچیلیمیش
شعیرلریندن، ۱۳۸۸ جی گونش ایلینده " دورنا
قانادیندان دوشن للکلر " آدلی کیتابی ایشیق
اوزو گورموش، و نئچه دفتری ده چاپا
حاضرلانمیشدیر.

قزل

کیمی!

گۆزلریمده گزیه بئله! شوملار کؤهنه کهریز کیمی!
گۆز-گۆز اویوب قازما بئله، قوملار گیلهم! کورفز کیمی!
یول وئر اؤتوم باخیشین دان، او شیمشکلی چاخیشین دان
یاز بویالی ناخیشین دان، مین بویانیم پاییز کیمی!
یا گۆزون ده گیزله منی، قات یوخونا یوزلا منی
چیرپ ساحيله توزلا منی، بیر دالغالی دنیز کیمی!
بئله اولوب نئچه عصیر لالا کؤنلوم دوشوب اسیر
دیل سورغودا، دوداق اسیر، نانا کیمی یارپیز کیمی!
او گۆزلرده گونش ساچیر، آخشاملاچاق "آی" سو ایچیر
عؤمر-گۆنوم اوردان کئچیر، سوزور باتیر اولدوز کیمی!
"قوجا" حیات بیر بورج اییمیش، چوخ سئوگی لر

قوشما

آزالما دی

آغریلار آجیلار ایچیمی اؤیدو!

چاپ اولوب آذربایجان و تورکو سوز
خزینه میزه علاوه اولونسون
گورمدیم ...

دونیانو گزدیم چلوغان گورمدیم
بوخچاسون دئشیدیم بدخشان گورمدیم
چرخ دیوموش دفترین غمدن یازوب
بو نه دیواندور که دیوان گورمدیم

بیر اوزوم "یورغون" یازوب بیر اوز "غریب"
اسدی طوفان، بوی باران گورمدیم

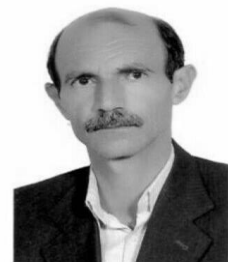
ایچدیریب غم کاسه سین قان چشمه دن
مندن اوسته یئرده ال قان گورمدیم

یازدوروب فرهاد کیمی داغدان داشا
بیستون سیندی شیرین جان گورمدیم

کولگه باخدوم آی یاتا گون چیخمدی
چیخدی جانوم قوی چیخا جان گورمدی

غملی گولولوم گل اُتور غمسیز یاشا
گزمه، یوخدو، غمسیز اینسان گورمدیم

درد دن باش درده درمان گورمدیم
"مشفقا" باخدوم، کماکان گورمدیم



بیوگرافی

أريتدي_دوغرادی، اوودا! آزالمادی!!!
 دولاندى هفته لر، دولاندى آيلار!
 ايللر باشا چاتدى، درد آزالمادی!!!

بو ایللر خیش سالدی قاشیمین اوسته
ایلدیریم کیشنه دی، باشیمین اوسته
سئلر داشلان دیسا، داشیمین اوسته!
اودلار اوجاقیندان، اود آزامادی!!!

هر اۆتن بىر قوناق، دوغما خان اولدو
سفره مېن باشىندا اۆت قانا دولدو
سونرا قان اوتدوروب، واريمى بولدو
اۆگىي آزالماي، اۆي آزالماي!!!

قوهوم گوز یومدوسا،! گوز تیکدی یاغی
آیری سا..! شافاقلی باتیلا_دوغو*
سینیرلار** بولورسه! سول ایله ساغی
کؤنول خریطه مده، یورد آزالمادی!!!

نه یاخشی! وورغونو واردی تورپاغین
حدودسوز دنیزین، اورمانین، داغین
ابدی دالغالی وطن بایراغین
گویلره اوچالدان مرد آرالمادی!!!

گرایلی

دنیازیم

قاپالی درد دنیزیم
مین گوْلوم یوز دنیزیم
ار-ائیید- مرد دنیزیم
سینه‌سی گوز دنیزیم
آی منیم سؤز دنیزیم
آی منیم اوز دنیزیم

اولدوز، اولدوز قلیله
قوینونا نور تپیله
یارام اوسته سپیله
"اورمو" آی! دوز دنیزیم

ساحیلی بوز دنیزیم
آی منیم اوز دنیزیم

"خزر" ه پای ائیره‌لی
توتور اووجو، لئره‌لی
هم آراز، هم کُر آلی
وار توکنمز دنیزیم
آغلاغان گوژ دنیزیم
آی منیم اوز دنیزیم



بیوگرافی

شاعیر احد زمانی

(آنیرقوجام) ۱۳۴۳ اوچونجوگونش ایل تولدولو
اصلی سوی کوکو قاراباغدان اولسا بیلگه لر یئتیرن
تبریزشهرینده دوغولوب ایجتیماعیتده اوزره
تحقیقاتچی وعالیه تحصیلی دیر؛بازاردا ایشله ییر
؛و آنیرقوجام عالیله لی اولاراق اوچ اوشاغین آتاسی
دیر؛ عین حالدا تبریزده یاشاییر؛ گئچمیش صوفی

لیک مسلکی اوزره تحقیقاتلاریدا اولوب و
اونلاردان بعضی لری لندن ده یاییلان صوفی
درگی سینده و تبریزده سه؛ اشراق و
سفینه ی- تبریز درگیلرینده چاپ اولموشدور.

یئنی معبد

قاش _ قابقلی بیر معبد.

آتیلرلار طشره بیردن اوشاقلار
اورادا توپراقلارلا اویناییرلار
هر گونلر کیمی.

اؤیندن یورغون تانری
_ بئزیکمیش داهای

عابدین ویر ویر ویریندان _
بویلانیر ائشیگه

بیر آردیم!
داهای بیر آردیمدا...

عابد باخیر ...
باخیر عابد او گونده کی
آتیلیب، دوشن
شیطان اوشاقلارلا باخیر؛
" بونلار بوگون
نه شیرین اویناییرلار توپراقلارلا! "

عابد تانرییا مشغول اولور ...!
رابیندرانات تاگور- دان، تاثیرلنرک

چیراغ تاپ!
بوردا دایانما

ندن بوردا یوبانیرسان
چیخ قایت گئت اوز ائوینه!
بیر خوش چیراغ باش باغلا،

او قارانیق غم کومانای.
بیرجه ایشیق آختار _ تاپ،
باشلا یانماغا باشدا.

آغاچ یانارسا کول اولور
اینسان خوش یانارسا حکیم!
کوله صاحب چیخان علاف
او حکیم _ ه رب کریم

دایانیب، یوبانما
یانماغا باشلا
اوزولوب اوفانما
بوردا دایانما...

هارادا قالدی بو بویوک نوولین آردی
صابر دئییه ردی؛
" اولوبه؟! "

او نوولچی دن خبرسیزم.
یاریمچیلیق قالدی
بوکولدومو بو اثر،
یازیدان، پوزودان خبر یوخ!
یاز گلدی ده،
دستانین آردی توتولمادی

الله دا توتولانا بیلرمی
حاشا و ثم حاشا
ندن بو فیلیم بوش گئدیر
آغ چکیلیب تمام
یوخ! قبول دئیل ...

بیز قیزیل، ماوی، ... یاشیل گوزلوردوک.
علوی، هیجانلی گئدیشلر

اخلاقی وطن سئوگیسی داشیان خسته قاسم
دیاریندان بیر نغمه عنوانلی شعر کتابی ایشیق
اوزو گورموشدو ایکینجی شعر توپلوسو و مذهبی
شعرلری نین بیرینجی جلدی (نوای نینوا) عنوانی
بو تئزلیکده چاپدان چیخاجاق.

قوراقلیغیمیز

نه واردی ایندی مصلاده آغلاماقلیغیمیز
یاغیشدا یاغمور اولور ایل به ایل قوراقلیغیمیز

قویون قوزیلا یاتاردی یاتاقدا کورنه شیلن
نه وار قویون نه قوزی بوش قالب یاتاقلیغیمیز

نه اولدو جوت چوپوغیلا توتوملی خوش توتاقی
بو گوشه تلگرام اولموش بیزیم توتاقلیغیمیز

اولوبدی ائولره نامحرم ایندی سئشمه ترک
بزکلی میدان اولوب کرمه لیک قالاقلیغیمیز

دوتوبدو تیرچه بلوک ایندی آتما پردی یثرین
اولوب داهی ایزوگام موهره دام سواقلیغیمیز

نه اولدو یئددی گئجه یئددی گونلو طویلاریمیز
بریکله سالسا اولوب ساده اویناماقلیغیمیز

بزکلی صاندیق آپارما حنا دوواق قاپا
هانی او دبلریمیز چال چاغیر قوناقلیغیمیز

دوماندا داغ بوغولان دک آخر بیزی بوغاجاق
بو حیرص جوش بو افاده بو قاش قاقاقلیغیمیز

نه اولدو قونشوسونا قونشو جان دئین گونلر
نه اولدو ائل اوبیا داغ کیمی دایاقلیغیمیز

قایتارین ناشره بونو
یازیسیز ، آغ کتابی قایتارین
بویله شاعیر، نوولچی نه دئمک ؟
آرد _ آردینا گلن
بوتون اوچ نقطه لرله

نئجه یاشاسین ، نه دوشونسون
اولمایا قالانین بیز یارادیب ،
یازاجاییق ؟

بیر کتاب ، یکی قلم !
نه اولوب ، نه چیخار ؟
اوداکی اللرده ،
هر الدهه بیر نسخه سی اولان یئرده

راضی دئیلم بونا ، بو سوزه ؛
"ایشی کیم یاپدی ، قورتاران !"
یوخ !
باشلایان قورتاراجاق
بو نوولین آردی هارادا...

بیو گرافی

اکبر قبری تیکمه داش زلفعلی اوغلو ۱۳۴۱جی
ایل آذربایجانین گوزل بیر گوشه سی سایلان یام
یاشیل طبیعتده مالک اولان آدی خسته قاسمین
آدی ایله باغلی اولان تیکمه داشدا دونیا یا گوز
آچدی اسکی اصولدا اداره اولونان مکتب خانا
تحصیلینی بیتیردیکدن سونرا کند ایشلرینده هم
تیکینتی ایشلرینده ایشله میشدیر او ایندیده
همین ایشلرله مشغول اولاراق تیکمه داشدا
یاشاماقدادیر وهابئله بستان آبادا چالیشان استاد
شهریار آدینا ادبی درنگین اداره هئیتی نین
عضولریندن دیر ۱۳۹۲ینجی ایلهده اجتماعی

آغاردی باش گوزوموز قنبری قوجالدیق دای
سووشدو سرعتیلن حیف اولا اوشاقلیغیمیز.

گلن گنده جک

بو دونیا فانیدیر فانی دونیادا
کیمسه قالما یاجاق گلن گنده جک
وارلی یوخسول غملی غمسیز یاخشی پیس
آغلایان گنده جک گولن گنده جک

هره نین بیر یانا آتاجاق داشین
هره نین بیر جوره قاتاجاق باشین
اورکلرین پاسین گوزلرین یاشین
سیلمین گنده جک سیلن گنده جک

چوخلاری اوخشادیب اوزون خان بییه
منملیک قویما بیر چرخه باش ایه
گلشی نیه دی گئدیشی نیه
بیلمین گنده جک بیلن گنده جک

قنبری دونیانین اوپما فئلینه
چوخ چیراغلار سونوب بونون یئلینه
شاه اولایا گئدا سون منزلینه
بیر آغ کفنیه اولن گنده جک

سهند

یاز اولاندا آل الوانا بورونر
آچیلار لالاسی گولی سهندین
گوللرینده یاشیل باشلار گورونر
اویادار قوشلاری یئلی سهندین

بوز قوشدان گوج آلیب گویه اوجالان

محبتین اوزو گئتدی فقط قورو آدی وار
یاد ائتدی بیر بیریمیزدن بیزی اوزاقلیغیمیز

نه قوچ کور اوغلو قالیب ایندی نه قوچاق نبی لر
دوشوبدو دیلره اونلارلا بو قوچاقلیغیمیز

کئیندیریر ائله دوندان دونا زمانه بیزی
نه بیر آریقلیغیمیز بلله نیر نه چاغلیغیمیز

ندندی هی دویون اوستن دویون دوشور ایشیمیز
نقدری بیز آچیریق پیتلاشیر یوماقلیغیمیز

زمانه چکدی بیزه هی سیریق سیریق اوستن
نه اینه ساپ اوده دی گوردو نه یماقلیغیمیز

یئریسین هئچ مالالانمیشدا ائیلیه بیلیمیر
شوخمدا شیلاق آتیر اما بو چولاقلیغیمیز

بو ساده لیک دالی قویموش یامان ائل ایچره بیزی
آلیب پاپاق باشیمیزدان بیزیم پاپاقلیغیمیز

نه حسنی وار بویاناق گونده گونده بیر رنگه
ئل ایچره یاخشی دئییل گونده بیر بویاقلیغیمیز

مچیده ساخلایریق احیا غیبت ائیلیریک
بیوک گناه گتیریر بئیله بیر اویاقلیغیمیز

نه درمیشتیک جمه دیر آغ یئل ائیلیر گیجکلک
حاییف کی باغلاماغا قالما بیدی باغلیغیمیز

دیغیرلانیب گوروسن بیر طرفده چولمکیمیز
دوشوبدو بیر یانا آنجاق سینیب دوواقلیغیمیز

اؤيرتمن ايش پئشه سينده چاليشماغا ناييل
 اولور؛ عين حالدا اؤنيورسئته داخيل اولوب فارسجا
 ادبيات شوناسليق كورسونو بيتيريب .عايله سي
 بيرگه پارسا آباد شهرينده ياشاير؛ و موغان بولگه
 سينده كي درنكلرين چاليشقان
 امكداشلاريناندير؛ شاعير عربلي هله اؤز يازديغي
 شعيرلردن كيتاب چيخارتماييب اومود انديرم كي
 يوخون گله جكده بو طبعي چيلغين شاعيريميزين
 كيتابي ايشيق اوزو سوز خزينه ميزه اولونسون؛

بو گئجه

توتموشام سئوگيميزه گورنئجه ماتم بو گئجه
 كونج ويرانه دي بو ماتمه ايزلم بو گئجه
 بير منم بيرده خياليما آجي خاطيره لر
 تنهاليقدان چكيرم آه دمامم بو گئجه
 ختمي آز ياشدا ايچيمده بوغولان سئوگي دي بو
 آچمايش ديل نئجه باتدي قانا كورپه م بو گئجه
 نوحه خوانيمدي دوداق درديم حزين اوخشاماسي
 آغلایان اوز گوزوم اولدوقجا توکور نم بو گئجه
 يالقوزام گوردو سئوينج ، گلمه دي باش ساغليغينا
 بيرجه بو مجلسيمه شانلي قوناق قم بو گئجه
 يوخدو كيمسه م ديله سين دردلي مصيبت ده دوزوم
 قانلي بو گوزدن آخان ياش منه مرهم بو گئجه
 جان آلان ناله م "عربلي" اوجاليب عرشه قدر
 بيلميرم هاردادي راحيملره ارحم بو گئجه؟

وطن

ائله سئوداليدير واللاه دلي كؤنلوم وطنه
 نه منه وار يئري جانا نه ده بير داملا سنه
 دوغولاندان باشيما سئوداسي دوشموش وطنين
 نئجه كي باغلي اولار بولبول شيدا چمنه

دوروب آرخاسيندا اولو ساوالان
 قانشاريندا قيليش قيه قارقالان
 سوكه نيب داغلارا بئلي سهندين

شاه داغي آدلانيب داغلار ايچينده
 تانينيب چچنده تانينيب چينده
 قوناغي چوخ اولار يايلا بيچينده
 ييغيشار باشينا ائلي سهندين

الينده تانريدان واردی اختيار
 هرزمان ياشادا ائلين بختيار
 بويونا اوخشايب دده شهریار
 اولوب شاعرلری ديلي سهندين

بيلينمير گئچميشي بيلينمير ياشي
 گوموشدو تورپاغي قيزيلدي داشي
 قنبري ياي قيشي آغارير باشي
 ازلدن آغ دوشوب تئلي سهندين



۱۴- بيوگرافي

شاعير فتح الله عربلي ۱۳۵۱ گونش ايلي
 موغان ماحالي نين (پارسا آباد) شهرينه تابع اولان
 تازه كنديده دوغولوب؛ ايلك و اورتا صينيغلريني
 دوغولدوغو كده باشا ويراندان سونرا تحصيلاتيني
 داوام ائله بيرك نهايت كي معليم چيليك

باغ ریزواندی شوشام، کوثریم عیسی بولای
تبریزیم کعبه دی، بیر مککه نه لازیمدی منه

چیرپینان قلبی آباق-باش قاراباغدیر وطنین
ده ده قورقود یولودور بیر ابدی یول وطنه

گنجه-گوندوز آرازین سینه سی اوستونده آخان
فخری واردیر موغانین صاحیبی هر شاه سئوه نه

بسدی آلداتدیغین آای زاهد دیوانه منی
جننتیم بیرجه وطندیر داها وصف ائتمه منه

یاخشی اولسایدی بهشت بوغدایا ساتماز دیر آتان
باخمارام من سیزه حتی بوکولرسم کفنه

قورخا قورخا

قارانلیق بیر گنجه ایدی، تزه جه هوشلانیردیم
گوردوم یانیمدا بیر شئی، نورانی قورخا قورخا
اویاندیم دیکسینرکن هئج بیلمه دیم ندر بو؟
چکدیم یاواش باشیمدان یورغانی قورخا قورخا
پارلاق ایشیق گوررکن بیردن گوزوم قاماشدی
گوردوم آغ آپاق اولدو هریانی قورخا قورخا
دویجاق همین بو وضعی، بیر قورخو دوشدو جان
چیخدیم چوله بیر آندا، پنهانی قورخا قورخا
حسن دن اونجه باشجی، محمودی یاده سالدیم
نور هاله سی باشیندا، دوورانی قورخا قورخا
بیر معجوزه دئدیم بو، کرم دیر تانریمیزدان
لنت ده دیم ایچیمده، شیطانی قورخا قورخا
سیاست بیلمه سک ده، عبادت اهلی ییک چون
اولار بیز شیعه لرده، ایمکانی قورخا قورخا
ویردیم قدم حیطده، بیردن قراره گلدیم
اوول ائدیم خبردار مللانی قورخا قورخا
اوزاق اولدو ائوی چون، چاغیردیم یولداش اونجه

ان یاخین قونشوموز او، رحمانی قورخا قورخا
اویاندی گلدی سوردو، نه وار قارداش بو واختی ؟
دئدیم بیر ایش اولوبدو، عرفانی قورخا قورخا
یول اوستو بیت به بیت من، دانیشدیم ماجرانی
سووا وئردین دئدی سن، ورگانی قورخا قورخا
آی آخماق آروادیمیش، ائدیرمیش گوشینی چک
سنین تک گورمه دیم هئج، نادانی قورخا قورخا
ایکی اللی زوپادیم، باشا تئز تئز قاپازدان
دئدیم ایندی قوپاردار، طوفانی قورخا قورخا
گوردوم یاماندی شاختا، دونور گویده توپورجک
هئج باغلاساندا قالماز، حیوانی قورخا قورخا
اوز باغلا دیم اوزومه، ائوه دوندوم چاراسیز
هرنه اولورسا اولسون، فرمانی قورخا قورخا
گورجک چیغیردی برکدن، قابدان تاپیب زوپادی
ائتدیم قبول نئچه جوت، فنجانی قورخا قورخا
بیلدیم خارابدی وضعیت، یاپیشدیم اللریندن
قیلدیم او آن اوره کدن، توبانی قورخا قورخا
ایندن بئله گلمه یم، بیر داها تلگرامه
سیلم اوستومدن بو چاش، عنوانی قورخا قورخا



بیوگرافی

قاشقای ائلیری نین شش بلوکی اویماغینادان
اولان اوستاد شاعیریمیز **داریوش بهرامی** ترک
۱۳۵۶ اینجی گونش ایلی شیراز بولگه سی
ساییلان مروتشت شهرینه باغلی مالیچه کندینده
آنا اولوب ایلک و اورتا تحصیلینی بولگه ده
بیتیرندن سونرالار درسی داوام اداره
فرهنگ(آموزش پرورش)معلیم چیلیک پئشه

سینده ایشه باشلامیشدیر؛ بو پئشه ده چالیشارکن
 علاوه دن اؤنئرسئته داخل اولوب
 پیسکولوژی (روانشیناسی) کوروسونو بیتیرمیش
 اولور؛ داریوش اوشاقلیق چاغلاردان اینجه صنعته
 مارق گوسته ریب عایله داخیلی آتاسینین
 دانشدیغی تورکجه ناغیللاری اؤنون ایچ عالمی دن
 اویناقلیق یارادیب ادبیات معلیمینین یول
 گوسترمه سینن گنج یاشلاریندان شعیره اوز
 گتیریب بولگه چالیشان درنکلرین امکداشدیر
 عین حالدا تورکو وفارس دیللرینده شعر یازیب
 یاراتماقدادیر؛ و بیر شعر کیتابینی چاپ حاضر
 ائله ییب یوخون گله جکده مطبه چییه وئرمک
 قرارینا گلیدیر؛ و شاعیر قلمداشی ارسلان میرزایی
 کیمین آچیق فیکیرلی دوستو ایله ال اله وئریب
 قاشقای تورک ائلریمیزین اینجه صنعته دئییه
 وارلیغینی قۇرماق ایسته بیرلر؛

قزل

یوخو صفا چایلار قیراغی سنسیز
 قورروموش قوشمالار بولاغی سنسیز

خیالیم بولبولو اوچا سی گلیمیر
 پاییز اولموش گونیمینگ باغی سنسیز

سؤوق باسمیش امیدیمینگ ائوینی
 هئچ ایسسینمیر فیکریم اتاغی سنسیز

توی باشلانیب چالوناندا هئلی لر
 کیم اوینادا گولگز قالاغی سنسیز

سنسیز اسیراتتمیش منی دووارلار
 سونموش آزادلیگیم اجاغی سنسیز

گؤرمم سونا اوسسی باغلی گؤل لرده

چوخ سویوق دور شهر قوجاغی سنسیز

کیم اولاسی هایجار ائندده بیردا
 یانان اوره گیمینگ دایاغی سنسیز

گزدیم بسکه اوزاق یولو داریخدیم
 چاتماز باشا یوللار اوزاغی سنسیز

آخشام اولوب کندلر دوشوب یاتاندا
 منم وکوچه لر چیراغی سنسیز

چاغیریب داغلاردان سنی سوروشدوم
 کردیر گاس داغلارینگ قولاغی سنسیز

گؤزوم بسکه یول گؤزلمیش بوزارمیش
 قورروموش گونیمینگ دوداغی سنسیز

آیریلیقدان چتین یوخدور دونیادا
 نئجه یازام بو اتفاغی سنسیز

قویمام کی آچیللا اؤزگه سئوگینینگ
 بو عاشق کونلومه ایاغی سنسیز.

چکم سنی

سئویرم شعره چکم سنی
 زولفینگ شعریمدن داشییر
 گلیرم یازام گؤزینگ دن
 قوشمامدا قوورد اولاشییر

سئویرم یازام آغ اوزونگدن
 کاغذ پیرریلار گؤزومه
 گلیرم زولفینگدن یازام
 ایلان تولانیر سوزومه

اٹلہ سٹومہ لی ینگ سن کی
گورمہ گینگینگ آزی چو خودور

ہر شاعری سن جوشدوررانگ
 قوشمالاریمی قوشدوررانگ
 بو نازی کی سن اندیراگ
 آخر صبریمی باشدورراگ

لايق يازاماديڻ سنى
دفتري باغلاڊيڻ ياتدوم
چوخ گئجه لر خياليڻگدا
گؤزه ليڻ آغلاڊيڻ ياتديڻ.

مقدسنگ پيرليين سن
من زولفينگ ده اسير له يين
ائله سان پادشاهانگ سن
قاپينگدا من فقير له يين

اوجا داغینگ شیکالیانگ
هئچ میرشکالا ال وئرمنگ
پری لر شاهی قیزی ینگ
من نوکره محل وئرمنگ

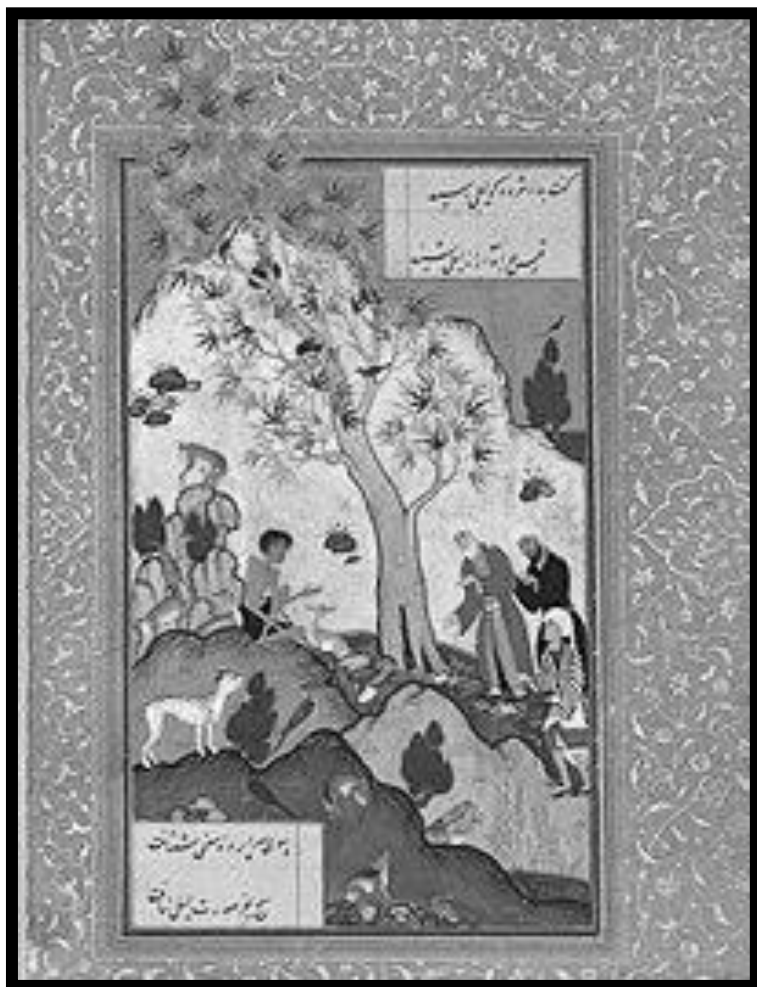
بو کناردان چیخمازاوچماز
دلی کونلومون هوברה سی
آتار پیس دنگیزه منی
دوشینگینگ دلی دره سی

گؤی خسیل دیر خیالینگ یار
کونلوم آتی هوس له نیر
سان بیرقوروق قشلاقانگ کی
سنده جیرانلار بسله نیر

وارام عشقینگ هواسیینان
دئییرم کی گوژرم سنی
واری،دونیاننی وئرسه لر
گمان ائتمه وئرم سنی

هامی داغدان اوجه ینگ سن
هئچ بیلینمز نئجه ینگ سن
چتین دیر سنینگ گورمه گینگ
آی قه رنگی گئجه ینگ سن

گوڙلرينگينگ رازى چوخ دور
آغ اوزونگينگ نازى چوخ دور



کاملاً متوقف شد و از ۲ ژانویه هم برق شهر به صورت کلی قطع گردید.^۴

در فنوریه ۱۹۹۲ طی اشغال روستاهای مالی بیلی، قاراداغلی و آغدابان آذربایجان از طرف ارامنه، ۱۴۰ نفر زخمی، ۹۹ نفر کشته و بقیه اهالی مجبور به ترک اراضی و خانه های خود شده اند. ارامنه از سه جبهه به سوی خوجالی هجوم آوردند که مردم مجبور شدند از مسیر قاتار چایی به سمت جنگل ها فرار کنند. اهالی در کوهها و جنگلهای سرد و برفی تاقت خود را از دست داده و تحمل پیشروی نداشتند که در همین موقع نیز نیروهای ارمنی اکثر آنان را با فجیع ترین روشها بقتل رساند.^۵

اردوی آزادی ملی آرتساخ جمهوری جعلی و خود خوانده قره باغ کوهستانی

گفته می شود که در حمله به خوجالی برای نسل کشی اردوی آزادی ملی آرتساخ و گردانهای تابع به فرمانده کل و رئیس ستاد مشترک تعیین شده در اجلاس ویژه شورای عالی جمهوری جعلی و خود خوانده قره باغ کوهستانی شرکت می کردند.

در زمان نسل کشی خوجالی، با تلاش آقای الله وئردی باقراف اجساد و اسرای آذربایجانی از مناطق جنگی پس گرفته شد. وی از طریق سرهنگ ویتالی بالاسیان در عرض سه روز

۱۰۰۳ اسیر از خوجالی را از دست ارامنه خلاص کرده و اتوبوس به آذربایجان آوردند. وی در مسجد آغدام در کفن و دفن اجساد شرکت کرده و اسراء را در قبرستان قاراغاجی تحویل گرفت. در نتیجه جلسه و صحبت های الله وئردی باقراف با ویتالی بالاسیان، عملیات فیلمبرداری سیدآقا موسوملو و چنگیز مصطفی اف از مناطق جنگی و حوادث نسل کشی صورت پذیرفت.

ارتشیان باقراف همان روز موفق به پیدا کردن پیکر ۸۵ شهید شدند. پیکر قهرمانان ملی "الیف حاجی اف" و "عاقل قلی اف" نیز میان همین اجساد شهدا بودند.

در نزدیکی آغدام موقعی که همین اجساد از کامیونها به بیرون انتقال می یافتند توسط خبرنگار رویترز آقای فردریکا لانگین به فیلم و تصویر کشیده شدند. وی در مصاحبه خود به روزنامه "د نیویورک تایمز" مشاهدات خود را چنین بیان می کند: در اولین کامیون تعداد ۳۵ جسد بود، تقریباً در دومی نیز همین تعداد مشاهده می شد. سر بعضی از اجساد از تنشان جدا، اکثراً نیز سوزانده شده بودند. همه آنها مرد بودند و بعضی از آنان لباس ارتشی بر تن داشتند.

در کل، نیروهای باقراف نزدیک به ۱۸۰ جسد از کتوک، ناخچیوانیک، عسگران و خوجالی جمع آوری و به مسجد آغدام انتقال دادند. بیشتر اجساد قابل شناسایی نبودند. در ۲ مارس چنگیز

^۴ <http://khojaly.preslib.az/ebooks.php>

^۵ <http://khojaly.preslib.az/>



زوری بالایان کتاب خود را به برادرش مونتی مئلكونیانای تروریست تقدیم کرده و بر اساس ادعاهای مولف، مارکار مئلكونیان چنین نوشته است: "اقدامات ما در این شهر دارای مقاصد استراتژی بود اما به قصد قصاص نیز انجام پذیرفت". این نویسنده به نقش گروههای مسلح ارمنی به نامهای "آرابو" و "آرامو" در حادثه خوجالی تاکید کرده و نحوه قتل عام ساکنین غیرنظامی خوجالی را به صورت مفصل توضیح داده است. بطوریکه بر اساس ادعای وی، بعضی از ساکنین شهر از ترس تعقیب و گریز سربازان ارمنه تقریباً شش مایل راه را طی کرده و خطر را پشت سر می گذارند. سپس می گوید: "سربازان به مدت زیادی با

مصطفی اف همراه با یک گروه از خبرنگاران خارجی به محل حادثه اعزام می شود و با اجساد روبرو می شوند که به بصورت فجیع به قتل رسانده شده بودند. بر اساس اظهارات مصطفی اف به روزنامه "ایزوستیا"، آنها را در عرض چند روز به همین شکل در آورده اند. به نظر توماس دئ والین نویسنده کتاب "قاراباغ"، در نتیجه همین فاجعه ۴۸۵ نفر (اعم از آنهایی که بر اثر یخ زدگی جان خود را از دست داده اند) کشته شده اند.

در کل، بعد از همین فاجعه خونین، ۱۴۵۷۷ نفر از اهالی خوجالی مجبوراً به ۵۲ شهر مختلف آذربایجان پناه آورده و به صورت موقتی اسکان یافتند.

مخصوصاً ارمنه نیز به نسل کشی و وحشی گریهای خود در خوجالی اقرار کرده اند.

ساله ای را دیدم که از سر و گوشه‌هایش زخمی شده بود. وقتی با دقت نگاه کردم هنوز هم نفس می کشید. با وجود سرما، گرسنگی و زخمهایش هنوز هم نمرده بود. هیچ وقت چشمهای این دختر بچه ای را که با مرگ در حال مبارزه بود از یاد نخواهم برد. سپس یکی از سربازان به نام تیقرانیان از گوش های وی گرفته و به روی اجساد که رویشان گازوییل ریخته شده بود پرت کرد. بعدا همه آنها را

چاقوهایشان آنان را تعقیب کرده و زخمی می کنند.^۶

یکی دیگر از نویسنده های ارمنی بنام داوود خردیان در کتاب "برای صلیب" با افتخار به مصائبی که بر سر اهالی آذربایجانی آورده شده اشاره می کند. در صفحات ۱۹-۷۶ همان کتاب به قتل عام خوجالی اشاره کرده می نویسد: ما در سرمای صبح برای گذر از باتلاق نزدیکی داشبولاق، از اجساد پل ساختیم. من خواستم به



روی مرده ها پا بگذارم. سرهنگ اوهانیان به محض مشاهده این صحنه به من اشاره کرد و گفت که، نترسین. من پایم را روی سینه دختر بچه ۹-۱۱ ساله ای گذاشته و شروع به قدم

سوزاندند. از داخل آتش صدای گریه و شیون به گوش می رسید.

زوری بالایان شاعر و نویسنده ارمنی در کتاب "احیای روح ما" در مورد قتل عام ۲۶ فئوریه خوجالی در سال ۱۹۹۲ چنین می نویسد: همراه خاچاتور موقع ورود به خانه ای که در خوجالی تصاحب کرده بودیم بچه ۱۳ ساله ترک زبانی را دیدیم که توسط سربازانمان از گوشه‌هایش به پنجره میخ شده بود. برای

زدن کردم. کفشها و پاهایم خونی شده بود. این چنین از روی ۱۲۰۰ جسد رد شدم. در ۲ مارس گروه بیر ارامنه (گروهی که با سوزاندن اجساد مشغول بودند) نزدیک به ۲۰۰۰ نفر از اجساد مغولان پست (ترکها) را جمع آوری و به صورت جداگانه در یک کیلومتری خوجالی به آتش کشیدند. در آخرین کامیونی که اجساد را حمل می کرد دختر ۱۰

^۶ <https://az.wikipedia.org/wiki/Xocal>

سرژ سارکیسیان رییس جمهور ارمنستان در جواب به سوال خبرنگاری در مورد حوادث خوجالی مبنی بر اینکه آیا از این همه کشتار پشیمان هستید یا نه؟، چنین می گوید: قبل از همین حادثه آذربایجانی ها فکر می کردند که ما با آنها شوخی داریم. آنها فکر می کردند که ارمنه به ساکنین عادی هیچ ضرری نمی توانند بزنند. ما این کار را کردیم و نتیجه این شد... من احساس ناراحتی و پشیمانی نمی کنم... چنین اعمالی حتی به قیمت مرگ هزاران نفر ضروری هستند.

لازم به یادآوری است که، واقعیت قتل عام اهالی خوجالی توسط ارمنستان را میکایل دانیلانی مدافع حقوق اقلیت ارمنی ها و واهی آوْتیانی روزنامه نگار نیز تایید کرده اند.

خبر حادثه خونین خوجالی را برای اولین بار روزنامه ملیت ترکیه با چاپ عکسهایی از جنایات ارمنی ها به چاپ رساند. همچنین روزنامه های "واشنگتن پست"، "د نیویورک تایمز"، "بوستون گلوب"، "وال ایستریٹ ژورنال"، "ساندی تایمز"، "شیکاگو تریبون" و خبرگزاری های "آسویشتد پرس" و "تایم" آمریکا، خبرگزاری رویترز، روزنامه های "د تایمز"، "ساندی تایمز"، "د گواردیان" و شبکه "بی بی سی" انگلستان،^۸ روزنامه "لی موند" فرانسه در ۱۴ مارس ۱۹۹۲، روزنامه های "کومسومولسکایا پراودا"، "ترود"، "پراودا" روسیه و مجله "پاسپورت" مسکو، روزنامه "د ایریش تایمز" ایرلند، روزنامه "د ایچ" استرالیا و رسانه های عمومی کشورهای خارجی در رابطه با قتل عام جمعیت خوجالی مقاله هایی درج نمودند.

در سال ۱۹۹۳ از طرف حیدر علی اف رییس جمهور آذربایجان ۲۶ فنئوریه روز قتل عام مردم خوجالی عنوان گردید. وی در ۲۵ فنئوریه ۱۹۹۷ با امضای فرمان شماره ۴۹۸، هر سال ۲۶ فنئوریه رأس ساعت ۱۷:۰۰ در تمام مناطق آذربایجان به یادبود شهدا و قربانیان خوجالی یک دقیقه سکوت اعلام شده است. حیدر علی اف در سخنرانی ۲۵ فنئوریه ۲۰۰۲ به مناسبت

Bayramqızı, Əfsanə. Xocalı soyqırımı [^]
beynəlxalq mətbuatın gözü ilə / Ə.
Bayramqızı // Xalq qəzeti.- 2016.- 26
fevral.- № 44, s. 7

<https://axar.az/news/gundem/9913.html> ^y

مبنی بر محکوم کردن نسل کشی علیه ساکنین خوجالی تصویب کرد.

در رابطه با این فاجعه در سطح پارلمانی کشورهای مکزیک در ۲ فوریه ۲۰۱۲، کلمبیا ۲۴ آوریل ۲۰۱۲، چک ۱۹ فوریه ۲۰۱۳، بوسنی و هرزگوین ۲۶ فوریه ۲۰۱۳، پاناما ۷ اوت ۲۰۱۳، پرو ۱۴ ژوئن ۲۰۱۳، هندوراس ۱۷ ژانویه ۲۰۱۴، اردن ۲۰۱۶،^{۱۱} جیبوتی ۲۰۱۷، اسکاتلند ۲۲ فوریه ۲۰۱۷ و ۲۲ ایالت آمریکا نیز سند تصویب کرده اند.^{۱۲}

در بیست و هفتمین سالگرد نسل کشی خوجالی راهپیمایی عمومی مردم به سوی بنای یادبود "آنا هارایی" در منطقه خطایی با ابتکار لیلا علی اوا نائب رئیس بنیاد حیدر علی اف همراه با کمپین بین المللی که از ۸ می ۲۰۰۸ با عنوان "عدالت برای خوجالی" برگزار می شود، از طرف ارگانهای دولتی، تشکلهای جوانان و موسسات تحصیلات عالی در قالب سخنرانی هایی در مورد نسل کشی خوجالی اجرا می گردد. کمپین برای فعالیت های خود در سطح جهانی از ابزارها و واسطه های مختلف ارتباطی از جمله رسانه ها، اینترنت و سخنرانیهای زنده استفاده می کند.^{۱۳}

دهمین سالگرد قتل عام جمعیت خوجالی به مردم آذربایجان چنین گفت: در مقابل روح شهدای خوجالی، این وظیفه انسانی و شهروندی ما است. از طرف دیگر، کسب ارزش حقوقی و سیاسی بین المللی این فاجعه انسانی، باعث محاکمه عاملان و مجرمان این حادثه می شود که یکی از شرطهای مهم برای عدم تکرار چنین فاجعه هایی در آینده است.^۹

در سال ۲۰۱۴ الهام علی اف رییس جمهور آذربایجان در مورد قتل عام خوجالی چنین می گوید: فاجعه خوجالی صفحه خونینی از تاریخ آذربایجان است که در نتیجه طرح های ملی گرایان ارمنی در زمینه پاکسازی قومی و نسل کشی ملت آذربایجان در حدود ۲۰۰ سال اخیر رخ داد.^{۱۰}

در حال حاضر به رسمیت شناختن نسل کشی مردم خوجالی توسط ارمنی ها، اصلی ترین سیاست خارجی جمهوری آذربایجان می باشد. علاوه بر آذربایجان، کشورهای پاکستان و سودان نیز قتل عام مردم خوجالی را به رسمیت شناخته اند. در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۲ در سی و نهمین جلسه شورای وزیران خارجه سازمان همکاری اسلامی که در جیبوتی تشکیل شده بود، قطعنامه ای به تصویب اعضاء رسید که طی آن جنایات ارامنه در خوجالی به عنوان نسل کشی شناخته شده است. در تاریخ ۲۰۱۲ نیز مجلس سنای پاکستان قطعنامه ای را

^{۱۱} <https://www.azernews.az/nation/92681.html>
^{۱۲} <https://www.trt.net.tr/azerbaycan/turk-dunyasi/2016/02/26/xocali-faci-sini-soyqirim-olaraq-q-bul-ed-n-olk-l-r-439890>

https://www.aldiplomasy.com/?p=96339&fbclid=IwAR0tS--a5FoUTBDRr9LJmwFP5VF994cLGfZGIccvTyBLeUtx_kjVONnkg

^۹ Субхан Алекбер оглу Талыблы, <https://qazaquni.kz/>
(Qazaxistan) "Ходжалинский геноцид: самая кровавая трагедия человечества"
- <https://qazaquni.kz>
<https://president.az/articles/11082>^{۱۰}

هدف اصلی این درخواست آگاه ساختن جوامع جهانی از طرف مهمترین سازمانهای جهانی از جمله سازمان ملل متحد، شورای اروپا و سازمان امنیت و همکاری در اروپا در رابطه با جنایات ارمنه نسبت به مردم بی گناه خوجالی در سال ۱۹۹۲ و همچنین ارزیابی حقوقی و سیاسی فاجعه خونین خوجالی بود. دادگاه حقوق بشر اروپا در رای ۲۲ آوریل ۲۰۱۰ کشتار مردم آذربایجانی خوجالی توسط ارمنه را "بعنوان اعمال سنگین و جدی که می تواند به عنوان جنایات جنگی یا جنایت علیه بشریت باشد" ارزیابی کرد.

منابع

- ¹ Dr. Sübhan Ələkbər oğlu Talıblı. Ermənilərin Azərbaycanı qarşı əsassız torpaq iddiaları və Dağlıq Qarabağ və ətraf rayonların işğalı. Tehran, "XUDAFƏRİN" aylıq türkçə-farsca elmi, mədəni, ictimai dərgi, No 187 sentyabr 2020, s. 25-34.
- ² <http://khojaly.preslib.az/articles.php?lang=ru>
- ³ Talıblı S.Ə., Mustafayev E. "Şabab al-Nil" xəbə agentliyi. "Azərbaycanlı iki mütəxəssis bəşəriyyət tarixinin ən qorxunc faciəsi Xocalı soyqırımını ilə bağlı sübutları üzə çıxarırlar"
- ⁴ <http://khojaly.preslib.az/ebooks.php>
- ⁵ <http://khojaly.preslib.az/>
- ⁶ https://az.wikipedia.org/wiki/Xocalı%C4%B1_soyq%C4%B1r%C4%B1m%C4%B1
- ⁷ <https://axar.az/news/gundem/9913.html>
- ⁸ Bayramqızı, Əfsanə. Xocalı soyqırımını beynəlxalq mətbuatın gözü ilə / Ə. Bayramqızı // Xalq qəzeti.- 2016.- 26 fevral.- № 44, s. 7
- ⁹ Субхан Алекбер оглу Талыблы, <https://qazaquni.kz/> (Qazaxistan)"Ходжалинский геноцид: самая кровавая трагедия человечества" https://qazaquni.kz/2020/08/15/150379.html?fbclid=IwAR03p_RMOLhTpWjpGc85etGLq9cx-3d-JbGj9ycWAIEjsUe1khtpu0Vt1LA
- ¹⁰ <https://president.az/articles/11082>
- ¹¹ Субхан Алекбер оглу Талыблы, Fikr.uz (Ўзбекистан): "Ходжалинский геноцид: самая кровавая трагедия человечества" http://fikr.uz/blog/memoriy_vodgorliklar/khodzhalinskiy-genocid-samaja-krovavaja-tragediya-chelovechestva.html?fbclid=IwAR3QrtEWERNsYFCgF_haJ2SCelaNaQGmFqfsZw9Om8KJvYck5c5Qut3_uLfc
- ¹² <https://www.azernews.az/nation/92681.html>
- ¹³ <https://www.trt.net.tr/azerbaycan/turk-dunyasi/2016/02/26/xocali-faci-sini-soyqirim-olaraq-qbul-ed-n-olk-l-r-439890>
- ¹⁴ <https://tehran.mfa.gov.az/ir/news/4/3185>
- ¹⁵ <https://www.aldiplomasy.com>

در تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۱۲ مردم ترکیه در مقابل دبیرستان قالاتاسارای استانبول اجتماع کردند و با دادن شعارهای "همه ما اهل خوجالی هستیم" و (We are all from Khojaly) بطرف میدان تاکسیم حرکت کرده و حمایت خود را از همزادان خود اعلام کردند. در سال ۲۰۱۲ اتحاد آمریکایی آذربایجان نیز کمپینی در رابطه با نسل کشی خوجالی برگزار کرده، اقدام به نصب پوسترهایی در دربهای ورودی و خروجی بزرگترین ایستگاه قطار نیویورک "پن استاسیون" کرده، در ایستگاههای اتوبوس و روی اتوبوسها بنر نصب کردند. همچنین در شهر واشنگتون نیز بیشتر از ۴۰۰ قطار مترو از جمله ۹۵ ایستگاه مترو، و روی اتوبوسهایی که به سمت "کاپیتول حیل" می رفتند پوستر نصب کردند.

سازمانهای خارج از کشور جمهوری آذربایجان در تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۱۹ در بیشتر از ۲۰ کشور دنیا که فعالیت داشتند^{۱۴} در میدان لوکزمبورگ بروکسل با سر دادن شعار "عدالت برای خوجالی"، "آزادی برای دلغم و شهباز" تجمعی برای قره باغ در اروپا برگزار کردند. در ۲۶ فوریه ۲۰۱۹ قریب به ۵۵ هزار انسان به مناسبت بیست و هفتمین سالگرد نسل کشی خوجالی در منطقه خطایی باکو جلوی "یادبود آنا هارایی" (یادبود فریاد مادر) تجمع کردند.^{۱۵}

سازمان پناهندگان خوجالی در تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۰۳ به سازمان ملل، شورای اروپا و سازمان امنیت و همکاری در اروپا درخواستی ارائه داد.

^{۱۴} <https://tehran.mfa.gov.az/ir/news/4/3185>

وجه تسمیه روستای بالو از توابع شهرستان اورمیه

نویسنده : فرهاد جوادی یکان سعدی

(عبداله اوغلو) اورمیه ۱۳۹۹/۶/۳

میکند. البته بعد از انقلاب اسلامی با مهاجرت کردها به این روستا، جمعیت این روستا به یکباره فزونی گرفته و هم اکنون به غیر از ترکهای بومی ساکنین اولیه و اصلی، شاهد زیست و سکونت کردهای مهاجر در جوار ترکها در این روستا میباشیم. این روستا بنا به گزارشات و آمارهای ارائه شده اخیر، با جمعیتی بالغ بر ۱۶۰۰۰ نفر، بزرگترین روستا و آبادی ایران نیز بشمار میرود. در خصوص وجه تسمیه این روستا، به جز حمید شافعی نویسنده ی کتاب "بالوولو میسکین"، نظرات قابل عرضه ی درخور توجهی در هیچ سایت و منبعی ارائه نگردیده است. حمید شافعی (یکی از دو نویسنده کتاب بالوولو میسکین) در صفحه ۲۱ کتاب در خصوص معنی و اتمولوژی نام روستای بالو معتقدند که بالوو یا بَلوو، (هر کدام را که مد نظر قرار دهیم) معنی بسیار نزدیک به هم را دارا هستند. ایشان بر این باورند که نام روستا، در اصل شکل تغییریافته همان واژه ی ترکی "بالیغ" یا "بالوغ" به معنای "شهر" میباشد. مثلاً "خان بالیغ" نام قدیمی پایتخت چین، یعنی نام قدیم شهر پکن به معنی "خان شهری"، همچنین "بئش بالیغ" به معنی "پنج شهر"، "یئنگی بالیغ" به معنی "شهر نو" یا "شهر جدید" میباشد.^۱



روستای بالو از توابع بخش روضه چای اورمیه از قدیم الایام، از جمله آبادیهای بزرگ و بسیار معروف این شهرستان بشمار میرود. این روستای بزرگ در شش کیلومتری شمال غربی اورمیه و ۱/۵ کیلومتری غرب جاده اورمیه به سلماس در منطقه ای جلگه ای و معتدل قرار گرفته است. اهالی این روستا از دیرباز دارای مذهب شیعه و سنی بوده و به زبان ترکی تکلم

ح. شافعی در ادامه سخنانش می افزاید که هر دوی این شهرها هم اکنون در ترکستان شرقی (ترکستان چین) برقرار و موجودیت دارند. در ادامه مؤلف (ص. ۲۲) می افزاید که هم اکنون نیز در منطقه ی "آرغو"ی واقع در مابین شهرهای "بالاساغون" و "طراز" ترکستان، آبادی و قصبه ای بنام "بلوو" وجود دارد و با در نظرگرفتن این حقیقت تاریخی مبنی براینکه برخی از طوایف و قبیله های ترک در ۴۵۰۰ الی ۵۰۰۰ قبل از میلاد از آسیای میانه و ترکستان به آذربایجان مهاجرت نموده و از آذربایجان به بین النهرین و مناطق غربی و جنوبی ایران کوچ نموده باشند، در آن صورت وابستگی و تعلق اسامی "بالوو" و "بلوو" به همان خلقهای ترک تبار را میتوان استنباط نمود. بر همین منوال نیز نام روستای بالوو نیز فرم اندک تغییر یافته ی واژه ی "بالیغ" یا "بالووغ" میتواند باشد.^۲

طبق تحقیقات و بررسی های بعمل آمده، در وبسایت مجله اینترنتی اورمیه، نام قدیم این روستا "پالو" Palu قید شده است و به همین بسنده شده و دیگر هیچ توضیح و معلومات و علی در خصوص پالو داده نشده است.^۳ در خصوص وجه تسمیه نام این روستا گفتنی است که ما بر اساس تحقیقات و تدقیقات موشکافانه، رد پای وجه تسمیه این روستا را در میفولژی ترکان باستان می یابیم. نام این روستا در محاوره عام به اشکالی چون "بالوو" Balov و "بلوو"

Bəlov تلفظ و ایفا گردیده و در نگارش فارسی نیز به شکل "بالو" Balo نگاشته میشود. طبق تحقیقات بعمل آمده توسط نگارنده این مقوله معلوم گردید که نشانه های وجود این نام در بین ترکان فنیقی، کنعانی و اوگاریتی تصادفی نبوده و ریشه در تاریخ این قوم باستانی دارد. گفتنی است که نام این روستا را به فرم "بعلو" Bə`lu، یا "بعلی" Bə`li در بین اسامی پادشاهان فنیقی نیز میتوان دید. طبق اظهارنظر "ساباتینو موسکاتی" Sabatino Moscati، "بعلو" Bə`lu، نام یکی از پادشاهان فنیقی قید شده در سال نامه اسرحدون شاه آشور میباشد. ساباتینو موسکاتی در اثر خویش تحت عنوان "فنیقی ها" اشاره میکند که "بعلو" Bə`lu، پادشاه و فرمانروای شهر "صور" در زمان "اسرحدون" میباشد.^۴ با توجه به این مهم چنین معلوم میشود که نام این روستا، در جای خود زمانی به صورت یک آنتروپونیم نیز در بین ترکان فنیقی ایفای نقش نموده است. یعنی این نام به صورت نام شخص فنیقی نیز درآمده است. نام روستای بالو اورمیه، یک نام میفیکی منبعث از میفولژی ترکان باستان، خصوصا ترکان اوگاریت و فنیقی و همچنین ترکان سومری مسکون در آذربایجان قدیم میباشد. نام روستای بالو، نامی مرکب از دو واژه میفیک "بال" Bal // "بَل" Bəl // "بعل" Bə`al و واژه "اوو" //ov "اُوف" of میباشد. بخش اول اسم، نام خدای بزرگ ترکان فنیقی و کنعانی \_ اوگاریتی بنام "بعل" Bə`al، "بَل" Bəl یا "بئل" Bel

میباشد. رقیه بهزادی در صفحه ۲۷۱ اثر خویش تحت عنوان قومهای کهن قید میکند :

بَعْل در کنعان ، خدای نگهدارنده نظم در برابر هرج و مرج و آشفتگی است. بعل ، مانند خدایان بین النهرینی چون انلیل ، اداد ، مردوک و آشور ، خدای طوفان و مجری دادگاه آسمانی است و حیوان نمادین این خدا ، همانند انلیل یا اداد، گاو نر است که در مراسم نیایش از آن استفاده می شد و شاخهای آن را " بعل "، بر روی کلاهخود خود می گذاشت . در حجاری ها و تمثال ها او را به عنوان سوارکاری جنگی نشان میدهند که دامنی کوتاه پوشیده و دشنه ای بر کمر دارد و آماده جنگ و نبرد است . در یک دست گریزی دارد و در دست دیگر نیزه ای گرفته است و دسته ی این نیزه به صورت یک درخت با شاخه و برگ است. دایره فعالیت بَعْل ، به اندازه فعالیت انلیل گسترده نیست و فقط محدود به مظاهر طبیعت میباشد. بَعْل را با گیاهانی که سرپرست آنها بود ، می شناختند ، همچنانکه از لقب او به عنوان " پسر داقان" یعنی خدای غله نیز معلوم میگردد.^۵

در اساطیر ترکان فنیقی همیشه ایزدان با یک وَرزا (گاو) مربوط بوده اند. چونکه ترکان فنیقی و کنعانی ، آرمان قدرت و زور را به گونه ی نمادین در وَرزا (گاو نر) می جستند. بَعْل Bə'el پس از " ائل " El، بزرگترین خدای فنیقی ها بشمار میرفت. در فنیقیه و در بین فنیقیان آن زمان، هر شهر یا دولت_شهری "بَعْل" یا خدای خاص خود را داشت. " بَل " // " بال " // "بَعْل" در اساطیر فنیقی، بسیار کهن تر از خدا " ائل" میباشد. بطور کلی خدایان کنعانی را بَعْل مینامیدند. بنابر این میتوان گفت که بعل اسم خاص نبوده بلکه وجه تسمیه ای بود که نام حقیقی و واقعی خدا یا خدایان، در آن استتار میشد.

چونکه ترکان فنیقی و کنعانی و اوگاریت ، از بر زبان آوردن نام خدای خویش اجتناب میکردند و این رسم و عادت به این خاطر بود که مبدا بیگانگان خدایشان را کشف کنند و با فراخواندن خدایشان به نام ، از مواهب آن خدا بهره مند گردند و همچنین کاری کنند که خدایشان از امت و پیروان ویژه ی خود روی گرداند .

بعل ، حداد Hadad نیز نامیده میشد که خدای فضا، ابرها و طوفان است و خدایی باران آور است که صدایش چون تندر و رعدوبرق در ابرها می پیچد. در دوره ی استیلای هیتی ها بر ناحیه ی شمال سوریه ، همین خدا حداد کلاه مزین به شاخهای ورزا (گاونر) بر سر دارد و نیزه اش را به سوی زمین فرو می افکند و دسته ی نیزه اش شکل منکسر برق آسمانی را باز مینماید. همچنین مهر استوانه ای که در موزه بوستون نگهداری میشود، نمایانگر بعل حداد است. در این نقش ، او با نیزه اش مردی را مغلوب کرده و پشت سرش نیز حیوان نماد او ، یعنی ورزا (= گاو نر) حک شده است.^۶

چنین نماد نگاری در میان ترکان فنیقی، کنعانی _اوگاریتی جنبه ی سنتی داشته است. خدایان در نزد فنیقیها همچون انسانهای مرگ پذیر و فانی، نیازمند تغذیه و آشامیدن بودند و همچنین برای آنها قربانیهای بسیاری میکردند. دکتر "روی ویلیس" Roy Willis یکی از نویسندگان

کتاب "اساطیر جهان" چاپ شده تحت نظر "ویلیام داتی"، در صفحه ۳۱ چنین مینویسد:

بنا به روایت کنعانی، "بعل" ایزد طوفان، با مار کیهانی یا اژدهایی بنام "یام" که گفته اند از دریا برآمده، درگیر نبردی سخت میشود. بعل به کمک سلاحهای جادویی که صنعتگران آسمانی برایش فراهم کردند، موفق میشود که اژدهای کیهانی را بکشد و بازمانده های او را پراکنده سازد. آنگاه بعل، درگیر نبردی خونین با "موت" ایزد مرگ و نازایی و همتای زمین میشود. در آغاز، موت موفق شد که بعل را مجبور به هبوط درجهان زیرین برای نیمی از سال کند و بدینگونه، خشکی تابستانه ی هرسال پدید می آید. اما ایزد برتر "ئیل" // "ائل" فرمان داد که نزاع بعل و موت باید جاودانه باشد. اگر بعل پیروز شد، یک چرخه ی هفت ساله ی فراوانی و نعمت پدید می آید و اما اگر موت پیروز گردد، نتیجه اش هفت سال خشکی و قحطی خواهد بود. بنابراین با توجه به گفته های روی ویلیس چنین استنباط میگردد که خدای "بعل" یا "بال" ترکان فنیقی - کنعانی و اوگاریتی، از نبردی نابودگر، مشابه داستان سومری مردوک و تیامت سخن میگوید و خدای "بعل" ترکان فنیقی - کنعانی و اوگاریتی در اصل همان خدای هوا، باد و طوفان آنان میباشد.^۷ طبق گزارش غلامرضا معصومی دایره المعارف نویس اساطیر، "بالوا" Balua، محلی در

موآب Moab (واقع در جنوب بحرالمت) میباشد که استل (=سنگ نگاره) خدا "بعل" Bə`el و الهه "آنات" Anat و فرمانروای موآب از آنجا یافت شده است.^۸ قسمت دوم نام روستای "بالو" Balov یا "بلوو" Bəlov، واژه ی ترکی "او" ov یا "اوف" of میباشد. "او" ov در زبان ترکی به معنای شکار، کشتن و معدوم نمودن میباشد. با در نظر گرفتن این وجه از معنی "او" ov، نام روستای بالوو را میتوان "خدای شکار"، "ایزد بعل شکار" یا "ایزد مرگ" معنی نمود. اگر "او" ov را دیگر فرم فونتیکی واژه ی ترکی "ائو" ev (=خانه) پنداریم، در آنصورت معنی نام روستا، "خانه ی خدا بعل"، "محل عبادت و نیایش خدا بعل" خواهد بود. واژه ی ترکی "او" ov // "اوف" of علاوه بر این معانی، درعین حال یک واژه ی میفیکی ترکی نیز بوده که بر اثر راه یافتن به مصر توسط مهاجرتهای ترکان باستان به ویژه توسط ترکان فنیقی - اوگاریتی به سواحل دریای مدیترانه، حتی ریشه در میفولوژی مصر باستان نیز دارد. واژه ی "او" یا شکل "اوف" آن به معنی میفیکی "خورشید-خدای مرده"، "خورشید-خدای در حال احتضار و مرگ"، "خورشید-خدای جهان زیرین یا اسفل"، "آفتاب افول کرده"، "آفتاب غروب کرده" و "غروب و مرگ آفتاب" میباشد و این واژه با همین معانی در میفولوژی یا میتولوژی

مصر باستان نیز موجودیت داشته و به نام "اوو_رع" ov_rə یا "اوُف_رع" of_rə بر همگان شناخته شده می‌باشد.

میتولوژ و اسطوره شناس معروف "ورونیکا ایونس" Veronica Ions در اثر خویش تحت عنوان "اساطیر مصر" Egyptian mythology اظهار میدارد که "رَع" خورشید-خدا، خدایی بود که احتمالاً نیایش آن از جزایر مدیترانه یا قفقاز به مصر راه یافته است.^۹

و این اقرار ورونیکا ایونس نیز مهر تایید و تصدیقی است بر این نظریه که اساطیر و میتولوژی مصر باستان ریشه در سرزمین قفقاز و آذربایجان دارد و این اساطیر توسط ترکان فنیقی و کنعانی ساکن در آذربایجان و اوگاریت طی مهاجرت به کرانه های مدیترانه، به مصر و شمال آفریقا نیز رسوخ و نفوذ یافته است.

جهت روشن شدن اذهان در خصوص معنی قسمت دوم نام روستای بالو اورمیه یعنی "اوو" ov // "اوُف" of، بر اساس گفته های ورونیکا ایونس چنین به دست می‌آید که خورشید _ خدا رع، هر بامداد چون کودکی زاده میشود، نیمروز بلوغ مییابد و شامگاه پیرمردی خمیده شده و میمیرد. رع در سفر شبانه خویش "اوُف_رع" Auf_rə یا "اوُف" Auf به معنی لاشه، نام داشت. زورق

سفر شبانه رع، مِسکِتت Mesektet یا زورق شب نام داشت. سفر شبانه رع نیز چون سفر روزانه وی، دوازده ساعت به طول می انجامد. شبها خدا "اوپواوت" گشاینده راهها بر دماغه زورق رع می ایستاد و زورق وی را از گذرگاههای پرخطر عبور می داد. خطرهایی که رع طی پیمودن دوازده قلمرو شب با آن روبرو میشد، از خطرهای سفر روزانه وی بیشتر و در هر دو سفر، اپیپ یا "آپوفیس" Apophis دشمن بزرگ وی بود. جهان زیرین و قلمروهای سفر شبانه رع جایگاه اهریمنان غول پیکر و موجوداتی بود که مردگان را در سفر خویش تهدید میکردند. شکلهای گوناگون خورشید_خدا یعنی اتوم، رع و خپری با جهان زیرین پیوند داشت. بسیاری از خدایان، "اوُف" (اوو ov) را در سفر شبانه وی در Duat "دوت" (=جهان نامرئی) و به هنگام عبور از رود دوزخ و قلمروهای سفر شبانه یاری میکردند. خدایان، زورق "اوُف" // "اوو" را به جلو می راندند و خدایانوی وقت با گفتن کلام عبور، دوازده دروازه شب را یکی پس از دیگری می گشود. سرزمین زیرین را اهریمنان و ساکنان بسیار و از آن

شمار مارهای دوسر، مار غول پیکر و مار عظیم به نام "درنده ی ارواح" بود. شرح مختصر ساکنان دوازده قلمرو جهان زیرین، نمودی از خطرهای وحشت رازآمیزی است که با اسطوره های خورشید پیوند دارد. در کیش اوزیریس، جهان زیرین، قلمرو زندگی جاودان است ... یکی از کارهای "اوف" درجهان زیرین، روشن کردن راه ارواح مردگان با روشن کردن راه آنان بود. نور اوف بر روح مرده می تابید و روح با گذر از مگاک به مگاک دیگر، تحسین و هیابانگ ساکنان جهان زیرین را که بی صبرانه در انتظار پرتوی از نور بودند برمی انگیخت و پس از عبور هر روح ، دیگر بار جهان زیرین در ظلمتی وحشتبار فرو میرفت. با غالب شدن بر خطرات زیرین و از آن شمار به بند کشیدن "اپپ" یا "آپوفیس" (مار غول آسایی که در ژرفای آبهای نون یا که در نیل آسمانی می زیست و هرروز برآن بود که راه زورق رع را سد کند) بود که عبور "اوف" ازجهان زیرین میسر میشد.^{۱۰}

در طی ادامه ی تحقیقات در خصوص نام بالو، ردپای این نام را میتوان در اساطیر و افسانه های بین النهرین و خاصه در اساطیر

سومری نیز یافت . به احتمال بسیار زیاد نام این روستا در اساطیر سومری ، با نام پسر و جانشین "اتانا" Etana بنام "بالیه" Balih مرتبط بوده باشد ، یعنی نام این روستا بیانگر و نمایانگر نام این شاه و حاکم سومری باشد. طبق اظهارات دایره المعارف نویس اساطیر و آیین های باستانی غلامرضا معصومی ، بالیه Balih ، پسر و جانشین "اتانا" میباشد. وی در فهرست شاهان سومری ، پادشاه کیش پس از طوفان بزرگ بود و فرزندی نداشته است.خدای شاماش به او توصیه میکند برای اینکه صاحب فرزندی شود ، باید "گیاه تولد" را بیابد و برای این کار از عقابی کمک بخواهد. این عقاب میتواندست راه به دست آوردن "گیاه تولد" را به اتانا نشان دهد. بنابر این با توجه به اینکه "بالیه" پسر اتانا شمرده شده است ، پس حدس منطقی آنست که بپذیریم سرانجام اتانا موفق به یافتن گیاه تولد شده است.^{۱۱}

لازم به توضیح است که منظور از "گیاه تولد"، دراصل گیاه باززایی و باروری و زایش است. از این مقوله ها و با استناد به نقل قولها و منابع خارجی چنین نتیجه گرفته میشود که وجه تسمیه روستای "بالو" از توابع اورمیه ، ریشه در میتولوژی و اساطیر ترکان فنیقی - کنعانی و اوگاریت (ازشاخه ترکان فین-اویغور) ساکن در اراضی آذربایجان بزرگ که سرزمینهای قفقاز

کنونی تا شمال سوریه را احاطه مینمود، دارد و با مهاجرت‌های همین قوم به کرانه های مدیترانه ، اساطیر و ایزدان فنیقی از جمله همین خدا- بعل یا "بعل-اوف" نیز به دیگر نقاط و خلقهای اقصی نقاط، منجمله مصر نیز رسوخ یافته است. با توجه به نکات فوق درخصوص توضیح و تشریح وجه تسمیه روستای بالو، و همچنین با در نظر گرفتن نام این روستا در ارتباط با میتولوژی و دین ترکان فنیقی و کنعانی-اوگاریتی ، میتوان پی به قدمت ایجاد و تشکیل این روستا برد و تا حدود زیادی قدمت آن را حدس زد. حمید شافعی (یکی از دو مؤلف کتاب بالولو میسکین) در صفحه ۲۲ کتاب مذکور درخصوص قدمت روستای بالو می نویسد: با در نظرگرفتن این حقیقت تاریخی مبنی براینکه برخی از طوایف و قبیله های ترک در ۴۵۰۰ الی ۵۰۰۰ قبل از میلاد از آسیای میانه و ترکستان به آذربایجان مهاجرت نموده و از آذربایجان به بین النهرین و مناطق غربی و جنوبی ایران کوچ نموده باشند ، در آن صورت وابستگی و تعلق اسامی "بالوو" و "بلوو" به همان خلقهای ترک تبار را میتوان استنباط نمود.^{۱۲} درخصوص قدمت این روستا، در وبسایت مجله اینترنتی اورمیه چنین قید شده است: **قدمت** روستای بالو بنا به تکه های سفالی کشف شده در این منطقه به هزاره پنجم قبل از میلاد الی هزاره اول قبل از میلاد مسیح برمیگردد. از دیگر آثار تاریخی پیدا شدن یک سکه که مربوط به دوران اشکانی میباشد. بنا

به بررسی های انجام شده مشخص شد که سکه متعلق به دوره مهرداد ششم از پادشاهان اشکانی است. ۱۳ لازم به ذکر است که نویسنده مقاله مذکور درخصوص این مورد و مقاله درج شده هیچ رفرنسی ارائه نفرموده اند و مشخص و معلوم نیست که به کدامین منابع استناد نموده اند. میتولوژ و اسطوره شناس معروف ریچارد کاوندیش در اثر خویش بنام اساطیر و ادیان مشهور جهان در خصوص کنعانیان ساکن در منطقه اوگاریت شمال سوریه اشاره میکند که منطقه اوگاریت، یک مرکز دینی - سیاسی بشمار میرفته در دوره ای حدود ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ پیش از میلاد ، از رواج و شکوفایی خاصی برخوردار بوده است. کتیبه های بسیار آسیب دیده و شکسته ی یافته شده از آنجا، شامل اشعاری در باره خدای بعل Baal به عنوان خدای باران و باروری و سوار بر ابرهاست . نام وی در متون غالباً بصورت هداد Hadad یعنی خدای طوفان آمده است.^{۱۴} ل. دلپورت در بخش اساطیر فنیقی از کتاب "اساطیر آشور و بابل" مینویسد: "فعلا منابع ما (درخصوص فنیقی ها) شامل چهارگروه دست نوشته است که کهن ترین آنان به اعصار شهریاری مصر باستان ، یعنی آغاز هزاره سوم پیش از میلاد مسیح باز می گردد." ^{۱۵} با توجه به نظرات اخیر ارائه شده از سوی ریچارد کاوندیش و ل. دلپورت در خصوص قدمت فنیقیها، کنعانیان و اوگاریت ها ، میتوان نتیجه گرفت برآورد قدمت روستای بالو از سوی حمید شافعی و

ساریقامیش تورکون قان یادداشیدیر

SARIQAMIŞ TÜRKÜN QAN YADDAŞIDIR

اؤنجئسییه و سونراسییه ۹۳ حاربی. کولتور و
توریزم باکانلیغی یایینلاری: ۸۹۸، آنکارا، ۱۹۸۸،
ص. ۱۱).

هله ۱۷۲۵-جی ایله یازیلیب ۱۷۳۸-جی ایله
اٹلان ائدیلن روس چاری ای پیوترون ایشغالچیلیق
گودن " وصیتنامه " سینده یازیلیمیشدی کی، "
روسیا دؤولتی نین حدودو آوروپادان شیمالا
بالتیک دنیزینه، جنوبدان ایسه قارا دنیزه قدر
اولمالیدیر. بونو موحافیظه ائتمک و روس
سرحدلرینی گئنیشلندیرمک اؤولادلاریمین
وظیفه سیدیر.

روس دؤولتینی او زامان دنیا دؤولتی
آدلاندیرماق اولار کی، اونون پایتاختی آسیا و
آوروپا خزینه لری نین آچاری اولان ایستانبول
اولسون. تغز و یئرلی-یئرینده چالیشیب ایستانبول
صاحب اولان شاه دونیادا ایلاهی شاه اولاجاقدیر.
بو مقصدی حیاتا کئچیرمک اوچون همیشه
تورکیه و ایران آراسیندا فیتنه-فساد تۇرتمک،
داعوا-دالاش یاراتماق لازیمدیر. بو ایشده سنی و
شیعه مذهبلی آراسینداکی ایختیلافلار بؤیوک،
کسکین سیلاح و باسیلماز اوردودور. روسیانی
نوفوذونو آسیادا قالدیرماق اوچون سنی-شیعه
ایختیلافلاری یاخشی واسیطه دیر " (باخ: "
دیریلیک " ژورنالی ۱۹۱۶-جی ایل).

Prof. Dr. Maarifə Hacıyeva
Dr. Hüseyn Şərqidarəcək (Soytürk)

پروف. دکتر. معاریفه حاجییوا
دکتر. حسین شرقی درجک (سوی تورک)



چار روسیاسی ایله عثمانلی دؤولتی آراسیندا
۱۶۷۷-جی ایلدن ۱۹۱۴-جو ایله قدر ۱۸ دفعه
موحاریبه اولموشدور. ۱۶۷۷، ۱۶۹۵، ۱۷۱۱،
۱۷۳۶، ۱۷۳۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۸۳،
۱۷۹۱، ۱۸۰۶، ۱۸۰۹، ۱۸۲۸، ۱۸۵۳، ۱۸۵۵،
۱۸۷۷، ۱۹۱۴-جو ایل تاریخلرینده باش وئرن
موحاریبه لر تخمینن یاریم عصرلیک بیر تاریخی
احاطه ائتمیشدیر (باخ: تورخان شاهین).



معلوماتدور كى، ۱۸۷۷-جى ايلده روسىيايا مغلوب اولان عوتمانلى دؤولتى بئرلىن آنلاشماسينا گؤره تضمينات آلاراق باتوم، ساريقاميش، قارص، آرداهان و آرتوينى روسىيا وئرميشدى. بو يورد تورپاقلارنى گئرى آلماق ۱-جى دونيا موخاريبه سينده زيف دوشمه سینه و آوروپا دؤولتلىرى طرفيندن ايشغالا اوغراماغينا باخمايaraq عوتمانلى دؤولتى نين بو تورپاقلارى روس ايشغالىندان آزاد ائتمك ايستگى ايدى. اودور كى، عوتمانلى دؤولتى روسىيا ايله ساريقاميشدا دؤيوشه باشلاماق زوروندا قالدى.

نه يازيق كى، ۱۹۱۴-جو ايلده ساريقاميش دؤيوشونده قلمه قازانان روسلار آنادولونو يئنيدين ايشغال ائتمه يه مووفق اولدولار. آنادولو تورپاقلارنى يئنيدين ايشغال ائتمك مقصدى ايله عوتمانلى دؤولتى ايله موخاريبه يه گيرن چار روسىياسى ايله عوتمانلى دؤولتى آراسيندا باشلايان

گؤرونديو كيمي، چار روسىياسى نين ۱-جى پيوتردان اول و ۱-جى پيوترون وصيتيندن سونرا دا عوتمانلى توركيه دؤولتى ايله آپارديغى موخاريبه لر چار روسىياسى نين ايشغالچىلىق سياستينه خيدمت ائتميشدى. ۱۹۱۴-جو ايلده توركيه نين ۱-جى دونيا موخاريبه سينده كى وضعيتيندن ايستيفاده ائده رك تورك تورپاقلارينا صاحب اولماق اوچون آپارديغى ساريقاميش موخاريبه سى ده چار روسىياسى نين ايشغالچىلىق ايدئولوگىياسى نين تظاهورو ايدى.

۱۹۱۴-جو ايلين دئكابريندان ۱۹۱۵-جى ايلين يانوارينا قدر روسىيا ايله عوتمانلى دؤولتى نين آراسيندا داوام ائدن ساريقاميش دؤيوشونون بير سببى ده عوتمانلى دؤولتى نين ۱۸۷۷-جى ايل حربيده روسلارين ايشغالىنا اوغراميش تورپاقلارى گئرى ايستمه سى ايدى.

عسگرينينبير حيصه سى تامامن دوناراق شهيد اولموشلار.

۱۹۱۸-جى ايلده قيسا مودتده تورک اوردوسونون اينه كئچن بو تورپاقلار موندروس موقاويله سى ايله يئنيدين الدن چيخميشدير. بو فورستدن ايستيفاده ائدن روسلارين ال آلتيسى اولان منفور ائرمينلر ايسه ۱۹۲۰-جى ايله قدر بو تورپاقلاردا ائتمه ديكلىرى اجلاليلقلار اولماميشدير. نهايت، ۲۹ اوكتيابر ۱۹۲۰-جى ايلده كاظم كارابكير پاشا ساريقاميشى ائرمينى و روس ظولموندن قورتارميشدير.

ساريقاميش دؤيوشلىرى ۱-جى دنيا موخاريبه سى نين اؤنملى جبهه لرinden بيرى كيمي عسگرى و سياسى نتيجه لرى ايله چوخ سايدا آراشديرمالارين، شعير و بديعى اثرلرين يازيلماسى اوشون حربى مؤوضو اولماقدادير. معلومدور كى، ۱۹۱۴-۱۹۱۸-جى ايللرده روسيا و آلمانيا آراسيندا باشلايان اى دنيا موخاريبه سينده عثمانيلى دؤولتى نين ۱-جى دنيا موخاريبه سينه جلب اولونماسى عثمانيلى ايمپئرياسى نين پارچالانماسينا و توركيه نين موخاريبه ميدانينا چئوريلمه سينه سبب اولموشدور. بو موخاريبه نين ان جانلى صحيفه سى ايسه ساريقاميش دؤيوشلىرى نتيجه سينده تورک عسگرلىرى نين قهرمانليغي، وئردىگى شهيدلر تاريخين قانلا يازيلميش صحيفه لرindenدير.

موخاريبه نين قانلى صحيفه سى توركيه نين ساريقاميش بؤلگه سينده يازيلدى. ۱۲۰,۰۰۰ عثمانيلى عسگرى ايله ۶۰,۰۰۰ روس عسگرى دؤيوشموش، بو دؤيوشده ۳۰,۰۰۰ تورک عسگرى دؤيوش ميدانيندا شهيد اولموشدور. بو دؤيوشده روس اوردوسونون سايبى عثمانيلى اوردوسونون سايبندان آز اولسا دا آغير سيلاح، توپچو و تامينات باخيميندان اوستونلويه صاحيب روس اوردوسونا ۴ ائرمينى كؤنوللو تابورلاريندان ايكييسى ده كؤمك ائديردى. ديگر ۲ تابور ايله ۱۸۱۳-جو ايلده جنوبي آذربايجان تورپاقلاريندا ايرانا ايلهق اولان آذربايجان جبهه سينده آذربايجان توركلرى ايله وورولور، روسلار كؤمك ائديردى.

ساريقاميشدا ۱۰,۰۰۰ تورک عسگرى خسته خانادا اؤلموش، ۱۰,۰۰۰ عسگر يارالانميش، ۷۰,۰۰۰ عسگر روسلار اسير دوشموشدو. اسير دوشنلر واقونلار دولدورولاراق او زامان روسيانين موستملكه سى اولان شيمالى آذربايجانين خزر ساحيلينده يئرلشن نارگين آداسينا گتيريلرک اونلار آغير ايشگنجه لر وئريلميشدى.

۱۹۱۴-جو ايلين دئكابري آييندا ساريقاميش حرکاتى آدى ايله بيلين تاريخ حافظه لردن سيلينميش دئييل. شيددتلى سويوغون حؤكم سوردويو ۱۹۱۴-جو ايلين سونلاريندا انور پاشانين تاپشيرى ايله تورک اوردوسو الله اکبر داغلاريني آشراق ساريقاميش و قارصى ايشغالچيلاردان ايسته ميش، فقط قيشين شيددتلى سويوغونا تاب گتيرمه ين تورک

تشکیلاتچیلیغی ایله کئچیریلن تدبیره من ده " نانکور خیصلتلی نامرد قونشولارین تۇرتدیگی خوجالی فاجیعه سی " آدلی مؤوضو ایله قاتیلیمیشدیم.

ایغدير كولتور مركزينده كئچيريلن ايغدير واليسى ائوئر اولو، ايغدير - آذربايجان ديل، تاريخ و كولتور بيرليگي ياشاتما و دستكله مه درنگي نين باشچيسي ضيا ذاكير آجارين، آذربايجانين قارص كونسولو نوري قولبيئيون چيخيشلاري ايله منيم، آغري اونيورسيتتي نين پروفئسسورو كرم كارابولوت و دوچ. گورسل سولمازين چيخيشلاري، خوجالي سويقيريميني عكس ائتديرن فيلم ده، بير داها ائرميني جينايتكارلاري نين ايچ اوزونو باشدان-آياغا دوپدولو اولان سالوندا اوتورانلار معلوم ايدى.

تدبيرده خوجالي سويقيريمي حاقيندا اطرافلى موشاهيده لرى ايله ديقق چكن دوچ. گورسل سولماز بيفندى منه " ساريكاميش " آدلى شعيرلر كيتابيني وئردى. بو شعير كيتابي حاقيندا مولا حظه لريمي تهراندا آذربايجان و توركجه نشر اولونان " خدافرين " درگيسي نين صاحيبي و باش رئاكتورو، ساريكاميش حاقيندا شرحلى ايله ديققيمي چكن دوكتور حسين سويتوركله بيرليكه بير مقاله حاضيرلاماق قرارينا گلديك. حسين بيين باكيذا اولماسى بو يازى نين عرصه يه گلمه سيني گئرچكلشديردى.

" ساريكاميش " آدلى كيتاب هم ساريكاميشين قورتولوش ايلدؤنومو و توركيه جومهوريتى نين

تاريخين ساريكاميش اوغورسوزلوغوندان سونرا توركيه نين شرق حيصه سى يئنه روس اوردوسونون ايشغالينا، قارص و ارضوروم اهاليسى ايسه روسلارين ال آلتيسى اولان ائرمينلرين هوجومونا معروض قالسا دا تاريخ اؤز حؤكمونو وئردى. ساريكاميش ايشغالچيلاردان آزاد اولراق يئنه توركيه تورپاقلارينا قاتيلدى.

نهايت، ۱۵-جى تورك كول اوردوسو و اونون كوماندانى كاظم كارابكير پاشا ۲۹ اوكتيابر ۱۹۲۰-جى ايلده ساريكاميشى، ۳۰ اوكتيابردا قارصى و ۲۳ فئورالدا بوتون قارصى ايشغالچيلاردان آزاد ائتدى.

ساريكاميش دؤيوشلىرى نين نتيجه سينده عسگرلرين عزمكارليغي، وئردىگى شهيدلر حاقيندا تاريخى و بديعى اثرلر يازيلميش و گونوموزده يازيلماقدا داوام ائتمكده دير. دوچ.دكتور. گورسوى سولمازلى توركون قانلا يازيلميش تاريخى نين بير پارچاسى اولان " ساريكاميش " آدلى شعيرلر كيتابيندا بو قانلى تاريخين بير بديعى پارچاسى شرح ائديلىر.

همين كيتابين الدهه ائديلىب اينجلنمه سى نين قيساجا تاريخجه سى بئله دير كى، ۲۱ فئورال ۲۰۲۰-جى ايلده توركيه نين ايغدير شهرينده خوجالي سويقيريمي نين ۲۸-جى ايلدؤنومو ايله علاقه دار تدبير كئچيريلدى.

ايغدير - " آذربايجان ديل، تاريخ و كولتور " بيرليگي ياشاتما و دستكله مه درنگي " نين

۷۵- جی ایلدؤنومو موناسیبتیله ۱۹۹۸-جی ایلده ارضرومدا نشر اولونموشدور. سونرا ۲۰۰۴-جو ایلده و سونرالار بیر نچه دفعه نشر اولونان، شهیدلری ایله تانیان قهرمان ساریقامیش حاقیندا شعرلر سونونجو دفعه ۲۰۱۹-جو ایلده یایینلانمیشدی و مؤلیفین منه وئردیگی سون درجه آنلاملی و قییمتلی کیتاب محض ۲۰۱۹-جو ایلده عرضورومدا یایینلانمیشدیر. نییه بو شعر کیتابی آنلاملی و قییمتلیدیر؟ چونکی کیتابا ۳۳ مین شهید وئرن ساریقامیش آدلی بیر تورپاق بوتون پارامترلرله پوئزیانین دیلینده ایفاده ائدن پوئتیک نومونه لر توپلانمیشدیر.

شعیردن معلوم اولور کی، کیتابین مؤلیفی ساریقامیش دوغوملودور. دوغولدوغو تورپاغین فداکارلیغیندان ایلهام آلان، ایشغالچیلار نیفرت ائدن مؤلیف، دئمک اولار کی، ساریقامیشین هر یؤنومونو ایفاده ائدن شعرلرینده پوئتیکلشدیریلیمیش و حاقلی اولاراق کیتابی تورپاغین آدی ایله " ساریقامیش " آدلاندیرمیشدیر.

شاعیر ائله ایلک شعرینی ده ساریقامیشا یازدیغینی دا اعتیراف ائدیر:

ساریقامیش بونا شاهید اولسون کی،

ایلک پنجه کاغیزی سنه یازمیشام،

او سؤگی شو منیم سئودگیمدی کی،

کایتتیم آغینی اونا یازمیشام .

(ص. ۸۹)

کیتابا داخیل ائدیلن شعرلرین اکثریتی ساریقامیش قهرمانلارینا، ساریقامیشین شهیدلرینه، مئحمئتجیه (تورک سربازی) یازیلیمیشدی. " سوراسین ساریقامیشا " ، " مئحمئتجیک ساریقامیشتا " ، " ساریقامیش ایچین " ، " ساریقامیش دئستانی " ، " کار ساریقامیش " ، " آشیک اولونور ساریقامیشا " ، " ساریقامیش " ، " اوی ساریقامیش " ، " سئلام ساریقامیشلیم " ، " عسکتر ساریقامیشلیم " ، " ساریقامیش تورکوندور " ، " شهیتلر تانیشتیلار " آدلی شعرلر بونلاردان بیر نچه سیدیر. بو شعرلرین هر بیر ۹۰ مین شهید وئرن ساریقامیشا یازیلان بیر آغی و قهرمانلیق سیمفونیاسیدیر دئین شاعیر:

۹۰ مین شهیتین یئمینی کیمی،

بیز ده یئمینلیز وطنیمیزده.

بو کوتسال یایلار بیزیم ازه لی،

شو اوجا تپه لر شهیت بئزلی،

نور اولسون یئرلری، رحمت دئمه لی،

میننت بورجوموز وار وطنیمیزه -

دوشونجه لرینی ایفاده ائتمکده دیر.

کیتابین مؤلیفی ساریقامیش اوچون داستانلارا سیغان بیر داستان دا یازر. بو داستاندا شاعیر ساریقامیش قهرمانلاری نین تابلوسونو چیزن بیر پوئتیک داستان نومونه سی یارادیر.

بو داستاندا الی سیلاحلی، یاراسی سارغیلی،
 آیاغی چیلپاق، باش سارغیسی قانلی، آما بیلگی
 جانلی، جسور اورکلی بیر مئهممتجیگین بدیی
 پورترتی چیزیلیر. داستانین بو جسور قهرمانی ۹۰
 مین شهید وئرن ساریقامیشدا عوثمان پاشایلا،
 حالیت پاشایلا، کاظم پاشایلا یازیلان داستان بئله
 شرح اندیر:

سالام شانلی اوردویا، سالام شانلی عسکره،
 سالام شانلا شهیده، سالام شانلی مقبره،
 سالام شانلا وطنه، سالام شانلی هر یئره،
 سالام ساریقامیشا، سالام سنه ساریقامیشیم.
 (ص. ۱۹)

تاریخده ساواشدیق سیسلی داغلاردا،

شهیتلی بئزلی سوسلو داغلاردا،

سوغانلی - کومرودا و آکمئزادا،

بیر نسیل شهیددیر - قوزوم - دئییردی.

" تاریخده واردیر " شعرینده مؤلیف تاریخه
 ایستیناد ائده رک یازیر کی، تاریخده ساواشلار
 واردیر: مالازگیت، نیغبدو و هله آنلاتیلمامیش،
 یازا چکن قیش کیمی جاناکالا، ساریقامیش
 کیمی... (ص. ۸۱).

" شهیتلر تانیشتیلار " شعرینده شاعیر هر
 بیر یی بیری یئردن اولسا دا، وطن اوچون شهید اولان
 بو قهرمانلار " آنادولونون داستانلاشمیش
 تورکلری " کیمی ایفتیخارلا پوئتیکلشیر. اونلار
 تورک سویوندان اولان تانیشلاردی:

آنجا ساریقامیش شهیدلرینی آنلاتماق او قدر
 چتین کی... بوراداک شتیدلر یئریرکن آیاقدا، قار
 آدام کیمی دونوب قالانلار، دونوب اولن چاره سیز
 شهید عسگرلر ایدی. شاعیر ساریقامیش
 شهیدلرینی بئله آنلادیر:

شهیدلر تانیشتیلار،

هر بیری بیری یئردن،

بیری دئدی کی، ساریقامیشلی تورکمن،

او بیری، من مالاتیالی کوردم.

من آدابازارلی چرکز،

من اسکیشهرلی تاتار،

من بوشناک، من آذربایجانلی،

بو قهرمانلارا سالام اولسون.

الله اکبر سیسلی، سوغوگدو، اوغول،

بئنیزلر دونوگدو، سولوگدو، اوغول،

شهیتلیک چیکیلان دونوگدو، اوغول،

سون رنکات نامازی کیلمیشتیکی، اوغول.

(ص. ۴۹)

بو شعرلرده الله اکبر داغی نین آدی اوجا داغ،
 شهیدلره قوجاق آچان موقدس بیر مکان کیمی
 چکیلیر. بو موقدس جوغرافی اراضی تورکون آند
 یئری، شهیدلرین ابدی ساغ قالدیغی مکان، ۹۰

(ص. ۵۵)

سرحدلری ایندیکی وضعیتیه گلدی. بئله ده ۴۰ ایل
سورن روس اسارتینه سون قویولدو (ا.ک.ج. ص. ۲۵-
۲۶).

شاعیر گورسوی سولماز ایفتیخارلا " ساریکامیش
تورکوندور " شعیرینده بونو بئله پوئتیکلشدیریر:

۴۰ ایلدیر بو وطن یابان الیدی،

موسکوللا ائرمنی بیر خیالدایدی.

محمده ده بیر داستان داها یاز دئندی،

اوخوندو سوغانلی، الله اکبره...

(ص. ۲۳)

کوتلو اولسون سنه، ائی ساریکامیش،

چالینسین داووللار توی ساریکامیش.

بوگونون نه موتلو ائی ساریکامیش،

۲۹ ائیلول گؤنولدی، باشدا،

بیر باشقا آنیلار ساریکامیشدا...

(ص. ۶)

شعیرلرده ارضوروم یولو اوزرینده کی " سوغوک
سودان "، الله اکبرده کی شفالی " آری-سودان "
" آلبای چئشمئه " سیندن، " ککلیک دره سیندن "
، " کیز-کاله " یاماجیندان، " هانچئرلی دوزو "
ندن، " شیرشیر "، " کوم-دئرئه " دن، " میل
باغچه سی " نندن، " سوسوز " دان، " آرداهان "
دان، " هاناک " دان، " دؤشکایا " دان، " کازباکان "
" دان، " کومرو " دان صؤحبت آچیلیر، بو تورپاغین
عادت-عننه لری پوئزییانین دیلینده سسله نیر.

مین شهید شربتینی ایچدیگی داغدیر. بو داغا دا،
ساریکامیشا دا سالاملار اولسون دئییر شاعیر:

ظفرلر پئشینده قارلی داغلار آشاردیم،

الله اکبر ده کوکره ییب،

سوغانلیدا داشاردین،

آلاه، آلاه سسلریبله،

میدانلاردا جوشاردیم،

سالام سنه، سالام، ساریکامیشیم...

تدقیقاتچی هیلمی دولکادیرین تاریخ، فولکلور،
خالق ادبیاتینا آراشدیرمالاری اولان " کارس
جوتلوگو " آدلی اثرینده تاریخی یادداشیمیزا،
تاریخه گوزگو توتان ۱۹۱۴-جو ایل روس ایشغالی
و ائرمنی نامردلیگینی ایفاده ائدن آشاغیداکی
سطیرلر وار. " روسلار وانی، بیتلیسی آلدیلار. بو
اسنادا روسلاردا بیلینن ایختیلال اولدو (بورادا
۱۹۱۷-جی ایلده روسییدا باش وئرن اوکتیابر
اینقیلابی نتیجه سینده بولشئویکلرین حاکیمیتیه
گلمه سی نظرده توتولور " - م.ج) روسلار
عسگرلرینی گئری چکمه یه باشلادی. روسلار
بورالاردا اولان ائرمنیلره سیلاحلاری و جبهانه لری
ده بوراخیب گئتدیلر. ائرمنیلر بو سیلاحلارلا
تورک میلی قوووه لرینه موقاویمت گؤسترمه یه
باشلادیلار. لاکین تورک میلی قوووه لری، او
جومله دن عبدالمجید آلایی، کور حسین پاشا
آلایی، گولیهان بئغ آلایی، رئشیت بئغ آلایی
حرکته کئچه رک ائرمنیلری گومرییه قدر
قوودولار. ائرمنیلر بیر چوخ تورک اینسانینی
غدارلیقلا اؤلدوردولر. کندلرده موسلمانلاری بیر ائوه
توپلاییب اونلاری یاندیردیلار. نهایت، روسلارلا قارص
و گومرو موقاویمه لری نین ایمضالانماسی ایله تورک

سورمودوم ساريكاميشى " شعيرى ايله تاماملماق
ايسته ييريك. شاعير قهرمان تورک عسگري نين
پورترئتىنى يارادير. او، دوناراق ايره ليله يير، دونا-دونا
بوز هيكلينه دؤنور، آما دوشمنه تسليم اولمور.

ددمه سورمودوم ساريكاميشى،

بير نسيل شئهيددير اوردا دئميشدى...

اوچونجو اوردوموز دوخسان مين كيشى،

ساواشدى تيپيده قاردا دئميشدى...

محمتلر تك قورشون آتمادان دوندو،

محمتلر گولمه ين تاريهه كاندى،

محمتلر افسانه و قهرماندى،

اوروسلار قالديلار داردا دئميشدى...

هر تومسك بير شئهيد، هر جام قاضيدير،

شئهيدليك، قاضيليك توركه يازيدير،

نه موتلو تورک اولماق آتا سؤزودور،

صاحيب اول وطنه، يوردا دئميشدى...

بؤيله سى بير داستان هئچ يازيلمادى،

دوخسان مين كيشيه سوچ يازيلمادى،

ييلمادى دوشمندن حتى ييلمادى،

توركون موعجيزه سى بوردا دئميشدى.

(ص. ۲۶)

گزيب يايلاسينى سئيران ائله ديم،

بزنميش آللارى ساريكاميشين،

قاتيق ياييب ايچمه يه ايران ائيله ديم،

گرميشدير دوغويا دال ساريكاميش...

هله بير اريسين داغلارين قارى،

گوللري آچيلير قيرميزى، سارى،

اوشوشور باشينا كووانلى آرى،

آغيزلارا دادسين، بال ساريكاميش.

(ص. ۱۶)

" نئوروز " آدلى شعيرينده ايسه توركلرين اورتاق
مدنيتى نين، مدنى ديرلرى نين توپلوسو اولان نووروز
بايرامى نين بو يئرلرده كئچيريلمه سى، جمره لر،
بوتون آتريوتلارى ايله ايفاده اولونور.

ايشتى ائكمك، ايشتى دوز،

باريش دئمكتير نئوروز،

سئوگى پايلاشييوروز،

تا ميلادتان ائوئل،

ال-الئيز، ائل-ائله.

(ص. ۷۸)

وطن اوچون دوناراق ۹۰ مين شهيد وئرن
ساريكاميش قهرمانلارينا، بو تورباغين مئهمئتجيگينه،
بو تورباغين ساكينلرينه، گؤزلرينه، وتداشلارينا،
داشينا، قاياسينا اونوانلانا " ساريكاميش " كيتابى
نين مؤليفينه تشككور ائدير، مقاله نى " ددمه

تئخنيكومو (هنرستان) بيتيريب. موختليف وظيفه لرينده چاليشيب.

۱۹۹۹-۱۹۹۵-جي ايللرده " علم و تحصيل مركزي تفكر " اونيوترسيتتئينده تحصيل آليب. ۱۹۹۶-جي ايلدن حال-حاضيرا قدر آذربايجان دؤولت دمير يولونون " داشيما پروئسسلري اداره ائتمه " بيرليگينده رئيس معاويني وظيفه سينده چاليشير. " فخري دميريولچو " و " امكدار مهندس " آدينا لاييق گورولوب. بديعي ياراديجيليغلا مشغول اولور. دوققوز شعر و دورد موسيقيلى كومئديا كتابي نين مؤليفيدير.

راميز عبدالله يئو " عبدالله شايق " ، " وطن " ، " قيزيل قلم " ، " قيزيل آچار " ، " قيزيل بوت " ، " قيزيل اورك " ، " دده قورقود " آدينا " وطن اوولادي " قيزيل مئدالي موكلاتلاري ايله تلطيف اولونوب، آذربايجان يازيچيلار بيرليگي نين و آذربايجان ژورناليستلر بيرليگي نين عضوودور. ۲۰۰۲-جي ايلده " اولاجاغا چاره يوخدور! " آدلى ايكي حيصه لي موسيقيلى كومئدياسي ج.جاببارلي آدينا ايروان آذربايجان دؤولت درام تئاتري نين آكتيورلاري طرفيندن آذربايجان ميللي آكادئميك درام تئاتري نين و ش.قوربانوو آدينا موسيقيلى كومئديا تئاترلارين صحنه لرينده اوينانيلميشدير. AZTV طرفيندن اثره فيلم چكيلميشدير.

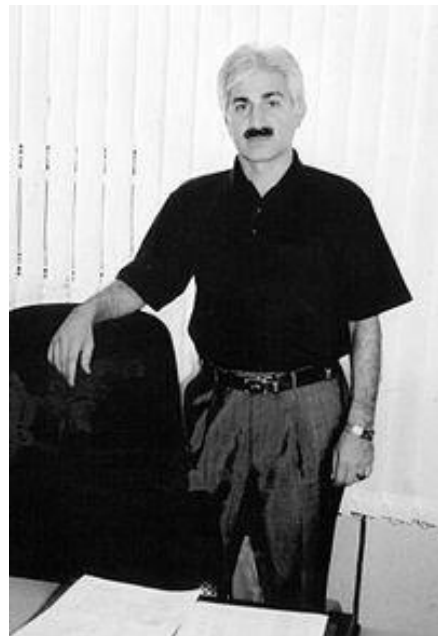
۲۰۰۷-جي ايلده " بيزنئسمئن " آدلى ايكي حيصه لي موسيقيلى كومئدياسي ج.جاببارلي آدينا ايروان آذربايجان دؤولت درام تئاتري نين آكتيورلاري طرفيندن صحنه لشديريلميش و ش.قوربانوو آدينا موسيقيلى كومئديا تئاتري نين صحنه سينده اوينانيلميش و spas tv طرفيندن چكيله رك ائفيرده وئريلميش. LIDER TV

حكايه - اويكو - پيس

معلم - MÜƏLLİM

**RAMİZ
ABDULLAYEV
(PYES)**

راميز عبدالله يئو



معلم

(پيس)

راميز عبدالله يئو حياتي :

ده باكي شهري نين ماستاغا قصبه سينده آنادان اولوب. ۱۹۷۰-جي ايلده باكي دمير يولو تئخنيكومونا داخل اولوب. ۱۹۷۲-۱۹۷۴-جي ايللرده حربي خدمتده اولوب. ۱۹۷۵-جي ايلده

۲. "بوتۇو آذربايجان مۇوضومدور منيم" - "كور-خزر" قزئتى، يانوار ۲۰۰۱، مۇلىف: بۇيوك آغا ميكايىللى
۳. "بىر قلبده ايكي آمال" (مصاحبه) - "اولو كۇرپو" قزئتى، ۰۱ نويابر ۲۰۰۵، مۇلىف: موسى طبى اوغلو
۴. "وطن تورپاغينا سئوگيدن دوغان شعرلر" - "اولو كۇرپو" قزئتى، ۱۳ ايون ۲۰۰۵، مۇلىف: موسى طبى اوغلو
۵. "راميز عبدالله يئوين پوئتيك دنياسى" - "تحصيل" قزئتى، ۱۸ آوقوست ۲۰۰۶، مۇلىف: خالق شاعرى نريمان حسن زاده
۶. "راميز عبدالله يئوين پوئتيك دنياسى" - "دربند" قزئتى، ۰۸ دئكابىر ۲۰۰۶، مۇلىف: خالق شاعرى نريمان حسن زاده
- راميز معلمين ايكي اثرى تهران وتبريزده نشر اولونموشدور.

اۇن سۇز

راميز عبدالله يئو حاقيندا يازماق دىقت و مسئوليت طلب ائدير. چونكى او، امضاسيندان تانينان شاعير-دراماتورق-يازپچيدى.

راميز معلم ايستر نظم، ايستر نثر، ايستر سه ده درام اثرلرى اولسون، فرق ائتمز، عهدده سيندن باجاريقلا، استاليقلا گلير. يازديغى اثرلره جانيعنى-قانيعنى قويور.

راميز معلمين نۇبتى اثرى "معلم" پيئسى يازى ماسامين اوستونده دى. اوخودوقجا اوخويورام و ذوق آليرام. موليفين معلم پئشه سينه حرمتله ياناشماسى، معلمين مقدس، اولوى

طرفيندن اثره بديعى فيلم چكىلميش و دفعه لرله ائفيرده گۇستريلميشدير.

۲۰۰۸-جى ايل ايون آيندا "پاسپورت" آدلى ايكي حيصه لى موسيقيلى كومئديياسى گنج تاماشاچيلار تئاترى نين آكتيورلارى طرفيندن ش. قوربانوو آدينا موسيقيلى كومئديا تئاترى نين صحنه سينده اوينانيلميش و SPAS TV طرفيندن چكىله رك ائفيرده وئريلميش. LIDER TV طرفيندن اثره بديعى فيلم چكىلميش و دفعه لرله ائفيرده گۇستريلميشدير.

شعرلرينه ۲۵۰-دن آرتيق ماهنى بسته لنميش و ۱۲۰-دن آرتيق مغنى نين ايفاسيندا ماهنيلار خالقimiz ا تقديم اولونموشدور.

اثرلرى

- "نئجه اونودوم سنى"
 - "سئوگى دويغولارى"
 - "سئوگى دولو گئجه لر"
 - "اولاجاغا چاره يوخدور"
 - "وطن تورپاغى"
 - "زئمليا اوتچيزنا"
 - "بىزنئسمئن"
 - "باهار ياغيشى"
 - "پاسپورت"
 - "سئوگى چيچكى"
 - "۱۰۱ كلام"
 - "آنا يوردوم منيم، آذربايجانيم"
 - "سئجيلميش شعرلر"
 - "۹۹ قارداش"
- حقينده يازيلانلار
۱. "يئنى موسيقي آلبوملارى «نئيليم»"
 - "شرقين سسى" قزئتى، فئورال ۲۰۰۰

اثرده مؤلیف اوخوجویا فیکرین تاثیر گوجونو،
تربییوی اهمیتینی آشیلایر.

اثرده تاثیرلی، تربییوی اهمیت کسب ائدن، قلبه
خوش گلن سبب و نتیجه آراسینداکی باغلیلیغی
ایضاح ائدن نمونه لر چوخدور.

اومیدوارام کی، رامیز عبدالله یئوین بو اثری ده
اوخوجولار ترفیندن رغبتله قارشیلاناجاق و
سئویله-سئویله اوخوناجاق.

رامیز عبدالله یئو یئنی-یئنی یارادیجیلیق
اوغورلاری آرزولاییرام و حرمتلی همکاریمما "
قلمینیز ایتی، سؤزلرینیز کسرلی اولسون "

دئییرم.

ایلیاس افندی وفالی
شاعیر-پوبلیسیست.

معلم (پیسی)

تقاعده چیخمیش غضنفر معلم ائویعین
پنجرسیندن کوچه نی سیر ائدرکن، زیبیل
یئشیکلریعین یانیندا بیر اوغلان اوشاغیعین،
دیگر اوشاقلار طرفیندن آمانسیزجا دؤیولدویونو
گؤرور. غضنفر معلم دؤزمیه رک کوچیه چیخیر و
دؤین اوشاقلارا آجیقلایر.

غضنفر: اوتانماییرسینیز، اؤزونوزدن کیچیک بیر
اوشاغی دؤیورسونوز.

اوشاقلار قورخاراق اوزاقلاشیرلار.

غضنفر: سنی نییه دؤیوردولر؟ آدین ندیر؟

صمدآغا: آدیم صمدآغادیر. دؤیولمگیمین سببی،
آجلیق اوجباتیندان آتیلیمیش بیر تیکه چؤرک.

غضنفر: نهه یعنی، زیبیل یئشیگیندن چؤرک
یئمک؟ منه اطرافلی دانیش. سنه نه اولوب؟

بیر پئشه صاحیبی اولدوغونو بو اثرینده آچیق-
آیدین گؤستریر و بونا اوستالیقلا نایل اولور.

پیئسین باش قهرمانی غضنفر معلم اولدوقجا
عالیجناب، هومانست، سخاوتلی، نمونه وی بیر
معلم کیمی اوخوجویا تقدیم اولونور.

هر بیر بدیی اثر اؤز ایلکین منبعیعی، "
قیداسینی " حیاتدان، رئال انسان و حادثه لردن
آلیر، سونرادان صنعتکار تخییولو، اوبرازلی
دوشونجه نین محصولو ایله اونلاری جیلالایب
کامیلشدیریر، بدیی اوبرازلار سیستئمینه
اوخوجولارا تلقین ائدیر.

رامیز عبدالله یئوین " معلم " پیئسین
مؤوضوع سو رئال حیاتدان گؤتورولوب. پیئسده کی
حادثه لر رئال حیاتدا باش وئریر.

رامیز معلم اثرین باشلانغینجیندا اوخوجوسونو
انتظاردا ساخلاسا دا، سون اوجدا اوخوجولارا
معنوی ذوق وئریر. اثرده کونکرئت فاکت و حادثه
لر داها قاباریق و آیدین شکیده اوخوجویا مهارتله
و اوستالیقلا چاتدیریلیر.

عومومییتله اثر اوخوجویا قطعین آجی طالع
ایله باریشماق مئیلیعنی آشیلامیر، عکسینه هر
بیریمیزی گونده لیک حیاتیمیزدا، داورانیسیمیزدا
مرد و مبارز، هومانست، سخاوتلی اولماغا
چاغیریر، چکیلن امگین بیر گون حکمن بهره وئره
جگی فیکریعنی بیزه اینام و قطعیتله تلقین ائدیر.

اثرین بدیی لیاقتلری، مضمون و ماهیتی باره
سینده گئنیش و اطرافلی یازماق دا اولار. تکجه
اونو علاوه ائتمگی لازیم بیلیرم کی، اثرده
گؤزلیک وحدت حالیندادیر.

رامیز عبدالله یئو " معلم " پیئسینی اوستالیقلا
یازمیش، کونکرئت مضمون و معنایا، پسیخولوژی
اوقاتا اویغون گلن اثر عرصه یه گتیرمیشدی.

صمدآغا: بئله باخاندا منه هئچ نه اولماييب. اليم
اياغيم اوستومده، کيمسسيز، آتيلميش بير
اوشاغام.

غضنفر: سن هاردا یا شاییرسان؟
صمدآغا: کوچہ لردہ، پادواللاردا، هاردا کی،
کوچہ ایتلری، پیشیکلری قالا بیلر، من ده او
بیئرلده.

غضنفر: آتا-آنا قوهوم اقربالاريندن كيمين وار،
آپاريم سنى اونلارا؟
صمداغا: آتام-آنام دئيلىدىگينه گۆره آتوموبيل
قزاسيندا اۋلوب. بئش ياشينا قدر نئم ساخلاييب،
او دا اۋلوب. داها هئچ كيمي يوخدور.

غۇزغۇرلار ياشلا دولاراق درىندىن آه
چكىر: - گۇر نه گۇنه، نه زامانيه گليب چاتديق،
انسانلار لازىمسىز اشيا كىمى ياناشىرلار. بو بالاجا
جىلىز، كىمسىز اوشاقلار، هله ده آنا-آنا نوازشى
گۇرمدىن كۈچلۈك، چىركاقلاردا سۈرۈنۈرلر. بۇلە
لر گۇن-گۇندىن آرتىر. اللە ىم سىن مەنە گۇچ و
سىر وئىر.

غصنفر: او اوشاقلار دا کیمسه سیزدیر؟
صمدآغا: بلم.

غۇنفر: ئىشىتىدىگىمە گۆرە اوشاقلارى
دىلنچىلىيە مەخۇر ائندىلر وار. دوزدو بو حاللار؟

صمداغا: بلى، دوزدور. من ديلنه بيلمرم، ال آچا بيلمرم. نئجه ال آچيم، ديله نيم؟ بلکه قارشيمداكى دا احتياج ايچينده ياشاير. بلکه اونون جييينده كى ده سون چورك پولودور. بلکه اونلارين دا اوشاقلارى آتالى، آنالى اولسا دا پيس گونده ياشاير لار.

غضنفر: ماشالله ! سن چوخ عقللی اوشاقسان.
سنین بو مسله لره بئله یاناشماغین، منی چوخ
سئویندیردی. منیم ده هئچ کسیم یوخدور. من

مسى يادينا دوشور. اوشاقلق باشقا عالمدير. او دؤورده دويغولار چوخ حساس و گوجلر اولور. آرزولار ايسه توكنمز اولور. تنز بؤيومك، اؤزون-اؤزونو مدافع ائتمك، باشقالارى نين آسيلليغيندان تنز چيخماق. سربست اولماق. ايسنديين يئره، ايسنديين قدر گئتمك و سايره...

غضنفر معلم، صمداغا ايله تانيشليقدان چوخ ممنون ايدى. اؤزونه دوست، قولاق يولداشى تاپميش، كيم بيلير بلكه ده الله تعالى اونا، صمداغانى بير اوغول كيمي گؤندرميشدى. آخى حياتدا هئچ نه تصادفو اولمور. نه اولورسا هر شئى الله ين ايدى ايله، اولور. بو دا، بو گونون قيسمتينه يازيليب، اؤزو-اؤزلوگون ده دئيه رك دوشونوردو. صمداغا: بيردن نسه دوز ائتمسم، خوشونوزا گلمسه، اوستومه قيشقيرماييم. ائله دئيين كى، چيخ گئت، گندرم.

غضنفر: من سنين اوستونه هئچ واخت قيشقيرماياجاغام، ناراحات اولما. هر شئى ياخشى اولاجاق. انشالله!

صمداغا: انشالله!

غضنفر معلم صمداغانين ال-اوزونو يوماسى اوچون حاماما گئتمسینه ايجازه وئير. صمداغا حاماما گئدير. غضنفر معلم مطبخده ائوده اولان نعمتلردن ماسانين اوستونه دوزور. ايلشرك صمداغانين گلمه سيني گؤزليير. صمداغا مطبخه داخيل اولور. سوفره يه قويولان نئمترلره باخاركن، هوشونو ايتيرير. يئره ييخيلديغى زامان، غضنفر معلم تنز قوللاريندان توتور. ائهمالجا اوتوراجاغا ايلشديرير. سو سوزه رك، ايچمه سيني بيلديرير. صمداغا سو ايچديكدن سونرا يازيق بير گؤركمده غضنفر معلمه باخير.

صمداغا: ايجازه وئيريسيز يئمه يه؟

صمداغا: سيز منيم آتام اولاجاقسينيز؟ غضنفر: ايسته سن هه. من سنى اوغوللوقا قبول ائدرم. مكتبه گندرسن. اوخويوب بؤيوك بير ايش آدمى اولارسن. آرزولاريغنى چين ائدرسن. من ده تك قابيب داريخمارام. سن ايسته ييرسن من تك قاليم؟

صمداغا: يوخ. الله هئچ كسى تك قويماسين. تكليك چوخ قورخولودور. من گئجه لر هميشه تكليكدن قورخموشام.

غضنفر: آى ساغ اول. منيم عقللى بالام. صمداغا (منيم بالام سؤزون) هؤنكورتو ايله، آغلاماغا باشلايير. هيچقيرا-هيچقيرا ايلك دفعه دير كى، منه - " منيم بالام " - دئييرلر. سيز دوغوردان دئييرسينيز؟ منى آلداتميرسينيز كى؟ غضنفر: منيم بو ياشيمدا كيميسه آلداتماغيم، منيم هئچ بو ساققاليم ياراشماز. (دئيه رك گولومسيير)

صمداغا دا بير قدر آرخاينلىق يارانير. او دا غضنفر معلمه قوشولاراق گولومسه يير.

غضنفر: گل اوتاكلارلا تانيش اول. (اونلار بير-بير اوتاكلارى گز-ديكدن سونرا) بو اوتاق سنين ياتاق اوتاغين و ايستيراهت يئرين اولاجاق. (صمداغايا باخاراق) نئجدير؟ خوشون گلير؟

صمداغا: هه. چوخ گؤزلدير.

غضنفر: گل گئدك ال-اوزونو يو. چؤرك يئيگ، من ده آجميشام. سونرا گيريب هامامدا ياخشيجا چيمرسن. گئديب دوكاندان سنه تزه پالتارلار آلاييق.

صمداغا: ياخشى، - دئيه رك سئوينجيندن آتدانيب-دوشمه يه باشلايير.

غضنفر معلمين سئوينجدين گؤزلرى دولور. اؤز اوشاقلق دؤورونده اونا آلينان ايلك وئلوسپئد (دوچرخه) اوچون بئله سئوينجك آتيليب-دوش-

دئدیم: یوخ بئله گوٲتوره بیلرم. کمک ائدیم
سونرا.

آغ ساچلی: یاخشی. اونداتوت زنبیلدن منه
کمک ائت.

صمدآغا: من چوخ سئویندیم کی، ایشلییب ائوه
چوړک آلیب آپاراچاغام. شئیلری ماشینا ییغدیلا
و منه دئدی.

آغ ساچلی: سندن بیر خواهیش ائسم، منیم
سؤزومو یئرینه یئتیررسن؟
صمدآغا: البتته.

آغ ساچلی: ائله ایسه وئر الینی. کیشی کیمی
دانیشدیق.
صمدآغا: هه.

آغ ساچلی: ایندی اوتورورسان بو ماشینا منیم
شوفئریمله گئدیرسیز سیزه. بو آلدیغیم شئیلری
سنه و ننه حالال ائدیرم.

صمدآغا: جیبیندن کیچیک بیر کیتاب
چیخاریب منه وئردی و سوروشدو: اوخویا
بیلیرسن؟
- بلی، - دئدیم.

آغ ساچلی: آلا (۱۰۰ ماناتلیق اسکینازی
شوفئرینه اوزاداراق). آپار ائولرینه ۱۰۰ ماناتی دا
وئرسن ننه سینه. آلدیغیمیز بو شئیلری وئر
اونلارا.

سونرا ایسه تلفن نؤمره سینی یازاراق منه وئردی
و دئدی: بوندان سونرا دیلنمه، ایشله مک آدی
ایله، کوچه لری گزمه. احتیاجین اولسا بو نؤمره یه
زنگ ائت، دانیشاق.

دئدیم: چوخ ساغ اولون. الله مین اوزین وئرسین.
ننمله، سون گونلری چوخ گؤزل یاشادیق. آما
داها اونا زنگ ائتمه یه اوتانددیم. آخی نه دئییدیم.
احتیاجیم وار، آجیندان اوّلوروک. باچارمادیم زنگ
ائتمه. ننم اوّلنده ایسته دیم زنگ ائدم، تلفون

غضنفر: البته. بونلاری سنین اوچون
حاضیرلادیم. یئه، نوش اولسون.

صمدآغا: چوخ ساغ اولون (دئییه رک تلسیک
یئمه یه باشلاییر).

غضنفر: تلسمه، آستا-آستا یئه. تئز-تئز یئمک
انسان اوچون ضیاندیر.

صمدآغا: باش اوسته (حرکتلریندن اوتاناراق،
آستا-آستا یئمه یه باشلاییر).

یئییب دویدوقدان سونرا، گئدیپ دیواندا ایلشیر.
صمدآغا: چوخ ساغ اولون. الله روزونوزو بول،
جانینیزی ساغلام ائتسین. من اکینجی دفعه دیر
کی، دویونجا یئمک یئیرم.

غضنفر: بیرینجی دفعه ننله اولموشدو؟
صمدآغا: ۳ آی بوندان اول ننم آغیر خسته
ایدی، آغریلاری چوخالمیشدی. ائوده هئچ نه
یئمه یه یوخ ایدی. من کوچلری گزه-گزه یاشیل
بازارا گئردیم. اوردا میوه ساتانلاردان یئمه یه بیر
شئی ایسته دیم. هئچ کس وئرمه دی. مأیوس
حالدا دایانمیشدیم. بیردن بیر نفر آغ ساچلی،
نورانی بیر کیشی منه یاخینلاشدی. اللرینده دولو
بازارلیق ائتمیش سبتلر وار ایدی، یانیندا دا بیر
نفر، سونرا بیلدیم کی، اونون سوروجوسو ایدی.

آغ ساچلی: سنه نه اولوب، آزیمسان؟
دئدیم: ننم آغیر خسته دیر. من ده، ننم ده
آجیندان اوّلوروک. هئچ کیمیمیز یوخدور.

آغ ساچلی: ناراحات اولما. اورگین نه ایسته ییر
دی آلیم، آپار ننه وئر، سنین ده اولسون.

دئدیم: قوی اونداسیزه کمک ائدیم. شئیلرینیزی
داشیییم، اوّزوم آلارام.

آغ ساچلی: دئدی سن بالاجاسان، هئچ اوچ کیلو
یوکه گوجون چاتماز. نه داشیماق. جیبیندن
چیخاریب ۵۰ مانات منه اوزاتدی.

سى نىن اۆلوم كاغدى، دوغوم حاقيندا شهادتنامه
اوزه چىخىر. غضنفر معلم چوخ سئوينير.

غضنفر: نه ياخشى اولدو، بو عقللى بالا
سندلرينى ايتيرمه ييب. اۆزوندە ساخلاييب. مکتب
اوچون سندلرين هازىرلانماسى اوچون هر شئى
وار (چوخ سئوينير).

غضنفر معلم تلهفونو گۆتوره رىك، اوللر درس
دئدييى، ايندى بۆيوك بير رايونون پروكورورو
ايشله ين واحد معلمه زنگ ائدير.

غضنفر: سالام، نئجه سن؟

واحد: چوخ ساغ اولون عزيز معلميم.

غضنفر: سنه بير ايشيم دوشوب. منه كمك
ائتمگين لازيمدير.

واحد: سنه جانيميزدا قورباندى، معلميم. بو
منيمچون بۆيوك شرف اولار.

غضنفر: منيم بختيمه ۶ ياشلاريندا اولان،
كىمسسىز بير اوغلان اوساغى چىخيب. اونو كوچه
دن ائوه دعوت ائتميشم. چوخ عقللى اوشاقدير. اونا
بوتون عمرومو حسر ائتمك ايستيگيرم. بو اوشاغى
اؤولادليغا گۆتور-مىيمه كمك ائت. بوتون سندلرى
وار. سندلرين صورتينى، سيزه گۆندره بيلرم. هم
ده دقيقليگينى يوخلاتديرين.

واحد: باش اوسته، معلميم. سندلرى گۆندرين.
ايمدن نه گليرسه مطلق حل ائده جگم.

غضنفر: سنه اوميد بسله ييرم. كمك ائت، واحد.
واحد: باش اوسته، معلميم. سيز تكى امر ائدين
هر شئى ياخشى اولاجاق.

غضنفر معلم تلهفونون دستييعنى قوياراق،
سندلرين صورتيعنى چىخاردير. واحد معلمه
گۆندرير. پالتوسونو گئيرك چۆله چىخير، قاپييعنى
باغلایاراق بينانين آلت مرتبه سينده يئرلشن
سوپئرماركتتين اوشاق عالملىرى بۆلمسينه داخل

نۆمره سيني آختارديم. تاپماديم. آرتيق نۆمره
سيني ايتيرميشديم.

غضنفر معلم بو كۆرپه اوشاغا قولاق آسديقجا
گۆزلى ياشلا دولور، اورىي ائله بيل قفسده
چيرپينيردى. الهى، بو نه قدر اذيتلر چكىب.
غضنفر: الله يم چوخ شكرلر اولسون كى،
صمداغانى قارشىما چىخارتدين. سن اۆزون بيزه
كمك اول.

صمداغا: من ده چوخ شكر ائديرم سيزين كيمي
بير انسانلا منى قارشىلاشديردى. بير گون گه لر
كى، من ائتديگينيز ياخشىليقلارين عوضينى،
ايكى قات اۆديه جيم.

غضنفر: تكى سنين جانين ساغ اولسون. منه
هئچ نيين لازيم اولماياجاق. من سنين اوچون نه
ائتسم، تمناسيز اولاجاق. بيرجه منه سۆز وئر كى،
ياخشى اوخوياجاقسان.

صمداغا: سۆز وئيرم. من يازماغي دا، اوخوماغي
دا باجاريرام. منيم نئم مکتبده معلمه اولموشدو.
منه ياز-ماغي دا، اوخوماغي دا، حسابلامالارى دا
اۆيره ديب. سۆز وئيرم اعلاچى اولاجاغام.

غضنفر: سنه چوخ اينانيرام. ماشالله نيطقين و
دانيشيق قابيليتين چوخ يوكسكدير.

صمداغا: چوخ ساغ اولون كى، منه اينانيرسينيز.
سيزين بوتون اوميدلرينيزى دوغرولداجاغام انشالله
!

غضنفر: انشالله !

صمداغانين يوخو آپارير. غضنفر معلم اهمالجا
ديوانى نين اوستوندن صمداغانى قوللارى اوستونه
گۆتوره رىك، چارپايى نين اوستونه قويور. ايعيننده
اولان نيمداش پئنجگييعنى چىخارديقدا، يئره
قولتوق جيييندن سالافانا بوكولموش سندلر
دوشور. آتا-آنا و ننه سى نين شكىلى، شخصيت
وسيقه سى، آتا و آناسى نين اۆلوم كاغىدى، ننه

غۇنفر: ھەر شۇيى باشا دوشدوم. اوشاغى
اوغوللۇغا گۇتۇرە بىلرم؟

واحد: عريضة ايله موراجيعتين و اوشاغين
راضيليغى اولماليدير. بئله اولسا ھىچ بىر پروبلئم
يوخدور.

غۇنفر: منيم عقللى شاگيرديم. چوخ ساغ اول.
الله سنى قوروسون. آمين!

واحد: سيزينلە باھم. بورجوموزدور. من نہ قدر
ائتسم دە سيزين بخش ائتديينيز بيليك و
تجروبه قارشيسيندا بو بىر فايز اولاجاق. الله
سيزى قوروسون، عزيز و ديرلى معلميم.

بو گون غۇنفر معلمين ان خوشبخت گونلريندن
بىرى ايدى. عمر بويو ياشادىغى عذاب و اذيتلرہ
ائله بيل بو گون نقطه قويولوردو. عمرونون يئنى
صحيفه سينده، يئنى حيات، يئنى خوشبخت
گونلرہ اوميد بسله ييردى.

بىر قدر خيالا دالاراق كئچميشه نذر ساليير.
آتيلميشلار اچريسينده اينتئرنات (يتيم اوشاق
مرکزی)دۇورو و ھىچ كسين اونونلا گۇروشه
گلممه سى. اينتئرناتى بيتيرديكن سونرا
اونيوئرسيتتتده اوخودوغو و ياتاقخانادا ياشادىغى
دۇورلر. بىر قىزى سئومه سى و سوندا ائولنمه لرى.
دوغوش زامانى اوشاغيعنى و حيات يولداشيغى
ايتيرمه سى. اوندان سونرا ۳۰ ايل ھىچ وخت،
ھىچ كسى سئوممه سى. يئنه دە حياتينين
باشلانغىچى تكى، سون ايللرده دە تىك ياشاماسى
بىر كينو لئنتى تكى گۇزلرى نين اۇنوندن كئچير.

غۇنفر: (اللرينى قالدیراراق) الله يم، عمرومون
سون ايللريغى منى تنها قويما. بو گۇزل بالانى
مندن آييرما. بيزه، بىر آتا-بالا گوجو وئر. بيز دە
تكليک و کيمسسيزليک اونوانيعنى اونوداق. يئنى
عنوانا (آدرس)، يئنى حياتا باشلاياق.

اولور. غۇنفر معلمى گۇرن ساتيجيلار اطرافينا
توپلاشير.

غۇنفر: قيزلار منه ۶ ياشيندا اوغلان اوشاغى
اوچون آلت و اوست پالتارلارى، آياققابيلار و
كۇينكلر سئچيمينده كمك ائدين. بىر دە بىرينجى
صنيف اوچون كيتاب لوازماتلارى لازيمدير.

ساتيجيلار ھرە بىر طرفه قاچارق كرئسلودا
اوتورموش غۇنفر معلمه ايستديكلريغى گتيريرلر
و بينمه ديكليريغى ديگرلرى ايله عوض ائديرلر.
ھر شۇيى آلدیقدان سونرا.

غۇنفر: بيرده بير 'ب ام و' ماشين اويونجاي و
دميريولو قطارى ايتييرم.

سئچديكلرى نين پولونو اۇديه رك، ماركت
ايشچيلرى نين كمكليگى ايله، آلدیقلاريغى ائوه
گتيرير.

غۇنفر: (صمدآغايا باخاراق) خوش گلدين منيم
حياتيما، منيم گۇزل اوغلوم.

مطبخه كئچه رك اۇزونه سئوينج اچينده چاي
سوزور. بو زامان تلفون زنگ چالير. دستگى
قالديراراق.

غۇنفر: بلى.

واحد: بلىن شيرين، معلميم. آراشديرديم.
سندلرى دوزدور. حقيقتن دە كيمسه سيزدى.
اوللر سووئتسكىي (باكى شهرينده بىر محله)
دئيلن اراضيده دوغولوب و ياشاييب. سونرادان ننه
سى نين ساغليغيندا راضلاشما اساسيندا ائولرى
سۇكولوب و پول اۇدنيليپ. ماستاغا لهيج باغ
ماسسيوينده(منطقه) باغ ائولرينده قيديياتدادير.
باغلارى قالير. اوچ اوتاقلى منزل وساتطله
اوشاغين آدينا كئچيريليپ. بله ديبه دن آدم
گۇندرميشم يوخلاسينلار. يئنه بىر معلومات اولسا،
اونو دا سيزه دئيرم.

بو زامان قاپی نین زنگی چالینیر. قونشولوقدا یاشایان لغمان اؤز قیزی گولاره ایله، قاپیدا گؤرونور. غضنفر معلم، لغمانین قیزینا حاضیرلیق درسلی کئچدیگی اوچون گلدیگینی بیلیردی.

غضنفر: بویورون، گلین ایچری.

لغمان: ناراحات ائتمه دیک کی؟

غضنفر: یوخ. نه ناراحاتچیلیق. خوش گلدینیز.

لغمان ایچری داخیل اولاراق، قیزینا مخصوص

کیتاب و دفترینی غضنفر معلمه اوزادیر.

لغمان: اجازه نيزله من گئدیم. یولداشیم بیر

ساعاتدان سونرا گلیب گولاره نی گؤتوره جک.

غضنفر: بویورون، مصلحت صاحیبیسینیز (دئییه

رک)، گولاره، قیزیم، کئچ ایچری، ایندی من ده

گلیرم.

گولاره خیردا آدیملارلا زالا (سالون) داخیل

اولوب، اوتوراجاقلاردان بیرینده آلیشیر. کیتاب و

دفترینی ماسانین اوستونه قویور.

غضنفر: قیزیم، بو گون بیز حرفلرین دوزگون

یازیلماسی ایله تانیش اولاجاغیق.

گولار: یاخشی معلم.

بیر ساعات کئچدیکدن سونرا، گولاره نین آناسی

قیزی نین دالینجا گلیر. قاپی دؤیولور. غضنفر

معلم قاپینی آچیر.

آیسل: سالام، غضنفر معلم، باغیشلایین،

ناراحات ائتدیگیم اوچون.

غضنفر: بویورون. ائله بیر ناراحاتچیلیق یوخدور.

(گولاره یه باخاراق) هه ایندی گئت ائوه، منیم

دئدیکلریمی ائت.

گولار: باش اوسته، معلم.

گولاره و آناسی گئتدیکدن سونرا، غضنفر معلم،

تئلئویزور (تلویزیون) کانالارینی بیر-بیر چئویره

رک باخیر. غضنفر (اؤز-اؤزلویونده) بیر دنه

معارفلندیریجی وئریش یوخدو کی، آدام باخا.

شوو کونسرتلر. ایندیکی واختیمیزدا هانسی گونوموزه شادلانیریق. تورپاقلاریمیز تاپداقلار آلتیندا اولدوغو حالدا؟

تلفن زنگ چالیر. غضنفر معلم تله سیک یئریندن دوراراق، تلفن دستگینی (گوشی) گؤتورور.

واحد: غضنفر معلم، ناراحات ائتمدیم کی؟

غضنفر: یوخ. بویورون.

واحد: ماشتاغاداکی ائولریعنی یوخلاتدیردیم. هر

شئی قایداسیندادیر. قونشولوقدا اولان بیر نفره،

باغدان مغایات اولماسینی تاپشیردیق.

غضنفر: چوخ ساغ اول منیم عقللی شاگیردیم.

واحد: سیز ساغ اولون. اوستوموزدن اکسیک

اولمایین. (دئییه رک خداحافظلشیر).

قونشو اوتاقدان قیشقیریق سسی گلدیییندن،

غضنفر تله سیک صمدآغانین اوتاغینا داخیل

اولور. چارپاییدا تر-سو ایچینده اولان صمدآغا

قورخموش وضعییتده غضنفر معلمه باخیر.

غضنفر یاخینلاشاراق اونو قوجاقلاییر.

غضنفر: سنه نه اولوب، یوخو گؤرموسن؟

صمدآغا: هه. گؤردوم کی، بیر گؤزل باغین

ایچینده گزیرم. اورادا، ایری بیر چرحوؤوضون

یانیندان کئچرکن، آیاغیم سوروشوب سویا

دوشورم و بوغولورام.

غضنفر: بو یوخو آیدینلیقدیر. هر شئین یاخشی

اولاجاغینا ایشاره دیر. گل بیر گؤر سنین اوچون

نه لر آلمیشام.

آستا-آستا قونشو اوتاغا کئچیرلر.

غضنفر: باخ بونلارین هامیسی سنین اوچوندور،

گئیملر و درس لوازیمااتلاری. الله قویسا سن بو

ایل، بیرنجی صینیغه گئتملیسن. انشالله !

صمدآغا: (سئوینه رک) بونلار هامیسی منیم

اوچوندور.

غۇنفر: ھە، ھامىسى سىنىدىر.

صمداغا: نەم دە دئىردى، بو ايل مکتبه گئده جگم (بیر قدر کۆرلرک). نەم رحمتە گئەندەن سونرا، کوچه لردە گزدیکەن سونرا، ائله بیلدیم بو حیاتیمین سونودور. آرتیق مکتب و اوخوماق مەنە قىسمەت دئىلمەش.

غۇنفر: گۆردون سىن قىسمەت، سىن کىمى گۆزلدیر. ایندى گیر حاماما چىم و سەنە آلدیغیم پالتارلار گئىن.

صمداغا: ياخشى. مەن حامامدان نەجە ایستیفادە اندجىم؟ آخى بىلمىرم.

غۇنفر: گل بورا، مەن سەنە کەمک اندە جگم.

غۇنفر مەلم صمداغانىن چىممىسەندە اونا کەمک اندە رک، قىطیفە ایله قورودور.

غۇنفر: ایندى اولدون قشنگ بیر بالا. گل پالتارلار گئىن، اول گۆزل بیر اوغلان.

پالتارلارین گئىنمە سەندە دە غۇنفر مەلم صمداغا کەمکلىک اندیر. پالتارلار گئىندیکەن سونرا گوزگونون قاباغىنا کەچە رک، اۆزۈنە باخدیقا

صمداغا: آا بو مەنە (دیلی پلتک چالیر).

غۇنفر: سەنە نە اولدو. البتە، بو سەن-سەن. الله سنى قوروسون. صاباح دا مکتبه سەندلرینى حاضیرلاماق اوچون، بیر نەچە یئره گئە جگىک. انشالله، ھەر شئى ياخشى اولاجاق.

صمداغا: انشالله! بو گون مەنەم اوچون ائدیگىن ياخشىلىقلارى عمروم بویو اونوتماياچام. ائدیگىن ياخشىلىغىن ۱۰۰ قاتى نین مەن سىزین اوچون اندە جگم.

غۇنفر: مەن بونلارنى تمەنەسەز، عوضسەز اندیرم. الله قارشىسەندا اۆزۈمە بورچ بىلیرم، عزیز اوغلو.

صمداغا: سىز مەنە یئە " اوغلو " دئىنیز (گۆزلرى ياشاریر).

غۇنفر: ھە. مەن سنى اوغوللۇغا گۆتۈرمەك ایستە بىرم. بونا سىن راضىلىغىن لازىمدیر، مەن سەندلرین حاضیرلانماسى اوچون. نە دئىرسەن؟ اوغلو اولماق ایستىرسەن؟

صمداغا: (بیر قدر دوروخارق) بلى. آتا، راضىيام. یئرەندەن قالخارق غۇنفر مەلمین آياقلارینى قوجاقلاییر. غۇنفر مەلم اونو یوخارى قالدیرارق، قوجاقلایب اۆپور.

غۇنفر: اوغلو خوش گلدىن مەنەم حیاتیمە.

صمداغا: آتا سەن دە، خوش گلدىن.

واحد ایش اوتاغىندا اوتورارق، خیلا دالیر. اۆتن مکتب ایللرى یادىنا دوشور. غۇنفر مەلم، مکتب دیرئکتورو اولماغىنا باخمایارق، احتیياج زامان، دیگر فەنلردە دە درسلى تدریس اندیردی. بیر گون، بىزیم صنف (کلاس) شاگیردلرینە آغ ورقلر پایلاندی. غۇنفر مەلم صنف (کلاس)ە داخیل اولدو. شاگیردلر آياغا دوروب، سالام آلدیقدان سونرا ایلشیدیلر.

غۇنفر: قارشىنىزدا قويولموش آغ ورق، سىزین گلجکە کىملىگىنیز، یعنی ھانسی پئشە یە بىیلنمەك ایستەنیزدەن خبر وئره جک. بونون اوچون سىز نە ائتمەلىسىنیز؟

شاگیردلر: یازمالییق.

غۇنفر: بلى. بویورون ھەر سئودیى و سئچیم ائدیگى پئشە حاقىندا یازسەن.

او زامان واحدین یازدیغى اینشا غۇنفر مەلمین دىقتىغى اۆزۈنە جلب ائتمەشدى. نۆۋىتى درس زامانى.

غۇنفر: واحد، دور آياغا.

واحد بیر قدر ترددود و ناراحتلىقلا آياغا دورارق واحد: بلى، مەلم.

واحد: سیزه سۆز وئرمیشدیم. قارشیمما مقصد قویموشام. انشالله مطلق اولاجاغام.

غضنفر: انشالله!

واحدین کئچن گونلری، بیر کینو لئنتی (سینما فیلمی) کیمی گۆزلری نین اؤنوندن کئچیر. بو زامان تلفن زنگ چالیر. رایونون پلیس رئیس اولان نریمان ایدی.

نریمان: سلام، واحد معلم. رایونون سرحدیانی بؤلگه سینده قاچاقمالچیلارلا پلیس ایشچیلری آراسیندا آتیشما گئدیر. من بوردایم، دئدیم کی، معلوماتینیز اولسون.

واحد: بو دقیقه چیخیرام، من ده گلیرم سیزه کؤمه یه.

واحد: (کمکچیسین) تعجیلی سلاحلارین، حاضرلاشین گئدیریک سرحد بؤلگه سینده.

واحد و بیر نئچه پروکورور ایشچیلری ماشینلارلا ایلشه رک پلیس رئیس نین دئدیگی سرحد بؤلگه سینده یولا دوشورلر. واحد تعجیلی یاردیم دا چاغیریلما سینا گؤستریش وئیریر. رایون اجرا حاکیمیتینه زنگ ائده رک اونلاری دا معلوماتلاندیریر. واحد دؤیوش ساحه سینده چاتاندا، آتیشما هله ده داوام ائدیردی.

واحد: نریمان، تقریباً بونلار نئچه نفر دیر؟
نریمان: هارداسا ۷-۸ نفر وار. هامیسی دا اوتومات (خودکار) و تاپانجالارلا سلاحلیدیر.

واحد: سنجه بونلار کیملر اولاییلر؟
نریمان: پلیسه موقاویمت گؤسترملریندن حس ائدیرم کی، بریلیانت (جواهرات) داشیییجیلاری اولان آتام اوغلانین دسته سیدیر.

واحد: ندن بیلدین؟

نریمان: اونلارین تابع اولماقلاریندان.
واحد: منی قورو، من گئدیرم اونلاری ترکیسلاح ائده جگم.

غضنفر: هر بیرینیزین صنعت سئچیمینیزه حرمتله یاناشیرام. اؤزونوزو هانسی پئشه ده گؤره بیلیمک ایستگینیز مارقالی و چوخ گۆزلدیر. سن پروکورور اولماق ایستیرسن.

واحد: بلی، معلمیم.

غضنفر: سن ائشیتیمسن یقین کی، پروکورور اولماق ان چتین و مسئولیتلی پئشه دی. نییه محض پروکورور (قاضی) اولماق؟

واحد: منیم آرزوم دؤولتیمیزین قدرتلنمه سینده اؤز تۆصیه لریمی وئرمک، قانونون عالیلیگینی قوروماق، خالقیمیزا حق و عدالتله خیدمت ائتمک.

غضنفر: احسن. سن بو سئچیمی ائتدین. چالیش سؤزونون آغاسی اول. حیات یوللاریعنی مغرور آددیملا، پیلله-پیلله مقصد قویدوغون زیروه یه چات. سنه چوخ اینانیرام.

واحد: باش اوسته، معلمیم.

واحدین سئچدیگی پئشه یه حؤرمات ائتمه سی و معلمینه وئردیگی سۆز هر زامان قولاقلا ریندا عکس صدا ائدیردی: "سن سۆز وئردین و بونو لیاقتله یئرینه یئتیریب، لایققلی یئرینی توتمالیسان!."

ایللر اؤتدوکجه واحد ده اورگینده توتدوغو آرزو ایله بؤیویوردو. داها دا بو پئشیه سئوگی ایله یاناشیردی. اونیوئرسیتئتین (دانشگاه) حقوق فاکولته سینده قبول اولماسی اؤزوندن چوخ غضنفر معلمی سئویندیر-میشدی. او زامان.

غضنفر: من چوخ خوشبخت معلمم کی، سنین کیمی عقللی و سؤزونه بوتؤو بیر شاگیردیم وار. دئدیگیعنی ائتدین. احسن سنه. یولون ۵۰٪-نی کئچمیسن. ۱۰۰ اولماق اوچون هله ۵۰٪-ده کئچمیلیسن. سنه اینانیرام. سن مطلق پروکورور اولمالیسان.

نریمان: یوخ ائتمگین. خصوصی تعیناتلیلار بیر آزدان گله جکلر.

واحد: بونلار آزدان چیخا بیلرلر. بونا یول وئرمک اولماز. ائله من اؤزوم ده خصوصی تعیناتلییام، ناراحات اولما.

نریمان: یاخشی، - دئییه رک، آردیجیل آتش آچیلماسینا امر ائدیر.

واحد، بیر گؤز قیرپیمیندا یوخا چیخیر. نریمان، واحدین دالینجا کؤمه یه گئتمک ایستدیکده، آیاغا دوران کیمی چیینندن یارالانیر و یئره ییخیلیر. پولیس لر نریمانی، تعجیلی یاردیم (اورژانس) ماشینینا آپاریرلار. طب باجیسی (پرستار) نریمانین یاراسینا باخاراق، قاناخمانین قارشیسینی آلماق اوچون چالیشیر. واحد قایالار آراسی سرعتله قاچاراق، آتام اوغلانین دسته سینه یاخینلاشیر. بیر نفرین دسته دن آیریلیب قاچدیغینی گؤرور. واحد قاچان آدامین دالینجا قاچاراق، اونو یاخالاییر. بیر ایکی حمله ایله، اونو ترکیسلاح (خلع سلاح) ائدیر، قوللاریعنی باغلایر. قارا بوغدايي، یئکپر بیرسی اولان، ائله آتام اوغلانین اؤزو ایدی.

واحد: آتام اوغلان؟ منی تانیدین.

آتام اوغلان: هه تانیدیم. سنین بوغازینی اوزه جگم.

واحد: کئچن دفعه ده بئله دئییردین. منی آرخادان گولله ایله ووروب قاچدین. ائله بیلدین کی، اؤلموشم؟ آما من سنی اؤلدورمه جگم. سن قانون قارشیسیندا جاواب وئره جکسن. آما اولاییلر کی، اؤلدوروم، هر شئی سندن آسیلیدیر.

آتام اوغلان: جیبیمدن بریلیانتلاری گؤتور، سنین اولسون. منی و دسته می بوراخ.

واحد: اؤز آرشینینلا باشقالارینی اؤلچمه. سنی بو قایادان آشاغی بوراخا بیلرم. دوستلارینا دئه تسلیم

اولسونلار. یوخسا هامیسینی محو ائده جیک. ائله سنین اؤزونو ده مقاومت گؤستردییینه گؤره. سنین ده ایشین بیر قدر یونگوللشر.

بو زامان آتام اوغلانین اوستونده کی راتسییادان (بی سیم) سس گلیر. واحد تئز راتسییانی گؤتوروب آتام اوغلانا دئییر. واحد: دئه، تسلیم اولسونلار.

آتام اوغلان: قارتال، دانیشان وزیردیر، تابع اولون. منی یاخالادیلار.

قارتال: باش اوسته (و سسی گلیر) آغ بایراق قالدیرین تابع اولوروق، وزیر یاخالاندی.

واحد: (آتام اوغلانا) سن من دوشوندویوم کیمی چوخ دا آخماق آدام دئییلسن. دئمک دوشونجه قابیلیتین وار.

قولوندان توتاراق آیاغا قالدیریر. پلیسلر ده دیگرلرینی یاخالاییرلار. واحد پلیسلرین یانینا یاخینلاشدیغی زامان، خصوصی تعیناتلیلار دا گلیب چیخیلرلار. آما عملیات واحدین شجاعتی ایله، اوغورلا باشا چاتمیشدی.

اجرا باشچیسی واحدین تلفونونا زنگ ائدیر.

واحد: بلی، ائشیدیرم.

باشچی: نئجه اولدو؟

واحد: ترکیسیاح ائتدیک.

باشچی: نئچه نفر دیر؟

واحد: ۹ نفر بریلیانت داشیییجیلاریدیر. اوستلرینده کلی میقداردا مال ساخلانیلیب. دؤلته تحویل وئره جیک. بیزدن پلیس رئیس یارالانیب.

باشچی: احسن. چوخ ساغ اول. عملیاتدا اولان هر کسه میننتدارلیغیمی بیلدیر.

واحد: باش اوسته (دئیرکن) سناپئر (تک تیرانداز) طرفیندن گولله نیر.

باشچی: باشین آغریماسین. سنه نه اولدو واحد؟

سولماز: گۆزوموز اوسته يئرینیز وار، بویورون.
سیزی ساعات نئچه قانع ائدیرسه گله بیلر سینیز.
بیز بوتون گونو بوردا ییق.

غضنفر: چوخ ساغ اولون. انشالله گۆروشریک.
سولماز: انشالله!

تلفن دستگینی یئر قویدوقدان سونرا، تله سیک
صمداغانین یانینا قاچیر. او دا اوشاق تکی قطارین
حرکتینی مشاهدیه ائدیر.
صمداغا: آتا، اعلا قطاردیر.

غضنفر: سنین اورگینجه اولماسینا چوخ
سئویندیم. صمداغا بیر خیلی اوینادیقدان سونرا
یورولور یوخوسو گلیر.

غضنفر: گل بیر یئرده شام ائدک، سونرا
یاتارسان.

غضنفر و صمداغا مطبخه کئچیرلر. اؤزلرینه
یئمک حاضیرلاماغا باشلاییرلار.

غضنفر: کارتوفو (یئر آلمان) یومورتا ایله بیشیرسم
نئجه دیر؟

صمداغا: اعلا!

غضنفر گولومسیه رک، ۴ کارتوفو بوش قابا
قویاراق سویماغا باشلاییر.

صمداغا: وئرین منه، وئرین، من سویوم بونو
باجاریرام.

غضنفر کارتوف تمیزلیه نی صمداغایا وئریر و
ماراقلا اونو مشاهده ائدیر.

غضنفر: عملی باشلی تمیزله یه بیلیرسن کی.
صمداغا: هه، ننم اوچون یئمکلی من
بیشیریردیم. او دئییردی، من ده ائدیردیم.
اؤیرنمیشم. بو آسان خؤرکدیر، بیشیره بیلیرم. هه،
من ایشیمی گۆردوم.

غضنفر: آی، چوخ ساغ اول. ماشالله، باجاردین.
صمداغا: هه، من چوخ خؤرکلر بیشیره بیلیرم.
اعتبار ائتسنیز، بیشیررم.

واحد یئر سربلیر. آتام اوغلان قیشقیراراق بو
منیم آداملاریم دئییل. بو آسلان بین آداملاریدیر.
بونو بیزیم اوستوموزه یازمایین. خصوصی
تعیناتلیلار عملیاتا باشلاییرلار. واحدین یئر
دوشموش تلفونونو پلیس ایشچیسی قالدیراراق،
واحدین سنایپرله گوللنمه سینی دئییر. اجرا
باشچیسی خصوصی تعیناتلیلاری گتیرن
وئرتالیوتلا (هلی کوپتر) واحدین تعجیلی اوردان
چیخاریلماسینا گۆستریش وئریر.

غضنفر: هله گۆر سنه نه آلمیشام.

صمداغا: نه؟ نه آلمیسان؟

غضنفر معلم آلدیغی ماشیننی و دمیریولو
قطارینی اونا گۆستریر.

صمداغا: (سئوینجیدن) چوخ ساغ اول، آتا.

غضنفر: سن ساغ اول کی، وارسان منیم بالام.

صمداغا دمیریولو رئیس لرینی بیرلشدیره رک،
قطاری یولون اوستونه دوزور. قطار حرکت گلیر.
صمداغا سئوینه رک آتیلیب دوشور.

غضنفر: اوغلوم سن اوینا، دینجل. من بیر نئچه
یئر زنگ ائتمه لیم. سحر گئتمه لی یئرلریمیز
وار.

صمداغا: یاخشی.

غضنفر یان اوتاغا کئچه رک، یاخینلیقدا اولان
اینترنت تمایولو مکتبین دیرئکتورونا زنگ ائدیر.

غضنفر: سلام، سولماز خانیم.

سولماز: علیکم سلام، عزیز معلمیم.

غضنفر: کیمسه سیز بیر اوشاغی اؤولادلیغا
گۆتورمک ایستیرم. صاباح واختینیز اولسا ایدی،
سیزین یانینیزا اوشاق ایله، گه لردیم. قئیدیاتا،
آلاردینیز. ساغلاملیق و پسیخولوژی دورومونو
یوخلایاردینیز.

غۇنفر: انشاالله!

حاضرلانان يىمىگى نىمچە لره چكىر. چۆرك و
ديگر سالاتلارى سفره يه دوزرك دئير: گل، نوش
ائله. چۆرك يىمىگىن قاباق، بسم الله، دئيك.

صمداغا: (چۆرگى اليه آلاق) بسم الله. الله يم
بوزه نصيب ائديگىن بو نعمتله گۆره چوخ شكرلر
اولسون كى، سن وارسان، ايسته ديكلىمىزى بوزه
نصيب ائديرسن.

غۇنفر: چوخ گۆزل دعادير.

صمداغا: نىم اۆيره ديب.

غۇنفر: ماشالله!

ماسادان قالخاق، هره اۆز اوتاكلارينا
چكىلديگى زامان، بير-بيرينه گئجن خىرلى،
يوخون شيرين اولسون دئيرلر. صمداغا ياتديققان
سونرا، غۇنفر بير نئچه دفعه اوياناراق
صمداغانين اوستونو اؤرتور. اونون يانيندا بير نئچه
دقيقه قالراق، آليندان اؤپور.

كئچيب اۆز اوتاغيندا خياللارا دالير و سئوينير.
ائله بيل بو گئجه بوتون دونيا غۇنفره
باغيشلانمىشدى. سئوينجيندن گۆزلى ياشاير.
الله ا تئز-تئز، چوخ شكر دئير و نهايت كى، او دا
يوخويا دالير.

سحر تئزدن دوراراق، سحر يىمىگى حاضراير.
گونش آرتيق اۆز شفقلى ايله، انسانلارا اويانين
امرينى وئير. قوشلارين جيگىلتيلىسى، هاوانين
تميزليگى و آيدىنلىغى آداما ياشاماق هوه سى
بخش ائدير.

غۇنفر صمداغانين چارپايىسىنا ياخىنلاشاراق.

غۇنفر: صاباحين خير منيم بالام، اويانمىسان؟

صمداغا: هه. چوخدان اويانمىشام.

غۇنفر: دورال-اوزونو يو. سحر يىمىگينه گل.

صمداغا: باش اوسته.

غۇنفر مطبخه كئچه رك صمداغانين گلمه
سنى گۆزله يير. استكانلارا چاي سوزه رك سفره
يه قويور.

صمداغا: صاباحين خير، آتاجان!

غۇنفر: هر واختين خىرلى اولسون، گۆزل
اوغولم.

هر ايكيسى سئوينجمله سحر يىمىكلىرىنى يئيرلر.

غۇنفر: بيليرسن ايندى هارا گئدجيك؟

صمداغا: گزمه يه.

غۇنفر: دوز تاپدين، گئدك بير قدر گزك،
دينجلك و بير ده بير يئره گئتملىيك.

صمداغا: گئدك هارا ايسته سنيز.

غۇنفر: ائله ايسه دور گئيين. يولچو يولدا گرک.

صمداغا: اولدو.

غۇنفر و صمداغا پالتارلارنى گئيينرك كوچه
يه چيخىرلار. آستا-آستا يئريشله غۇنفرين
قاراژينا چاتىرلار. غۇنفر قاراژين قاپيسىنى آچير.
ايچريده قارا بير ماشين گؤرونور. صمداغا سئوينج
ايچينده.

صمداغا: بو سنيندير؟

غۇنفر: هه. بو بيزيمدير. سنين و منيم.

صمداغا: اوى دا. اعلا ماشيندى "BMW".

غۇنفر: اعلا گونلريميز اولسون، انشاالله! كئچ
اوتور ماشينا.

صمداغا تله سيك قاچارق ماشينا آيلشمك
ايسته يير. آما ماشين هوندور اولدوغو اوچون مينه
بيلمير. غۇنفر اونا كمك ائدير.

غۇنفر: نئجه دير؟

صمداغا: بومبا كيمي، ياخشيدير.

غۇنفر: آي ساغ اول. كمري باغلايق. سنين
اوچون ده بير اوتوراجاق آلاريق كى، اطرافى
ياخشى گۆره سن.

غضنفر ماشینی سورمه یه باشلاییر. اینتئرنات
تمایوللو مکتبین قارشیسیندا ساخلایاراق،
ماشیندان دوشور. سولماز خانیمین کابینئتینه
(دفتر) دوغرو گئتمه یه باشلاییرلار. کابینئته
داخل اولدوقدا سولماز خانیم آیغا دوراراق
غضنفر معلمه طرف گلیر.

سولماز: خوش گلیمیسینیز، عزیز معلمیم. نییه
زحمت چکدینیز. ائله دئسیدینیز اؤزوم ده گه
لردیم.

غضنفر: سالام، چوخ ساغ اولون، گلیمیشجه
وارسینیز. من سیزه بو قشنگ اوغلان حاقیندا
دئمیشدیم.

سولماز: الله ساخلا سین نه گؤزل اوغلان دیر. الله
طالعینی ده گؤزل ائتسین انشالله. آدین ندیر؟
صمدآغا: آدیم صمدآغادیر.

سولماز: ماشالله، بویورون ایلشین.
غضنفر: من سیزین واختینیزی چوخ
آلمایاجام. صمدآغانی اوغوللوقا گؤتورمک ایسته
ییرم. بونون اوچون نه ائتمه لیم؟

سولماز: بیز بونو، موقتی گؤتورک قئیدیاتا.
آنجا رايون اجرا حاکیمیییتینه (استاندار) عرضه
ایله مراجعت ائتملیسینیز.

غضنفر: چوخ ساغ اولون، سولماز خانیم. قئیدیاتا
آلین، بیزی گئدک.

سولماز خانیم، صمدآغانین سندلری نین
کپیسینی چبخاراراق اؤزونده ساخلاییر. غضنفر
معلمین ده راضیلیق عرضه سینی آلیر.

غضنفر: ساغ اول (دئییه رک یئریندن قالخیر).

سولماز: سیز ساغ اولون، عزیز معلمیم.

غضنفر: ایندی ایسه گئدک هارا؟

صمدآغا: هارا؟

غضنفر: تئله قله یه (تلویزیون برجونا). اوردان
بوتون شهری سیر ائتمه یه.

صمدآغا: چوخ اوزاقدادیر؟
غضنفر: یوخ. نییه سوروشدون؟
صمدآغا: ائوه ایسته ییرم. باشقا هئچ نه
ایستمیرم.

غضنفر: یاخشی، اوندان گئدک ائوه.
غضنفر محله یه چاتیپ، ماشینی قاراژا قویاراق،
ائوه قالخیرلار.

غضنفر: من ایسته دیم سنی آیلنجه لی یئرله
آپاریم.

صمدآغا: یوخ. من اوخوماق ایستیرم. چوخ
اوخوماق ایسته ییرم. هر شئی اؤیرنمک ایسته
ییرم.

غضنفر: (داخلین چوخ سئوینیر) لاپ یاخشی،
قوی سن دئین اولسون.
ائوه داخل اولورلار.

سحریسی گون غضنفر معلم صمدآغا ایله اجرا
حاکیمیتینه، اوردان دا بیر سایی
اختصاصلاشدیریلیمیش پسیخولوژی خسته خانایا
گئده رک سندلرین آلینماسی اوچون قیدیات و
یوخلامادان کئچیرلر. بوتون ایشلرینی گؤردوکدن
سونرا ائوه دؤنورلر.

غضنفر معلمه زنگ چالینیر.
حکیم: باغیشلایین غضنفر معلم سیزسیز؟
غضنفر: بلی منم.

حکیم: سیزین واحد آدیندا تانیشینیز وار؟
غضنفر: بلی. شاگردیم اولوب. ایندی رايون
پروکوروردور.

حکیم: خواهیش ائدیرم بو خسته خانایا گله
سینیز. خسته خانین آدینی و عنوانی ایندی سیزه
س م س له گؤندریرم.

غضنفر: نه اولوب آخی؟ منی نیگاران ائتدینیز.
حکیم: ناراحات اولمایین. زحمت اولماسا گلین.

غضنفر: یاخشی. گلیرم. (س م س ی اوخویاراق
صمدآغا یا باخیر). بیر یئر وار گئدک دیک. سونرا
گه لریک ائوه.

صمدآغا: یاخشی.

غضنفر: (نیگارارن حالدا) گۆره سن نه اولوب؟

صمدآغا: انشالله یاخشی اولار هر شئی.

دئییلن خسته خانانین یانینا چاتاراق، ماشیندان
دوشورلر و ایچری داخل اولورلار. حکیمه زنگ
اؤدیر.

غضنفر: من گلمیشم، بوردا آشاغیدا قاپی نین
آغزیندایم.

حکیم: ایندی سیزی قارشیلایارلار.

طب باجیسی: غضنفر معلم، سیزسیز؟

غضنفر: بلی.

طب باجیسی: بویورون منیمله گئدک.

حکیمین اوتاغینا داخل اولورلار.

حکیم: بویورون، غضنفر معلم آیلشین.

غضنفر: بئله یئر، ائله تشویشله چاغیرمیسینیز
کی، نه اوتورماق. دئیین نه اولوب.

حکیم: یاخشی دالیمجان گلین. واحد معلم گولله
یاراسی آلیب، وضعیتی آغیردیر. سحره قدر
سیزین آدینیزی چکیب: غضنفر معلم، غضنفر
معلم...

غضنفر: نه (دئیرک هوشو گئدیر و یئر
یخیلیر).

صمدآغا قورخاراق آغلایر.

صمدآغا: آتا، سنه نه اولدو، آتا!

حکیم و طب باجیسی لازیمی کمکلیک ائلدن
سونرا، اؤزونه گلیر.

غضنفر: منی اونون یانینا آپارین.

صمدآغا: آتا، قورخما من یانیندایم. هر شئی
یاخشی اولاجاق.

واحدین اوزانیدیغی پالاتایا داخل اولورلار. غضنفر
گۆز یاشی ایچینده واحدین الینی سینه سینه
باسیر. صمدآغا دا او بیرری الیندن توتور.

غضنفر: آیل، واحد. منم غضنفردیر. جانیم
منیم، آیل. گۆز یانینا کیمی گتیرمیشم. صمدآغا
دا بوردادیر.

صمدآغا بالاجا اللری ایله واحدین اوزوندن توتور.
صمدآغا: الله یم، سن اؤزون کمک اول واحده.
اونو بیزدن آیرما. شفاسینی بخش ائت. منیم
جانیمی آل. واحدی یاشات. چونکی غضنفر معلم
اونولا نفس آلیر، فخر اؤدیر. فخریمیزی بیزه
قایتار.

بو زامان واحدین گۆزلریندن یاش آخیر.
گۆزلرینی آچیر. حکیملر سئوینجدن بو معجیزه
دیر. هامی سئوینیر.

غضنفر: اوغلوم، الله سنین دوعالارینی ائشیتدی.
حکیم: ایکی گون ایدی کی، کومادایدی.
بیرینجی گون سیزین آدینیزی چکیددی.
عملیاتدان سونرا تامام سوسدو. اومیدلریمیزی
تامام ایتیرمیشدیک.

غضنفر: (صمدآغا یا باخاراق) الله اوشاقلاری چوخ
سئویر. چونکی اونلارین پاک و تمیز قلبلری وار.
اونلارین دوعاسی بؤیوکله نسبتا، تئز قبول
اؤدیلیر. بو دا نتیجه صمدآغانین دوعاسی.

غضنفر او بیرری الی ایله صمدآغانی یانینا
چاغیریب، اؤپرک باغیرینا باسیر.

بو زامان اوتاغا آغ ساچلی بیر نفر داخل اولور.
غضنفر دؤنوب باخاندا رامیزه گۆزو ساتاشیر. رامیز
واحد معلمین ان یاخشی دوستلاریندان بیرری
ایدی. هر کسله سالاملاشیر.

حکیم: (رامیزه مراجعتله) گۆزونوز آیدین،
قاردیشینیز گۆزونو آچدی.

رامیز: چوخ شکر (الینی اوزاداراق غضنفرله گۆروشور).

صمدآغا: من سیزی تانیییرام. بو سیزسیز دئییه رک رامیزی قوجاقلاییر.

رامیز: هه، منم. سنی چوخ آختاردیق، تاپا بیلیمیردیک. نه یاخشی کی، راستلاشدیق.

غضنفر: یاشیل بازاردا (میوه بازار) گۆرموشدونوز؟

صمدآغا: هه، آتا. منه ال توتان، بیر مدت یاشادان، حیاتی سئودیرن، اومیدلریمه دستک

اولان، سیزه دئدیگیم انسان باخ بودور!

غضنفر: سیزین گۆزل انسان اولمانیز حقه صمدآغا منه چوخ دانیشیب.

رامیز: غیابی اولسا دا واحد معلم سیزین حقه چوخ دانیشیب. الله واحد قارداشیما دا شفاسین وئرسین انشالله.

غضنفر: بو بالاجا بالانی دا الله منه (صمدآغانی گؤسترک) هدیه گؤندردی. صمدآغانی اوغوللوقا گؤتورجیم.

رامیز: من اونو ایلک دفعه گؤرنده، غیری عادی بیر اوشاق اولدوغونو حس ائتدیم. الله قوروسون. هر ایکینیزه کمک اولسون. یاخشی اوخوسان، بؤیوننده سنی اؤز شرکتمه قبول ائدرم. بیرلیکده ایشلیریک (گو-لومسه ییر).

غضنفر: (صمدآغایا) آرتیق ایش یئرینده وار (گولومسه ییر).

صمدآغا: یاخشی اوخویاجاغام، مکتبه نمونه وی شاگیرد اولاجاغام.

رامیز: آی ماشالله!

غضنفر: انشالله!

بو زامان واحددن خیریلتیلی سس گلیر. هامی سوساراق واحده باخیر. واحد الی ایله، ایشاره ائده رک صمدآغانین یاخین گلمسینی ایسته ییر.

غضنفر معلم واحده یاخینلاشماسینا ایشاره ائدیر. صمدآغا بالاجا اللری ایله واحدین الیندن توتاراق اؤپور. صفتیعنی واحدین الی نین اوست حصه سینه قویور.

صمدآغا: قورخما هر شئی یاخشی اولاجاق، ساغالاجاقسان، آباغا دوراجاقسان. سنینله داغلارا گزمه یه گئدجیک. داغلار الله ا یاخین مسافه ده دیر.

واحدین گۆزلریندن گۆز یاشلاری آخیر. هامی واحده قوشولاراق گۆز یاشلارینا غرق اولور.

حکیم: بیلیرسیز بو اوشاق واحدی کومادان آییلندی. بیز بعضی آنلاردا اومیدیمیزی ایتیرمیشدیک. غضنفر معلم سیز چوخ ساغ اولون کی، گلدینیز. بو گۆزل بالانی، ملک سیمالی بالانی دا اؤزونوزله گتیردینیز. ایندی تام امینلیکله دئییه بیلرم کی، واحد معلم اوچون هئچ بیر تهلوکه یوخدور. قیسا مدتده، الیمیزدن گله نی ائده جیک کی، تئزلیکله ساغلام حیات طرزینه دؤنه بیلسین.

رامیز: (صمدآغایا یاخینلاشاراق آلنیدان اؤپور) الله یاخشیلیغا یاخشیلیق بخش ائدیر، ائشیتیمیشدیم گؤرمیمیشدیم. بو دا بو گونون ثبوتو. غضنفر: هر کس عملینه گؤره قییمتلندیریلیر، ائدیلم یاخشیلیقلار گئری دؤنور. هئچ گۆزلمه دیگین آندا.

واحد: (خیریلتیلی سسله) سو (کلمه سی دئییر). حکیم: (پامبیغی سو ایله ایسلاداراق واحدین دوداقلارینا چکیر) شکر الله ا دانیشیق قابیلیتی ده اؤزونه گؤستریر.

هامی بیر-بیرینه باخاراق سئوینیر.

حکیم: ایندی ایسه، گۆروشوب گئدین. قالان ایشلر بیزلیکدی.

هامی بیر-بیر گۆروشورک اوتاقدان چیخیر.

صمدآغا ایسه، اؤز اویونجاقلاری ایله اویناماغا باشلایر.
بیر قدر کئچدیکدن سونرا صمدآغا غضنفر معلمین
کدرلندیگینی گؤرور.

صمدآغا: آتا! سنه نه اولوب؟

غضنفر: اوغلو، دنیادا اقلیم دییشیکلیگی باش وئیر.
الله! سن اؤزون بو دنیا میزی قورو.

صمدآغا: چوخ قورخولودور؟

غضنفر: هه، منیم بالام، بو، بوتون بشریت اوجون
قورخولودو. الله انسانلاری، بلکه ده امتحانا چکیر.
سئل سولاری نین، داشقینلارین، زلزله لرین،
توفانلارین، دونیانین بعضی اؤلکه لرینده ایسه
قوراقلیقلارین اولماسی عمومیلیکده دنیانین بیزه
خبردارلیغیدی.

صمدآغا: بس نئجه اولاجاق؟

غضنفر: بو بلانین قارشیسینی آنجاق بوتون دونیا
دولتلی بیرلشه رک بیرلیکده آلا بیلر. هره اؤز
دؤولتینده زهرلی ماددلرین آتموسفئره آتیلماسی نین
قارشیسینی گرک آلا.

صمدآغا: اوندا قورخولو اولماز کی؟

غضنفر: یوخ. هر بیر دولت دئییلنلره رعایت ائتسه، او
زaman قورخولو اولماز. بئله شئیلرین فیکریعنی چکمه.
الله اؤزو قوروپانی، قورویاجاق. آیدیندیر؟
صمدآغا: هه، آتا، آیدیندیر.

ایلر اؤتدوکجه غضنفر معلم یاشلانیر. صمدآغا ایسه
هوندور بوی، ائتلی کورک، یاراشیقلی بیر گنج اولاراق،
تای-توشلاریندان سئچیلیردی. اؤتن ایلر عرضینده
صمدآغا اورتا مکتبی فرقلنمه ایله بیتیره رک موسکوا
دؤولت اونیورسیتئتی نین حقوق فاکولتسینه داخل
اولموش و اورانی دا فرقلنمه دیپلومو ایله
بیتیرمیشدی. رامیزین آذربایجاندا اولان بیزنس
ایشلری نین رهبری اولاراق، دیرئکتور وظیفه سینه
تعیین ائدیلیمیشدیر. یئنی تیکلیمیش بینالاردان
بیرینده، اوچ اوتاقلی منزیل آلاراق، غضنفر معلمه

رامیز گنج یاشلاریندا، عسگرلیک خیدمتینی موسکوا
شهرینده باشا وورموشدو. الله او ایلرده ده آذربایجان
عایله سیندن اولان بیر قیزی سئوه رک، سونرادان
اؤلنمیشدی. او دا حیات یوللاریندا چوخ چتینلیکلره
قارشیلانمیش، سونرالار مبارزلیگی و متینلیگی سایه
سینده اوغورلار الله ائتمیشدیر. بؤیوک بیر تجارت
شبهه سی نین صاحبکاری اولموشدور. ایکی اوغول و
بیر قیز آتاسیدیر. وطنپرور بیر انسان اولماقلا قاراباغ
حقیقتلرینی موسکودا تبلیغ ائده رک روس
همکارلارینا آذربایجاندا اولان موجود وضعیتلری،
ارمنی غصبکارلاریعنین تۆرتدیعی عمللری اونلارین
دقتینه چاتدیریر. موسکوانین سیاسی و ایجتیماعی
حیاتیندا اؤز مؤقعی اولان، خیرییه چی و ضیالی
شخصیتیدیر.

صمدآغا: آتا، من تئز-تئز دعا ائدجیم کی، واحد
معلم تئز ساغالسین. تئز ساغالسا سیزین ده اوزونوزدن
کدر تئز گئدر.

غضنفر: هه. عقللی بالام، واحد اوچون هر ایکیمیز
دوعا ائدک ساغالسین. سن هئچ بیلیرسن او نئجه
گؤزل انساندیر. پروکورور اولماقلا برابر، هم ده گؤزل
شاعیر، تانینمیش یازیچیدیر. اثرلری دونیانین بیر
چوخ اؤلکه لرینده ترجمه ائدیله رک چاپدان
چیخیب.

صمدآغا: آتا! رامیز ده شاعیردیر ده، اونون منده
کتابی واردی. یاشیل بازاردا وئرمیشدی. دئییه سن
ایتیرمیشم. بالاجا کیتاب ایدی.

غضنفر: سن اونو ایتیرممیسن، ائوددیر. جیبیندن
دوشموشدو. کیتاب رفینه قویموشدوم. ائوه چاتاندا
سنه وئرجم.

صمدآغا: یاشا آتا! ۱۰۰ یاشا (سئوینیر).

یول اوستو سوپرمارکتدن بازارلیق ائدرک، ائوه
داخل اولورلار. هر ایکسی یورغون حالدا دیواندا
(کاناپه) آیلشیرلر. غضنفر معلم تلویزورون دویمه
سینی باساراق، سون خبرلره قولاق آسماغا باشلایر.

یئنی ائوده، مهربانلیق و خوشبختلیک ایچریسینده
باشایرلار.

غضنفر: اوغلو، گل یانیم، ایلش.

صمدآغا: (گه لیب ایلشه رک) هه، آتا! بویور، اورگین
نه ایسته ییر؟

غضنفر: شکر الله ا هر شئییمیز وار، هئچ نه یه ده
احتیاجیمیز یوخدور. سنه بیر ایشیم دوشوب
(گولومسیه رک).

صمدآغا: سنه قوربان، نه ایش؟ اوریم ده سنه
قورباندیر.

غضنفر: دئییم؟

صمدآغا: هه. سن الله دئ.

غضنفر: منیم دئدیگیم اولاجاق؟

صمدآغا: بلی، آتا! البته!

غضنفر: اوغلو، بو ائوده گلین گۆرمک ایسته ییرم.
نوه نوازشینه حسرتم. نه قدر اؤلمه میشم، عایله نین
اولماسینی ایسته ییرم. عایله قایغیسی چکک،
مرحمتلی و قایغیکئش اولاق. بو خصوصیتلر سنده
وار. آما بونون تصدیقینی گۆرمک ایسته ییرم. بو گونو
گۆرسم سونرا اؤلم.

صمدآغا: (گۆزلری یاشاریر) آتا، نه اؤلمک، بو نه
یاناشمادی. سنسیز، ائله من اؤزوم ده اؤلموش اولارام.
بیر داها بئله دانیشما. منی قورخوما، آتا!

غضنفر: کؤهنه محله میزده بیر قیز وار، قونشوموزون
قیزی گولاره نی دئییرم. سنه قارشى چوخ دیققلیدیر.
قوجا اولسام دا سنی سئودیگینی حس ائدیرم.

صمدآغا: هه (وتاناراق).

غضنفر: (گولومسیه رک) سنین ده جانیندا آز
یوخدور. خالقین قیزینی باشدان ائلمیسن. من بیلن
سن اؤزون ده اونا قارشى لاقید دئییلسن. نه
دئییرسن؟ مصلحتدیر؟

صمدآغا: آتا سنین هر سؤزون منیم اوچون
مصلحتدیر (دئییه رک گولومسه ییر).

غضنفر: منی آپارارسان کؤهنه محلیه. گولاره نین
آتاسی لغمان ایله دانیشیم.

صمدآغا: (سئوینه رک) باش اوسته، آتا! بو گون
گئتمک ایسته ییرسن؟

غضنفر: بس، سن ایسته ییرسن؟

صمدآغا بونون آیه رک اوتاناراق سوسور.

غضنفر: گئت ماشینی خوددا، ائله ایندی گئدیریک.
صمدآغا: باش اوسته.

غضنفر واحد معلمه و سولماز خانیم زنگ ائدرک
کؤهنه محله یه گلملرینی خواهیش ائدیر. هر ایکسی
" باش اوسته " دئییه رک، قیسا مدتده اورادا
اولاجاقلارینا سؤز وئیرلر.

صمدآغا ماشینا ایلشه رک گولاره یه زنگ ائدیر:
حیاتیم، سلام.

گولاره: سلام، عزیزیم.

صمدآغا: بیز سیزه گلیریک.

گولاره: خیر اولا؟

صمدآغا: سنین هرینی آلمایا.

گولاره: دوغوردان؟

صمدآغا: آتام دئدی سنی گلین گۆرمک ایسته ییر.

صمدآغا: بس، سن؟

صمدآغا: بیر آز ناز ائتدیم. سونرا راضلاشدیم.

گولاره: آیدا، بونا باخ ائی.

صمدآغا: ظارافات ائدیرم. اورگیم گئدیر ائی
سینیچون.

گولاره: یاخشی سونرا دانیشاریق. آنام چاغیریر.

صمدآغا: یاخشی، عزیزیم.

گولاره سئوینجک آناسی نین یانینا قاچیر: آنا،
غضنفر معلم بیزه گلیر.

آیسل: خیر اولا؟

گولاره: منه گۆره، صمدآغا یا گۆره (دئییه رک قونشو
اوتاغا سئوینجک قاچیر).

آیسل: شکر سنه، الله یم! چوخ شکر.

لغمان: نه اولوب، سسینیز گۆتوروب عالمی؟

آیسل: غضنفر معلم، اوغلو صمدآغا اوچون قیزیمیزا
هرییه (بله) گلیر.

غۇنفر: ھە. بو گون قفیلدن بیر فیکیر اویاندی
باشیمدا. صمداغا دا منی دستکله دی (گولومسیه
رک).

سولماز: هر زامان سئوینج ایچینده اولاسینیز،
معلمیم. یقین خیر خبردیر؟

غۇنفر: ھە (الینی صمداغانین چییننه قویاراق). بو
گۆزل بالام اوچون ائلچیلییه گلمیشم و سیزی ده
یانیمدا گۆرمک ایسته دیم.

واحد: نه گۆزل. چوخ ساغ اولون کی، بیزه ده دیر
وئردینیز.

غۇنفر: هر ایکینیز منه عزیز انسانلارسینین، منه
دوغماسینیز. گئدک گۆرک نه دئییه جکله. یا الله !
دئیرک پیلکنلرله ۲-جی مرتبه یه قالخیرلار.

قاپینی دؤیور، ایچریدن سس گلیر.

آیسل: کیمدیر؟

غۇنفر: منم قیزیم، غۇنفر معلمدیر.

آیسل قاپینی آچاراق.

آیسل: خوش گلدینیز، غۇنفر معلم (و دیگرلرینی
ده سالاملاییر).

لغمان: همیشه سیز گله سینیز.

غۇنفر: بو گون بیلینه جک (ظارافاتلا) بیزیم
گلمیمیزی همیشه ایستیرسیز یا یوخ.

لغمان: بو نه سؤزدور، غۇنفر معلم. گۆزوموز اوسته
هر زامان یئرینیز وار.

اؤه دعوت اولوناراق، قوناق اوتاغیندا آیلشیرلر. ائوین
سلیقه و سهمانلی اولماسی غۇنفر معلمین چوخ
خوشونا گلیر.

غۇنفر: ائوده قادى نین اولماسی اؤه ایستیلیک و
گۆزلیک گتیریر. یوخسا بیزده کی کیمی هر طرف
اوچولوب، داغیلیر (صمداغایا گۆز ووراراق گولومسه
ییر).

واحد: ائه بیز ده، سیز ده سلیقه سهمانین اولماسی
اوچون بورا گلمیشیک (گولومسیه رک).

لغمان: آی سنی شاد خبر اولاسان. تنز سفره نی
حاضیرلا. اوست-باشیعینی دا دییش. من ده گندیم
پالتارلاریمی دییشیم.

غۇنفر معلم چوخدان تداروک گۆردویو هدیه لری و
گول چلنگینی ده گتیریب صمداغایا وئره رک دئیر:
بونلاری دا ماشینا قوی.

غۇنفر اللرینی گۆیه قالدیریر: الله یم، سنه چوخ
شکرلر اولسون. منیم ده بختیمه، طالعیمه اوغول
سئوینجی بخش ائندییین اوچون. اوغومون
خوشبختلیگی، ائه منه بخش ائندیگین خوشبختلیک
اولاجاق. بیزیم خوشبخت گونلریمیزی، بیزدن اکسیک
ائتمه. الله یم سندن باشقا بیزیم بیر کیمیمیز وار کی؟
بیزی یارادان دا، یاشادان دا، بخت طالعییمیزی بیزه
بخش ائدن ده سنسن. سن چوخ شکرلر اولسون، الله
یم! قالان عمرومو اوغوم و گلینیمله برابر، سعادت
دولو گونلر بخش ائت، الله یم!

صمداغا: آتا، گلیرسن؟

غۇنفر: ھه، گلیرم.

اوزونو چئویررکن آغلادیغینی گۆرن صمداغا
آتاسینی قوجاقلاییر.

صمداغا: آغلاما، آتا.

غۇنفر: اوغوم، بو سئوینج گۆز یاشلاریدیر، هردن
انسانلار سئوینج گۆز یاشلارینا دا غرق اولمالیدیرلار
(دئییه رک ائودن چیخیرلار).

واحدله، سولماز خانیم آرتیق غۇنفر معلمین کۆهنه
محلله سینه گلرک، اونو گۆزله ییرلر. غۇنفر، واحد و
سولماز خانیملا گۆروشه رک چوخ سئوینیر.

غۇنفر: خوش گۆردوک هر ایکینیزی، منیم
عزیزلریم.

واحد: خوش گۆردوک، معلمیم.

سولماز: خوش گۆردوک، عزیز معلمیم.

واحد: نهجه سینیز؟ نه عجب بورا گلدیک؟

صمداغا و گولاره نى يانينا چاغىرراق هر ايكىسى
نين اللرىنى بىرلشدىرىر.

غىزنفر: سىزىن خوشبختلىگىنىز بىزىم
خوشبختلىگىمىز دىمكىدىر. بو خوشبختلىگى بىزىم
اليمىزدن آلمايىن. الله سىزى خوشبخت ائلسىن.

واحد: الله خوشبخت ائلسىن.

سولماز: الله خوشبخت ائلسىن. اوغوللو، قىزلى
اولاسىنىز انشاالله!

بو گون غىزنفر معلم اوچون ان گۈزل گونلردن بىرى
اولاراق خايطيره سىندە قالير. بىر آنلىق اۋتن گونلرى
خايطىرلاربىر، اۋزو اوچون تىك هريره گئىدن آتاسىز،
آناسىز، كىمسه سىز بىر يىتىم اولاراق سۇدوگى قىزىن
ياشادىغى قاپىغىنى دۇيمە سى. والدىئىلرىنە قىزىنىزى
سۇيىم، اونولا ائولنىمكى اىستىيرم دىمە سى. بوينونو بوكة
رك يالوارىجى باخىشلارلا آرزوسونو اىستىمە سى. گۈزلىرى
ياشارىر. بو گۈز ياشلارىندا هم كدر، هم دە سۇوينچ
قارىشىق آخماسى يادينا دوشور. هر آخشام اللرىنى گۈيه
قالدىرراق، الله ا يالواراق، اوليعىن كىمسه سىز اولاراق،
سونلۇغونون دولغون عايله سى اولماسىنى اىستە يىردى.

غىزنفر: شىكر اولسون الله ىم، منە بو گونو نصىب
ائىدىن. چوخ شىكر سەن. سەن اينانمايانلار لىعتلر
اولسون. من بو گون خوشبختىم. بو آرزوما دا چاتدىم.

واحد: گۈزل گونلر هله قاباقدادىر، انشاالله!

سولماز: سىز خوشبختلىيە لايىقسىنىز، عزيز معلمىم.
بىر قدر اوتوردوقدان سونرا، هرە اۋز ايشىنە-گوجونە
گئىدىر...

ايللر كىچىر صمداغا ايله گولاره نين گۈزل بىر اوغول
اۋولادى دونيايا گلير. آدىنى سىداغا قويورلار. غىزنفر معلم
اوشاقدان بىر آددىم آزالى گزمير. اونا اۋز بابالىق نوازشىنى
گۇستىرير. حىتى يىرى گلندە نوه سىنى مدافع ائدىر. بالاجا
سىداغا دا باباسىندان آيرى ياتمير. بىر يىردە يىئير،
سۇينير، قاچىب اوينايرلار. بىر گون غىزنفر معلم بئش
ياشلى نوه سىندىن سوروشور.

غىزنفر: سەن بۇيۇندە نە اولاجاقسان؟

سىداغا: باباجان، سەن كىمى معلم اولماق اىستە يىرم!!!

غىزنفر: والله، هر شىئى چوخ بىلىسم دە بو گون
منىم اوچون چوخ چىتىن، بىلمىدىگىم بىر مسله نين
حلىنى تاپماق اوچون بورا گلمىشىك.

لغمان: بويورون. نە مسله دى، بىز سىزە كىمكى
ائىرىك.

غىزنفر: الله ايسە، چوخ يوباتماق. قىزىنىز گولاره
اوچون اوغولوم صمداغا ايا ائلچى گلمىشىك. نە
دئىرسىنىز؟

لغمان: (اۋزونو ايتيره رك) بو مسله نين جاوايىنى
گولاره دن سوروشاق. گۈرك نە دىيە جىك.

غىزنفر: بويورون، سوروشون. بىلىرم كى، هە دىيە
جىك (گولومسە يىر).

لغمان: هە؟ تكى اولسون. (ايسئل) بىر سوروش. گۈر
نە دىيىر.

ايسئل قونشو اوتاغا كىچىر، بىر مدتدن سونرا گىرى
دۇنە رك، لغمانىن قولاغىنا پىچىلىتى ايله، ايسئلىن
سۇزلىرىنى چاتدىرىر. بو حركىتدن غىزنفر و ديگرلىرى
ناراحت اولورلار.

غىزنفر: سىز دىيە سەن ار-ارواد منى اۋلدورمكى
اىستىرسىنىز.

لغمان: سىز دوز دىيىرسىنىز. هە.

غىزنفر: نىجە هە؟ اۋلدورمكى؟

لغمان: الله ائلمە سىن. قىزىمىز راضىدىر. هە، جاوايىن
وئردى.

غىزنفر: والله سىزىن بو هە دىمىنىز منى او دونيايا
آپاردى، گتىردى. چوخ شىكر، الله ىم! (اللرىنى گۈيه
قالدىرراق).

غىزنفر: قىزىمىز دى بىزىم چايمىزى گتىرسىن.

ايسئل قونشو اوتاغا كىچىر، قىزى گولاره ايله،
بىرلىكدە دۇنرك، اىچرى داخىل اولورلار. باشىندا
كلاغاى، (اورتوك) گۈزلىرىندە سۇوينچ، اللرىندە
حياتى نين باشلانغىچ تىملىنى قوبان، شىرىن چاى.
چايلارى ايلشلىرلەر تىقدىم ائدىر، كىناردا ايلشلىر.

غىزنفر: (گولاره) سەن جانىمىن بىر پارچاسى اولان
اوغولوم صمداغانى امانت ائدە جىگم.

روحو واختسيز اورلانميش بير بوستانام
 كهنه درددن اوخونماميش داستانام
 چوخ داريخير آياغينا آستانام
 «بو دونيايا يولون دوشسه بير ده گل»

كئچدى عؤمور اؤتدو گونلر گلمهدين
 قيز نه ايستر آناسيندان بيلمهدين
 سوردوم آنا گلرمي سن؟! دينمهدين!!!
 «بو دونيايا يولون دوشسه بير ده گل»!

سن گئندن حسرت ائدير آناليق
 چابالاير سودان ايراق بير باليق
 گزديريرم باشيمدا من هاواليق
 «بو دونيايا يولون دوشسه بير ده گل»

شئه لي گؤزوم، اوره ك داغيم، داغلادي
 انتظارين داش باغريما باغلادي
 يولا باخان پنجره ده آغلادي
 «بو دونيايا يولون دوشسه بير ده گل»

اؤدن ديشاريدا

پيلله يولونون ديوارى
 اؤده كي قادينين احواليني
 اوجاق اوسته يئمكدن قالخان قوخونون
 چئشيدندن دويار.
 ديوار اولاجاق قدر
 دويارليق لازيمدير
 قادينى دويماغا.
 و قادين آهيل بير آنا اولدوقدا
 ايشلر چتينه كئچير،

اوسته گل

شعريميز
 حكايه ميز
 فيكير لريميز
 Şeirimiz-
 öykümüz və
 düşüncələrimi

حكيمه باباكشى زاده (نغمه) شعرلر



اومور گؤيلوم كوسور گؤيلوم آي آنا
 دوسداقلانميش اسير گؤيلوم! آي آنا
 آرزوسون قان قوسور گؤيلوم آي آنا
 «بو دونيايا يولون دوشسه بير ده گل»

داراغینین دیشلرینی یوخلاماق گرکیر.

اثرکک ایسه آهیل اولدوقدا

سۆزلرین سسی

سوکوتوندان باش قالدیریر

الینده کی بوش یئر چئوریلین

تسبیح کیمی

گرکیر بیررینر ظن ائتدیین قایغیلاری

آلت اوست ائده سن.

بلکه ده واراقلا دیغی آغ قلم له یازیلان

دفتردن بیر سۆز آنلاماق اوچون

گرکیر

بیر ناغیلین ناغیل ائتمه سینی ریجا ائده سن.

ناغیلدا کی هر بیر میراث ایز

آتانین اوزونه قیریش دوشه بیلر

و هر بیر آتا

سسسیزلیکه

قوشولمامیش ناغیلار یاشاییلار...

سۆزجوکلرین چیینینده آنلاملار داشینان زامان

دیل قبیر ائوینین عذابینا قاتلاشیر.

سسسیزلیک

دیل باغیرین یاس تۆره نینده

آغیر فاجیعه دیر.

سۆزلرین

نیکاح زامانی

باشا چاتیر

داوا دالاشسیز

محکمه سیز

بوشانیر آنلاملاری

یئتیم حیسلر

بیجلیک آدینین گۆبکلرینه باغلانماسیندان

اوشه نیرلر.

دیلین لاللیق دردی یادلاشیر قولقلارلا

بعضا آنلاملار کۆکه لیر بیر نچه سائز

بعضا زامان آخاریندا سویا گئدیر

یاری قات ، یاراماز اولور سۆزجوکلر گئییمی.

باشلانیر دهشت

(دونیا دردی) قونو اولاندا.

باشلانیر توی بایرام

(خیال) قاپیسی شاعیره باش اینده.

دیلین قیسیر فصیلینده

سسسیزلیک

جنت باغینین

یئتیشمیش آلاچوروک آلماسی

و جهنم قویوسونا ساری

بوغاز یاماجیندان

اوزو آشاغی دیغیرلانیان بیر آهدیر...

کوبرا ننه

یازار: محمد مهدی عیوضی



کوبرا ننه ده اوبیریسی ننه لر کیمی
مینییوسلارین قاباغیناجاق اوغلونونا گۆره
گلمیشدی. بیر الی له عینکینی وئریب اوسته گۆز
یاشلارین سیلیردی بیر الی له ده اکبرین الیندن

توتموشدو. هر لحظه اکبرین الین لاپ محکم
سیخیردی. قارا چادرانی دیشینین آراسیندان
بوشلاییب اوزون فرهادا چئویردی:

—فرهاد قادلارو آلیم سن ده منیم اوغلو
یئرینده سن
بو اکبرین چوخ دا هوشو باشیندا دئییل سن بونان
موغاییت اول هااا.

فرهاد اکبری گۆردوکی سینه سین قاباغا وئریب،
شیشدی. دیلی له دیشینین آراسیندا دئدی: نئجه
ده قودوخلانیره، باشینی آشاغی سالیب
گولومسه دی.

—چشم کوبرا خالا سیز دای قایدیز ائوه ایستیدی
هاوا

ائله رحمتلیک ننه م عؤمرون سیزه وئرندن
سیز سیز دنه منه ننه. دئییرلر ننه نین دوعاسی تئز
قبول اولار دوعا ائله یین ایشالله شهادت بیزه ده
نصیب اولسون.

کوبرا ننه دوداغین دیشلییب الینین اوستونه بیر
خیردا شیلله ویریپ دئدی:

—ووی گئده دیلین قارنوا، سن نیه شهید
اولورسان ایشالله ائله او ساغیر صدام شهید اولار.
فرهادلا اکبری گولمک توتدی.

—اکبر الان مینی بوس گندر ها تئز اول .

اکبر ایلیب ننه سینین باشیندان اؤپوب،
گولومسه یه گولومسه یه کوبرا خالادان اوزاقلاشدی.
قرآن آلتیندان کئچیب مینی بوسا میندیلر.

اکبر باشین مینی بوسون شوشه سیندن چیخاریب
آناسینا اوپوجوک آتیپ، ال یئلله ییب، گولوردو.
کوبرا خالا دا قیریشلی اوزوندن گۆز یاشین سیلیب
ال یئلله ییردی اکبره.

اکبر ایکی الین لوله لییب آغزینین قاباغینا توتدو
کی سسی نوحه سسینین آراسیدان آناسینا
یئتیشه؛

—آنا کریم باققالا اوز وئرمه ها وساییل لریوی ده
آلاهی دوکاندان آلارسان. فرهاد گولوب اکبرین
پئیسرینه بی شیلله یاتیردیپ دئدی:

—اده بسدی خالانی اوتانديرما.

میني بوس حرکت ائله دی. مینی بوس میدانان
چؤله چیخجاغین هر نفره بیر آلینا باغلایان
گتیریپ وئردیلر. اکبر قیرمیزی آلینا باغلایانی
الینه آلانان سونرا گۆردو کی اوستونده شهادت
یازیپ آغزینین سویون اوتقونوب گۆزو فرهادین
آلنینا باغلانانا توشدو کی یا زهرا یازیلیمیشدی. تئز
فرهادین آلنینا باغلادیغینی آلیب اؤزونونکون
توللادی اوستونه:

—اح بوندا دا کی یازیپ یا زهرا ، ای کاش
یازیلایدی یا گولناز. فرهاد گولوب دئدی: آخی آی
قودوخ سن کی اؤلوم دن بئله قورخوسان نه
اوچون گئدیرسن جنگه آخی.

—بابا آخی دای ناغایریم، عباس تین اوغلو کرامت ده
گولنازی ایسته ییر، من ده. او گئدیپ جیبه یه من
ده گلدیم اونون یانیندا کم گتیرمه ییم دنه.
فرهاد برکدن گولوب، بیر آلا چئویریپ، کول
باشووا دئدی. نئچه ساعات یولدان سونرا
میني بوس یئتیشدی .

هاوا بتر ایستی ایدی.

—الله اوووی، های فرهاد سوسوزلوغومدان اؤلورم.
—اده شربت اوردادی دنه کولمینن ایچینده، گئت
ایچ.

—یوخه الله کؤمه یین اولسون آلتیندا یازیپ
شهادت شربتیی. منیم معدمه اولاری هضم ائله یه

بیلمز.

فرهاد گولوب الین باشینا چیرپدی ...
بیردن گۆیدن صوت سسی گلدی، خمپاره ایدی.
فارسلا رین بیر قیشقیردی: سنگر بگیرییین!
هره بی یثره تپیلدی. اکبر ده الین بئلینه ووروب
تورک لهجه سیله دئدی: داداش برا من بربری
بگیر، ساغول .

فرهاد اوزان دیغی یثردن دوروب تئز اکبری چکیب
ییخدی سنگره. دۆرد- بئش خمپاره دن سونرا دای
وضعیت آراملاشدی. خمپاره نین نجه سی چوخلو
رزمندهلری یارالامیشدی. هامی سنگردن چۆله
چیخیب یارالی لارا کۆمک ائدی ریلر. آما فرهاد
خوف ائله میشدی یثرییه-یثرییه بیر به بیر
رزمندهلره باخیب اورهی اوزولوردو، بوغازی
قوروموشدو.

بیردن اکبری گۆرور، او رزمندهلر کی جان وئیر
اولارین باشینین اوستونده ایلشیب اولارا جوک
تعریفله ییر.

— حاجی دای سن کی شهید اولورسان قوی بیر
جوک تعریفله ییم گوله-گوله اؤل دنه: بیر گون
صدام گئدیر غیرت کیلا سینا. آروادی چۆله
چیخاندا قیشقیریر هارا گئدیرسن، آروادی دئیر
اصغرله قراریم وار. صدام دئیر اصغرله گئدیب
اصغرله ده گله جکسن هااا!
یارالی رزمندهلر گولوب گۆزلرینی یومور. اکبر دوردو
اوبیرسی یارالینین اوستونه. فرهاد مات
قالمیشدی.

الین قووزاییب گۆیه دئدی: آی الله بو کیمدی
یارادیسان، حکمتینه قوربان. اکبره طرف گئدیب
بی الی له اکبرین یاخاسیندان توتوپ چکدی
اوسته:

— بوردا اویون وئرنجه دور گئده ک کۆمکلییه.

فرهاد فرمانده هین اوستونه گئدیب دئدی کی بیز
نه کۆمه یی ائله یه بیلهریک.

فرمانده هؤوول-هؤوول نئچه دنه کفنه اوخشار
موشامبا وئریب، دئدی: اولار کی شهید اولوبلار بو
موشامبالارین ایچینه قویون.

اکبر له فرهاد موشامبانی آلیب یارالی لارین
طرفینه گئتدی اکبر بیر رزمندهنی ایسته ییردی
سالا موشامبایا کی رزمندهلر قانلی دوداغینی گوجلر
ترپدیب دئدی: من زندهم.

اکبر ایکی ثانییه دایانیب، دئدی: برادر سن
اؤلوسنه بدنت داغه اونا گورا فک میکنی زنده ایی،
گل گئت ایچری گۆرک.

بدنینین یاریسین موشامبایا سالمیشدی،
بؤیرونده کی یارالی دئدی قارداش بو هله دیریدی
سالما موشامبایا.

اکبر ال ساخلا ییب، بیراز اونا چپ-چپ باخیب،
اعتناسی

ز ایشینه داوام ائتدی.

ایکی نفر گلدیلر کی او یارالینی برانکار دلا آپارالار.
یارالی بیر الی قیریلیمیش قیچنین اوستونده
ایدی، بیر الی له ده اکبر گیلر اشاره ائله ییب دئدی:
او دیریدی، او دیریدی!

اکبری دالا ایتله ییب، بوش مشامبالاری الیندن
آلیب رزمندهنی قاچیرتدیلر سنگره.

اکبر قاییدیب یارالی یا چپ-چپ باخیب اؤز قیچینا
بی شیلله ویریب دئدی: آندولا الله! موشامبام
اولایدی سنی ده موشامبایا سالاردیم. الین جیبینه
قویوب دوداغنین آلتیندا آهنگ زمزمه ائله یه-
ائله یه یئرییردی:

یہ دختر دارم تا ندارہ۔

بیردن بیرسین گوردو کی بیر قیرمیزی پریشی
موتورو سورہ-سورہ گلیب ساخلادی سنگرین
قاباغیندا. اکبرین گوزلری ایشیلدادی. اؤز
اورہییندہ دئدی سنول کندیمیزدہ موتور
سورسہ ایدیم نئم منی گؤیدن آساردی. هامما
ابلفضلی بوردا بو موتورلا دونیانی سورہ جییم.
دؤورہ برینہ باخیب گوردو کی قیامتدی،
هرہ بیر یئرہ قاچیر، موتورلا یوخونلاشیب گوردو
سویچ موتورون اوستوندہدی. موتورو یاواشجا
بیراز ایتہلہییب، سنگرین دالینا آپاریب،
آلیشدیریپ سوردو.

دنیا کاریندا دئییلدی کی ہارا گئدیرم گئتمیرم،
فقط گاز وئیریدی. سونونجو دفعہ موتور سوردویو
بئش ایل قاباق ۱۳ یاشیندا کندلریندہ عمی
اوغلونون موتورون سورموشدو.
بیردن ایکی دنہ جیپ ماشین اکبرین قاباغین
کسدی،

اکبر موتورون سرعتین آزالدیپ یاواش-یاواش
ساخلادی.

—اح ددہ وای بیدنہ موتور گؤتورموشوک یاریم
ساعات سورہک اونو دا سیز قویمازسیز.

جیپدن بیدنہ سرباز دوروب اسلحہنی توتدو اکبرہ
طرف. عربی نسہ قیریلداتدی. اکبر کی بیلدی
عراقی دیلر رنگی دؤنوب آغ-آپاغ اولدو.
موتوردان دوشوب، الین باشینا چیرپیپ یا خانم
سجاد دئدی.

—بو موتورلا بنزین توکنین بئلی سینسین. گولناز
سنین او چولاق ددوہ لحت باخ اسیر اولدوم.
سربازلارین ایکی اوچو تفنگی اکبرہ طرف توتا-
توتا اکبرہ یاخینلاشیب اکبری توتدولار.
ماشینین شاگیر طرفینن بیر یاشلی کیشی

توشوب گئتدی اکبرہ طرف. بؤیروندہ دہ بیر
اوغلان گلیردی.

کیشینین درجہ سینین بؤیوک اولدوزلاریندان
معلوم ایدی فرماندہدی.

فرماندہ او بؤیروندکی اوغلانا نسہ دئییب اوغلان
قاییدیپ اکبرہ دئدی: آدین ندر؟! ہانسی
گروہان دان سان؟ اکبر اونون تورکی
دانیشماغیندان تعجبیلندی. اکبر ایستہدی کلک
گلہ اؤز آدین دئمہیہ.

دئدی: منیم آدیم عباسدی. گروہانین دا آدی
عباس ۱۲دی گروہان کبری ۱۱دن گلیمیشم اورا.

—ہانسی طرفدن گلدین بورا؟!

—دشت عباس دان

—اؤزون ہارالیسان؟

—بندر عباس لی

—آنانین آدی ندر؟

—عؤمررونو جانیمدان عزیز صداما وئریبہ حاج
عباس قولو دیپردیلر.

درجہ دار کی بیلدی بونا یالان دییر قیچینا بیر
محکم تپیک ووروب، قیشقیردی یالان دییرسن!
اکبر اوفولدا ییب دئدی: حضرت عباسا آند اولسون
دوز دئییرم.

بیردن سربازلارین بیر بیسیمی یوخاری توتوب
عربجہ قیشقیریپ دئدی: بونو موتورون
اوستوندہ کی خورجوندان تاپدیم. سرہنگین گؤزو
ایشیلدا ییب قاچدی بیسیمی آلدی. بیسیمی بیراز
اللشدیریپ اکبرہ طرف توتوب او اوغلان دئدی
بیسیم ووراجاقسان، نیرولارینیزین ایکی سین بورا
چکہ جکسن. اکبر بیسیمی آلیپ دوگمہ سین

سسله ییردی.

اکبر قورو دوداغین ترپدیپ دئدی منکی جان
وئریم

سنه بیر جوک دئییم سونرا اؤلوم دا.
همیشه ایسله ییردیم... دالی گلمدی. اکبرین
گؤزلی یومولدو...

اکبر گؤزون آچار-آچماز دوداغین گوجلہ ترپه دیپ
دئدی: هههه فرهاد ایسله ییرم همیشه فامیلره
دئیم من سلام یئتیرمیرم آنام اؤز باشیندان دئییر
اکبر ده سلام یئتیریر.
اکبر بیراز اؤزونه گلندن سونرا بیر آغ گئیملی
خانیمی باشینین اوستونده گوردو.

—ووووی من اؤلوموشم؟، سن حوری سن؟
پرستار گولوب دئدی: هه من حوری یم
—ائله ائله دییم

ثواب لارا بونان آرتیق حوری وئرمز لر کی...



باسیب دئدی: الو عباسامه فرهادین یولداسی،
قادالارو آلیم بوردا یئددی- سکگیز دنه اسیر
توتموشام گلین بورا.

ایرانلی لار کی بو ساده و رمزسیز دانیشماقدان
تعجب ائتمیشدیلر دئدیله: نئینک اسیرلری گتیر
بورا ساری.

اکبر دئدی: منی قویمورلار کی گلهم، سیز گلین!
اکبرین باشینا بیر شیلله ووروب میندیردیلر ماشینا.
سربازلارین دا بیرى موتورا میندی آپاردیلار.

ائله کی ایسته ییردیلر یولا دوشه لر خمپارنی
خمپاریه توتدولار. هره بی درهیه قاچدی. اکبر
فرستدن استفاده ائدیپ سول طرفه قاچدی. او
طرفه هئچ خمپاره آتمیردیلار. خمپاره
عراقلی لارین طرفینه بئله دال با دال دوشوردوکی
هئچ اکبر یاددان چیخمیشدی.

فرهادگیل نئچه خاکریز قاباغا گلیمیشدیلر.

اکبر فرهادگیلی گؤرجه یین گؤزلی ایشیلدا ییب
قیشقیریپ فرهادی چاغیریپ اونلارا طرف
قاچدی.

فرمانده گیل قیشقیری شیردیلار: دایان یئرینده،
دایان یئرینده!

آما اکبر قولاق آسان دئییلدی.

بووووم

بو سس قیشقیریقلارین هامی سینا سون قویدو.
فرهاد مات قالمیشدی. اوچ ثانیه مکثیندن سونرا
آغلایا-آغلایا اکبر-اکبر دئییب مین میدانینا طرف
قاچدی.

تله سیک دیزی اوسته ایلشیپ اکبرین
باشین قویدو دیزی اوستونه، گوزلرینین یاشینی
اکبرین آلینا دامیزدیرا-دامیزدیرا اکبری

اندر حکایت تعامل دو جغرافیای آنادولو و ایران

سان ایله دین

آشیق صیاد جعفرزاده



جغرافیای ایران و جغرافیای آنادولو در طول تاریخ همیشه رقیب هم بوده اند. حتی در دوران اولیه سلاطین سلجوقی که امرای حاکم بر آنادولو از معتمدین دربار ایران سلجوقی انتخاب و منسوب می شدند نیز عصیان آنادولو یکی از مهمترین نگرانیهای دربار سلجوقی بود.

امپراتوری مغول نتوانست آنادولو را زیر فرمان خود گیرد. این فرصتی بود برای آنادولو که حاکمیت دوباره خود را برپا کند. بدینگونه بود که امپراتوری عثمانی پدیدار شد. اما جغرافیای ایران هرگز آنرا برنتافت.

امپراتوری عثمانی برای ایران نه دوست بود و نه دشمن. فقط تحمل ناپذیر بود. دشمن نبود چون رو به غرب داشت و مزاحم ایران نمیشد، دوست نبود چون خطری بالقوه برای کشورگشاییهای ایران بود. تحمل ناپذیر بود چون پرقدرت و مدعی بود و این میتوانست حس تحقیر در ایران ایجاد کند. جنگ امیر تیمور با ایلدیریم بایزید جنگی برای رفع همین حس حقارت بود. جنگی بسیار پرهزینه بر دو ملت تحمیل شد تا امیر تیمور در مقابل ایلدیریم با یزید سینه سپر کند و بگوید که من از تو قویترم. فقط همین.

امیر تیمور قدرت آنرا نداشت که آنادولو را تحت حاکمیت خود نگه دارد و این را از همان ابتدا میدانست. اساسا بعد از قدرت یابی عثمانی هر یک از این دو جغرافیا نه آنقدر قوی بود که دیگری را به زیر حاکمیت خود در آورد و نه آنقدر ضعیف

سانکی هیجران قلبیمه قویدین فلک قان ائيله دین
هیجرو هیجرانی عجب اول قلبیمه کان ائيله دین

اویانان عاشیقلره گویا منی هم سای ائدیب
جانیمی جاندان آلیب جانا نیمه جان ائيله دین

درمانی یوخ دردلره بیلمام نیه هم تای ائدیب
بو پریشان حالیمی یارب نه افغان ائيله دین

کیمسه بیلیمیر بو اوره گده هیجر هیجران قور
ائدیر
گون به گون اول شعله سین شمع درخشان ائيله
دین

آرتیریرسن عشقیمی شمعد یانان پروانه تک
اول سبب دن اسمینی قلبیمده عیان ائيله دین

صیادین قصدی یوخ هئچ آهیله فریاد ائيله سین
سن اوزون عاشیقلره عاشیق کیمین سان ائيله دین

سوریه را قلقلک داد و در مقابل آنادولو به قفقاز برگشت .

اما اینبار چند فرق عمده در کار است .
اول، زخم خنجر خیانت بر کتف تورکان ایران هنوز خونریز است. تفکور پان فارسی بعد از براندازی ناجوانمردانه قاجار و اعمال سیاستهای ضدتورکی رضاخانی به حس اعتماد تورکهای ایران ضربه سختی وارد کرده است.

دوم، آنادولو دیگر نه رو به غرب بلکه با جدیت روی بر مشرق گرفته است.

سوم، تورکان قفقاز از حضور آنادولو نه تنها ناراحت نیستند بلکه به شدت استقبال میکنند. جغرافیای ایران نیز امتیازات خاص خود را دارد.

اول. ایران روابط نزدیکی با ارامنه و روسیه دارد.

دوم. نفوذ ایران در عالم تشیع سوریه و عراق میتواند آنادولو را با مشکل مواجه کند.

سوم، نیاز غرب به ایران برای مهار آنادولو. غرب مسیحی به دشمنی ایران با آنادولو نیاز مبرم دارد و حاضر خواهد شد در این مورد به ایران امتیازات ویژه قائل شود.

اما همه امتیازات ایران زمانی قابل استفاده است که با مخالفت تورکهای ایران مواجه نشود .

حسن ارک. تبریز ۲۹/۸/۹۹ @hesenerk.



بود که حاکمیت دیگری بر خود را تحمل کند. این حالت نمی توانست ادامه یابد.

ظهور صفویان و رسمی نمودن مذهب تشیع به همراه لعن و نفرین مقدسات مذهب تسنن راه چاره جغرافیای ایران بود برای این درد بی درمان. از آن به بعد راه تعامل ایران با آنادولو مسموم و زهرآگین گردید و به نوعی از هم جدا شد.. جنگ چالداران فراز این جدایی وحشتناک و احمقانه بود. آغازی برای افول قدرت تورکها در ایران و ضعف قدرت آنادولو در اروپا. صفویان بعد از جنگ چالداران برای ادامه حکمرانی در ایران مجبور شدند به قوم فارس تکیه کنند و این آغاز روندی بود که در نهایت خنجر پان فارسی را بدست رضا خان بر کتف تورکهای ایران نشاند.

بر هم خوردن تعامل سازنده دو جغرافیای قدرقدرت آنادولو و ایران به کشاکشهای ویرانگر و جانکاه یک و نیم قرن منجر شد که در نهایت هر دو را خسته و رنجور بر سر میز مذاکره در قصر شیرین نشاند. دو قدرت در بیست و هفت اردیبهشت سال هزار و هیجده در قصرشیرین عهد نامه زهاب یا همان قصر شیرین را امضا کردند. بر طبق این عهدنامه ایران حاکمیت آنادولو بر عراق را به رسمیت شناخت و آنادولو حاکمیت ایران بر قفقاز را. مرزهای کنونی ایران با عراق فعلی و ترکیه نیز منطبق بر توافقات همان عهدنامه باقی مانده است. فقط اینکه آتاتورک از رضا خان دالان قره سو را خرید و راه ارتباطی آنادولو با قفقاز را تامین کرد.

اما چرخ روزگار چرخید و چرخید، یکبار دیگر جغرافیای ایران و آنادولو را به هم رساند. اینبار ابتدا ایران با استفاده از فرصت انقلابات مشهور به بهار عربی منافع آنادولو در عراق و



بختیار و هابزاده من کیمم؟

من کیمم؟ بو سوالی،
هر ایل آد گونلریمده،
اؤز-اؤزومه وئرمیشم،
جاواب تاپا بیللمه ییب،
بو سوالین اؤنونده،
باشیمی ائندیرمیشم.

من کیمم؟

من نه چی ییم؟

عشقیم، دیلک لریم نه؟
نییه گلدیم دونیا یا،
بو دونیادا یئریم نه؟

ساغ ایکن ده بیللمیرم،
اؤلویم، دیری ییم من؟
اولینی، سونونو،
درک ائتمه یین ان عادی،
کسلردن بیر ییم من.
ایمکانلا آرزولارین،
آراسیندا وورنوخان،
ساعات کفکیری ییم من.

زامانین دهره سیله،

قنادلی آرزولاری،

بودانان بیر بنده ییم.

من بیر اوزو آغام سا،

بیر اوزو شرمنده ییم.

من اؤزومون دوشمنی.

هر گون چکیر چارمیخا،
اوز ایچیمده من، منی.

من اؤزومچون همیشه،
باخدیقجا سیرری آرتان،
معمالی شکیلیم.
اؤزومه ایتهامچی،
اؤزگه سینه وکیلیم.

بیلدیییم بو قدرمیش،
منی مندن گیزله دن،
او سوال لار هدرمیش...

رامیز روشن

تنهالیق باشلاییر بوردان اویانا،
کئچدیکجه کئچیلمز، آتام بالاسی!
آیلاری، ایللری توتسان بویونا،
چایلاری، چؤللری توتسان بویونا،
اؤلچدوکجه اؤلچولمز، آتام بالاسی!

داها چوخلاریلا آرام سرینلر،
چوخلاری بویوما سئوینمز داها.
۲۳ یاشیمدا منی سئونلر
۳۳ یاشیمدا سئونمز داها.

من آخی نه چؤلیم، نه یول، نه کوچه،
من آخی هامینین اول بیللمه رم.
منی سئونلردن اؤترو، اؤلونجه
۲۳ یاشیمدا قالا بیللمه رم.

سۆزوندن قان اییی گلن شاعیرین
آغزیمدان سود اییی گلیر، بیلیرم.

بو دنیا بیر قاینار قازانمیش دئمه
سؤندورمز اودونو نه قار، نه یاغیش.
دنیا یلا دالاشماق آسانمیش دئمه،
چتینی دنیا یلا باریشماق ایتمیش...

ممد آراز

آ ظالم!



تانیمرسان یاخین نه دیر، یاد نه دیر،
یادا دوستسان، دوستا یادسان، آ ظالم!
اوره ییمده بیر گونشین اودو وار،
کور قورویار، کوره آتسان، آ ظالم!

داغ دایانماز بو آغرییا، بو غمه،
قیصاصین وار – آل بو جانیم، بو قمه.
غم دریاسی آخیتمیسان سینمه،
بو قصدیندن یامان شادسان، آ ظالم!

دانیشمیرسان، یوخسا دیلدر باخیشین؟
گاه خنجر دیر، گاه دا میلدر باخیشین.

نه قدر سۆزلر وار سۆزومدن جاوان،
داها چیغیرماغا نفسیم گلیر.
داها بو دنیا دا اؤزومدن جاوان،
شعیرلر یازماغا هوسیم گلیر.

کیرییر، یومشالیر شعیرلریم ده،
قوجالیر میصراعلار، سۆزلر منیمله.
دوستلار جاوان قالیر شعیرلریمدن،
قوجالماق ایسته میر دوستلار منیمله.

ایلاهی، قوجالیق بویמוש دئمه لی،
دوستلاردان سس سیزجه قیریلیر آدام.
عؤمور بیر بولاشیق سویموش دئمه لی،
عؤمور آزالدیقجا دورولور آدام.

ایچیمین، چؤلومون یویولور پاسی
سطیرلر گؤیریر بو آغ وراقدا.
نه چوخموش اورکله الین آراسی،
نه یاخشی اؤلمه دیم بو آریلقدا.

سۆزلر اوره ییمدن الیمه یئتدی،
بیر آزجا سولوخدو – سولدو، نه اولار.
بیر آزجا شاخلیغی – شوخلوغو ایتدی،
هئچ کس قیناماسین، یولدو، نه اولار.

داها بالتا کسمز عاغلیم کسنی،
دونیا نین دادینی بیلیرم داها.
بو قوجا دنیا دا هر نفسیمی،
آغاجدان مئوه تک دریرم داها.

سون نفس دنیا دا هر شئیدن شیرین،
شاعیر ده قوجالیر، اؤلور، بیلیرم.

هم اۆلدورور، هم ديريلدير باخيشين،
نه سئحريكار بير جلداسان، آ ظاليم!

توفيق مطلب اف آنالار تئز اويانار

آنالار، يوخوسوندان،
سحر تئز اويانارلار.
هله گونش دوغماميش،
گونش اولوب يانارلار.

مئهر يبان گۆزلرينه،
يوخو گلمز گئجه لر.
قاغيلا ري چوخالار،
اوركلري اينجه لر.

يوررغونلوق دا دويولار -
اوزونده، بنيزينده.
يئننه اوزر كۆرپه لر،
لايلالار دنيزينده.

نئچه اؤولاد بؤيودوب،
آرزولارا چاتارلار.
آنالار تئز اويانار،
آنالار گئج ياتارلار...

بختيار وهابزاده دونيانين

باش چيخارماق هم چتيندير، هم آسان،
ايبليسندن، مله ييندن دونيانين.
آدم ساتدي بير بوغدايا جنتي،

تورا دوشدو كله ييندن دونيانين.

نه گۆزلدير، اورك گئنيش، سؤز آچيق
ياشاماديم بير سئودامي ياريمچيق.
عذاب آدلي دييرماندان نارين چيخ،
كئچه جكسن اله ييندن دونيانين.

آرزوم اوچون مله ين بير جويوردوم،
او تپه دن بو تپه يه يويوردوم.
نييه قورخوم كفنيندن؟ نه گؤردوم -
بئشيييندن، بله ييندن دونيانين؟

ائي «بختيار»، زامان عؤمرو اريد،
اؤلوموموز آخان واختا بورج اؤدر.
ارخاسينجا پالاز كيمي سورودر،
برك ياپيشسان اته ييندن دونيانين...

نوروز گنجعلي آنانين سسي

آنا قليبم اودلانير،
سؤز دوشنده داعوادان.
بس دئييلمي ائي اينسان،
تؤكولدو قان، آخدي قان؟!
بس دئييلمي آنا تورپاق،
سو ايچدي گؤز ياشيندان؟

يئر اوزونده دوستو اولسون،
گرک اينسان اينسانين.
قليبمده كي بو آرزولار،
آرزوسودور زامانين.
من آنايام، بو سسيمده،

یئرین، گۆبون دردی وار.
 صولحه گلین، ائی اینسانلار!
 یوخسا دونیا محو اولار.
 سیلاحلاری یاندرین،
 عرشه قالخسین توستوسو!
 هر اوبادا، هر بیر ائلده،
 قاناد آچسین صولح سؤزو!
 اوزو گولسون اینسانلارین،
 بایرام ائتسین یئر اوزو...
 بس هانی، قوجامان قوز آغاجینین -
 دیبینده کی جهره؟ گۆزومه دیمیر.
 اوشاقلار چیخاریب تاغالاغینی،
 اییپندن بیر میسمار کسیدیر هره.
 او کونجده توز باسمیش یون داراغینی،
 یقین، ساتیبسینیز هورومچک لره.
 ائله بیل یاربیزین دیشیب طامی،
 نانهنین عطری ده آزالیب بیر آز.
 چاغیرین، چاغیرین عزیز آنامی!
 بئله باغچا اولماز، بئله باغ اولماز.

ممد آراز

باجیم کولثومه مکتوب

نئجه یاد گورورم دوغما یئرلری!
 ایلک دفعه قارشیمایا چیخمادی آنام.
 ایلک دفعه آنامسیز آچدیم سحری،
 ایلک دفعه آنامسیز دوشه جک آخشام.
 اویوشا بیلیمیرم کندیمیزه تا،
 باشقا نغمه لی دیر بولاقلار ایندی.
 سانکی من طرفه آیلیمیر حتی،
 منسیز چیرپیلما بیر بوداقلار ایندی...
 دئمه کی، آی باجیم - آنام عوضی،
 قارداش، اعتبارین بس هارا گئتدی؟!
 بیر ده بو یئرلره دؤنمک هوسیم،
 آناملا بیرلیکده مزارا گئتدی...
 چتیندیر، آی باجیم! بونلاری گورمک.
 گۆز ده بیر باخیشلا اودا دوشرمیش.
 اوشاقلیق ایتیرمک، گنجلیک ایتیرمک،
 آنا ایتیرنده یادا دوشرمیش.
 نه لووغالیق بیلین، نه ده کی، عاییب!
 من داها کؤچری، کؤچری قوشام.
 بو گئجه اوستومو اورتن اولماییب،
 بو گئجه یامانجا سویوقلامیشام.
 اورو شدن قوزولار دؤنوب مله ییر،
 بوز اینک آختاریر سسینی اونون.
 یادیمایا بیر سؤزوم، بیر میصراع م دوشور:
 «چیراغی آنایمیش آتا یوردونون»...
 حورمتی آیریدیر قارداش - باجینین
 تک آنا نفسی اوزومه دیمیر.

بختیار و هابزاده

دئییل می...؟

عۆمور باشدان باشا، بئشیکدن قبره،
حیاتین سئوینجی-غمی دئییل می؟
اؤلوم بیر عۆمور لوک ایضطرابلارین،
آغرینین، آجینین جمعی دئییل می؟

معنوی دونیا یا قالخیب اوجالماق،
قانادلی دویغویا قیسمتدیر آنجاق.
بئله یسه، عۆموردن-گوندن کام آلماق،
هر کسین آرزوسو، کامی دئییل می؟

کئچیر مقاملار دا گونده یوز الدن،
هانسی گیزلی الدیر پوزان، دوزلدن؟
سنین گووندییین دنیا ازلدن،
اکیلن-بیچیلن زمی دئییل می؟

آیقلار آلتیندا یئر اولدو تاپداق،
سیرینی-مغزینی بیلمه دیک آنجاق.
تاپداق ائتدیییمیز بو قارا تورپاق،
ابدی منزلین دامی دئییل می؟

دامیمیز اوستونده گزر، هئی گزر،
هره اوره یینجه بیر منزل بزر.
تورپاگی سورماقدان ائتمه دیک حذر،
بو دا عاغلیمیزین کمی دئییل می؟

اوتری منزیده قدر حؤکم ائدر،
کیمیمیز بال ایچر، کیمیمیز زهر.
ابدی منزیده هامی بیر نفر،
بیر نفر اؤزو ده هامی دئییل می...؟

بابا وزیر اوغلو

سنسیز کئچن گونلریم

سؤز تاپمادیق دانیشاق، دیندی قاتار آستاجا،
سنی مندن آییرار ایندی قاتار آستاجا.
قانادیمیز سئوگی یدی... هئج بیلمه دیک، آیریلیق-
قوووب حاقلایار بیزی، گلیب چاتار آستاجا.

بوردا گونش پارلاییر، سنسیز ایستیسی یوخدو،
بوردا یاغیش باشلاییر، سنسیز کسیدیسی یوخدو.
سنسیز کئچن گونلریم اوخشاییر بیر-بیرینه،
سنسیز کئچن گونلرین یاخشییسی-پیسی یوخدو.

هله چوخ گۆینه یه جک سنسیز حسرتین یئری،
بیر گون گئدن قاتارلار بیر گون دؤنرمی گئری؟
بیلیمیر کی، سن منسیز نجه یئتیم قالیرسان؟
بیلیرسن کی، من سنسیز فاغیر، یازیغین بیر.

آدلایب نجه کندی، گزسم نجه شهر،
اوره ییمده بیتیرمیش عۆمرومون هر سفری.
دؤنوب بیر گون قاتارا قاییدارام، عزیزیم!
قاپی کیمی اوزونه آچیب نورلو سحر.

بوردا گونش پارلاییر، سنسیز ایستیسی یوخدو،
بوردا یاغیش باشلاییر، سنسیز کسیدیسی یوخدو.
سنسیز کئچن گونلریم اوخشاییر بیر-بیرینه،
سنسیز کئچن گونلرین، یاخشییسی-پیسی یوخدو...

جایر نوروز

ساغلیغیندا قیمت وئرن اینسانلار...

بیر آرزوم وار، آی آداملار، قویون دئییم،
ساغلیغیندا قیمت وئرن اینسانلار،

ياخشىلار ساغليغىندا ياخشى دئيىن،
 ساغليغىندا يامان دئيىن يامانلار،
 يالنىز، يالنىز، ساغ اولاندا،
 هر كس اصيل قيمتىنى بىلر اوندا.
 بو سۆزلر بىم دوز اولماسا، تۆھمىت ائىدىن،
 سىزدىن رىجا ئالە يىرم مىليون كرە،
 شاعىرلەر ساغليغىندا حۆرمىت ائىدىن،
 ساغليغىندا ھىكل قويون اولمىز لەر...
 گلە جە يە چوخ دا اومود باغلامىين،
 سۆزونوزو سونرالار ساخلامىين.
 زھلم گئدىر سونرالاردان،
 واختسىز دىنن زورنالاردان،
 بوش بوغازدان، آوارادان،
 تويدان سونرا ناغارادان.
 ساغليغىندا سئويندىرىن تمىزلىرى،
 سىز حياتدا بو آماللا آددىملايين.
 ساغليغىندا ايفشا ائىدىن خىيىللىرى،
 ساتقىنلار ساغليغىندا ساتقىن دئيىن،
 تولكو دئيىن تولكولرە،
 آصلان دئيىن آصلانلار.
 ساغليغىندا قيمىت وئرىن اينسانلار...
 هر كس بىلسىن اۆز يئرىنى نئجە ساغدىر،
 بو، پىسلىرىن حياتىنى قىسالتماق دىر
 ياخشىلار بىن حياتىنى اوزاتماق دىر...
 بو نەدىن دىر اۆلن كىمى، قىللىمىزدە
 آداملار سئوگى، حۆرمىت آشىب - داشىر.
 اۆلن كىمى ياخشىلار دا ياخشىلاشىر.
 يامانلار دا ياخشىلاشىر...
 چىركىنلەر دە تمىز اولور اۆلن كىمى...
 يادلار بئلە عزيز اولور اۆلن كىمى...
 خايطىرلەر سؤيلى يىرىك،

ئىكرولوق لار* قوللايىرىق،
 ھامىسىنا اوجدان توتما ياخشى دئيىب
 او دونيا يا يوللايىرىق.
 بو گئجىكىمىش خئىر - دوعا نىھى گرە؟
 بوندان مزار بۇيويە جەك
 يا اۆلن مى دىرىلە جەك؟

خوشوم گلمىر

بو كۆھنلىمىش عادت لردن،
 خوشوم گلمىر...
 بو سردابە سئوگى لردن،
 حۆرمىت لردن خوشوم گلمىر.
 اىستىمىرم واخت - وعدەسىز شۆھرىتى من،
 بىر آن عۆمرو مىليون قىزىل اۆلوم گلە
 دىيشمىرم...
 دىرى اوچون اىينە بويدا حۆرمىتى من
 اۆلو اوچون مېن ھىكلە دىيشمىرم...
 دوز دئەسم، اوندا مېن باغىشلايىن،
 اوز توتارام اوشاقلار، قوجالار، جاوانلار،
 ساغليغىندا قيمىت وئرىن اينسانلار،
 ياخشىلار ساغليغىندا ياخشى دئيىن،
 ساغليغىندا يامان دئيىن يامانلار...

اورامى دن اورموى

ثرىا خلىق خىاوى

ترجمە: زامان پاشازادە

آه! اورامى

داش مىندن گۆيرمىش

من داشدان گۆيرمىش

من مېن ايللر شېرىنىن جانلى ماھنىسى

سو سنى بىتىرمەدى صمد!
سندن باشلاندى سو
«بالاجا قارا باليغىنى» دىنيزە چاتدىر

جانىمىن جەننەمىنە آخ، قارا سو!
كلمەلەر گۆيرمىشجە نفس چكىرلەر.

اورامى!

ياغ!

تېرىزە دى ياغسىن
اورموي دى ياغسىن
آزربايجانا دى ياغسىن
اينسانا دى ياغسىن
آند اولسون ساوالانا
دوزلارى دىزە كفن ائتمىشلەر.

سىزى سئویرم آذربايجان خالقى!
كئشكە سو توخوموم اولایدى
كئشكە سو توخوموم اولایدى

قارداشىم،

بىر آغاجىن بوداغىنى باشقا آغاچا جالاقلاير
كسىلمىش بوداقلارا جان جالاير
سولارى دىزىن قوروموش دوداقلارىنا جالاقلاماق
اولارمى...؟

بو شعرلەر - شعر اوجاغى تلگرام كاناينداندیر

صیاد زیادپور

هله كندلریمیزه ایشیغین، سویون،
تئلفونون، گازین ایسی سۇراغى دا گلەمە میشدی.
اوزاقدان باخاندا قارا داملار قارا یتردن
سئچیلیمیردی.

گاه داغدا ياشاميشام
گاه باغدا...

گۆرورسنمى؟

قوروموش بىر شعر سۆيله ييرم
شعرين دريسينين قابيق قويدوغونو گۆرورسنمى؟
سويون چاتلاماسينين سسينى ائشيديرسنمى؟
اود قووالاير منى؛

تورپاق دىزىنە نئجه دوشوم؟

اورامى!

ياواش-ياواش دوداغىنى
اورمونون قوروموش گؤلونه يئتير.

دئيرلر: بىر سيرا گركلر دئيلمەمەلیدیر

شعيرله آغلاماق اولارمى؟

بورادا دونيانين بوتون دوزقابى لارىنى دولدورماق
اولار

سويون دوزدا اريمەسینی اؤيرتمنلره اؤيرتمەلىيم

قبيرلر،

اللى آياقلى يئرييرلر
نئجه ده آجى بىر تئسمكدير
نفسين اودماغى.

قبيرلرين اولومدن اۇنجه آليب-ساتيلديغى زامان؛

سويون نبضىنى توتدوم

ووروردو نبضى

گيزلين

گيزلين

اونود «ورزيل آلى ديه نكلى لرى»-نى، ساعيدى!

آلى دوزلاقلى ديه نكسىزلردن ياز

زامان اۆتدۆكجه هر گۆن دۆن کی گۆندن ده بیر آز آرتیق اۇ تایدا کی قوھوملاریمیزی دۆشۆنۆردۆم . بیردن بیره کئچمیش ساوت لر بیرلییینین داغیلما سینی و ائله جه ده آذربایجان رئیسپوبلیکاسیینین مستقل دولت اولدوغونون شاهیدی اولدوق. سرحدلر آچیلدی هر کس اۆز قوھوم اقراباسیلا گۆرۆشۆب بو تایلا مقایسه ده ان آزیندان یۆز دفعه گۆزل-گۆیچک اولان اۇ تایی کی کندلری شهرلری دولاندیلار. بیز ده بابامدان آلدیغیمیز کۆهنه بیلگی لره گۆوه نرک قوھوملاریمیزی آراییب تاپیب شیرین-شیرین گۆرۆشلر یاپدیق .

کۆچری کیشیینین اۆزۆ ده بالالاری دایۆکسک وظیفه لی آداملاریدی .بۆیۆک اوغلو مورا د بابائیو رئیسپولیکانین باش پیراکوروریدی ، هم ده میللت وکیل کیمی چالیشیردی. آرا-سیرا تلویزی کاناالیندا دا گۆرۆنۆردۆ. آنجاق گۆنلریمیز نه قدر خوش کئچسه ده ایچیمیزده بیر ساواش آغری-آجیسی یاشاییردی. یئرسیز یئر آذربایجان تۇپاقلارینا گۆز تیکن ائرمی لردن اۆچ آلماق ایسته بیردیک .

واندالیسیم داشناک لارین تخریباتی گۆن به گۆن آرتماقدایدی هر دن بیر رایانو ووروب داغیدیردیلار .

اۆنجه ۱۹۹۳نچۆ ایلین اووگوست آیینین ۲۳نچۆ گۆنۆنده جبراییل رایونونون داغلیق حیصه سینی، ایککی آی سؤترا دا اوکتیابر آیینین ۲۳نچۆ گۆنۆنده آراز بۆیو حیصه سینی (دۆزلیک لری) ایشغال ائتدیلر .

واختیلا چئشید لی اوردنلرله تلپیف اولان کۆچری کیشی دۆنیاسینی دییشمیشدی. آنجاق کیچیک اوغلو انور بابائیو خالقین ایسته یی له



گئجه گیرر-گیرمز گۆز گۆزۆ گۆرموردو.

چۆلده قورد-قوش سسیندن قولاق توتولوردو. گئجه بیر اولوردو اوغرو مین بیر .

یازین اورتالاریندان یایین سۆن گۆنلرینه دک دیغالار کیمی قان سۆرماقدان لذت آلان دیتدیلی لرین-آغجا قانادلارین الیندن راحتلیغیم اولماسا دا خوشلوغوم دام اۆسته یئر سالیب یاتماغیدی. هر گئجه یووارلانان آیا، ساییشان اولدوزلارا، باخا-باخا بابامین ائوده آه چکرک قورخا-قورخا جبراییل رایونون شۆکۆربیلی کندینده قالان نازلی بییم آدلی باجیسیندان و اوغلو کۆچری بی دن دانیشماغی یادیما دۆشۆردۆ. تیکانلی مفتیل لری ، روس دیللی کئشیکچی لری یاخیندان گۆرمه سم ده اۇ تایی کئچمه یین چتین ایش اولدوغونو یاخشی بیلیردیم .

خیاللار قوینوندا نئجه یوخویا کئچدییمی اونوتسام دا سحر-سحر اۇ تایدان کئچن قاتارین فیتيله آیلیب گۆنده لیک درسیمه مشقیمه باشلادیغیمی یاخشی خاطرلاییرام .

آتاسینین صدیرلیک ائتدییی کالخورون صدری کیمی اؤز یورتداشلارینین قایغیسینی چکیردی.

"شوجاعت نئیه یگ باخت بئله باخت دی"

داريخما هر شئي حل ائدن واختی
بیر گۆن گۆله_گۆله قاییدا جاقدی
آغلایا_آغلایا کۆچن کلجر"
مرحوم شوجاعتین اۆسته کی میصرع لارینی زمزمه
ائدرک یاخین گله جکده یئنه قۇھوملارلا
گوله_گۆله گۆرۆشۆجه ییمیزه اومود بسله بیرم .
لاچین رایونو ظولومکار وحشی ارمی لر طرفیندن ایشغال
اؤلوناندا ائلیمیزین ،اوبامیزین، ناموسلی، قئیرتلی بیر
قادینی، گۆردو هامی قاجیب هارایینا چاتان اولمویاجاق،
اوچ یاشیندا بالاسینی سینهنه سینهنه سخیب اوزونو قیادان
آتیپ

شاعر گیلئیلی بئی لر یازیرکی،

داغلار او گۆزله ساخلا سین یاسی
چیرپیلدی داش لارا عۆمور آیناسی
قوجاغین دا اوچ یاشین دا بالاسی
نه آرزویا یئتدی ، نه کاما چاتدی
بیر گلین اۆزونو قیادان آتدی

غضب دن چاتدادی دوداغی -دیلی
بیرجه کۆرپه سیدی اونون نیسگیلی
کیشی غیرتی ایله ، داغلار گۆزلی
اوخ اولوب نامردین گۆزونه باتدی
بیر گلین اۆزونو قیادان آتدی

بیر کیمسه یئتمه دی هایا، آغلادی
باخدی فلاکته ، قایا آغلادی
یاش دؤندو گۆزونده چایا آغلادی

اۇ قانلی قادالی دورومدا کالخورون مال_قاراسینی ، ماشین
لارینی هم ده یئرلی اهالیسینی آراز چاپیندان بیزیم
خودا آفرین بۆلگه سینین کاتدالی کندینه (منیم دوغما
کندی) کئچیرسی اۆلدو. کیمی یاشلی آتا_آناسینی کیمی
کۆرپه بالاسینی، سودا الدن وئردی کیمی ایسه قیمتلی
اشیالارینی یۆلدا کۆلدا سالیب ایتیردی.
داغ ووقارلی انور عیممی قارشیلایار کن گۆز یاشلاریمی
ساخلا یا بیلیمیردیم . اۇ همیشه منه آشیق
دئییردی. بو دفعه ده اۆزۆمه باخا_باخا دئدی:
آشیق ! ائو_اَشیشین، کندین شهرین گئتمه
سینین هامیسی بیر یانا قاپیمیزدا باغلی قالان تک
بیر ایتین ده درد ی بیر یانا .

اۇ دیلسیز آغیزسیز حیوانین درد ی منی
اۆلدۆرچک. اۆزگۆنلۆک حیسی کئچیرسک
ده الیمیزدن گلن یاردیمی اسیرگمه دیک. انور
عمی اۆز یورتداشلارینا بیرگه بیزدن آیریلیب
باکییا دؤغرو یۆللاندیلار.

اۇ گۆندن بری بو تای کندلرینین آبادلیق ایش
لری قات_قات گلیشسه ده منیم هر گۆن یۆن چئویریب
باخدیغیم اۇ تای کندلری وئرا قالدی. داها نه قاتار فیتی
اَشیتدیم نه ده روحومو بر بۆک لی تیکینتی لرین
گۆرکمی سئویندیردی .

قوتسال مچیدلری طؤوله دؤرومانا سالان اثرمنی لری اۆز
ایچیمده هئی قارغاییردیم.

تانری درگاهینا ال آچاراق دیلداشلاریمما ، دین داشلاریمما
دوعا ائدیردیم.

وارلیغینا قوربان اۆلدوغوم یارادانیم ۲۷ ایلدن سؤترا
دوعالاریمی اَشیتدی. آذربایجانین ایگید عسگرلری
اسیر دۆشن تۇرپاقلاردان ایشغالچی اثرمنی لری
ایتی قووان کیمی قوؤوب آذربایجان بایراغینی دا
همن اراضی لرده دالغالاندیردیلار.

مجلات فرهنگی و امروزی آذربایجانی

رضا همراز

در چندین سال قبل آذربایجان از کمبود مطبوعات به خصوص مجلات در مضیقه بود. خوشبختانه امروزه این خلاء فرهنگی می رود تا گذشته خود را جبران نماید. امروزه هفده مجله فرهنگی، تاریخی، ادبی و... در عرصه مطبوعات آذربایجان تقریباً فعال یا نیمه فعال می باشند. اگر چه بعضی از آنها با کمبود مطلب و کمبود مالی روبرو هستند، اما امیدواریم این مشکلات عمر زیادی نداشته باشند و با جبران آنها این مطبوعات جانی تازه بگیرند. عنوان مجلاتی که یا اخیراً توفیق انتشار یافته اند یا از چند صباحی منتشر می شوند و من شخصاً خود دیده ام را این سان می توانم نام ببرم:

۱- : کورپو: مجله کورپو تقریباً نزدیک به ۲۰ سال است که به زبان ترکی و با الفبای عربی و لاتین در تبریز انتشار می یابد. صاحب امتیاز این مجله ادبی - سیاسی سید مسعود پیمان می باشد.

۲- بایرام: مجله ای است ترکی - فارسی و در زنجان چاپ و نشر می شود. صاحب امتیاز این مجله ی فرهنگی آقای علی محمد بیانی هستند. رویکرد مجله، فرهنگی - اجتماعی و هنری به دو زبان ترکی و فارسی قید گردیده است.

۳- آذری: پایه گذار این فصلنامه ترکی - فارسی مرحوم بهزاد بهزادی بود که بعد از وفات ایشان چند سالی در انتشار آن وقفه ایجاد شد. اما خوشبختانه با پیگیری نویسندگان و خانواده آن مرحوم این نشریه در تهران شروع به انتشار

دره لر یاس توتوب، ماتمه باتدی
بیر گلین اؤزونو قایادان آتدی

باخ ائللین باخ یوردون فاجعه سینه
بیر عؤمرون باهاری دؤندو ترسینه
کؤرپه هارایی نا، آنا سسینه
قارتالدا زیروهدن قاشینی چاتدی
بیر گلین اؤزونو قایادان آتدی

گول له لر باغیرینی شان-شان ائیلهدی
داغلار مارالی نی جانان ائیلهدی
عصمتی اوزونه قالخان ائیلهدی
قانون شهیدلرین قانینا قاتدی
بیر گلین اؤزونو قایادان آتدی

(گیلئیلی) دن گلدی منه بو یازی
بوتون آشیق لارین آغلادی سازی
داغلارین قوینوندا او داغلار قیزی
اؤزونه داغ بویدا هئیکل او جالتدی
بیر گلین اؤزونو قایادان آتدی

انشالله حاققین حاق لیغینا

بو گون لر بو گلین خاتینین و او کورپه
بالاسی نین و مینلرجه کورپه لی بویوک لی
تامام قره باغ فاجعه سینده ناحق توکولن
قانلاری قیصاصی آلینیر و آلینا جاق

اجتماعی از مرداد ماه ۹۴ در تبریز شروع به کار نموده است. اگر چه روند مجله فرهنگی - اجتماعی ذکر شده اما بار سیاسی اش کم نیست. مدیر مسئول صبح تبریز آقای میر اعتماد عمادی و سردبیر آن جناب حامد خسروشاهی می باشند.

۹- هویت: این مجله که در ابتدا به صورت ماهنامه قرار بود نشر یابد اما به گفته سردبیر آن با مشکل مالی مواجه گردیده و با این حال توانسته پنج شماره در تبریز انتشار یابد. صاحب امتیاز هویت آقای حبیب رشیدی کهجوق و سردبیر آن آقای جلال شمع سوزان هستند. مسموع است که نشریه هویت تدارک نشر شماره شش خود را می بیند.

۱۰- خیابان: این فصنامه ترکی-فارسی تا کنون توانسته تنها دو شماره در تبریز آفتابی شود و چنانکه صاحب امتیاز آن آقای محمد رضا قضایی، اظهار می دارند همچون دیگر مجلات آذربایجانی با مشکل مالی مواجه هستند.

۱۱- غروب: این نشریه نیز از بهار امسال از تبریز طلوع کرده. فصلنامه غروب تاکنون سه شماره به دکه های مطبوعاتی عرصه گردیده است. صاحب امتیاز آن آقای علی حامد ایمان و سردبیر آن رضا همراز می باشند.

۱۲- ماهنی: این ماهنامه ترکی فارسی که در اورمیه انتشار می یابد، تنها چهار دفعه منتشر گردیده است.

۱۳- فرهنگ و جامعه: این نشریه نوپا نیز تا کنون تنها سه شماره و در تبریز منتشر گردیده. صاحب امتیاز این مجله آقای شهرام زمانی سبزی هستند. گویند چهارمین شماره این ماهنامه چند روز بعد منتشر خواهد شد.

نموده است. حالیا صاحب امتیاز و مدیر مسئول این فصلنامه سرکار حشمت حافظی و سردبیر آن آقای حسن ریاضی «ایلدیریم» هستند.

۴- خداآفرین: ماهنامه ای است به زبانهای ترکی - فارسی با روش فرهنگی - اجتماعی و علمی که شماره ۱۴۸ خود را در بهمن ماه ۹۵ شاهد شدیم. مدیر مسئول، سردبیر و صاحب امتیاز خداآفرین دکتر حسین شرقی دره جک «سوی تورک» می باشد.

۵- تدبیر فردا: این مجله به زبان ترکی و فارسی با صاحب امتیازی آقای احمد حسن نژاد در تبریز منتشر می گردد. رویکرد این مجله فرهنگی، هنری و ادبی است. تدبیر فردا تاکنون توانسته ۷۸ شماره منتشر گردد اما به لحاظ مشکلاتی از مرداد ماه متوقف گردیده که امید می رود مجدداً انتشارش از سرگرفته شود.

۶- خوی نگار: این مجله اگر چه در تهران منتشر می شود اما به همت خوئی های مقیم تهران منتشر می گردد. خوی نگار از سال ۸۹ با مدیریت آقای دکتر ابراهیم فتح الهی و بعد از شماره ۴۸ به مدیریت دکتر سید طه مرقاتی خویی منتشر می گردد. سردبیر این مجله ابراهیم اصلانی است.

۷- شمس نگار: این مجله به صورت ماهنامه در خوی منتشر می شود. صرف نظر از مطالب فرهنگی - ادبی، شمس نگار به مسائل سیاسی نیز می پردازد. صاحب امتیاز این مجله فرهنگی - سیاسی سرکار خانم ستاره حسین پور هستند.

۸- صبح تبریز: یکی از ماهنامه های تبریز است که تاکنون ۱۲ شماره منتشر شده است. نسخه PDF شماره ۱۱ و ۱۲ که در آذر و دی ۹۵ یکجا بود مشاهده شد. این ماهنامه - فرهنگی

نریمان حسن زاده دن شعر لر



بورج

نئچه کی، قیز ایدین، قایغیسیز ایدین،
 یئرین چکیسیزلیک طرفیندین.
 رئزین بیر شار ایدی ائله بیل تورپاق،
 آتیردین، توتوردون ... اود ایدی قانین.
 فلسفی معناسی یوخ ایدی او واخت
 سنین نظرینده هله دونیانین.
 آداملار، گولوش لر باشقایدی او واخت،
 حیات گاه آیلنجه، گاه اووسون ایدی.
 ایمتاحان زامانی " دؤرد "، یا " بش " آلماق
 بلکه ده یئگانه بیر آرزون ایدی.
 ایندی گؤزلرینده بیر اوژگه قایغی،
 اوتن گون هارداسا باتان سس ایمیش.
 گلینلیک-آغا پپاق بادام بوداغی،
 بیر عؤمرون ظریفلیک مرحله سیمیش.
 سنین نفسیین حرارتینده ائله بیل
 گونشین اود نفسی وار.
 حیا وار، عیصمت وار حرکتینده،
 قدیم بیر میلتنین عنعنه سی وار.
 گؤزونه او نورو، او باخیشی دا،
 ننه لر وئریب دی هئی زامان-زامان.
 گلینجیک بزه ین قیز اوشاغی دا
 آنا اورکلیدی، اصلینه باخسان.

۱۴- ندای قلم : اولین شماره ماهنامه ترکی - فارسی ندای قلم در مهر ماه ۱۳۹۵ و در خوی منتشر گردیده است . رویکرد این مجله اجتماعی - فرهنگی ذکر گردیده است . صاحب امتیاز این ماهنامه آقای حامد کاظم زاده خویی می باشند .

۱۵- سفینه تبریز : فصلنامه سفینه تبریز تا کنون تنها یک شماره در تبریز منتشر گردیده است . بنا به گفته صاحب امتیاز آن آقای محمد طاهری خسروشاهی شماره دوم شب عیدی به زبان ترکی - فارسی انشار خواهد یافت .

۱۶- صداقت : این فصلنامه نیز یک شماره توانسته منتشر شود . صداقت فصلنامه ای است ترکی و فارسی با مدیر مسئولی سرکار خانم نازیلا جوادپور که به مسائل فرهنگ و ادبیات آذربایجانی می پردازد . علی الظاهر این مجله فقط توانست یک شماره دوام بیاورد !

۱۷- آنا وارلیق : این فصلنامه نیز در تبریز منتشر می گردد . اولین شماره آن چند روز قبل به زبانهای ترکی و فارسی انتشار یافته است . صاحب امتیاز آن آقای آیدین سرداری نیا هستند .

با این حال فرهنگ و ادبیات پر بار آذربایجانی دارای هفده مجله می باشد . مسموع است چندین مجله دیگر نیز مجوزشان اخذ و انشاءالله در آینده نزدیک توفیق نشر خواهند یافت . از بین این مجلات ذکر شده کدام پر بار است را نیز به عهده خوانندگان وامی گذاریم . باشد که این مطبوعات با حفظ

اخلاق ، یکی پس از دیگری در پر بار شدن مطبوعات آذربایجان از دیگری پیشی بگیرند .



قوی یئری گلمیشکن دئییم بیر سۆزو،
 نه وار یئر اوزونده آنادان عزیز؟
 سنین یاستیغینا باش قویماق اؤزو
 جمعیت اؤنونده بور جدو، شوبهه سیز.
 حالال سود اممیشیک آنا دؤشوندن،
 یاشا، بو موقدس دویغولار اوچون.
 بلکه ده قادینا بور جلودور وطن
 اونون بؤیوتدویو اوغوللار اوچون.

اوغلوما

آنان خسته خانادا،
 من ده باشیقاریشیق.
 قالخ، اوغلوم،
 سنه قوربان،
 نه یاتمیشیق، یاتمیشیق.
 دوققوزدا، اوندا دئییل،
 داها بیزدن اؤتری،
 آلتیدا آچیلجاق
 بو دونیانین سحری.
 نه قدر قایغیلار وار،
 نه قدر فیکیر، اوغلوم.
 بیر ائوین مین دردینی
 تک آنان چکیر، اوغلوم.
 دن دوشوب ساچلارینا،
 آغیرلاشیب، بورولوب.
 اونون قادین اورگی
 قایغیلاردان یوغرولوب.
 عادی سیغال ایسته بیر،
 بعضن قادین اورگی. دیقتمدی،
 مرحمتدی، اونون دوزو-چؤرگی.

واخت اولوب دویمامیشام،
 نازینی چکمه میشم؛
 اونا یوخ، اؤزگه سینه
 گئدیپ تعریف دئمیشم.
 بایراملاردا گول آلیب،
 دئمه میشم موبارک!
 یارالانیب هارداسا
 او ظریف، حسساس اورک.
 نئچه قادین ایچینده
 سئچیلیر سنین آنان.
 قیزیلگول سئچیلن
 تک قرنفیللر یانیندا.
 چای دمله، چؤرک بیشیر،
 سوفره آچ، اؤیرن، اوغلوم.
 خبریمیز یوخ ایتمیش،
 ائودن-ائشیکدن، اوغلوم.
 کؤینگیمیز اوتولو،
 یورغان-دؤشک تزه-تر.
 بیزه خیدمت ائله ییب
 او اللر، ظریف اللر.
 ائله ایسته بیرم کی،
 آنان قاییدیپ گل سین؛
 ایکی کیشی بیر ائوه
 باخا بیلمه ییب، - دئسین.
 ائله ایسته بیرم کی،
 ائوه دؤنک، آی اوغول.
 او دانیش سین، دانلا سین ...
 بیز سئوینک، آی اوغول.

۱۹۸۵

سسی سیز

سن مندن اینجیمه، دونیا گۆزه لی،
بیر گۆزل قادینی ایتیرمیشم من.
سن شیرین ادالی، شیرین بوسولی،
آغزیمین دادینی ایتیرمیشم من.
گلیب گۆزلریمین کئچیر اؤنونه،
من اونو بو قدر قیسقانچ بیلیمرم.
آچیب ساچلارینی تۆکمه چیینیمه،
سنیندی، اونوندو بو ساچ، بیلیمرم.
اونو ائشیدیرم سنین سسینده،
سن سنسن، اورتادا من کیم اولورام؟
حیاتین بو سیرلی محکمه سینده
گیزلی جزالارا محکوم اولورام.
قادین اۆز ائویندن ابدی کۆچمور،
اونون نفسی وار، روحو وار ائوده.
قاییدیب هئچ شئی تزه دن اۆلچمور،
آما بیر کیمسه سیز آهی وار ائوده.
بلکه بو دوغودور سسسيز آغلایان،
اوچوب یوواسی دا، آشیانی دا.
بو حسرت اودونا یاندين،
نریمان، یانديرما حسرتله یاشایانی دا.

"گزه ين قيز"

ر. حمز تووا

سنی گۆروبدر داغوستو پارکدا،
گون بیر آز آشاغی آییلن واختدا.
کینودان چیخاندا گۆروبلر سنی،
اؤتوروب هاراسا بیر نفر سنی.
سونرا بیر اوتوبوس دوراغاغیندا،
سونرا بیر مئترونون چیخاغاغیندا،

سونرا بیر تاکسییه میندیگین یئرده،
سونرا دا ائوه گئچ دؤندویون یئرده،
هارایا گئدیپ سن گۆز قویوبدولار،
آدینی "گزه ين قيز" قویوبدولار.
منی گۆزله ییبسن داغوستو پارکدا،
گون بیر آز آشاغی آییلن واختدا.
سنی او کینویا من آپارمیشام،
اؤزوم اؤتورموشم سونرا، قاداسی.
اود توتوب یاناغین، اوزون یانماسین،
یئنه گۆروشموشوک گئدیپ بیر آخشام:
اول بیر اوتوبوس دوراغاغیندا،
سونرا بیر مئترونون چیخاغاغیندا،
سونرا بیر تاکسییه اوتورموسان سن،
منیم گۆروشمومه گئچیکدیگیندن.
اؤزوم ساخلا میشدیم بیر دفعه سنی،
بیر آز گئچ اؤتوردوم من ائوه سنی.
گۆر، نئجه یئر بیئر،
نئجه آدباآد، منی گۆرمه ییبلر،
آی دادی-بیدادا!

کینودا ایکی یئر بوش قالدی بو گون،
ایکی تاماشاچی آزالدی بو گون.
گئتدیک ... ایکیمیزی ایتیردی باغلار.
کینویا گئتمیش دیک،
سوروشاقلار:

دئسه لر نئجیدی؟. دئی کی، قیامت!
دئسه لر نه ایدی؟. دئی کی، محبت!
دوز دئسن قورخورام ...
آخی، سؤز اولار. بو دفعه
یالان دئی، قوی اینانسینلار.

۱۹۷۰

خالق ماهنسی

گۆزو یوخدو

کوچه لره سو سیمیشم،

یار گلنده توز اولماسین.

کوچه لره قار یاغیبدی،

تورپاغی وار، توزو یوخدو.

خسته قالیب گۆزو یولدا،

سسی گلیر، سۆزو یوخدو.

اینسان درده لاییق اولار،

بختی یاتسا، آییق اولار.

یادین ائوی سویوق اولار،

اوجاغی وار، کۆزو یوخدو.

دردین آلیم، بیزیم داغلار!

قویو سویو سرین ساخلار.

بیری گولر، بیری آغلار،

بو یازییا پوزو یوخدو.

سیرری چوخدو بو دونیانین،

وای حالینا قول اولانین.

سن گۆردویون نریمانین

آدی قالیب، اؤزو یوخدو.

اؤده آرواد اولمایاندا

اؤده آرواد اولمایاندا

دویمه ده قیریلیر دوشور.

یئل بوداغی اویناداندا،

یارپاق دا آیریلیر دوشور.

ایستی نفس، دوغما اوجاق

وارسا، سنی قوروياجاق.

یخیلاندا خانچال، بیچاق

قینیندان سییریلیر دوشور.

نریمان، نه لر چکیرسن،

تورپاغا قان-یاش تۆکورسن.

یام-یاشیل گوللر اکیرسن،

سپیندان سارالیر دوشور.

۲۰۰۰/۸/۱۷

خبر وئر اوگۆزلدن

دئیردی، دانیشاردی،

آرزویلا یاشایاردی.

تیکیمی خوشلایاردی،

اوغلونو، بیر ده منی

ارک ایله دانلایاردی،

اوزوموزدن اؤپردی.

کۆز اوسته سو سپردی.

ان بؤیوک سئوینجی ده

ایلکین قیز نوه سییدی،

ننه لیک هوه سییدی.

بیر ده کورکه نینه

سوفره آچیب بزمک

اونون ذؤوق منبعییدی.

اورگی گئیش ایدی،

حؤوصله سی دار ایدی.

ائویمیز اولمایاندا

او هله ائودار ایدی.

تئاتر عاشیقییدی،

موسیقی وورغونویدو.

گولدومو - اوغونوردو.

اورتاباب شاعیرلری،

بیر ده شۆهرتلیلری

اوخومامیش دویاردی

و کنارا قویاردی.

باخ، بئلجه یاشاردیق،

کوسردیک، باریشاردیق.

سو اولوب بوخارلانیب،

قوش اولوب اوچوب الدن.

اوتن بولود، اسن یئل،

خبر وئر او گۆزلدن.

ایچیمده

اوزومو خوش گۆروب، خوشبخت دئییرسن،

آغری ایچیمده دی، یارا ایچیمده.

دردیمی سوروشما، آ دردین آلیم،

گل آختار ایچیمده، آرا ایچیمده.

قاپالی عومماندی ائله بیل سینه،

چالخانیر، سیغیشمیر اؤز حؤوضه سینه.

قیزیل بالیق کیمی عودور ترسینه،

اورگی سالیبلار تورا، ایچیمده.

اورکدن چکیرم، اورک آجیام،

فیکیر دونیاسیام، سؤز یاماجیام.

اؤزوم اؤزوم بویدا دار آغاجیام،

دارا چکیلیرم، دارا، ایچیمده.

طالعیم خئیره یوخ، شره قول چکیر،

دردی یا قیز چکیر، یا اوغول چکیر.

ناظیم فیکیرلیدی، گؤزو یول چکیر،

خاطیره یانیمدا، سارا ایچیمده.

سن یاشا

سنی داش ائیله دیلر

او داشا قوربان اولوم.

قیزین " آنا " چاغیریر،

آناشا قوربان اولوم.

آغریسان آغریباردیم،

یارانی ساریباردیم.

ساجینی دارایاردیم،

او ساچا قوربان اولوم.

اورگیمده سؤز قالیب،

کولون آلتدا کؤز قالیب،

باخا-باخا گؤز قالیب،

گؤز-قاشا قوربان اولوم.

باخان باخیر یان گئدیر،

گلن پریشان گئدیر.

داش قالیر، اینسان گئدیر،

سن یاشا، قوربان اولوم.

کور آخیر

طالع منی عزیزله بیر

سیغالی قاپاز قاریشیق.

کولک اسیر، یاغیش دؤیور،

گلن قیشدی یاز قاریشیق.

من بال یندیم دادی زهر،

گولوش گۆردوم یاری قهر.

من یاس گۆردوم گولوردولر،

من توی گۆردوم یاس قاریشیق.

طالع منه باتا بیلیمیر،

قووور، هله توتا بیلیمیر.

نیشان آلیر، آتا بیلیمیر،

کور آخیر آراز قاریشیق.

اجل گلینجه سن گلدین

تزه ایلی تک کئچیردیم،
 یوخوما گئجه سن گلدین.
 یانیمما گله بیلمه دین،
 ائوه گیزلیجه، سن گل دین.
 آیری سالدی ایللر بیزی،
 نئجه تاپدین یولو، ایزی.
 تانیدینمی ائویمیزی؟
 اجل گلینجه، سن گلدین.
 ایندی بیلدیم ندیر وفا،
 بیتمه دی بو جووری-جفا.
 نه چوخدو قوهوم-اقرابا،
 بیر جمسن، بیرجه سن گلدین.

یوخدو عوضین، ای کؤنول

چوخ یالواردین، آز ائشیتدی،
 داها نه دئسین، ای کؤنول.
 سندن غئیری یالان شئیدی،
 یوخدو عوضین، ای کؤنول.
 طالعییمه بیر گون دوشوب،
 باغلاییبلا، دویون دوشوب.
 هامی ائودن سورگون دوشوب،
 باتیبدی سسین، ای کؤنول.
 قارالماسین اود نفسین،
 گلکه ین گلیمیر، گلکه سین.
 بونا بیر بنده نئيله سین،
 الله نئيله سین، ای کؤنول.

منه یالان دئه ...

عزیز آغامئهدی، حکیم قارداشیم،
 اومیدیم آرتیبدی سنی گؤره لی.
 گؤر هاردا حاقلایب الی بئش یاشیم،
 یولون نه سونودو، نه ده اولی.
 منیم خاطیریمه سن منی آلدات،
 قولاغیم همیشه سسده دی،
 حکیم. گؤردون کی، چتیندی،
 دوز دئمه هئچ واخت، خسته یه
 باخان دا خسته دی، حکیم.
 سنین دوزلویونو اؤزوم گؤرورم،
 سن منه یالان دئه، یالان، آی حکیم.
 هیپوکرات آندینا من آند وئریم،
 اؤزون ده یالانا اینان، آی حکیم.
 دئدیگین یالانی سن دوغرو چیخارت،
 اینان رننگئنه یوخ، حیسینه، حکیم.
 ساغالماز بیلدیگین خسته نی ساغالت،
 سن اؤزونه اینان، من سنه، حکیم.
 منیم نفسیمه قات نفسینی،
 سینمه صاف هاوا دولسون، آی حکیم.
 دوزون یوخ،
 یالانین طنطنه سینی گؤرورم،
 اووسون اولسون، اووسون، آی حکیم.
 بیر دفعه من دئین اولسون، آی حکیم.



وقار احمد دن شعرلر



وطنیمی قوروماغا

اؤلکه مین بیر بوجاغیندان،
ایستی آنا اوجاغیندان،
یاخینلارین قوجاغیندان
آیری دوشدوم، ار اولماغا،
بو وطنی قوروماغا.
سولا دؤندوم، دؤندوم ساغا،
یول وئرمم یاد قوناغا،
یاش دوشمه سین بیر یاناغا،
سون قویارق آغلاماغا،
بو وطنی قوروماغا.
سرکرده میز وئرسه فرمان،
بیز حاضیریق هر گون، هر آن،
آندیمیزدیر بایراق، قوران،
هایدی، گئدک قاراباغا،
بو وطنی قوروماغا.
دوشموشوک بیز دیل-دوداغا،
داعوا نئچه ایل قاداغا.
رهبر دئسه: - کیم قاباغا!
آنا، باجی، میلت گئدر،
بو وطنی قوروماغا.
ایلهام ایله، جسارته،

مردلیک ایله، جسارته،
آلاهیما عیباده،
آلاه-دئییب، مارش ایره لی،
بو وطنی قوروماغا.
ایگیدلر جرگه-جرگه دی،
آذربایجان بیر لشکردی،
وقار احمد بیر عسگردی،
سیاهییا اونو دا یاز،
بو وطنی قوروماغا.

بسیمدی

گوله بیلسم جانی-دیلدن، اورکدن،
اوزاق اولسام فیتنه-فعلدن، کلکدن،
بیر آرزومو آلا بیلسم فلکدن،
شوکر ائدریم ایلاهییه، بسیمدی.
بیر قاپییا ائلچی کیمی گئدیدی،
قیز کؤچوروب، اوغول توپو ائدیدی،
آلاهیما راضیلیقلا دئییدی،
شوکر ائدیرم من بونا دا، بسیمدی.
قاراباغیم یئنه منیم اولایدی،
دوشمنلردن قیصاصیمی آلایدی.
وطن منی ایگید اوغول سانایدی،
شوکر ائدریم ایلاهییه، بسیمدی.
ساغالسایدی ساغالمایان خسته لر،
دیل آچاردی قلبیمده کی بسطه لر.
گئجه-گوندوز سؤز بوکتنی دسته لر،
شوکر ائدریم ایلاهییه، بسیمدی.
هله ظولمو قابقادی دنیانین...
ائه، آی بالا، سن هله نه بیلیرسن؟
شوکور اولسون سئوینیرسن، گولورسن.
ائیش-یوخوش-ازیتلر قابقادا،

لئيسان آخان گۆز ياشلاري ياناقدا.
لال فريادلار چئينه نيلن دوداقدا،
مردى قووا-قووا نامرد ائدندى،
سئوينجى يوخ ائديب، او درد وئرندي،
هله ظولمو قابقاداتى دونيانين.
دوغمالار دا نسه اومور، ايسته يير،
اوزده گولور، آرخادا دا پيسله يير،
قم-كدري هئى آرتيرير، كسمه يير،
هله ظولمو قابقاداتى دونيانين.
بيلمه ييرسن يئرليچيليك سن ندير،
موديرلرين آتماجاسى چرله دير،
كاسيبيچيليق سنى نئجه ترله دير،
هله ظولمو قابقاداتى دونيانين.
دوغولاندا آغلاماغيخ باخ بودور،
نه بيلميشدين، اينسان گلير دونيايا.
هم گولدورور، هم ده ائله آغلادير،
هله ظولمو قابقاداتى دونيانين.
من كوسورم طالعيمدن، اؤزومدن،
من كوسورم دوز دئييلن سؤزومدن،
من كوسورم سرت باخيلان گؤزومدن،
بو كوسمه يه باخان وارمى، گؤره سن؟
من كوسسم ده، چكن يوخدو نازيمى،
قيش اوركلى گؤره بيلمير يازيمى،
دينله ينلر پيسلسه ده شعريمى،
اوغلوم-قيزيم قوروياجاق يازيمى...

آذربايجان

ياغمورلودور قيشيم، يازيم،
قملى چالير تئللى سازيم،

بايراغيمدى جانامازيم.
هم گولردى، هم آغلان،
آذربايجان، آذربايجان.
بيز مجنونوق اوسا لئيلي،
اونا سالدقيق مئهرى-مئيلي،
هم قوزئيلي، هم گوئيلي
قاراباغچين ساچ آغاردان،
آذربايجان، آذربايجان.
هاوالانا-هاوالانا،
يول گئديرم ساوالانا،
دوعا ائديب يارادانا.
تبريزيمه دئيرم:- جان!
آذربايجان، آذربايجان.
ساواشلاردا يارالاندى،
تورپاقلارى پارالادى،
ايكى يئره آرالاندى.
بير اولاجاق گؤرن هاچان؟
آذربايجان، آذربايجان.
آلتميش ميليون سويداشيميز،
آذر توركو قارداشيميز،
آبرى دوشوب گؤز ياشيميز.
گؤيده آلايه، يئرده "قرآن"،
قلبه چال آذربايجان.

آلينا

خوش گونومله اؤيونمگيم؟
تزه ليباس گئينمگيم؟
من عؤمورلوک سئوينمگيم؟
آلينا، ايشلريم، آلينا.
آرزولاريم چين اولماسين،
ايسته ديگيم گون اولماسين،

ملاپناه واقف

بېنځشه

بیر اوزو گول ، رنگی لاله ، زلفو تر
 گشته چیخیب ، دره ر تازه بنووشه
 دسته – دسته سانجیب بوخاغ یانینا
 یاراشیبیدیر او شاهبازا بنووشه
 جسمی مرمر حلقه زولفلری قارا
 اونیو گورن مجنون اولار آوارا
 هووروب ساچلارینی سالیب قاتارا
 دوزوب تئله ، هم قوتازا بنووشه
 یاشی اون سککیزه یئنی جه یئتمیش
 گوزللیکده تامام خلقی مات ائتمیش
 گشته چیخمیش یار گلدیین ائشیتیمیش
 داغا سالیب بیر آوازا بنووشه
 زلفون آچیب آغ قوللارین چیرماسین
 ائله گزسین ، اونیو رقیب گورمه سین
 اغیار ایله چیخیب سئیره ، درمه سین
 لایق اولماز انلامازسا بنووشه
 سن سالانیب قاباغیمدان گنده نده
 هرگز قالماز صبر و اختیار منده
 واقف زلف لرینی تعریف ائده نده
 گرک دیر کی اول یازا بنووشه



قونچه لریم گول اولماسین؟
 آیینما، ایشلریم، آیینما.
 وعد وئرسینلر، سونو یالان،
 کیم آغاسا، بیز ده پالان،
 اومیدلریم توزدا قالان،
 آیینما، ایشلریم، آیینما.
 یالانلارا آلدانیرام،
 دوز سؤزلره شادلانیرام،
 من طالعسیز آدلانیرام،
 آیینما، ایشلریم، آیینما.
 آیینمیرسان من دیله نیم،
 من سومسونوم، هئی سوله نیم،
 غوروروما من گووه نیم،
 آیینما، ایشلریم، آیینما.
 روزی آتلی، من پیادا،
 آجیلاری دادا-دادا،
 شوکر ائله دیم قورو آدا،
 آیینما، ایشلریم، آیینما.
 یقین بئله مصلحتدی،
 حاق سؤز دئمک قباحتمدی،
 فانی دنیا سیاهتمدی،
 آیینما، ایشلریم، آیینما.
 کئف ائلسین بختورلر،
 ظولم چکین، ایگید ارلر،
 من دوغولدوم وطنپرور،
 آیینما، ایشلریم، آیینما.
 گئجه-گوندوز چکدیم زحمت،
 آخیر وئرر آلاهی قییمت،
 دئییرم کی، ووقار احمد،
 آییناجاق بو ایشلرین ؟



هوشنگ جعفری

آغ آتیم ، قول قاناتیم ،

آت قدمین یورتمه یئری !

آش تپه لردن

سیلدیریم تک سره لردن

سئله سینمیش دره لردن

بو نه طوفاندی گوژل کهلیگیمی

ایستیر آییرسین فره لردن

غیرتیم جوشه گلیر غملی خبردن

آغ آتیم – قورخما خطرден!

آغ آتیم قول ، قاناتیم ،

شییه چک ، قوی سسیوه

بلکه یاتانلاردا اوْیانسین

یاتماغین واختی دگیل دروسون اوتانسین

یاتانین عؤمرو تالانسین

تازا نعلین وار آتیم

چال بو داغین سینه سینه ، قوی پارالانسین

چال داغین سینه سی باتسین ، یارالانسین

داشی داشدان ، آرالانسین

آغ آتیم قول قاناتیم

داش قایادان آشما چتیندی

قاباق اوْز یوققوشادی ، قاشما چتیندی

داغا دیرماشما چتیندی

داشا ، سووخاشما چتیندی

باخما یوللاری چتیندی ، اورانین هیبتی

یوخدور

آغ آتیم همت ائله!

غیرتی یوخدور

هله اوْز یوققوشالار چوخدو قاباقدا

آشماق اولماز بو آیاقدا

آغ آتیم قول قاناتیم

بسدس ایاق ساخلاما ، گون باتدی قارالدی

گون گئچیب داغ دالینا رنگی سارالدی

داغین اوستون دومان آلدی

آغ آتیم ، بس بو نه حالدی؟

بورا یارقاندی آتیم دورما آماندی....

آغ آتیم ، قول قاناتیم

آت قدم آیدینلیغا ساری

هؤرکوشن اوولاریلان ؛

چىخ سرە ياللارى يوخارى	قارا گۈنلن ساواشاق
قار قالان داغلاردا سال بير نفسين	آت گۈلۈندن سس آتيب ،
قوى اريسین بوز کیمی چئگینینده کی قارى	بابکین حالین سوروشاق
سولارى آرخلاردا سال بلکه سوواریسین	یئنه طوفاندا جوشاق
قورى قالمیش مومالارى	دریالار تک قوووشاق
قوى بۇيوک گولده اؤزوشسونله	آغ آتیم ، قول قاناتیم
یاشیل باش سونالارى	شیپه چک قوی سسیوه
آغ آتیم	هاجرینی ترکینه چکسین نبی گلسین
جهد ائله بارى	قوى کور اوغلو آتینی داغلاردا سالسین
سنی تارى!	اۋشیدیب شیپه نی گلسین
آغ آتیم ، قول قاناتیم	الده کسگین قیلیجیلا
طبعیمین دریاسی جوشقوندو	بویاسین قانه کۈچل حمزه نی گلسین
یئل اسدیر لپه لنسین	قوى کرم سازینی سالسین دۋشونه ،
قوى چالیم صخره لره دالغامی ،	چۆللره دۋشسون
دالغام سپه لنسین	های سسی ائلره دۋشسون
قوى یاغیش تک قورویان	دۋگیلن غملى کرم ایستر اگر ، اصلینی
داغلارین اۋستونده اله نسین	گلسین
هرزه وتلاری آپارسین	دشمنین بلکه کسک نسلینی ، گلسین
لالا بیتسین	قوى بو داغلاردا بۇيوک هلهله دۋشسون
هامی گۈللر تزه لنسین	داغلاردا ولوله دۋشسون!
گۈلو بلبل ییبه لنسین	آغ آتیم ، قول قاناتیم
آغ آتیم ، قول قاناتیم	منه بیر قالغی بابامدان ، بو ورنیدلدى ،
آت قدمین قلعه ی بابکدن آشاق	بونو چئگنیمه ساللام

شاعیر حیران خانیم

حیرانا بنزر

بویون سرو سهی زولفون معنبر
 جمالین یوسف کنعانه بنزر
 قاشین عاشیق لرین قصدینه گویا
 خم اولموش تیغ سر افشانه بنزر
 آچاندا گوزلرین آلیر بو جانی
 یاتاندا فتنه دورانه بنزر
 باخاندا نازیله تیر نگاهین
 کونولده خنجر برانه بنزر
 دیلون بولبول ساچین سونبول اوزون گول
 کج اولموش کیپر یگین پیکانه بنزر
 مه رخسارین ای حور بهشتی
 گولستاندا گل خندان بنزر
 ویریب باد صبا زولفون داغیتیمیش
 گول اوزده دسته ریحانه بنزر
 لب لعل شفا بخشین عزیزیم
 بعینه چشمه حیوانه بنزر
 خالین هندو صفت کونج لبینده
 اوتورموش تخت آرا سولطانه بنزر
 سنین کوینده عاشیق لر فغانی
 چمنده بولبول خوش خوانه بنزر
 گوزوم یاشی فراقوندن اوزومه

قاراداغ باشینی آلام

اورا بیر ولوله ساللام

آغ آتیم دورما ، یوبانسان ، دالی قاللام
 آغ آتیم ، قول قاناتیم
 بیز اگر قلعه ی سیمرغدان آشساق بیزه
 آزدی
 باخما یوللار ناتارازدی
 باخما بو قارلی دماوند ، بو قفقاز بو هرازدی
 باخما داغدا هاوا دوتقوندو – آیازدی
 باخما بو قیشدی بو یازدی
 آغ آتیم آت قدمین دریا ، دایازدی
 دریانی گنچسن اگر شهر نیازدی
 اوردا هر قان کی تۆکولدو یئر ، آزادلیقی
 یازدی
 بشر آزادلیغا بازدی!
 آغ آتیم ، قول قاناتیم
 اوردا دؤلبرچین اوتو دؤرت پر آچیبیدی
 اوردا دیللنمگه دیل تازه شیرین دیلر
 آچیبیدی
 اوردا باغلاردا بوتون گؤل لر آچیبیدی
 آغ آتیم
 آت قدم
 آیدینلیغا ساری!

ایرج امامی (دومان یالچین)

"منه فاتحه"

بیر باهار آخشامی منده قارالیب
پاییزا فاتحه دنه فاتحه.
عشقیمین لئشیدی الیمده قالیب
سئوگییه فاتحه منه فاتحه.

سیزلاییر سیزیلتی سؤزوم یاسینا
اوره بیم یاسینا گؤزوم یاسینا
اؤزوم ایله شیبیدی اؤزوم یاسینا!
آه... منه فاتحه سنه فاتحه

پریشان باخیشدا آجیقلی إئنه م
بیر قیز گؤزلرینده آلوولو شئه م
آهلاری یارادان زیرولی مئه م
داغلارا فاتحه چنه فاتحه

بوتون دیدرگینلر منده ایتگیندیر
ایتگینلیک ایچیمده کولکلی گوندور
فصیللر گؤزومده قابر دوگوندور
ایللره فاتحه گونه فاتحه

آنلاریم دویغومدا ایلمه - ایلمه دیر
دونه نین چینینده بوگونوم گئدیر
(یالچینا) یام یاشیل بیر سئوگی دئییر
وطنه فاتحه یئنه فاتحه

سراسر لولوء غلطانه بنزر

اگر چه عاشیقین چو خودور ولیکن

اینانما هئچ بیر حیرانه بنزر

ائیله میسن...

ای ستمگر منی رسوای جهان ایله میسن
گوزومون یاشینی چون دجله روان ایله میسن
همنشین ایله میسن دشمنی ای مایه ناز
رشگدن جانیم آلیب، باغری می قان ایله میسن

گون کیمی عارضوه زلف چلیپانی سالیب
گونی گور ابر سیه آلتدا نهان ایله میسن
نازیله، عیشویه ایله، سئر ائلیب گلزاری
گوستریب معجزه سن، سرو روان ایله میسن

بیر جانیم وارایدی ای شوخ کی آلدین
او زمان ئوزگه جان داخی بو بی کسده گمان ایله میسن
قاشلارین تیغ سیتم آلمیش اله، کیرپیگین اوخ
یولدوروبسن منی ناحق یئر قان ایله میسن

نه اوچون ای شوخ نقابین گوتوروبسن اوزدن
روی خورشید و شی خلقه عیان ایله میسن
آلمیسان عقلیمی سردن منیم ای آفت جان
قدیمی مئحتت هجرینده کمان ایله میسن
حسرت وصلویه ای مه، من حیرانی
باشی یرده، گوزی یولدا نگران ایله میسن

سوسال مئديا Sosial media

آوردند. این کتاب به لهجه ی تورکی کاشغری و متضمن داستان اوغوز خان است و دو شکل دارد:

۱- شکل قدیم یا شکل غیر اسلامی.

۲- شکل جدید یا شکل اسلامی.

ماحصل این داستان چنین است که: «چون اوغوز خان از مادر زاده شد بسیار زیبا بود، در مدت چهل روز بزرگ و زورآور شد، به شکار رفت و با دختری ازدواج کرد و از او صاحب سه پسر شد. آنگاه با دختری دیگر ازدواج کرد، از او هم صاحب سه پسر شد. بعد مهمانی بزرگی ترتیب داد و خود را خاقان نامید و با هر کس که از او اطاعت نمی کرد، می جنگید. چون زمان مرگش رسید، متصرفات خود

را بین شش پسر خود تقسیم کرد. از این شش فرزند بیست و چهار قبیله ی اوغوز پدید آمد.» هر یک از بیست و چهار قبایل تورک اوغوز برای خود مهر و تامغا



داشتند و آن مهر ها را روی گوسفندان و سرزمین تحت فرمان خود قرار میدادند.

از بین قبایل اوغوز نیز سه قبیله «قینیق،قایی،افشار» نام خود را در تاریخ با تأسیس امپراطوری های بزرگ ثبت کردند.

اوغوز خان و قبایل بیست و چهار گانه آن

داستان اوغوز خاقان که در جامع التواریخ تألیف رشید الدین فضل الله و شجره ی تورک اثر ابولغازی بهادر خان (خان خیوه) نیز نقل شده، داستانی متعلق به دو قرن قبل از میلاد مسیح (ع) که به صورت ادبیات شفاهی، سینه به سینه به نسل های آینده منتقل شد و در قرن ۷ ه.ق / ۱۳ میلادی آن را به خط اویغوری به صورت کتاب در

تأثیرات ورود تورکان هون به اروپا

تورکان هون به قبائل بسیاری تقسیم بندی شده اند که از جمله آنها می توان به تورکان هون اروپا اشاره کرد که اولین فاتحان تورک بودند که به رهبری آتیلای کبیر اروپا را فتح کردند. .
از تأثیرات حکومت هونها در اروپا می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- باز شدن راه مهاجرت تورکان به اروپا.
- بوجود آمدن شخصیتها و اسطوره هایی چون آتیلای در متون و ادبیات غرب
- نمایش قدرت تورک ها
- تضعیف امپراطوری رم و آزادسازی ملتها و اقوام از زیر سلطه ی ظالمانه رم
- آموزش سربازان اروپایی با متون هونها و بوجود آمدن شوالیه ها.

- پوشیدن پیراهن و ژاکت کتان و غذا خوردن دور میز اولین بار توسط هونها به اروپا وارد گردید.
همچنین با توجه به نظر مورخ غربی « رنه گروسه » ، استفاده از رکاب در اسب و پرورش گسترده اسب و تیراندازی اولین بار توسط هونها به اروپا ارائه گردید.

غلبه اتیلا بر اقوامی چون اسلاوها ، گوئت ها ، و اندائها ، لومبارتها ، مجارها، ژرمنها و ... سلطه ی وی را بر اروپا تحکیم بخشید.

با گذشت بیش از ۱۵۰۰ سال از درگذشت این قهرمان بزرگ هنوز هم از وی به عنوان حکمرانی سلحشور یاد می شود. .

گرایش بی سابقه ایرانیان به یادگیری زبان ترکی استانبولی / علت: سریال های ترکی ماهواره ای!

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

موسسه ای در تهران که مخصوص آموزش زبان ترکی است، این روزها با هجوم علاقه مندان یادگیری زبان ترکی روبروست.

به گزارش فرهیختگان آنلاین (Fdn.ir)، این موسسه که از سال ۲۰۰۹ تاسیس شده و در بیش از ۳۶ کشور جهان از ژاپن و روسیه تا اردن و هلند شعبه دارد، تا کنون چنین اشتیاقی را برای یادگیری زبان ترکی استانبولی تجربه نکرده است؛ سالانه ۵۵۰ نفر از ساکنان تهران برای ثبت نام در این موسسه مراجعه می کنند.

شامیل اوچال، مدیر این موسسه به دلیلی صبح گفته که نمی تواند تمام متقاضیان را ثبت نام کند و تنها نیمی از آنها پذیرفته می شوند. به گفته وی موسسات دیگری هم در تهران هستند که ترکی استانبولی تدریس می کنند، اما این آموزشگاه به دلیل این که از معلمان ترک استفاده می کند، محبوبیت بیشتری دارد.

اوچال گفته قصد دارد در دو شهر اصفهان و تبریز نیز شعبه ای از موسسه یونس آمره افتتاح کند.

هرچند تعداد کسانی که به زبان آذری در ایران صحبت می کنند زیاد است اما دانستن این برای درک ترکی استانبولی کافی نیست و به همین دلیل بسیاری از متقاضیان ترک زبانان ایران هستند که می خواهند ترکی استانبولی را هم یاد بگیرند.

کسانی که در این موسسه ثبت نام می کنند هدفشان از یادگیری ترکی استانبولی سه چیز است: گروهی که با شرکتها و موسسات ترک همکاری تجاری دارند، کسانی که قصد ادامه تحصیل در ترکیه را دارند و گروه سوم که بیشترین تعداد متقاضیان را تشکیل می دهند و اکثرا هم زن هستند با هدف فهم بهتر سریال های ترکی خواهان یادگیری زبان ترکی استانبولی هستند.

طبق بر آوردی که در سال ۲۰۰۰ میلادی صورت گرفته حدود پنجاه هزار نفر ترک خلیج در شمالشرق شهر اراک در استان مرکزی و نیز پراکندگی اندکی در برخی مناطق استان قم دارند.

ترکی خلجی شباهت بسیار به ترکی آذربایجانی دارد لیکن کلمات ترکی باستان بصورت انحصاری در این لهجه بوفور یافت می شود و در حقیقت این لهجه از ترکی را تبدیل به پلی برای محققان ترکی باستان برای نیل به ترکی مادر کرده است.

طبق نظریه نوع بندی بر اساس شیوه مکتوب، ترکی به سه دوره تقسیم می شود:

۱- ترکی باستان: شامل زبان گوک تورک، اویغوری و قرقیزی باستان

۲- ترکی میانه دارای سه شاخه زیر:

الف- دوره تثبیت زبان ادبی ترکی اویغوری و پیرایش متون مانوی و بودائی

ب- دوره زبان ادبی ترکی چاغاتای

پ- دوره زبان ادبی ترکی اوغوزی و قبیچاقی

۳- ترکی نوین، شامل همه زبان های ترکی معاصر در حقیقت دانشمندان ترک شناس قبل از معطوف شدن به وجود لهجه ترکی خلجی در ایران ناچار بودند برای تحقیق در دوره های ترکی باستان و میانه به کتب مکتوب و سنگ نوشته ها و اسناد تاریخی استناد نمایند ولی لهجه ترکی خلجی به عنوان شاهدهی زنده در مقابل دانشمندان قرار گرفت.

البته ترکی باستان یک زبان مرده همانند زبان اوستایی نیست زیرا که تورکی معاصر ادامه منطقی همان شیوه است. در حالیکه اکثر زبانهای مرده مثل اوستایی نه از زبان دیگر ریشه گرفته آند و نه در زبان دیگری اداهه یافته اند @turk_bilgi

مدیر موسسه یونس آمره گفته ۸۰ درصد متقاضیان این موسسه را زنان تشکیل می دهند که بیشتر آنها خانه دار هستند.

دیلی صباح با دو تن از این زنان گفت و گو کرده است. یکی از آنها زنی ۵۵ ساله است که به گفته خودش بعد از دیدن سریال ترکی "عشق ممنوع" به یادگیری زبان ترکی علاقه مند شده است.

دومین زن مصاحبه شونده، ترک زبان است و گفته پس از تماشای سریال های ترکی تصمیم گرفته ترکی استانبولی یاد بگیرد. وی دو سال است که به این کلاس ها می آید و قصد دارد پس از پایان دوره آموزشی به صورت خصوصی ترکی استانبولی تدریس کند.

"عرفات دنیز" یکی از مدرسان این موسسه گفته ایرانیان خیلی سریع ترکی استانبولی را یاد می گیرند و رویدادهای داخلی ترکیه را از نزدیک دنبال می کنند.

تورکان خلیج، بازماندگان ارزشمند از تاریخ تورک

تلفظ صحیح کلمه خلیج در زبان ترکی از دو واژه عامیانه ترکی (قال_آچ) گرفته شده است، محمود کاشغری خلیج یا همان قال آچ ها را اوغوز میدانند. فرض بر این است که خلیج ها استفاده از زبان خود را رها کرده و در انبوه مردم افغانستان مستحیل (حل) شدند ولی تورکان خلجی که در ایران هستند هنوز هم به زبان ترکی صحبت میکنند.

این لهجه از زبان ترکی که منحصر به کشور ایران می باشد توجه دانشمندان ترک شناس جهان را به خود جلب کرده است.

سوکوت ائیلئسئی دئی، بیر وولکان آلئویندئی
گۆرۈپ دئی آنلایانا، گۆزلئردئی دئرين مانا...

چیلئنین دئرين ایزلئری، گیزلئنمیش بولوتلار
ایشتئی اویلی یانسیمیش، او گوزلیم روحونا
دوکونسان بئلکی، ساغاناک ساغاناک یاغار یا
گۆرۈپ دئی آنلایانا، گۆزلئردئی دئرين مانا...

سئن کی اؤزون دئی گوزئل، سؤزون دئی گوزئل اینسان
دویگو یوکلۈ کالبیندئی، سارسیلمايان بیر ایمان
بو بیر سابیر سورئجی، چئکتیکچئی هئپ اوزایان
گۆرۈپ دئی آنلایانا، گۆزلئردئی دئرين مانا...

ناسیل سارهوش ائتمئسین ائللئرين دئغمیش گولی

تانی تانی اوصولجا، اینجیتمئدن دئردیغین
گوللئرين ائن تازئسی، یئتیشمیش هاس باهچئندئی
آنلاتتیغیم کوشلار، مئست اولدو هیکایئمی
ناسیل سارهوش ائتمئسین، ائللئرين دئغمیش گولی!...

روزگارلی ائتئکلئرلی، کوشارکئن جاددئلئردئی
آنلاماز اویسا کیمسئی، کوردوغوم دوشلئریمدئی
گول کۈکلۈ بیر سئودا، سیغدیرییوروم عؤمرئی
ناسیل سارهوش ائتمئسین، ائللئرين دئغمیش گولی!...

مئفتون اولموش کۈکۈسون، یاپراکلار سئری سئری
سئهر دئی اؤتئن بولبول، جوشوپ گئلیرکئن دیلی
گونئی کۈکۈن سینییور، آچیلان پئردئلئرلی
ناسیل سارهوش ائتمئسین، ائللئرين دئغمیش گولی!...

نئی حادیمئی

هئر گون
ائن گوزئل اومتلارلا اویاندیغیم
صباحلاریمدا
آرتیک نئی گونلئریم آیدین

گولسوم گولمز

GÜLSÜM GÜLMƏZ

استانبول تورکجه سیله



بیر گول دوستو یورئغیمئی

بیر دالدا بین آنلام دئرين
رئنگینئی مئفتون ائیلئیین
اوصول اوصول یئدیوئرئن
بیر گول دوستو یورئغیمئی...

رئسیملئردئن چیکپ گئلئن
کالئمیمئی ایلهام اولان
اوصول اوصول یئدیوئرئن
بیر گول دوستو یورئغیمئی...

دۈکۈنمادان کۈکلمادان
اوزاکلاری یاکین ائدن
اوصول اوصول یئدیوئرئن
بیر گول دوستو یورئغیمئی...

گۆزلئردئی دئرين مانا

دئنین ماویسیندئی، سولارین یئشیلیندئی
هانگی آرزو ساکلی کی، بیلینمئز دئرينیندئی

نئ دى آكشاملاريم يگى...
 گونئشين ايشيكلارى دا
 آيدىنلا تمييور اۋىلى
 كارانلىك دوشئن يوزومو
 ائسكىسى گىبى...
 يوكلوغوندا يگى گورونمك
 نئ هاددىمى

هوزون ساران اۋزوملى
 بىر چىغ تائىسى ايسلاتييور يوزومو،
 سئنى بئكلركئن
 بىلمئدىغىن بىر شئھىر دى!...

ائللرىنى گونوللو گۆچ ائتمىز ميبىم

سئن كى؛ گونلومون، گوزومون دىلىنى بىلئن
 بۇلىئسى يورئغى، هيج سئومئز ميگىم؟...
 جان اۋزوندئن گئلىپ، جئئئئتى سونان
 ائللرىنى گونوللو، گۆچ ائتمىز ميگىم؟...

اۋلورسون

آه دىيوروم آه
 ايللا كى كورشوندان اۋلمويور اينسان
 سئنسيزلىك دى كى ايسلاك حاليمدئن
 پئنجئرئنى ووران ياغمور آنلاركئن اۋلورسون
 بىر گونلوك هاسرئتىنى
 بىللار جا چىلئلئرى دئك اندىپ
 زولمو رئا گورئئلئرى
 كئلىمئلئرىن چئمبئرئنى،
 كيرامازسان اۋلورسون
 هئر آكشام، هيج گئجىكمئدئن
 آينى ساعاتتى گئلئ
 ماوى اوستوندئ ائن دئرئن گولگئلئردئ
 اوزانايلىدىغى كادار اوزانان
 كاتران كاراسى گئجئلئردئ اۋلورسون
 هانچئر گىبى بىر شاركى دوشركئن دىلىنى

وى او شاركى گوزلئربىندئن
 سوزولوركئن اۋلورسون
 آه دىيوروم آه
 اۋلورسون...

تئنىم توپراك كوكويور

چوك آرسىز بىر سئوگى بئنىمكىسى
 كىمسئلئر بىلمئز ايچىمدئ آكان دئئىزى
 سىزلىيورسون گوزلئرىمدئ يورئغىمدئ
 كاج مئوسىمئلئر گئچتى دويمايالى سئسىنى
 شىيرلئردئ يانييور كئلىمئلئر
 چارئسىزلىك هايكىرييور شاركىلار
 سوكاكلارين ائن ايسسىزى، ائن چىكمازى
 هئپ آيرىلىكلارا مى چىكار
 هئپ سارى ياپراكلى ميدىر هازانلار
 بئن آغلاريم، يئر آغلار، گۆك آغلار
 سئنسيز اولمايان صاباحلاردا
 سئن وئ بئن سىرلىدىر گئجئلئر بىراكىن...
 بىراكىن بىرلئشسىن آيرىلان يوللار
 عۇمروم ها بيتتى، ها بيتييور
 تئنىم توپراك كوكويور...

او شئهرين يوللارىنا

باكتىكچا
 باكتىكچا اوزايىپ گىدئن
 اوزادىكچا عىنادىنا ياكىن اولان
 او شئهرين يوللارىنا انغىلدىم
 ياش بىر سۇغوت دالى گىبى اوصولجا
 وئ شىمدى ايچىندئ
 سئن وارسىن دىيى جئئئئ بىلدىغىم
 او شئهرين چىچئغى توتويور بورنومدا...

نگاهی به تاریخچه زبان ترکی آذربایجانی

آکادمیک نظامی جعفراف

ترجمه : تانای

شرقی دره جک



زبان ترکی
آذربایجان یا
بعبارتی زبان
آذربایجانی
معاصر یکی از
زبانهای تکامل
یافته دنیاست.

تحقیقات نشان می دهد این زبان کارآمدی بیان کلمات و جملات علمی را دارد. این زبان دارای تاریخ دیرینه می باشد. چگونگی شکل گیری زبان ادبی آذربایجان برای اولین بار از قرن ۱۹ مورد تحقیق قرار گرفت. که این عصر، عصر خودباوری در درک مفاهیم ملی آذربایجان است. باید اعتراف کرد که به حد کافی ساختار و متدولوژی زبان در این قرن در شکل گیری آن خیلی اهمیت داشته است. در اواخر قرن ۱۹ و اوائل قرن ۲۰- ج آذربایجان و جامعه علمی و مدنی آذربایجان براساس تفکر زبانی آذربایجانی شکل گرفت. از نظر منشا و منبع این زبان متعلق به زبانهای ترکی است. باید اینگونه مسئله را نگرست که این زبان در وهله اول براساس داده های زیر شکل گرفته است :

آ) تغییرات زبانهای ترکی به حد کافی نبود. بخاطر همین موضوع در اواخر قرن نوزده و اوائل قرن ۲۰

زبان ترکی یعنی کل زبانهای ترکی بصورت واحد تصور میشد و بود.

ب) اواخر قرن ۱۹ و اوائل قرن ۲۰ در جهان ترک شکل گیری حرکات ملی و ناسیونالیستی سبب شکل گیری و گسترش زبان ترکی شده و باعث شد که ترکولوژیستها بیشتر راجع به این زبان بحث و تحقیق نمایند.

ج) جمهوری آذربایجان (و مناطق همجوار جمهوری آذربایجان مانند داغستان ؛ دربند ؛ و بخشهای از گرجستان و ایران) که ترکها در آنجا زندگی می کردند بنحوی در شکل گیری ایدئولوژی سیاسی ترکیزه شدن نقش داشتند.

در سالهای ۲۰ و ۳۰ قرن بیستم تفکر ترکی بودن منشا زبان آذربایجانی اهمیت خاصی کسب کرده بود. همزمان با این تفکر شرایط علمی و ایدئولوژی نیز سرعت مهیا می شد و گسترش پیدا می کرد. در سیستم سیاسی شوروی یا بعبارتی شوروی شناسی منشا ترک بودن ملت جمهوری آذربایجان به نحو مناسب پردازش شده بود. اما بعد از سالهای ۳۰ قرن بیستم راجع به منشا و منبع زبان آذربایجان و همچنین ملت آذربایجان شاهد تغییرات اساسی هستیم. بتدریج چنین تفکری بوجود آمد که ریشه ژنتیکی مردم آذربایجان کدام است؟ آیا منشا ترکی دارند یا غیر ترک هستند؟ تا وقتی که ترکها جمهوری آذربایجان را فتح کردند یعنی در قرنهای ۱۱ و ۱۳ می توان گفت که آذربایجان بصورت تقریبا کامل تحت سیطره نژاد ترکی قرار گرفته بود(البته نمی شود انکار کرد که مردمان غیرترک نیز در اینجا زندگی نمی کردند). آنها نیز با اقوام ترکی خود در این سرزمین زندگی می کردند. اهالی

بومی در مقایسه با ترکها دارای زمینه فرهنگی پراکنده و غیر منسجم داشتند.

بنابر همین مورد آنها نتوانستند ترکها را در فرهنگ خودشان هضم کنند. بنابراین ترکهای مهاجر قرن ۱۱ و ۱۳ بدلیل انسجام فرهنگی که داشتند، توانستند فرهنگ غالب را در آذربایجان پی ریزی نمایند. البته بعضی ها راجع به دوران قدیم جمهوری آذربایجان افکاری کاملاً غیرعلمی مطرح می کنند. بدون شک باید گفت که سیر تاریخی آذربایجان از دوران قدیم تاکنون یک دوران ناشناخته را طی کرده است که از نظر قومی و زبانی نمی توان منظره خاصی برای آن ترسیم کرد. البته می توان گفت از نظر میفولوژی بعضی پایه های علمی وجود دارد که مردمان این سرزمین البته اکثریت آنان را ترکهای قبل از تاریخ تشکیل می دادند.

از سالهای ۳۰ قرن بیستم به بعد یک شاخه علمی براساس متدولوژی زبان در شکل گیری تحقیقات زبان شناسی آذربایجان بوجود آمد که پروفیسور عبدالازل دمیرچی زاده از سرآمدان این مرحله می باشد. شاید بتوان گفت که ایشان کسی است که اولین تاریخ زبان ادبی ج آذربایجان را نوشته است. او بنیانگذار علمی تاریخ زبان ادبی آذربایجان می باشد که از سالهای ۳۰ قرن بیستم به بعد مورد تحقیق قرار گرفته است. او همزمان با تحقیقات خود تاریخ زبان آذربایجان را نیز تحقیق کرده و مورد کنکاش قرار داده است. لازم به ذکر است که ایشان نیز اهمیت و مشکلات تحقیقی لازم در این زمینه بیان نمودند.

در اوایل سالهای ۶۰ و اواخر سالهای ۷۰ محققین تاریخ زبان آذربایجانی رو به افزایش است. که در همین زمینه رشته های علمی بوجود آمده و تغییرات اساسی صورت گرفته است. راجع به مسئله های زبانی موضوعات گذشته و آینده زبان، تغییرات، جایگزینی و شکل گیری زبان ترکی آذربایجانی رشته های علمی بوجود آمده است. هر کدام در قالب علمی خود مورد تحقیق قرار گرفته اند. اما

سخت است که بتوان زبان ادبی آذربایجان رو بصورت کل تصور کرد که مورد تفحص قرار گرفته باشد. بنابراین بطور کل نتوانستند یک تاریخ برای این زبان تدوین نمایند. البته از نظر ساختاری و متدولوژی دوره های گوناگون تاریخی این زبان مورد تحقیق قرار گرفت که در دستاوردهای برخی از محققین انسجام و وحدت تاریخی شکل گیری زبان نیز منعکس شده است. برعکس سالهای ۳۰ و ۵۰ قرن بیستم در سالهای ۶۰ و ۹۰ همین قرن زبان ادبی آذربایجان از نظر متدولوژی و ساختار زبانی تحکیم یافته بود. البته تغییراتی نیز در آن بوجود آمده بود که عبارتند از :

مرحله اول (سالهای ۳۰ و ۵۰ قرن ۲۰ یا مرحله ع. دمیرچی زاده)

در این مرحله زبان ترکی آذربایجان در ارتباط عمومی زبانهای ترکی واحد مورد تحقیق قرار نگرفته و بصورت مجزا شده مورد بررسی قرار گرفته است.

مرحله دوم (سالهای ۶۰ و ۹۰ قرن بیستم)

در تحقیق و ساختار شناسی زبان آذربایجان نوعی هیجان و روح ترکولوژی مشاهده می شود. که این هیجان و روح ترکولوژی با خصوصیات زیر خود را نمایان کرده است :

آ) تاریخ زبان ادبی آذربایجان به گذشته ها برمی گردد. یعنی قبل از میلاد. حتی هزاره های قبل از میلاد نژاد ترک در این سرزمینها موجود بوده و به اصرار این موضوع مورد تحقیق قرار می گیرد.

ب) اقوام قدیم که در آذربایجان سکونت داشتند (لولوبیها، قوتیها، مانها، میدیا، آتروپاتن و آلبانها) سعی میکردند که براساس منشا و ژنتیک ترکی بررسی کنند.

ج) در هر فرصتی نژاد و اتنوم ترکی را بکار می بردند و...

تحقیقات و کتابهایی که با این گونه برداشت ترکولوژیستی نگارش شده اند معمولاً از حدود جغرافیای آذربایجان نیز بیرون نمی رفتند. آنان ترکولوژی را فقط در حدود جغرافیای جمهوری آذربایجان جستجو می کردند. این تحقیقات نیز بنوبه خود داده های خوبی را بوجود می آورد. در عین حال تاریخ زبان ادبی آذربایجان که در این مرحله در کتابها نوشته شده معمولاً براساس حس و هیجانات ترکولوژی و از مواد و متریال این علم بهره برداری شده است. که در اواخر سالهای ۶۰ قرن ۲۰ و اوایل سالهای ۷۰ همین قرن در تفکر اجتماعی و فرهنگی آذربایجان نوعی برگشت بخود و بازگشت به تاریخ خودی با تفکر ملی مشاهده می شود.

بنابراین تاریخ ادبی زبان آذربایجان و تاریخ گرامری زبان آذربایجان (بطور کل تاریخ زبان آذربایجانی) و همچنین کارهایی که در این زمینه صورت گرفته است خارج از اشتباهات نیست. با اینکه کارهای بسیار با اهمیت و علمی انجام گرفته است. نمی توان شک کرد که تحقیقات انجام گرفته در این دوره با توجه به تاریخ ادبی و فرهنگی ترکها پیوند ناگسستنی بوجود آمده است. نوعی استقلال کامل فاکتور زبان نیز مشاهده می شود. که براساس همین باورها و تحقیقات شکل حقیقی بخود گرفته و این را نیز می توان مرحله اول تحقیقات متصل به ریشه ترکی به حساب آورد.

در مرحله دیگر فرم و ساختار تاریخی زبان آذربایجانی (زبان ادبی و زبان نوشتاری که بصورت عامه و توسط مردمی این سرزمین به این زبان صحبت می شده و ادبیات شفاهی را بوجود می آورده دیالکت و یا شیوه های طایفه ای این زبان) را در خود جمع کرده است. باشد که بصورت سیستماتیک نبوده است ولی یک تفکر عمومی و تصور قابل درکی را بوجود آورده است. در مرحله سوم بزرگان سخن

بواسطه منابع ادبی نوشتاری و اسلوبهای زبانی با خصوصیتهای فردی آنان مورد تحقیق قرار گرفته است و با توجه به ساختار گراماتیکی آفریده های ادبی آنان در کاتقوری تاریخی خود مورد تحقیق قرار گرفته و در مقایسه با دیگر زبانهای ترکی مورد تفحص علمی قرار گرفته است.

اما از سالهای ۳۰ قرن بیستم تاریخ زبان ادبی آذربایجان تحقیقات مهمی صورت گرفته است. البته از نظر متدولوژی نیز اشکالاتی نیز بر آن وارد است. این اشکالات عبارتند از :

۱- زبان ترکی آذربایجان یکی از شاخه های زبان ترکی است و بطور اسنادی از شاخه های ترکی زبان ترکی است که در اینجا از خصوصیات مهم آن که ترکی بودن است صرف نظر گردیده و بدلیل صرف نظر از ترکی بودن زبان جمهوری آذربایجانی این اشکالات بوجود آمده است :

۱-۱ وقتی که درباره ریشه و اساس زبان آذربایجانی صحبت می کنیم صحبت کردن از یک زبان فقط در محدوده جغرافیایی آذربایجانی درست نیست. آذربایجان در محدوده زبانی جهان ترک قرار گرفته است.

۱-۲ در این دوره بطور کل از تاریخ مشترک عمومی ترکی به دور قرار گرفته اند. در قرون وسطی بخصوص قرنهای ۱۶ و ۱۵ منابع و پیش داده های زبانی این دوره یک طرفه توجه شده است. یعنی وحدت زبانی مورد توجه قرار نگرفته است.

۱-۳ بعد از قرون ۱۶ و ۱۷ نیز جریانهای ادبی در آذربایجان بصورمستمر و کامل مورد تحقیق قرار نگرفته است.

۲- در مراحل تاریخی زبان آذربایجان بجای قوم و زبان یا پروسه اتنو زبانی مورد تحقیق قرار گرفته و حوادث سیاسی اجتماعی، مدنی و ادبی در بیرون مسئله مورد تحقیق قرار گرفته است. از دوران قدیم در آذربایجان منبع و منشا ترویج زبان آذربایجانی معمولاً قوم ترک و آذربایجانی بوده است که از دقت و

جریانهای اسلوبی زبان با وحدت و پیوندی بین هم شرح داده نشده است. و از این حقیقت دوری گزیده شده است... برای اینکه این اشکالات و کمبودها از بین برود و از نظر علمی و متدولوژی بر پایه های علمی یک تاریخ زبان ادبی آذربایجان بوجود بیاید لازم است که تاریخ زبان ادبی آذربایجان را در یک ارتباط قومی و زبانی ترکولوژی مورد بحث و تحقیق قرار داد.

نباید انکار کرد زبانهای مختلف اسلوب و شیوه های نطقی مختلف در یک تحقیق زبانی وحدت عضوی بین اعضا مورد تحقیق قرار می گیرد. برای آنکه یک تحقیق کامل و جامع همراه با مقایسه علمی صورت بگیرد باید تاریخ زبان آذربایجان با توجه به آنچه که بیان گردید مورد بررسی و تحقیق علمی قرار بگیرد. من اعتقاد دارم که این مراحل باید در یک متدولوژی اساسی براساس قواعد تحقیقی و تغییرات اساسی با نگرش ژرف به تاریخ زبان که خود جدا از زبان نیست مورد ارزیابی قرار بگیرد. همگرایی در کل واحدهای زبانی که شکل گیری آن را سبب گردیده اند مورد توجه قرار بگیرد. باید راجع به تاریخ زبان ادبی آذربایجان یک تصور صحیح عمومی و علمی بوجود بیاید. که آن نیز عبارت است از توجه به تمام پروسه های شکل دهنده زبان، تاریخ و وحدت سرزمینی در آذربایجان که هرکدام به نوبه خود در بوجود آمدن فرهنگ آن تأثیر داشته است مورد تحقیق قرار گیرد.

مشخص است که تاریخ زبان آذربایجان (در وهله اول تاریخ زبان ادبی آذربایجان در دوره توسعه ایدئولوژی شوروی شکل گرفته است. که در این دوره زبانهای ترکی و مردمان ترکی را از همدیگر مجزا فرض می کردند و سعی در تجزیه و تجرید اقوام ترکی از همدیگر داشته اند. برای هریک از زبانها و ملت ترک یک زبان مخصوص حتی یک ریشه و نژاد مخصوص متصور می شدند. سعی می کردند که ریشه و منبعی برای این باور غیرعلمی خود پیدا کنند. فلسفه ای ایجاد نمایند که از نظر متدولوژی نیز قابل قبول باشد.

نظر محققین بدور مانده است. در صورتی که در هزاره اول میلاد ترکهای هون قبچاق و در هزاره دوم نیز ترکهای اوغوز (به شکل واحد) و بعد از آن نیز ترکهای مختلف (اساساً اوغوز) بصورت طایفه ای در آذربایجان موجود بوده و ملت جمهوری آذربایجان را شکل داده است. وجود این اقوام در سرزمین آذربایجان یک منظره قومی زبانی ترکی پدیدار کرده است. در عین حال در این پروسه شکل گیری قومی و زبانی اقوام غیر ترک نیز دخیل بوده اند. که در تاریخ موجود درباره آنها صحبت نشده است. و می توان گفت که تحقیقات این دوره یک تصور نادرست در باره اقوام و زبان ارائه داده است. ملت آذربایجان و زبان ترکی آذربایجان جدا از همدیگر مورد بررسی قرار گرفته و تا قرن ۱۹ و ۲۰ این تفکر بصورت جریان قومی ادامه پیدا کرده است (با آمدن اقوام ترکی مثلاً در قرون ۱۳ و ۱۷ بنابر دلائل مختلف که از ترکستان به آذربایجان سرازیر شده اند، در این تحقیقات آنرا دخالت خارجی قلمداد نموده اند. محققین این دوره می خواهند ثابت کنند که پروسه قومی زبانی آذربایجان در بطن کلی خود در ذات جهان ترکی تا قرن ۱۷ بصورت مستمر نبوده است.)

۳- جریانات زبانی (جریانات ترکولوژیستی زبان، در داخل آذربایجان زبان ادبی داخل آذربایجان و یا عبارتی پروسه نوشتاری زبان، زبان عمومی مردم یا عبارتی زبان محاوره ای و جریانات فولکلوریک زبان، دیالکت یا شیوه یا لهجه های طایفه ای زبان و ...) مراحل مختلف توسعه اینها در مراحل اصلی شکل گیری بصورت واحد در نظر گرفته نشده است. بلکه هر حرکت و پروسه زبانی بصورت مجزا مورد تحقیق قرار گرفته است. جریان تاریخی زبان ادبی و جریان تاریخی زبان ادبی نوشتاری و همچنین شیوه های کارکردی تاریخی زبان و حتی می توان گفت که این تحقیقات در حد اسلوبهای بدیعی و تاریخی مورد تحقیق قرار گرفته است. بنابراین تحقیقات انجام گرفته بسیط بوده و حوادث داخلی زبان نطق و

پیوندهای تاریخی کمک خواهد کرد که در شرایط مثبت مورد استفاده قرار گیرد. این موضوع یا تفکر علمی براساس ایدئولوژی استقلال فرهنگی بوجود خواهد آمد. و بطور قاطع می شود گفت که تحقیقات انجام شده بر این پایه مستحکم خواهد گشت که سکویی برای جهش بسوی آینده می شود از آن استفاده کرد. بنظر من پایه و اساس یک تحقیق کامل و مستقل عبارت است از :

۱- تنها شکل گیری تاریخی زبان ترکی آذربایجان نیست که در ارتباط عمومی تاریخ ترکولوژی مورد تحقیق قرار بگیرد یا یک دوره یا مرحله آن بصورت محدود مورد کنکاش قرار بگیرد و یا نه در هر مرحله ای یک حجم خاصی از آن در مقایسه با دیگر داده های زبانی قومی و تاریخی ترکی عمومی مورد تطبیق و مقایسه قرار بگیرد.

۱- باید جریانهای قومی و تاریخ جریانهای قومی در آذربایجان مورد تحقیق و تحلیل قرار بگیرد. باید حوادث زبانی در ارتباط قومی بصورت معین و ریشه ای در ترکیب قومیت کلی و ژنتیکی آذربایجان و همچنین مناطق هم حدود آذربایجان که در یک حرکت خاص تاریخی منظره قومی و زبانی در یک دوره تاریخ و یا در دوره های کلی تاریخ متصور می شود مورد تحقیق قرار گیرد. زبان طوایف ترکی و شیوه های عمومی زبان آذربایجانی و شکل گیری و فرم پذیری آنها که در مرحله تحت سیطره و در مرحله توسعه در مقایسه کیفیتی باید مشخصاً مورد بررسی قرار گرفته و ترکی آذربایجانی خارج از محدوده آذربایجان نیز بصورت اتنولینگویستیک (قومی زبانی) مشخص گردد.

۲- داده های مختلف زبانی از پدیدارهای زبانی طایفه ای و شیوه های گفتاری محلی تا منابع ادبی نوشته شده این زبان و تاریخ ساختاری و ارتباطی آن با تأثیر متقابل در شکل گیری زبان آذربایجان یعنی زبان ترکی آذربایجان که براساس مفهوم ترکی آن و مضمون تاریخیش مورد تفحص قرار بگیرد.

بنابراین آنچه که در بالا قید شد در هیچیک از مراحل تاریخی منبع و منشا زبان ترکی آذربایجانی در خارج از حدود جغرافیایی آن مورد تحقیق قرار نگرفته است. یعنی فرهنگ زبان عمومی ترکی مورد تحقیق به حساب نیامده است. اصلاً وحدت تاریخی ترکی انکار شده است.

بنابراین یک تفکر متضاد بر وضعیت علمی حاکم شده بود. در تحقیق و بررسی تاریخ زبان ادبی آذربایجان ترکولوژی عمومی و واقعی سرزمین آذربایجان در مقابل ترکولوژی عمومی قرار داده شده بود که این مسئله نیز بنوبه خود باعث پدیداری تشدد آرا می گردید. یعنی همه چیز در قالب ترکولوژی شوروی مورد بحث و ارزیابی قرار می گرفت. یعنی یک محقق ترکولوژیست با یک محقق ترکولوژیست دیگر در ناحیه ای دیگر همانقدر بیگانه بود که ترکولوژیست داخل سرزمینی نیز با هم رشته های خود بیگانه بوده است. که هر کدام سعی در اثبات یافته های هزاره اول میلاد و یا هزاره دوم میلاد را می خواستند اثبات کنند. این در حالی بود که ترکولوژی عمومی شوروی به شکل خاص خودش ظهور می کرد. بنابراین مشاهده می شود گفت که در تحقیقات ترکولوژی شوروی دایره دید و گسترش ترکولوژی عمومی آنها از گستره خاصی برخوردار نبوده است. تغییرات و توسعه بعدی زبانهای ترکی یعنی در قرون ۱۵ و ۱۷ اساس منبع تحقیقات آنها قرار گرفته است.

بعد از سقوط ایدئولوژی ترکولوژی شوروی برای از بین بردن این اشکالات و نواقص علمی و تحقیقی راجع به زبانهای ترکی شرایط مثبت بوجود آمده است. اما بدون شک باید ایدئولوژی مانع شونده از بین برود. و وقتی این موانع از بین رفت شرایط تحقیقاتی لازم بوجود خواهد آمد و آن موقع می شود نتیجه گرفت که شرایط تحقیق و بررسی عمومی و با نتیجه کامل براساس داده های علمی تاریخ زبان آذربایجانی که خود در وهله اول برای حل موضوع براساس

Xudafərin



Türkçə - Farsca

NOYABR (KASIM) 2020 – İL18- SAY 188-(ƏLMI-ƏDƏBİ-KÜLTÜRƏL DƏRĞİ)

WWW.KHUDAFARIN.IR

...

